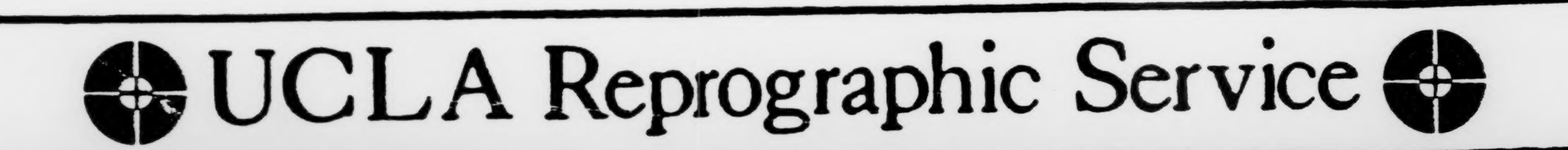
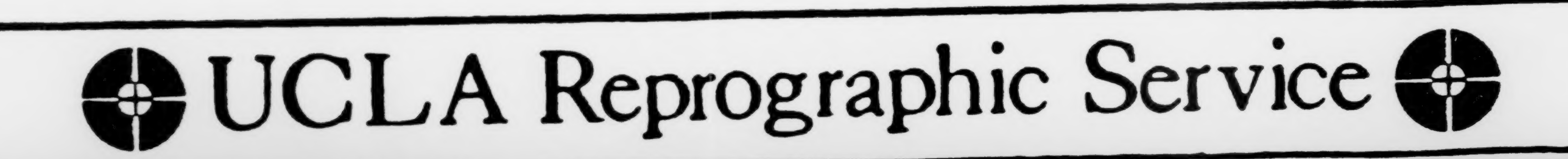


START



REEL 106



National Preservation Program for Biomedical Literature:

Preservation of Persian and Arabic Medical Manuscripts

Funded in part by the
National Library of Medicine
and the
University of California at Los Angeles

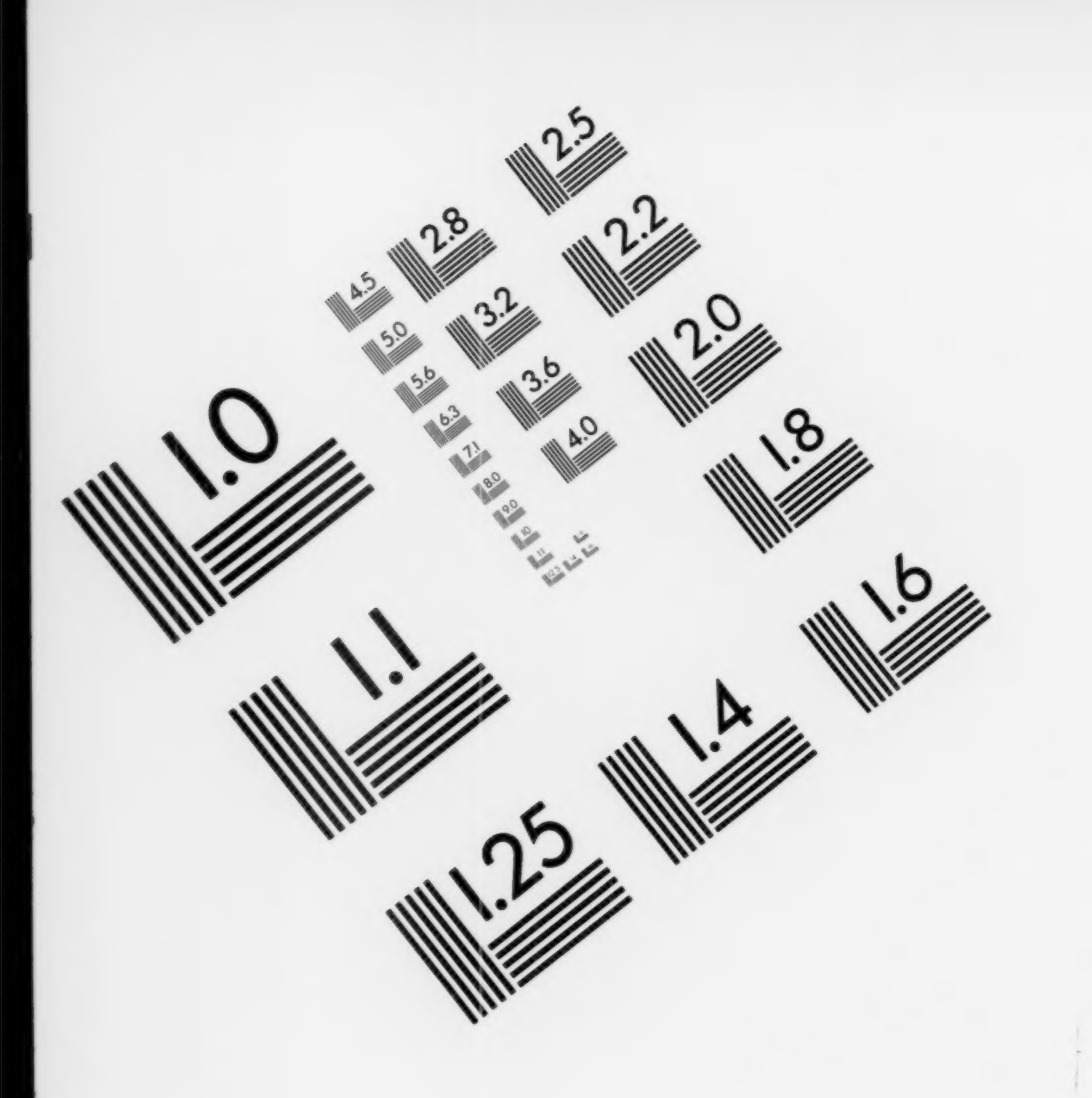
(Contract Number N01-LM-9-3534)

October 1989 - September 1990

The material on this microfilm
is of varying quality. Portions
of the material may illegible due to:

Aged paper
Foxed, stained, or insect
  damaged paper
Water damaged paper
Glossy paper
Illegible script or faded ink

Red and purple within the
manuscripts may appear paler.

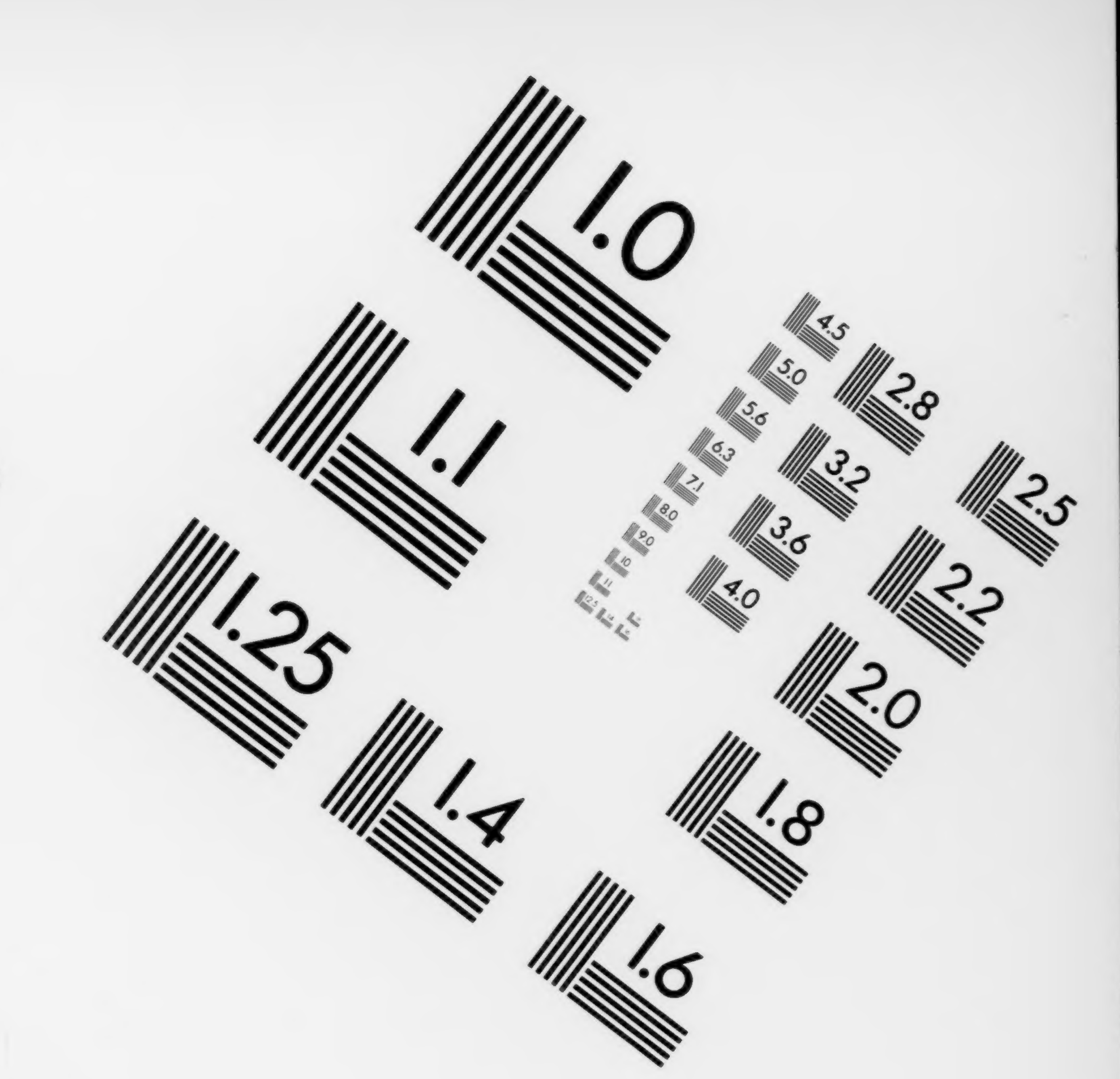



AIIM

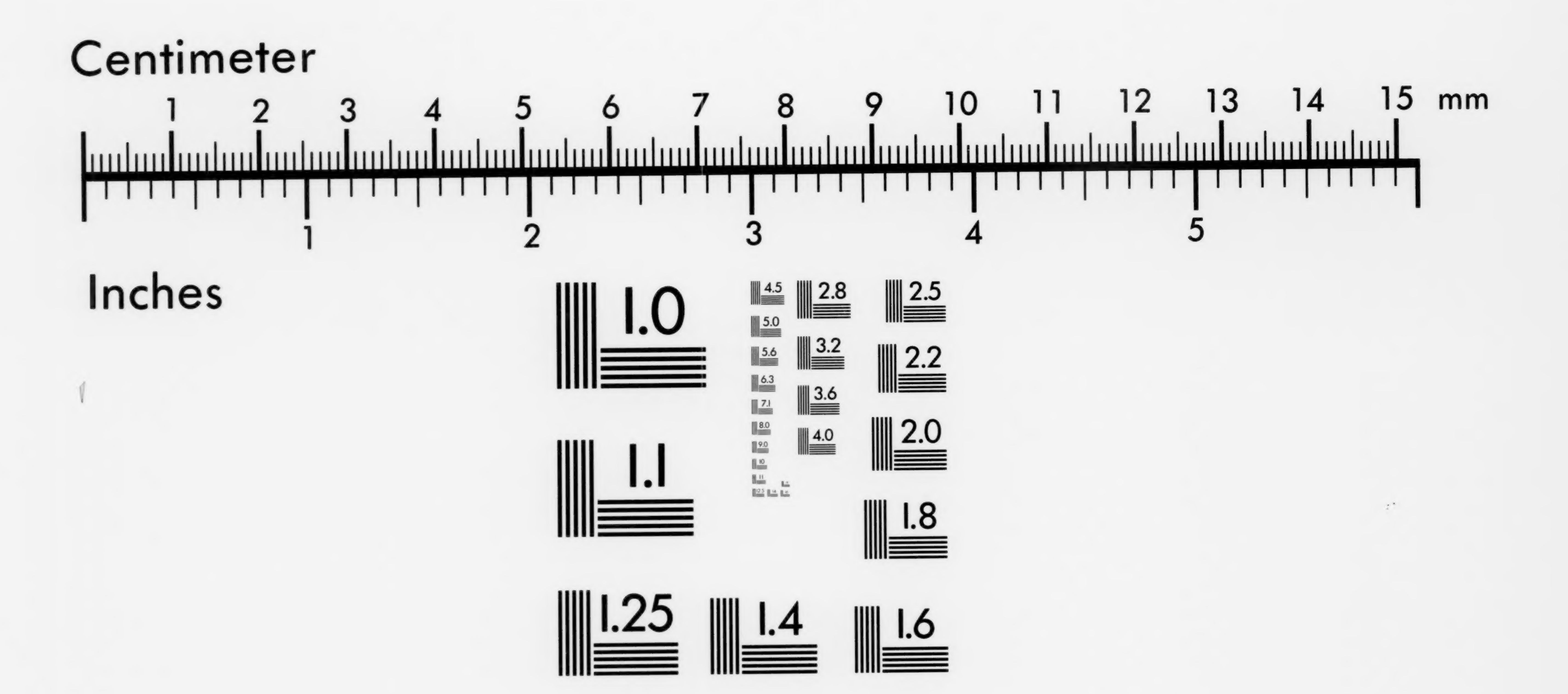
Association for Information and Image Management

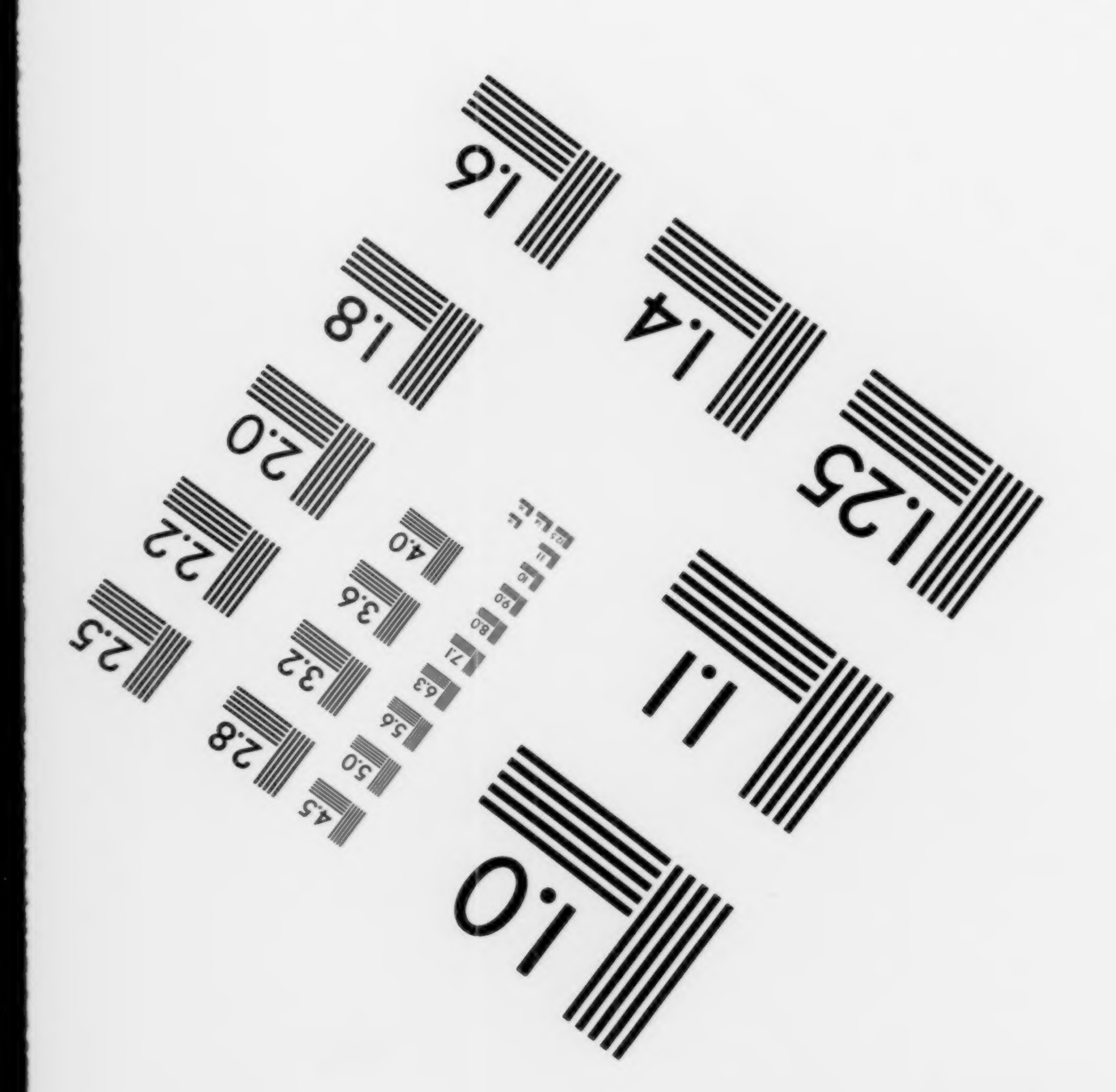
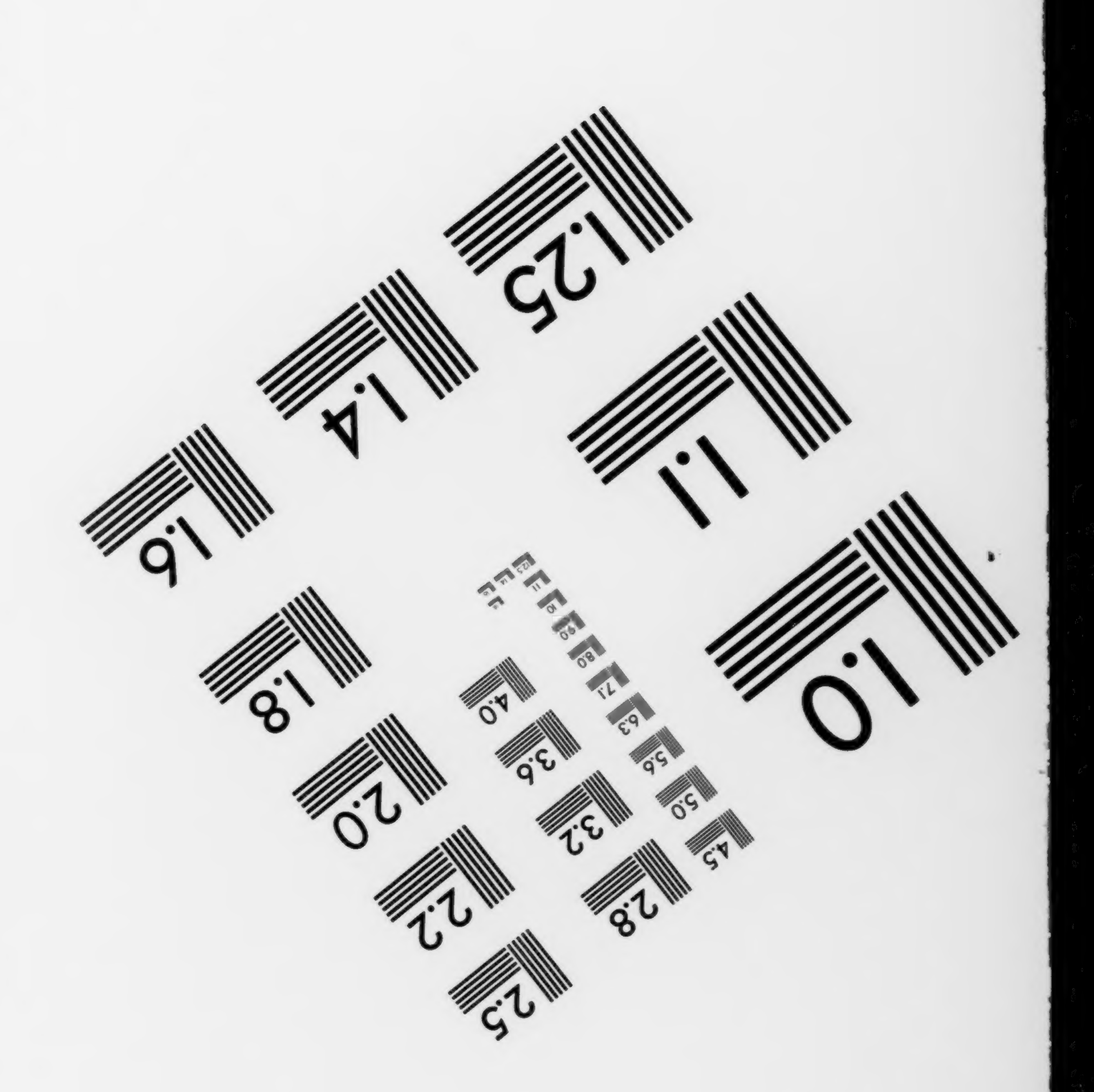
1100 Wayne Avenue, Suite 1100
Silver Spring, Maryland 20910

301/587-8202



MS303-1980



MANUFACTURED TO AIIM STANDARDS
BY APPLIED IMAGE, INC.

Persian Medical Manuscript Collection

(Shelved as Ms Collection 60)

History and Special Collections Division
Louise M. Darling Biomedical Library
University of California, Los Angeles
Los Angeles, CA 90024-1798
U.S.A.

Persian medical manuscripts. -- ca. 1100-ca. 1900.
150 v. ; 15 x 8-38 x 24 cm.
Entire collection microfilmed as part of a National Library of Medicine preservation project: the preservation master negative is at NLM; the printing master negative is at the University of California's Southern Regional Library Facility; a positive copy is housed in the UCLA Biomedical Library's History Division.
Formerly a part of: Near Eastern manuscript collection, Dept. of Special Collections, University Library, University of Califonia, Los Angeles, and assigned accession no. 1117. Transferred to the History Division of the UCLA Biomedical Library in

 SEE NEXT CRD

Persian medical manuscripts. ... ca. 1100-ca. 1900. (Card 2)
March, 1986.
Finding aids: Annotated and indexed list available in library: Richter-Bernburg, Lutz, Persian medical manuscripts at the University of California, Los Angeles : a descriptive catalogue (Malibu : Undena Publications, 1978)
1. Medicine, Arabic. 2. Manuscripts, Medical. I. University of California, Los Angeles. Louise M. Darling Biomedical Library. History and Special Collections Division. II. Series: Near Eastern manuscript collection ; no. 1117.

Persian Medical Manuscript Collection

Ms. 108

(Richter-Bernburg No. 91)

Author: Moẓaffar b. Moḥammad al-Ḥosainī "Shefāʾī"

Title: [Qarābāẕīn]

130 fols., 230 x 160 mm

کتاب حکمت اکبر

بسم الله الرحمن الرحیم و بتمم بالخیر

الحمد لله الحکیم العلیم والصلاة والسلام علی من اوتی الحکمة والکتاب
الکریم وهو یشفی بلطفه المستقیم وانه لعلی خلق عظیم وآله الهادین الی
صراط مستقیم و بعد پوشیده نماند که فقیر حقیر مظفر بن محمد الحسینی الشفائی
در مدت مدید بر کیفیتی چند که در معالجات امراض از آن گزیر نبود جمع کرده بود
خواست که در سلک ترکیب در آورد و بعضی از مرکبات مناسبه در هر باب
از کتب موثوقه معمول علیه حکماء متقدمین و متأخرین و منتخبه مترجم کرد
تا کتابی جامع و مستغنی از سایر قرابادینات باشد و بترتیب تهجی
مرتب ساخت مامول از کرم کرام آنکه چون بر قلم شفقت بر سهو اطلاع یابند
اصلاح فرمایند و این کمینه را مع قلت البضاعة والاعتراف ... ابجدا
بجابت عجب نفرمایند والله ولی الهدایة والتوفیق من عنده الاعانة

باب الالف

باب الالف انوشدارو اعضای رئیسه را قوت دهد و خفقان و فزع
را نافع باشد و فرح آورد و لون را نیکو گرداند و بوی دهن و عرق خوش
گرداند و اشتهای طعام آورد پیش از طعام و بعد از طعام توان خورد
صفت آن گل سرخ شش درم سعد کوفی نیم درم قرنفل مصطکی اسارون
سنبل الطیب از هر یک سه درم قاقله کبار و قاقله صغار زرنباد
جوز بوا قرفه زعفران از هر یک دو درم آمله مقشر یک رطل قند و عسل ...
صد و هشتاد مثقال آمله را بشیر ضیانند یک شبانروز بگذارند و بعد
بشویند و در نه رطل آب بجوشانند تا مهرا شود و از پارچه بیرون کنند و با قند
عسل صاف بقوام آرند ادویه کوفته و بیخته را با آن بسرشند ایضا انوشدارو
لولوئی تقویت قلب کند و معده و دماغ را قوت دهد صفت آن مروارید
ناسفته ... سعد کوفی اذخر از هر یک دو مثقال عود خام سه مثقال نیم
طباشیر ... سنبل الطیب گل ارمنی ابریشم مقرض از هر یک سه مثقال عنبر
اشهب نیم مثقال زعفران دو مثقال شیر آمله سی مثقال عسل قند سه وزن
ادویه ترکیب سازند اسطوخودوس صغیر نافعست جهت تسکین وجع بطن و حمی مختلفه
تب ربع و قولنج و وجع رحم و برودت بدن صفت آن افیون مصری

چهار درم اقاقیا فلفل از هر یک ده درم عاقرقرحا سه درم حاما بیست درم
سلیخه چهار درم زعفران سه درم کوکرد زرد ده درم فرفیون سه درم
سنبل الطیب ده درم عسل صاف بقدر احتیاج ادویه را کوفته بیخته چنانچه رسم
است بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال الفرد یا که نافعست از جهت قولنج
فالج و استرخا ولقوه و دماغ را از خلط ردیه پاک سازند و ذهن را تیز کند
و عقل را زیاده کند صفت آن سنبل سلیخه ساذج هندی مورد زعفران
درونج [illegible] افتیمون نقاع اذخر ریوند چینی حب بلسان قرنفل از هر یک
درم حب البان مقشر زنجبیل از هر یک ده درم مصطکی عسل بلادر فوفل
از هر یک سه درم عاقرقرحا غاریقون صبر سقوطری ده درم ابرسا بیست درم پوست
بیخ رازیانه سه درم سرکه کهنه سه رطل پوست [illegible] رازیانه سه شبان روز
در سرکه بخیسانند پس بجوشانند و بعد از سه چهار جوش از آتش فرو گیرند
و آن سرکه را صاف کرده در دیگ ریزند و با سه رطل نیم عسل با آتش نرم بجوشانند
تا بقوام آید و ادویه را کوفته بیخته با آن ممزوج سازند و بعد از آن شش ماه بگذارند
و استعمال نمایند شربتی یکدرم با آب نیم گرم نقادل (?) نمایند الفرد یا کثیر فالج
ولقوه و صرع و نسیان و جمیع امراض بلغمی را نافع بنزد (?) و باه ضعف را [illegible]

و باه را

و باه را نیز باده کند صفت آن عاقرقرحا و لوبخیز (?) قسط فلفل وج از هر یکی ده
درم سداب جنطیانا حلتیت زراوند مدحرج حب الغار [illegible]
هندی خردل از هر یک پنج درم عسل بلادر چهار درم و نیم و ادویه را کوفته و بیخته
بر روغن گردکان چرب کنند بلادر سه وزن ادویه عسل صاف بسرشند بعد از شش ماه
استعمال نمایند شربتی یکمثقال الفرد یا صغیر منافع این قریب بمنافع کبیر
صفت آن هلیله سیاه پوست بلیله آمله مقشر از هر یک ده درم سعد کوفته
سنبل الطیب کنند روج (?) فلفل زنجبیل عسل بلادر از هر یک پنج درم ادویه را
کوفته و بیخته بر روغن گردکان چرب کنند و با عسل [illegible] ادویه عسل
صافی بسرشند و بعد از شش ماه استعمال کنند الفرد یا دیگر [illegible] را نافع هم
و سیاهی موی را محافظت کند صفت آن هلیله سیاه پوست بلیله آمله مقشر از هر یک
[illegible] شش درم شونیز [illegible] چهار درم طباشیر سعد کوفی [illegible] شش درم
[illegible] هفت درم فلفل دارفلفل زنجبیل فلفلمویه انیسون از هر یک دوازده درم
فانیذ شش درم فانیذ را در آب گرم بگدازند و ادویه را کوفته و بیخته و عسل و بلادر
[illegible] محفوظ کنند و بعد از شش ماه استعمال نمایند الفرد یا دیگر مصروع [illegible]
نافع [illegible] صفت آن پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله مقشر کشنیز خشک اسطوخودوس

از هر یک نیم درم جند بیدستر یک درم عود صلیب زنجبیل صعتر عسل بلادر از
هر یک سه درم عسل صاف سه وزن ادویه بطریق معهود معجون سازند
ادویه سیاه جگر و سپرز را سود دارد و سده بگشاید و سنگ از گرده و مثانه پاک
کند و در ابتدای استسقا نافع بود صفت آن زیره کرمانی درونج عود بلسان
سلیخه فو دار فلفل اذخر تخم کرفس از هر یک درم قسط فلفل دار فلفل از
هر یک نیم درم مرصاف سه درم حب الغار ده عدد درج زعفران از هر یک دو
درم کوفته و بیخته با عسل صاف بسرشند و شربتی مقابل یک فندق در آب
گرم نافع بود [illegible] کبد و طحال و معده و اسهال بلغمی و سعال
مزمن و نفث الدم و حذر و وجع کلیه و مثانه و بواسیر را نافع بود و بادها بشکند
و دردهای متعبه را تسکین دهد صفت آن مرافیون زعفران جند بیدستر [illegible]
قسط فو دار خشخاش غافث شاخ [illegible] بر [illegible] جگر گرگ خشک کرده
مجموع مساوی الجمله کوفته بیخته بکوبند و الجمله کداخته بیت در شراب [illegible]
و با عسل معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی نیم مثقال تا یک
درم آب سیب [illegible] منافع آن قریب بمنافع [illegible] است
صفت آن میعه زعفران قسط سنبل افیون سلیخه از هر یک چهار درم

عصاره

عصاره غافث [illegible] درم اصل السوس ده درم کوفته و بیخته با
عسل معجون سازند شربتی مقدار یک فندق در نسخه دیگر عود بلسان و
مر از هر یک چهار درم اضافه نموده اند نافع باد اطریفل کشنیزی بواسیر را
نافع باشد و لون را نیکو گرداند و باه را زیاده کند و معده و امعا و مثانه را قوت
دهد و طعام را هضم کند صفت آن هلیله سیاه پوست هلیله کابلی اگر مقشر فلفل
دار فلفل از هر یک سه درم زنجبیل بسباسه بوزیدان شطرج هندی شقاقل تودری
زرد و لسان العصافیر مغز حب الفلفل کنجد مقشر خشخاش سفید بهمن سرخ
و سفید از هر یک ده درم کوفته و بیخته در روغن بادام با روغن گاو چرب
کنند و با عسل [illegible] استعمال نمایند اطریفل صغیر معده و بواسیر
و استرخا را نافع باشد و ذهن را نیکو کند و لون را صافی کند صفت آن پوست
هلیله کابلی پوست هلیله زرد هلیله سیاه آمله مقشر مساوی کوفته و بیخته بروغن
بادام چرب کنند و با سه مقدار عسل بسرشند شربتی [illegible] درم اطریفل کشنیزی
معده را قوت دهد و دوار و سدر [illegible] سبب بخار باشد
نافع بود صفت آن پوست هلیله کابلی هلیله سیاه و پوست آمله مقشر کشنیز
خشک مساوی کوفته و بیخته بروغن گاو چرب کنند و سه مقدار عسل بسرشند

شربتی دو درم بعد از دو ماه استعمال نمایند اطریفل مقل جهت بواسیر عظیم نافعست
صفت آن پوست هلیله زرد آمله منقا پوست بلیله از هر یک ده درم مقل یمانی ده درم
مقل را در آب کنند تا بگدازد و شصت مثقال عسل اضافه کنند و بجوشانند تا
بقوام آید و داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند اطریفل مقل بطن طبع
را نرم کند و بواسیر را نافع باشد صفت آن پوست هلیله کابلی آمله هلیله
سیاه افتیمون اسطوخودوس بسفایج از هر یک ده درم مقل فلوس خیار
شنبر از هر یک سی درم مقل فلوس خیار شنبر را آب کنند و با عسل بقوام
آرند داروها کوفته و بیخته بروغن بادام چرب کرده معجون سازند اطریفل
[illegible] کرمهای بزرگ و کوچک و حب القرع را بکشد صفت آن برنج
کابلی ده درم تربد سفید حب الفیل سقمونیا از هر یک پنج درم قنبیل ترمس
افسنتین درمنه ترکی افتیمون بطلی خردل شحم حنظل سعد کوفی راسن از
هر یک سه درم کوفته و بیخته با دو مقدار عسل بسرشند شربتی دو مثقال
تا چهار مثقال بحسب مزاج نافع باشد اطریفل مقل نوعی دیگر پوست هلیله
زرد و هلیله کابلی هلیله سیاه آمله منقا از هر یک پنج درم تربد سفید هفت درم
مصطکی سه درم مقل ازرق روغن بادام از هر یک بیست درم عسل [illegible]

مقل بالاب

مقل را آب کنند بقدر حاجت تا حل سازند داروها را کوفته و بیخته بروغن
بادام چرب کرده و با عسل بقوام آورده معجون سازند شربتی هر شب دو مثقال
تناول نمایند اطریفل الینجوی بیماریها سوداوی را عظیم نافع بود و سیاهی موی را
نگاه دارد و زود سفید نشود صفت آن پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد آمله از هر یک
ده درم سنای مکی تربد سفید افتیمون از هر یک پنج درم شطرج سه درم بسفایج
فستق یک درم انیسون نمک هندی از هر یک ده درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی
یک مثقال تا چهار درم توان خورد اطریفل عودی خناق و خنازیر را سود دارد صفت آن
هلیله سیاه پانزده درم بلیله آمله تربد سفید عود که در گردن کوفته باشد خشک
کرده از هر یک پنج درم بسفایج فستق اسطوخودوس سنای مکی از هر یک هفت درم
شطرج زرنباد غاریقون نوشادر از هر یک سه درم انیسون مصطکی حب بوا سنبل
از هر یک دو درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی پنج درم توان داد اطریفل
[illegible] بهق سپید و برص را سود دارد و سیاهی موی را نگاه دارد و امراض
بلغمی را نافع بود صفت آن پوست هلیله کابلی بیست درم بلیله آمله مقشر از هر یک
دو درم برنج کابلی مقشر پانزده درم شطرج هندی سعد کوفی زنجبیل از هر یک
سه مثقال سادج پنج درم بسفایج اسطوخودوس از هر یک هفت درم

غاریقون شش درم قسط سه درم مصطکی انیسون قرنفل خربوا جوزبوا از هر یک
دو درم فلفل دار فلفل مارمشک از هر یک چهار درم کوفته و بیخته بعسل کف گرفته سرشند
شربتی از سه درم تا چهار درم تناول کند اطریفل وکثر عرق بیتی ر(ا) نفع دارد و
اگر ده روز پیاپی استعمال نماید ماده این علت را پاک کند صفت آن پوست
هلیله کابلی پوست بلیله واملج مقشر بزر سعد زنجبیل قنبیل مساوی کوفته بیخته
بروغن بادام چرب کند و با عسل سرشند شربتی سه درم ایارج فیقرا
اعصاب عذارا پاک کند و فضول از دماغ فرود آورد و گرانی گوش و زبان و
استرخای مثانه و معده و سایر اعضا و اوجاع مفاصل و قولنج را نافع باشد
صفت آن سنبل دارچینی عود بلسان حب بلسان سلیخه مصطکی اسارون
زعفران ورق گل مقل ازرق از هر یک دو درم صبر سقوطری دو وزن
ادویه شربتی دو درم بعسل و آب گرم ایارج لوغاذیا صرع و مالیخولیا و
فالج و سکته و رعشه و لقوه و تشنج و جذام و داء الفیل و برص و بهق و قوبا و سعفه و
صداع شقیقه و دوار و صمم و شهوت طلبی و عسر النفس و درد گرده و مثانه و نقرس
و مفاصل و عرق النسا و درد گوش و داء الثعلب و داء الحیه و ریشهای کهنه
را نافع باشد و بهق بگشاید و ابن مسیلی مبارک گفت و اسهال اولی رحمت

باشد مولف

باشد صفت آن تخم حنظل پنج درم بیاز عنصل شوی غاریقون سقمونیا خربق
سیاه اشق اسقولوقندریون از هر یک چهار درم و نیم افتیمون کمادریوس مقل
از هر یک سه درم حاشا ماهو فاریقون ساذج هندی فراسیون جعده سلیخه فلفل
سفید جاوشیر صاق مرحند بید ستر فطراسالیون زراوند طویل عصاره افسنتین
فرفیون سنبل حماما زنجبیل از هر یک دو درم حنظیانا اسطوخودوس از هر یک
درم نیم کوفته و بیخته بعسل سرشند شربتی چهار درم مثقال با آب و عسل بعد از
ششماه استعمال نماید ایارج لوغاذیا ... منافع هر دو قریب
بیکدیگر است صفت آن تخم حنظل سقمونیا صبر از هر یک پانزده درم بعسل الغار
هشت درم افتیمون غاریقون خربق سیاه از هر یک ده درم حاشا دو درم
فراسیون بسفایج سلیخه از هر یک هفت درم فلفل سیاه دار فلفل سنبل
زعفران دارچینی و فطراسالیون از هر یک چهار درم جاوشیر سکبینج عصا و
افسنتین اسطوخودوس کمادریوس اسقولوقندریون از هر یک پنج درم زنجبیل
جعده بید ستر زراوند طویل حنطیانای رومی از هر یک سه درم کوفته و بیخته بعسل
بعد از ششماه استعمال نماید شربتی چهار درم با یک درم نمک طعام
توت ایارج روفس نخستین مسهلی معروف ایارج روفس و بزرگوار

دیگر ایارجات و مسهلات ساخته شده و ایارج نام نهادند فایده آن آنست
که جمیع امراض بلغمی و سوداوی خصوصاً داء الثعلب و جذام را نافع باشد
و سودا را نافع باشد صفت آن تخم حنظل بیست مثقال کمادریوس ده
مثقال غاریقون ده مثقال سکبینج جاوشیر از هر یک هشت مثقال فطراسالیون
فلفل سفید و سیاه زراوند مدحرج از هر یک چهار مثقال سلیخه اسطوخودوس
از هر یک هشت مثقال جمعها را بشراب حل کنند و با عسل معجون ساخته شربتی چهار
درم مثقال با طبیخ افتیمون بنوشد نافع باشد نوع دیگر از نسخه شابور بن
سهل سقمونیا حنظل درم سکبینج هشت درم جاوشیر هشت درم زراوند مد
حرج پنج درم فلفل سفید پنج درم فطراسالیون پنج درم سنبل دو درم سلیخه
دو درم دارچینی دو درم زعفران دو درم زنجبیل دو درم جعده دو درم مرمکی
دو درم در دیگر نسخه ها طرافنطوس غاریقون فراسیون از هر یک ده درم
اضافه شده جمعها را با شراب [illegible] بسرشند و با عسل بیامیزند و شربتی چهار
درم با یک درم نمک طعام و طبیخ افتیمون بدهند ایارج جالینوس
نفع این ایارج غار [illegible] بیشترست لقوه و فالج و تشنج و استرخای مثانه
و امراض بلغمی و سوداوی را نافع باشد و سلس البول را باز دارد

البول و حرقة البول و قروح کلیه و مثانه و عسر البول را نافع باشد
صفت آن مغز تخم خربزه ده درم مغز تخم خیار پنج درم مغز تخم
کدو بزر البنج تخم کرفس تخم خطمی مغز بادام مقشر کثیرا النشاسته
رب السوس خشخاش سفید گل ارمنی تخم کرفس از هر یک دو درم
بکوبند و بنادق سازند شربتی سه درم با شراب خشخاش بخورند بنادق
که [illegible] ذرب و اسهال معدی را نافع بود صفت آن [illegible]
یک درم کندر گلنار از هر یک پنج درم افیون چهار درم حب الآس
ده درم کوفته و بیخته بنادق سازند بنادق دیگر [illegible] قروح
[illegible] را تسکین کند صفت آن جند بیدستر تخم کاهو تخم کرفس افیون
مساوی کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا سرشته بنادق سازند [illegible] دو
دانگ [illegible] از تراکیب حکماء هندست از جهت جذام عظیم
نفع است صفت آن هلیله سیاه شیطرج هندی از هر یک ده درم دارا
فلفل پنج درم [illegible] سفید سه درم بهم کوفته و بیخته بروغن گاو چرب کنند
و بعسل معجون سازند شربتی یک مثقال [illegible] این ترکیب [illegible]
و جهان خاصیت دارد صفت آن هلیله بلیله آمله شیطرج از هر یک چهار درم

جوز بوا خیربوا قشور کبد رمونو د از فلفل دار مشک کندش عصاره
اسقیل ساذج از هر یک هشت مثقال هیش چهار مثقال کوفته و بیخته
نمایند معجون سازند شربتی یک مثقال برود حصرم جرب و بیاز و دمعه
و ششلاق و ظفره را نافع باشد صفت آن توتیای کرمانی مغسول ده
درم پوست هلیله زرد زنجبیل زرد چوبه از هر یک پنجدرم دار فلفل ما
میران چینی از هر یک سه درم نمک هندی یکدرم کوفته و بیخته بیست
روز در آب غوره بپرورند و بعد از آن در سایه خشک کنند و دیگر باره
کوفته و بیخته استعمال نمایند برود حصرم دیگر برود بنفشه جرب را نافع
باشد صفت آن بنفشه کشنیز خشک بریان کرده صمغ عربی کتیرا از
هر یک یکدرم نشاسته سه درم کوفته و بیخته پنج نوبت در سرکه به
پرورند و خشک کنند دیگر باره بسایند و تحت حریر بیخته استعمال نمایند
برود وردی حرقه و موسرخ را نافع باشد صفت آن سفید
اب ارزیز پانزده درم اقلیمیا ده درم صمغ عربی هفت درم و نیم
ساذج مغسول روی سوخته نشاسته افیون از هر یک دو درم صلایه
کرده استعمال نمایند برود دمعه استخوان هلیله کابلی سوخته سه درم نمک

اندرانی

اندرانی مازو از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته تحت حریر استعمال نمایند
برود باسی قوة باصره بیفزاید و محافظت چشم کند صفت آن
توتیا مارقشیشا اقلیمیا النقره از هر یک پنجدرم سنبل ساذج زعفران
از هر یک یکدرم مروارید ناسفته دو درم کافور دو دانگ صلایه کرده
استعمال نمایند برود احمر چشم را خشک گرداند و شورش باز دارد
صفت آن شادنج مغسول ده درم روی سوخته پنجدرم مروارید
ناسفته یکمثقال و دو دانگ نبات یکدرم صلایه کرده استعمال نمایند
برود اسود دمعه باز دارد و بیاض ببرد صفت آن سرمه توتیا و
مغسول از هر یک دوازده درم مروارید ناسفته دو درم ساذج هندی
یکدرم زعفران نیم درم مارقشیشا هفت درم مشک کافور از هر یک
دانگ صلایه کرده استعمال نمایند باسلیقون کبیر تاریکی چشم ابتداء
آب و دمعه و جرب و سبل و ظفره و استناق را نافع باشد صفت
آن کف دریا اقلیمیا نقره از هر یک ده درم نمک اندرانی ساذج هندی
فلفل دار فلفل سنبل الطیب سرمه اصفهانی از هر یک دو درم سفیداب
ارزیز ده درم نمک هندی قرنفل دو اله از هر یک یکدرم صبر سقوطری

عصاره مامیثا مس سوخته از هر یک یکدرم مامیران چینی مر نوشادر زرد چوبه
از هر یک نیم درم پوست هلیله زرد چهار درم کوفته و بیخته بپارچه حریر
بگذارند و استعمال کنند یا سلیقون کبیر صغیر منافع آن قریب بمنافع
کبیر است صفت آن اقلیمیا و نقره یکدرم جبنه سوخته دو درم و نیم سفید
آب ارزیز نمک اندرانی نوشادر جعده ملفل دار فلفل از هر یک نیم درم
کوفته و بیخته بجز براستعمال نمایند قیقیسی تاریکی چشم و دمعه و جرب و حکه
را نافع بود صفت آن شادنج مغسول دو درم دم الاخوین دانگی و نیم
سوخته دار فلفل سنبل الطیب از هر یک نیم درم ساذج هندی دو دانگ
قاقله و مشک از هر یک دانگ کافور نیم دانگ کوفته و بیخته استعمال
نمایند بسلوی رمد را نافع باشد و چون بآب بشانند و روغن بادام کنند و چشم
رحم فو در روز باصلاح آرد صفت آن شیاف مامیثا انزروت از هر یک
هشت درم کتیرا یکدرم زعفران دو درم افیون نیم درم کوفته و بیخته
با آب باران سرشته در وقت حاجت بسفیده و تخم مرغ حل کنند و
استعمال نمایند بخوری که زکام نزله را نافع بود صفت آن کندر و میعه
لبنی مر قسط سندروس مساوی کوفته و بیخته کلولها سازند و بر آتش
اندازند

اندازند و بخار آن بکشند بخوری که نزله و زکام حار را نافع باشد صفت آن
سبوس گندم آرد جو و آرد باقلا صندل سفید گل سرخ بنفشه گل گاوزبان
از هر یک نیم درم کافور دانگی کوفته و در سرکه خیسانند و خشک کرده دیگر باره
کوفته و بیخته با گلاب سرشته حب سازند در وقت حاجت بر آتش نهند
و بخار آن بدارند بخوری که مقوی دماغ و ذهن و دماغ و خفقان و نفس و ضعف
حواس را نافع بود صفت آن میعه سائله عود هندی قسط شیرین صندل
سفید از هر یک نیم درم مشک کافور از هر یک نیم درم کوفته و بیخته بگلاب
کلولها سازند و بخور کنند بخوری بر البستن معین باشد صفت آن میعه سائله
مازریون حب الغار مساوی کوفته و بیخته بعسل سرشته و بعد از طهر سه روز
متوالی هر روز یکدرم از آن بخور کنند و بعد از آن مباشرت نمایند بخوری که
جنین بیرون آرد صفت آن سداب خشک کوفته و بیخته با موم گداخته
و پشم خرگوش سرشته و بخور کنند بخوری که مشیمه و بچه مرده بیرون آرد
صفت آن مر جند بیدستر و شیر گوگرد مساوی کوفته و بیخته بزهره گاو سرشته
و کلولها سازند و در زیر برطغان سوراخ کرده بر دود کنند و قرح زا بر آن سوراخ
بنهند بخوری که وجع برد و سستی جگر و معده و درد طحال و منافع دو قولنج و العوه در مسلین

وجع کلیه را نافع باشد و لون را صافی گرداند و بوی دهن خوش کند
و معده و باه را قوت دهد و حفظ زیاده کند و بول براند و بادها بشکند
صفت آن آب انگور رسیده صد من گوشت بره نقلی فربه پخته بیست
من عود خام ده درم جوز بوا زعفران مصطکی خولنجان از هر یک پنج درم
سلیخه یکدرم اذخر بوا کیابه حب زرنباد قرنفل سعد کوفی بسباسه از هر یک
سه درم دارچینی سنبل الطیب عاقرقرحا از هر یک یکدرم عسل دو رطل
گوشت را در آب انگور بجوشانند تا مهرا شود و ادویه نیم کوفته در کیسه کنند
و سر کیسه را محکم ببندند و در آن دیگ اندازند و هر لحظه دست مالند
و یک رطل گلاب اضافه نمایند و صاف سازند و در خم ریزند و بعد از
شش ماه استعمال نمایند و اگر خواهند مرغ و کبوتر بچه پخته و امثال آن اضافه
نمایند و اگر گوشت گوسفند جزی کم کنند باب التاء تریاق فاروق و
انرا تریاق کبیر نیز گویند مضرت گزیدن افعی و عقرب و رتیلا و سگ دیوانه
و همه جانوران زهردار را نافع بود و دافع مضرت همه زهرهای کشنده است
و جذام و فالج و صرع و سکته و لقوه و رعشه و مالیخولیا و ضیق النفس و خناق
سوداوی و بلغمی و استسقا و یرقان و سددی و دوار و صداع و قولنج بلغمی و

و درد گرده و مثانه بریزاند و سده جگر و سپرز بگشاید و حیض براند و بواسیر
و بادهای غلیظ که در احشا بود دفع کند و ورم صلب جگر و ورم سپرز را
تحلیل دهد و سیفیه را مانند دارد و حب القرع را دفع کند و شهوت کلبی
و نافض و حمیات بلغمی و سوداوی و جمیع امراض سوداوی و بلغمی را
نافع باشد و حرارت غریزی برافروزد و روح را قوت و بدن را
برانگیزاند اما مقدار شربت تریاق کبیر و مرضی آنست که در سرفه کهنه و درد
سینه و پهلو که سبب آن باد غلیظ یا بلغم باشد مقدار یک ترمس با ماء العسل
دهند و از جهت گزیدن مار و عقرب و سگ دیوانه و رتیلا یکمثقال در
شراب دهند و زنبور گزیده را در سرکه حل کرده بر موضع مالند و از جهت
دفع ادویه سمیه مثل افیون و شوکران و فرفیون و بزر البنج و امثال اینها
در شراب دهند و در یرقان سددی یک ترمس با مطبوخ اسارون دهند
و در استسقا یکفندق با سرکه ممزوج دهند و از جهت فالج و لقوه و رعشه در ماء
الاصول دهند و از جهت جذام در ماء الجبن دهند جذام و دفع حب القرع
را در مطبوخ افتیمون دهند و در نافض و در حمیات بلغمی و سوداوی یک ترمس
با آب گرم یا شراب دهند و در قولنج و نفخ معده و مغص ریحی و سقوط شهوت

وریبو وانقطاع صوت وبرص یک ترمس با ماء العسل با شراب دهند
ودر ضیق النفس با سکنجبین عنصل ودر صراع وصداع وشقیقه یک ترمس
در لب کرم دهند وخداوند هیضه را دو دانگ بشراب سیب دهند
واز جهت احتباس طمث واخراج جنین میت در طبیخ اهل با مشک
طرامشیع با سداب دهند ودر جمیع امراض اندک اندک یک ملیوح و
بسیار بران یکمثقال باشد صفت آن اقراص عنصل چهل و هشت مثقال
اقراص افعی اقراص اندروخورون فلفل سیاه افیون دارچینی از هر یک
بیست و چهار مثقال ورق گل سرخ تخم شلغم بری سقوم بری ابرسا غاریقون
رب السوس روغن بلسان از هر یک دوازده مثقال مرمکی زعفران
زنجبیل ریوند چینی قنطافلین فودنج فراسیون قطراساليون قسط فلفل
سفید اسطوخودوس دارفلفل مشک طرامشیع کندر تفاح اذخر صمغ
البطم سلیخه سنبل جعده از هر یک شش مثقال لبنی تخم کرفس سالیوس
حرف کما دریوس کمافیطوس ناخواه عصاره لحیة التیس اسارون ساذج
مومو خیطیا نانا بادیان گل مختوم زاج محرق خاما وج حب بلسان [illegible]
فاریقون صمغ عربی فرزمانا انیسون اقاقیا از هر یک چهار مثقال جند بیدستر

دو نوقه

دو نوقه مقل الیهود جاوشیر قنطوریون نزران دمه حنج سکبینج از هر یک
دو مثقال عسل که از گل جاشا باشد دو رطل شراب ریحانی هشت رطل
بوزن بغداد که هر رطل از آن نود مثقال بود صمغها و عصارها و اقراص
را در شراب خیسانند تا حل شود وعسل بر سر آن کنند و بکشان روز بگذارند
بعد از آن ادویه کوفته وبیخته بروغن بلسان چرب کرده در یکدیگر بسرشند
وبعد از چهار ماه استعمال کنند وبعضی گفته اند بیش پنج سال استعمال نباید
کرد وبعضی گویند بعد از دوازده سال وچون از سی سال گذشت تا شصت
سال قوت آن باقی باشد وبعد از شصت سال حکم آن حکم معاجین
کبار باشد از جهت جمیع امراض مذکوره نافع باشد الا در دفع سموم
وگزیدن جانوران تریاق گل مختوم کسی را نافع باشد که زهر داده باشند
این تریاق بوی دهند قی آورد تا معلوم آن زهر پاک شود وبدین
توان دانست که زهر داده یا نه اگر زهر داده باشند قی آورد واگر نه نه
صفت آن گل مختوم حب الغار ابرسا مساوی بکوبند و بیخته بروغن گاو چرب
کنند وبعسل بسرشند وشربتی از آن مثقالی بمثقال بخورند [illegible]
جمیع مضرت گزیدن جانوران زهر ناک کنند [illegible]

واخراج جنین مرده کند و تسهیل ولادت کند و جمیع امراض بارده را نافع
باشد صفت آن حنطیانا حب الغار زراوند طویل مرمکی اجزا مساوی
کوفته و بیخته بعسل معجون شربتی یک درم با آب گرم استعمال نمایند تریاق ثانیه
بعد از تریاق اربعه منافع این بیشتر از تریاق اربعه شمرده اند صفت
آن زراوند طویل ریوند چینی پوست بیخ کبر حب الغار مر صاف قسط تلخ
حنطیانا زرد چوبه مساوی کوفته و بیخته بعسل سرشند معجون شربتی یک
مثقال تناول نمایند تریاق سرطان گزیدن سگ را نافع باشد صفت
سرطان محرق ده درم کندر حنطیانا از هر یک پنجدرم کوفته و بیخته بعسل سرشتند
شربتی یکمثقال تریاق عسکری جهت گزیدن عقرب نفع تمام دارد
صفت آن تخم سداب زراوند طویل پوست بیخ کبر حنطیانا زراوند
مدحرج افسنتین طراثیث مساوی کوفته و بیخته دو درم از آن سفوف
سازند بخورند تریاق دیگر همین منفعت دارد صفت آن تخم سداب
زراوند طویل حب الغار حنطیانا پوست بیخ کبر افسنتین زرد چوبه
بیخ حنظل فاشرا مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند تریاق دیگر
همین خاصیت دارد صفت آن مغز گردکان بیشتر از هر یک ده درم حلتیت چهار
از هر یک

از هر یک یکدرم کوفته و بیخته با آب جز معجون سازند شربتی سه درم بشراب
بخورند تریاق دیگر در گزیدن عقرب نفع تمام دارد صفت آن حنطیانا
زراوند طویل حب الغار مرمکی سنبل فودنج سداب جندبیدستر علک [illegible]
شونیز زنجبیل فلفل حلتیت مساوی کوفته و بیخته بعسل سرشتند شربتی مقدار
یک جوز بشراب استعمال نمایند تریاق دیگر همین خاصیت دارد صفت
آن زراوند مدحرج پوست بیخ کبر از هر یک پنج درم کوفته و بیخته با شراب
بیامیزند و بنوشند تریاق دیگر از جهت گزیدن رتیلا نافع است صفت آن
شونیز ده درم فودنج کوهی از هر یک پنجدرم جوز السرو ابهل شش درم
سنبل الطیب حب الغار زراوند مدحرج حب بلسان دارچینی حنطیانا
تخم [illegible] تخم کرفس از هر یک دو درم کوفته و بیخته بعسل سرشتند شربتی
مقدار یک جوز بشراب کهنه تریاق دیگر در گزیدن عقرب مساوی
تریاق کبیر است صفت آن افیون ده درم فلفل [illegible] درم زراوند مدحرج
جندبیدستر از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته بشراب معجون
سازند شربتی مقابل یک جوز تریاق دیگر گزیدن عقرب را نافع [illegible]
صفت آن ریوند چینی زراوند طویل پوست بیخ کبر عاقرقرحا مسلو [illegible]

کوفته شربتی یکدرم سفوف سازند و استعمال نمایند تریاق که دافع افیون
و بنگست صفت آن حلتیت جند بیدستر ابهل فلفل مساوی کوفته بیخته
بعسل معجون سازند شربتی مقابل یک فندق در شراب کهنه نافع بود
تریاق ذهب وصفت آن مروارید ناسفته مرجان کهربا عقیق یشب
عاج طباشیر طرثیث کشنیز خشک بریان کرده کرده صندل سفید بهمنین
فوفل سعد زیره کرمانی ستبر مصطکی کرویا مادرسبز گل ارمنی شادنج
عدس صمغ عربی ارد کنار ارد سنجد حب الآس عدس بادام مقشر بریان
کرده پوست بیرون لسته تخم زبیب از هر یک سه درم ورق نقره
یک درم تخم قرفه بریان کرده خشخاش سفید دانه انگور [illegible] از
هر یک پنجدرم عود خام بزرالبنج از هر یکسه دو درم زیت به [illegible]
[illegible] موز و مساوی معجون سازند باب الله تیادریطوس
اوجاع کبد و معده طحال و کلیه و رحم و نسیان و تاریکی چشم و ربو و صداع
و جذام و صرع و برص و لقوه و رعشه و فالج و جمیع امراض عتیقه مزمنه
و انواع سوء المزاج بارد رطب را نافع بود و قولنج بگشاید و استسقا
که از سردی و ضعف جگر بود زایل میگرداند و استعمال آن بی منفعت باشد

وادرار بول

وادرار بول و حیض کند و سنگ کرده و مثانه را بریزاند و حرارت غریزی
را تقویت دهد و بدن را از اخلاط فاسده پاک کند و بادها را دفع
کند و سده جگر و سپرز بگشاید و رنگ و روی نیکو سازد صفت آن صبر
سقوطری پانزده درم غاریقون بیست درم زعفران دارچینی وج مصطکی
روغن بلسان از هر یک سه درم ریوند چینی یکدرم و نیم عود بلسان فربیون
فلفل سفید و سیاه و دار فلفل مر جنطیانا حب بلسان فقاح اذخر حماما
از هر یک دو درم کمادریوس فسط افتیمون از هر یک چهار درم اسارون
سلیخه سقمونیا از هر یک شش مثقال سنبل سه درم و نیم ادویه کوفته
و بیخته بر روغن بلسان چرب کرده با سه چندان عسل بسرشند شربتی
چهار مثقال و قوت این معجون تا چهار سال باقی باشد — دریاطوس
دیگر منفعت آن قریب بمنفعت اول است صفت آن صبر سقوطری
سی درم غاریقون بیست دو درم زعفران وج دارچینی مصطکی سورنجان
سلیخه از هر یک سه درم کمادریوس فلفل ابیض اسارون عود بلسان
از هر یک درم فلفل سیاه و جند بیدستر از هر یک چهار درم ریوند چینی
و سنبل از هر یک یکدرم عسل سه وزن ادویه شربتی چهار درم با یک

کرم باب الجیم جوارشت شهریاری سردی معده و قولنج و عسر البول را نافع
بود اینه صفت آن قرفه قرنفل دارچینی سلیخه سنبل الطیب جوزبوا
بسبل مصطکی قاقله حب بلسان زعفران از هر یک چهار درم و نیم سقمونیا سه
درم نیم تربد سفید حب النیل از هر یک هشت درم قند سفید بوزن ادویه
کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی چهار درم مثقال تا هفت مثقال باب کرم
خورند جوارشت اترج قوت و بهی و اشتها آرد و بوی دهن خوش کند
صفت آن پوست اترج خشک کرده سه درم قرنفل جوزبوا دارفلفل
قرفه قاقله خولنجان زنجبیل از هر یک یکدرم مشک دو دانگ کوفته و بیخته
بعسل بسرشند جوارشت عود باد را بشکند و خفقان و دلتنگی زایل کند
صفت آن عود هندی رازیانه تخم کرفس وج سنبل از هر یک سه
درم بسباسه نارمشک سعد فرنجمشک زرنب زرنباد از هر یک یک مثقال
دارچینی زنجبیل فلفل قرنفل مصطکی از هر یک دو درم کاوزبان پنجدرم کافور
دانگ نیم درم مشک دو دانگ کوفته و بیخته بعسل بسرشند جوارشت عود
نوع دیگر معده و دل را قوت دهد و بسیار انسا موافق بود صفت آن
عود خام قرنفل ساذج زنجبیل قاقله فرنجمشک دارفلفل از هر یک دو مثقال

زعفران یکمثقال

زعفران یکمثقال کوفته و بیخته بعسل بسرشند جوارشت عود دیگر تا ضمه
را قوت دهد و اشتها طعام باز آرد و بلغم و رطوبت را دفع کند
صفت آن قرنفل سه درم قاقله کبار و صغار سنبل از هر یک دو درم
عود پنجدرم زعفران یک درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند جوارشت
عود نوعی دیگر معده سرد را گرم کند و اشتهای طعام آورد و ضمه را
قوة دهد صفت آن قرنفل دو درم سنبل یکدرم عود پنجدرم نبات یکمن
نبات را در گلاب بگدازند و بقوام آورند و دیگر ادویه را کوفته
و بیخته بر آن پاشند و بروی سنگ ریزند جوارشت عود نوعی دیگر معده
را باصلاح آرد و اشتهای طعام پیدا کند صفت آن عود خام پنجدرم
پوست [illegible] مصطکی [illegible] مثقال نبات یکمن [illegible]
و بروی سنگ [illegible] خفقان و سودای معده [illegible]
[illegible] نبات [illegible] صفت آن
قاقله کبار و صغار [illegible] از هر یک چهار درم زنجبیل دارفلفل
از هر یک [illegible] عنبر از هر یک [illegible] قرنفل زعفران
از هر یک [illegible] درم [illegible] یکدرم کوفته و بیخته بعسل

بسر شند شربتی یکمثقال جوارش عنبر نوع دیگر عنبر سه مثقال قند سفید
یک من قند را بقوام آرند و فرو گیرند و عنبر را دران حل کنند شربتی
یکمثقال تا دو مثقال جوارش مصطکی سردی معده و جگر را نافع باشد
و بلغم را دفع کند و آب رفتن از دهان باز دارد صفت آن مصطکی
سه مثقال کوفته با یکمن قند و سی درم گلاب بقوام آرند و بر روی سنگ
ریزند جوارش جالینوس این جوارش را خاصیت بسیارست همه
اعضا را قوت دهد و بوی دهن خوش کند و بادها بشکند و بسیاری
بول که از سردی مثانه بود باز دارد و باه را قوت دهد و دیوانگی
ببرد و صداع و سعال بلغمی و بواسیر و نقرس [illegible] و عصاره کلیه
مثانه را نافع بود و سیاهی موی [illegible] کند [illegible]
را [illegible] جوارش [illegible] کند از جمیع امراض [illegible]
باشد صفت آن سنبل [illegible] قرنفل [illegible] خولنجان [illegible] نقل سعد
کوفی زنجبیل فلفل سیاه دار فلفل قسط [illegible] عود بلسان اسارون
تخم [illegible] زعفران از هر یک دو درم مصطکی
پنجاه درم قند سفید [illegible] تمام [illegible] تا زود [illegible]

بسرشند

بسر شند شربتی دو مثقال پیش از و بعد از طعام توان خورد و بعضی
اطبا [illegible] پنج درم اضافه میکرده اند جوارش تمری وفو بلیغ
و عسر البول را بگشاید صفت آن زیره کرمانی [illegible] بوره ارمنی [illegible]
اسالیون زنجبیل فلفل سفید از هر یک دو درم و نیم سقمونیا [illegible]
پنج درم خرمای دانه بیرون کرده مغز بادام مقشر [illegible] کرده از هر یک
ده مثقال [illegible] سداب ده درم خرما در سرکه خیسانیده یکشبانروز
بکوبند [illegible] کنند [illegible] گرفته [illegible] ادویه را بر
[illegible] کنند و بجوشانند تا بقوام آید [illegible] کوفته [illegible] شربتی
پنج مثقال تا هفت مثقال با آب گرم تناول نمایند جوارش مسک خفقان
[illegible] را نافع باشد [illegible] صفت آن
جوز بوا [illegible] زنجبیل دار فلفل فلفل از هر یک [illegible] درم مسک خالص
یک مثقال قند سفید [illegible] شربتی [illegible] جوارش
[illegible] سعال [illegible] حرارت نشاند صفت آن
[illegible] درم فلفل دار فلفل از هر یک [illegible] درم زنجبیل
خولنجان از هر یک ده درم قرنفل جوز بوا از هر یک پنج درم مسک

پنجدرم قند سفید شصت درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی سه درم
صفت آن زرشک ده درم گل سرخ هشت درم طباشیر سفید
کهربا فوفل از هر یک چهار درم تخم حماض بریان کرده هفت درم حب
الآس شش درم بوسیب ده درم بوسیب عنبر ده درم نانخواه
بریان کرده هشت درم کافور سه درم زعفران شاهبلوط از هر یک
پنجدرم فوفل چهار درم بشراب حماض بسرشند شربتی دو درم جوارش
کمون اسهال بلغمی را باز دارد و معده را پاک کند و گرم کند جوارش
جوزی طعام را هضم کند و اسهال باز دارد و سیر بگذارد و کسی را که
بیم استسقا بود و بلغم باشد و او را بول کند صفت آن قسط قرنفل
سنبل حب بلسان سلیخه از هر یک ده درم جوز بوا پنج عدد قاقله
کبابه قرنفل انیسون اکلیل الملک شقاقل نارمشک از هر یک دو
هر یک چهار درم بسباسه درونج عقرب از هر یک سه درم ریوند
چینی زراوند مدحرج اشنه از هر یک پنجدرم هلیله سیاه پوست بلیله
کابلی بزر و صمغ زیت بریان کرده از هر یک بیست درم بلیله ده عدد
ده عدد حب الآس بوزن همه ادویه و نبات دو وزن او و بعد [illegible]

بگذارند

بگذارند و بقوام آرند و ادویه کوفته را بسرشند و بعد از دو ماه استعمال
نمایند جوارش طباشیر شب و اسهال صفراوی را نافع باشد صفت
آن طباشیر سفید حب الآس گل سرخ از هر یک ده درم تخم حماض
صمغ عربی از هر یک هفت درم گلنار سماق عصاره لحیة التیس از
هر یک شش درم زعفران انیسون از هر یک دو درم کوفته و بیخته بشراب
حب بسرشند شربتی سه درم تناول نمایند جوارش سماق اسهال صفراوی
باز دارد صفت آن سماق بیست درم حب الآس ده درم خرنوب سی
درم صمغ عربی گلنار دانه از هر یک پنجدرم کوفته و بیخته با مویز منقا
دیگر بار بکوبند شربتی سه درم جوارش الخدران قولنج بگشاید و باد را
دفع کند و جشای حامض را نافع باشد صفت آن فلفل دارفلفل از هر یک
پنجدرم ابرسا زنجبیل از هر یک شش درم انیسون مصطکی رازیانه نانخواه
تخم کرفس از هر یک پنجدرم الخدان یازده درم کوفته و بیخته بعسل
بسرشند شربتی دو درم استعمال نمایند جوارش نارمشک طبع نرم کند
و قولنج را بگشاید صفت آن جوزبوا یک درم قاقله دارچینی از هر یک دو درم
نارمشک قرنفل از هر یک سه درم دارفلفل پنجدرم زنجبیل شش درم سنبل

بیست درم نبات بیست درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی از
یکدرم تا سه درم نافع باشد جوارشی دیگر اسهال صفرای کند
مشقت صفت آن عود خام مصطکی از هر یک یکدرم قند سفید چهار درم
سقمونیا نیم درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی یکدرم با آب گرم بخورند
جوارشی بسباسه بواسیر و سردی معده و هضم را نافع باشد و بادهای
غلیظ را دفع کند صفت آن بسباسه قرنفل قاقله کبار یکدرم فلفل دو درم
قرنفل یکدرم نیم قند سفید بیست درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی
یکمثقال جوارشی مغلیا [illegible] زحیر و مغص و بواسیر را نافع باشد صفت آن
تخم ترا تیزک بریان کرده زیره کرمانی [illegible] از هر یک یکدرم مصطکی نیم درم
هلیله کابلی بریان کرده بروغن گاو یکدرم کوفته و بیخته بگلاب بسرشند
جوارشی شمشم معده را قوت دهد و شهوات ردیه زنان حامله
را دفع کند و رنگ را نیکو گرداند و اشتها طعام آورد صفت آن زرنباد
تخم کرفس زیره کرمانی نانخواه از هر یک دو درم کنجد مقشره ده درم
کندر زنجبیل فلفل دار فلفل فانه دار چینی از هر یک سه درم شکر طبرزد نود
مثقال کوفته و بیخته بگلاب بسرشند جوارشی که حفظ را زیاده کند صفت آن

زنجبیل

[illegible]

زنجبیل نانخواه از هر یک ده درم شونیز هلیله کابلی از هر یک پنج درم کوفته
و بیخته بعسل بسرشند شربتی یکمثقال جوارشی مسهل شهیه معده و دفع فضلات
کند صفت آن تربد سفید ده درم زنجبیل پنج درم قند سفید پانزده درم
شربتی سه درم نافع بود جوارشی شهریاران مسهل دیگر قولنج بگشاید
و فضلات ردیه را دفع کند و معده را قوت دهد صفت آن
فلفل زنجبیل زیره کرمانی سداب بوره ارمنی خولنجان قرنفل از هر یک
یکدرم و نیم سقمونیا ده درم عسل چهل درم شربتی یکدرم و نیم تا سه درم
جوارشی دارچینی صفت کرده او مثانه و معده را نافع باشد و بادهای
غلیظ بشکند و اخلاط غلیظ را دفع کند صفت آن دارچینی عود هندی
راسن از هر یک شش درم قرنفل فلفل سیاه دار فلفل سنبل [illegible]
از هر یک پنج درم زنجبیل ده درم نعنا هشت درم [illegible] از هر یک
دو درم مصطکی انیسون [illegible] سلیخه از هر یک سه درم کوفته و بیخته
بعسل بسرشند تناول جوارشی حب الآس معده [illegible] استهال معدی
نافع بود [illegible] از بلغم و رطوبت باشد [illegible] صفت آن حب الآس نود
مثقال هلیله سیاه بلیله آمله طالیسفر از هر یک بیست درم فلفل سیاه دار فلفل

زنجبیل از هر یک ده درم مصطکی فرد مانا کرد مامیثون زیره کرمانی سنبل سلیخه
فاقله بسباسه از هر یک شش درم جوز بوا تخم کرفس نانخواه از هر یک پنج درم
ساذج هندی حماما از هر یک چهار درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند جوارش
[illegible] قولنج و لقوه و باد بواسیر و بادها را که در معده باشد سود دارد
صفت آن سقمونیا تربد سعید از هر یک پنج درم فلفل فاقله از هر یک سه درم
زنجبیل دارچینی قرنفل بسفایج جوز بوا از هر یک ۲ درم نیم قند سفید نود درم
کوفته بعسل بسرشند شربتی چهار مثقال جوارش هندی مفاصل و نقرس
و وجع ظهر و قولنج را نافع باشد صفت آن سقمونیا ده درم جوز بوا قاقله
دارچینی زنجبیل بادرنگ قرفه قرنفل از هر یک پنج درم تربد سعید صد درم
قند سفید صد درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند جوارش زنجبیل صفت
معده را و امعا و بیضه را نافع بود و طعام را هضم کند و بادها را [illegible] کند و اسهال
باز دارد صفت آن زنجبیل بیست درم صمغ عربی جوز بوا از هر یک ده درم
قرنفل دارچینی از هر یک پنج درم جوز بوا یکدرم زعفران یک درم نشاسته
چهل درم شکر طبرزد نود مثقال جوارش قیصر قولنج و نقرس را نافع [illegible]
و اخلاط غلیظ منضج را نافع کند صفت آن دار فلفل زنجبیل هلیله زرد سقمونیا

تربد سعید

تربد سعید از هر یک دوازده درم تخم کرفس نانخواه عاقرقرحا نمک طبرزد
از هر یک شش درم قند سفید پانزده درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند
جوارش نوا که معده و دل و جگر را [illegible] را قوت دهد و قی باز دارد و
صفرا دفع کند و ثقل [illegible] منع خمار کند صفت آن آب انار ترش و
شیرین آب سیب آب به آب امرود آب غوره آب زرشک
آب سماق آب لیمو مساوی بجوشانند تا بربعی فرو گیرند و قند زیاده
بقوام آرند و [illegible] ریزند و آب‌ها را بران بریزند چندان خواهند
و [illegible] سنگ ریزند باب [illegible] حب ایارج دماغ و اعضاء دیگر را
از فضول و اخلاط بلغمی پاک کند و صرع و سکته و امراض عصبی را نافع باشد
صفت آن ایارج فیقرا تربد سفید از هر یک یکدرم حب النیل غاریقون
افتیمون از هر یک نیم درم تخم حنظل نمک هندی از هر یک دانگی و نیم کوفته
و بیخته با آب رازیانه بسرشند و حب سازند حب صبر [illegible] مفاصل و
نقرس و فالج لقوه را نافع باشد صفت آن صبر سقوطری یک مثقال تربد سفید
یکدرم و نیم حب النیل غاریقون از هر یک دو دانگ تخم حنظل [illegible] نمک
هندی انزروت مقل افتیمون از هر یک دانگی کوفته و بیخته با آب کرفس حب سازند حب

سورنجان مفاصل و نقرس و عرق النسا را نافع باشد صفت آن
صبر سقوطری ماهی زهره از هر یک یکدرم سورنجان تربد سفید از هر یک یکمثقال کثیرا
دانگ حب النیل نیم درم تخم حنظل دانگ نمک هندی دانگ و نیم کوفته و بیخته با آب
کرفس حب سازند حب سورنجان بنسخه دیگر همین خاصیت دارد صفت آن
ایارج فیقرا تربد سفید ماهی زهره از هر یک یکدرم سورنجان پوست هلیله
زرد چوبه غاریقون افسنتین رومی از هر یک نیم درم سقمونیا کثیرا تخم حنظل
از هر یک دانگ کوفته و بیخته با شرب رازیانه حب سازند حب سورنجان
دیگر یکدرم پوست هلیله زرد تربد سفید نیم درم سورنجان سقمونیا از هر یک
دانگ و نیم تخم کرفس نمک هندی از هر یک دانگ با آب رازیانه حب سازند
حب شیار درد معده را نافع باشد قوت باصره دهد و درد سر و تاریکی
چشم را ببرد صفت آن صبر سقوطری سه درم پوست هلیله زرد ورق
گل سرخ مصطکی تربد سفید از هر یک یکدرم سقمونیا نیم درم کوفته حب سازند
شربتی یکمثقال تا سه مثقال در وقت خواب فرو برند و بخسپند حب قوقایا
صداع و درد چشم را نافع باشد و فضلهای غلیظ را از بدن فرود آرد صفت
آن صبر سقوطری عصاره افسنتین مصطکی از هر یک یکمثقال تخم حنظل سقمونیا

از هر یک

از هر یک نیم درم کوفته و بیخته با آب کرفس حب سازند شربتی یکمثقال
[illegible] شده را بگشاید و استسقا و امراض کهنه را نافع باشد
صفت آن افتیمون صبر سقوطری از هر یک شش درم غاریقون چهار درم نطرون
انیسون تخم کرفس دوقو از هر یک دو درم سقمونیا یک درم کوفته و
بیخته با آب خالص حب سازند شربتی دو درم حب غاریقون دیگر
همین خاصیت دارد و طبع را نرم کند چون هر شب از آن یکدرم بخورند
صفت آن غاریقون درم عصاره غافث ریوند چینی از هر یک [illegible] درم
[illegible] با نزده درم کوفته و بیخته با آب حب سازند حب [illegible] مفاصل و لقوه
و مفاصل و نقرس که از سردی بود و وجع ظهر را نافع باشد و مادهای
غلیظ را دفع کند و حیض بگشاید صفت آن شکنیج اشق جاوشیر
مقل حرمل تخم حنظل صبر سقوطری تربد سفید پوست هلیله زرد انزروت
[illegible] انزروت را و آب حل کند و داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند
حب سازند شربتی دو درم حب اصطمخیقون صرع را از سودا و بلغم و
اخلاط غلیظ پاک کند صفت آن پوست هلیله کابلی شش درم افسنتین
غاریقون از هر یک سه درم افتیمون پنج درم ایارج فیقرا ده درم [illegible] یکدرم

حب و مفاصل
شکنیج آ
اشق آ
[illegible]
حنظل آ
تخم آ
صبر آ
مقل ۳
صمغ
ورق [illegible]

فانیذ چهار درم فانیذ را در آب بگدازند و دو درم سقمونیا در وی حل کنند و دوازده [illegible]
کوفته و بیخته با آب سرشته و حب سازند حب هلیلج صباغ و دو درم چشم را
نافع بود صفت آن صبر سقوطری بیست درم پوست هلیله زرد ده درم
کثیرا مصطکی سقمونیا زعفران از هر یک سه درم و مقل کل سکبینج پنج درم کوفته
و بیخته بگلاب حب سازند شربتی دو درم حب دیگر که داء الثعلب را نافع
باشد و صفرا و سودا و بلغم دفع کند صفت آن افتیمون چهار مثقال تخم
حنظل سقمونیا نمک هندی افسنتین از هر یک دو مثقال تربد سفید
صبر سقوطری ده مثقال انزروت بسفایج فستقی از هر سه مثقال تربد سفید
دوازده و نیم مثقال کوفته و بیخته با آب خالص حب سازند شربتی سه درم
حب سکبینج قولنج بگشاید و بادهای غلیظ دفع کند صفت آن سکبینج
تخم حنظل از هر یک ده درم سقمونیا سه درم با آب سداب حب سازند
شربتی یک درم حب دیگر که بادها بشکند و فتق و اورام خصیه را نافع باشد
صفت آن تخم حنظل از هر یک کرفس هر اسپند انیسون مصطکی و زعفران
از هر یک یکدرم پوست هلیله کابلی امله سکبینج مقل از هر یک دو درم فطر
اسالیون فودنج اذخر فقط زرنباد درونج عقرقرحا و اسارون از هر یک

[illegible]

دو نیم درم فطر کوفته و بیخته با آب حب سازند شربتی یکدرم حب ریوند
استسقا و زردی را نافع باشد صفت آن ریوند چینی عصاره غافث
تخم کرفس از هر یک سه درم غاریقون پنج درم مازریون مدبر ده درم
کوفته و بیخته حب سازند شربتی دو درم حب دیگر کلیتین [illegible] خاصیت دارد
تخم مازریون و مغز بادام از هر یک پنج درم شکر یکدرم و نیم کوفته و بیخته
حب سازند خیزران خنازیر و غدد و سلعه را نافع باشد صفت آن
املج [illegible] سه درم غاریقون دو درم و نیم تخم حنظل یکدرم و نیم انزروت
چهار درم تربد هفت درم [illegible] و شبرم یک مثقال نوشادر سقمونیا یک مثقال کوفته
و بیخته با آب کدو [illegible] حب سازند شربتی هر روز یکدرم حب [illegible]
خاصیت [illegible] صفت آن سنبل سلیخه حب لسان اسارون عود بلسان
مصطکی دارچینی زعفران از هر یک یکدرم صبر سقوطری شانزده درم اسطو
خودوس تخم حنظل از هر یک پنج درم تربد سفید پنج درم نمک هندی دو
درم سقمونیا چهار درم شربتی چهار درم حب شیطرج عرق النسا و اوجاع
مفاصل و جمیع ظهر را نافع باشد صفت آن پوست هلیله زرد ده درم
صبر سقوطری بیست درم فلفل دار فلفل از هر یک یکدرم خردل سه درم شیطرج

نمک هندی تخم حنظل زنجبیل از هر یک دو درم تربد فانید شده سنجری
چهار درم با آب کرفس حب سازند شربتی یک درم نافع باشد
حب غافث یرقان و درد جگر را نافع بود صفت آن غافث
صبر سقوطری پوست هلیله زرد مساوی کوفته و بیخته با آب کرفس حب سازند
شربتی سه درم حب دیگر که بهق سیاه و برص و صرع و امراض سوداوی را
نافع باشد صفت آن ایارج فیقرا پنج درم افتیمون ده درم لاجورد مغسول
هفت درم سقمونیا تخم حنظل خربق سیاه از هر یک دو درم سنبل
انیسون [illegible] از هر یک یک درم کوفته و بیخته با آب کرفس حب سازند شربتی
[illegible] و نیم حب شاهترج جرب را نافع باشد صفت آن پوست
هلیله زرد و هلیله سیاه از هر یک پنج درم صبر سقوطری هفت درم سقمونیا
دو درم و نیم کوفته و بیخته با آب شاهترج حب سازند شربتی یک درم حب
مقل نوع دیگر بواسیر را نافع باشد صفت آن پوست هلیله کابلی
مقل سکبینج را در آب کنند تا حل شود داروهای دیگر کوفته و بیخته
با آب [illegible] سرشته و حب سازند حب مقل نوع دیگر شقاق را نافع باشد
[illegible] و طبع را نرم دارد و محرور را موافق باشد صفت آن پوست

هلیله کابلی [illegible]

[illegible]

هلیله کابلی بیست درم مقل ده درم کثیرا پنج درم انجره سی عدد انجیر را در آب
بریزند تا مهرا شود و بپالایند مقل کثیرا در آن حل کنند و پوست هلیله کوفته
با وی سرشته و حب سازند شربتی دو درم حب مقل نوع دیگر درد معده
و امعاء و بواسیر را نافع باشد صفت آن هلیله سیاه بلیله آمله از هر یک
جزوی مقل برابر شربتی یک جزوی مقل برابر همه در آب حل کنند داروها کوفته
و بیخته سرشته و حب سازند شربتی دو درم و نیم استعمال کنند حب دیگر چون
به شب [illegible] بنوشند وجع بواسیر را تسکین کند صفت آن هلیله سیاه
بلیله آمله مقل از هر یک چهار درم نمک هندی سعتر مصطکی [illegible]
[illegible] سپند شطرج هندی نانخواه از هر یک چهار درم سنبل [illegible]
دارچینی وج زنجبیل قاقله سلیخه از هر یک هشت درم صبر سقوطری بیست
درم سکبینج دو درم مقل سکبینج را در آب کنند تا بگدازد و باقی ادویه
را کوفته و بیخته با آب [illegible] سرشته و حب سازند شربتی یک مثقال حب
[illegible] بادها را دفع کند و طبع را نرم دارد و قولنج بگشاید البته
صفت آن زنجبیل قرنفل دارچینی فلفل دارفلفل مصطکی از هر یک
[illegible] مثقال سقمونیا هفت مثقال تربد هفت مثقال کوفته و بیخته حب سازند

هر یک مقدار نخودی هر حب یک مجلس دفع کند حب بهرامی
استسقای حمی را نافع باشد صفت آن صبر سقوطری دوازده درم
افتیمون شش درم سقمونیا چهار درم سنبل سلیخه تربد سفید
مصطکی از هر یک دو درم زعفران یک درم و نیم غاریقون
سه درم حما یکدرم کوفته و بیخته حب سازند شربتی دو درم و
نیم حب دیگر بهق و برص را نافع بود صفت آن ایارج فیقرا یک مثقال
لاجورد مغسول سنبل افتیمون تخم حنظل کتیرا سقمونیا از هر یک
دانگی کوفته بیخته با آب کرفس حب سازند حب دیگر ایارج فیقرا
نیم مثقال افتیمون اسطوخودوس بسفایج نمک هندی غاریقون
از هر یک دانگی تربد سفید پوست هلیله زرد تخم حنظل کتیرا سقمونیا
از هر یک دانگ کوفته و بیخته با آب حب سازند حب دیگر
صبر یکدرم غاریقون نیم درم تخم حنظل دو دانگ سقمونیا یک
و نیم مصطکی سنبل از هر یک دانگ حب ساخته بطبیخ اسطو
خودوس بنوشند حب دیگر صفت آن ایارج فیقرا تربد
سفید از هر یک یکدرم حب النیل افتیمون از هر یک نیم درم تخم

حنظل غاریقون غافث فرخا خصیة الثعلب از هر یک نیم دانگ
محموده کتیرا از هر یک دانگ کوفته و بیخته بگلاب حب سازند
حب دیگر حب آتشک ایارج فیقرا یک مثقال تربد سفید
یکدرم غاریقون لاجورد مغسول پوست هلیله زرد سورنجان
از هر یک نیم درم سقمونیا دانگ و بسفایج افتیمون کتیرا از هر یک
دانگ کوفته و بیخته بگلاب حب سازند حب هلیله جرب و حکه
را نافع باشد صفت آن پوست هلیله زرد صبر سقوطری از هر یک
درم سقمونیا ورق گل سرخ از هر یک دانگ کوفته و بیخته
با آب حب سازند حب جهت فالج ایارج فیقرا تربد سفید غاریقون از
هر یک یک درم تخم حنظل حب النیل بسفایج از هر یک دانگ و نیم
اسطوخودوس بوزیدان از هر یک نیم درم کتیرا دانگ کوفته و بیخته
با آب حب سازند حب استرخا و صرع ایارج فیقرا تربد سفید غاریقون
از هر یک یکدرم اسطوخودوس بوزیدان عود الصلیب از هر یک
نیم درم تخم حنظل مصطکی از هر یک دانگ محموده نیم دانگ با آب رازیانه
حب سازند حب استسقا تربد سفید یکدرم ریوند چینی نیم درم غاریقون

نوزاوند مدحرج زراوند طویل از هر یک دانگ و نیم مقل الیهود تخم
الخجره از هر یک دو دانگ فرفیون بروعن کل چرب کرده دانگی
کوفته و بیخته با آب حب سازند حب دیگر جهت استسقا ایارج فیقرا
تربد سفید از هر یک یکدرم غاریقون اسارون ریوند چینی افسنتین
رومی تخم الخجره از هر یک درم نمک هندی دانگ مقل دو دانگ
با آب رازیانه حب سازند حب سان شهری بنفشه دو درم توت
هلیله زرد تربد سفید از هر یک یکدرم نمک هندی رازیانه تخم
کرفس از هر یک نیم درم محموده دانگ و نیم مثقال با آب خالص
حب سازند حب صبر ایارج فیقرا تربد سفید صبر سقوطری از هر یک
یک مثقال حب النیل نیم مثقال تخم حنظل نمک هندی از هر یک
نیم درم انیسون یکدرم فلفل مصطکی کثیرا از هر یک دانگ با آب رازیانه
حب سازند حب بهق تربد یکدرم و دانگ نیم غاریقون ایارج فیقرا
افتیمون از هر یک چهار دانگ هلیله سیاه سیطرج عصاره افسنتین
از هر یک دو دانگ سقمونیا سه نخود مقل انیسون از هر یک چهار
دانگ سورنجان نیم درم ماهی زهره زنجبیل از هر یک دو دانگ محموده

مقل از هر یک

مقل انیسون از هر یک سه دانگ با عسل سازند حب عشا تربد سفید توت
هلیله کابلی غاریقون از هر یک نیم درم صبر چهار درم گل سرخ
دو دانگ مقل دو دانگ محموده نیم دانگ با آب حب سازند حب
... سقمونیا ... یکدرم و نیم سورنجان
چهار دانگ ... ماهی زهره قنطوریون دقیق از هر یک
دو دانگ با آب حب سازند حب دیگر که درد نقرس و عرق النسا
بنشاند صفت آن افتیمون شیرمکرمانی فلفل سفید دار فلفل مغز
حب القرطم از هر یک دو درم بلیله یکدرم زنجبیل فرفیون از
هر یک چهار درم مصطکی شش درم سورنجان بیست درم با آب
رازیانه حب سازند شبرم دو درم با آب زهره کرمانی حب
تربد سفید یکدرم و نیم غاریقون ایارج فیقرا افتیمون از هر یک
چهار دانگ قنطوریون دقیق ماهی زهره عصاره افسنتین از هر یک
دو دانگ تخم سقمونیا از هر یک سه درم مقل انیسون از هر یک دانگ
با آب رازیانه حب سازند حب ... تربد یکدرم و چهار دانگ
افتیمون نیم درم عصاره غافث عصاره افسنتین از هر یک دانگی نیم

تخم حنظل مقل افتیمون مصطکی از هر یک دانگی با آب خالص حب
سازند حب مفاصل تربد یک مثقال سورنجان نیم درم تخم حنظل حب
النیل نمک هندی زنجبیل محموده از هر یک دانگی مقل دو دانگ
کثیرا اسطوخودوس با آب خالص حب سازند حب تربد تربد یکدرم ایارج
نیم درم ایارج فیقرا غاریقون از هر یک یکدرم محموده دو دانگ مقل
دو دانگ بنفشه نیم درم با آب حب سازند حب [illegible] ایارج
فیقرا [illegible] از یک یکدرم جندبیدستر شیطرج هندی تربد
البسفایج از هر یک سه درم سکبینج تخم حنظل از هر یک چهار درم
کوفته و بیخته با آب حب سازند شربتی دو درم و نیم حب یرقان
صبر سقوطری یکدرم محموده دانگی و نیم غاریقون چهار دانگ عصاره
غافث دو دانگ با آب کاسنی حب سازند حب جهت نقرس
حار صفت آن سورنجان یکدرم محموده دانگی و نیم تخم کرفس دانگی
صبر سقوطری یکدرم با آب حب سازند حب دیگر بلغم را از مفاصل و عروق
جرب کند صفت آن [illegible] سورنجان بوزیدان از هر یک نیم
درم ماهی زهره دو دانگ تربد چهار دانگ تخم حنظل دانگی با آب

حب سازند

حب سازند شربتی دو درم و نیم حب برای اوجاع مفاصل را در روز
بصلاح آرد صفت آن صبر سقوطری تربد سفید از هر یک هشت درم
پوست هلیله زرد بوزیدان سورنجان از هر یک دو درم افتیمون سقمونیا
از هر یک یکدرم و نیم با آب کنند تا حب سازند شربتی سه درم با آب گرم
حب لاجورد سودا را دفع کند و امراض سوداوی را نافع باشد صفت
آن لاجورد مغسول سه درم قرنفل افتیمون سقمونیا از هر یک یکدرم غا
ریقون یکدرم افتیمون بسفایج از هر یک چهار درم ایارج فیقرا
شش درم غاریقون یکدرم افتیمون بسفایج از هر یک چهار درم
با آب کرفس حب سازند شربتی سه درم در ماء الجبن حب کوکبا
اعضا سر و معده را از اخلاط پاک کند و فالج و لقوه و داء الثعلب را
نافع باشد چون یکدرم ازین حب و یکدرم ایارج فیقرا حب
کرده بخورند چشم را روشن کند و نافع نزول آب گردد و اخلاط
فاسده را از بدن بیرون آورد صفت آن صبر سقوطری سقمونیا
تخم حنظل عصاره افسنتین مصطکی از هر یک دانگی و نیم مقل دانگی
کثیرا نیم دانگ با آب حب سازند حب [illegible] لقوه و رعشه و فالج را نافع

باشد صفت آن زنجبیل فلفل دار فلفل بتره امله سعد کوفی مصطکی دار
چینی سنبل بسبایه اسارون از هر یک دو درم صبر سقوطری بیست درم
با آب کرفس حب سازند و شربتی دو درم و نیم حب الصدر سرفه کهنه
و ربو و ضیق النفس و امراض سینه را نافع باشد صفت آن
غاریقون تربد سفید از هر یک سه درم اصل السوس تخم حنظل ابار
فرج فنفرا انزروت انزروت از هر یک دو درم با آب حب سازند
شربتی یک مثقال بماء العسل حب الملوک نافعست کسی را که از مسهلات
بد طبعی کراهت داشته باشد و مسهل را قی کند صفت آن تربد
سفید یک درم چهار دانک غاریقون چهار دانک پوست هلیله
زرد مصطکی هلیله سیاه از هر یک دانکی و نیم افتیمون نیم درم کاوزبان
قلنجک بادرنج بویه محموده طباشیر زعفران گل سرخ از هر یک
دانکی کوفته و بیخته بگلاب حب سازند حب بنفشه امراض چشم
و سینه را نافع باشد و طبع را نرم کند صفت آن بنفشه دو
درم تربد یک مثقال محموده دانکی ربّ السوس نیم درم با آب
حب سازند حب الملوک دیگر قولنج بگشاید و بادهای غلیظ را دفع
کند صفت آن

کند صفت آن صبر سقوطری پنج درم تربد ده درم پوست هلیله کابلی از هر یک
سه درم نمک هندی دو درم مصطکی زعفران ساذج هندی قسط سنبل ریوند
چینی سنبل زنجبیل انیسون تخم کرفس قرنفل فلفل دار فلفل سفید ابوار جوز بوا کبابه قافله از هر یک
نیم درم سقمونیا دو مثقال مشک دانگی کوفته و بیخته بگلاب حب سازند شربتی
سه درم تناول نمایند حب افتیمون اعصاره سره معده را از سودا پاک
گرداند صفت آن ایارج فیقرا الخم حنظل غاریقون حجر ارمنی افتیمون مقل ازرق
هر یک دو درم تربد شش درم محموده یکدرم حب سازند شربتی دو درم و نیم
حب سفایج بلغم و سودا از معده و دماغ پاک کند صفت آن ایارج فیقرا
دو درم بسفایج دو درم تخم حنظل شش درم اسطوخودوس افتیمون از هر یک
دو درم و نیم تربد سفید هشت درم سقمونیا یکدرم و نیم با آب حب سازند شربتی
دو درم و نیم حبیکه جمیع امراض سوداوی و صفراوی را نافع باشد صفت آن
پوست هلیله زرد شش درم پوست بلیله آمله مقشر گل سرخ نمک هندی از
هر یک ده درم ایارج فیقرا پنج درم شاهترج سقمونیا عصاره افسنتین از
هر یک سه درم تخم کرفس نیم درم غاریقون چهار درم کوفته و بیخته با آب
کاسنی حب سازند شربتی سه درم حب السعال صمغ عربی نشاسته کتیرا

از هر یک سه درم مغز بیدانه تخم خیار را از هر یک دو درم مغز بادام منقش خشخاش سفید از هر یک درم شکر طبرزد فانید از هر یک هفت درم کوفته و بیخته بلعاب بزر قطونا حب سازند و اگر سرفه بلغمی باشد رب السوس منقی از هر یک چهار درم زعفران یکدرم اضافه سازند حب السعال دیگر نشاسته صمغ عربی رب السوس خشخاش که نافعست اطفال را که از بسیاری سرفه قی کنند و سرفه خشک که مانع باشد از خواب در شب و نوازل حاده را دفع کند صفت آن نشاسته صمغ عربی رب السوس خشخاش سفید افیون مساوی کوفته و بیخته بلعاب بیدانه حب سازند مقدار یک نخود حب السعال بارد مغز بادام مغز خیارین صمغ عربی نشاسته خشخاش سفید از هر یک یکدرم رب السوس ح درم با قلا سه درم بلعاب بزر قطونا حب سازند و بخورند حب السعال ح ریوست بیخ زار بانه پرسیاوشان تخم کرفس رب السوس مغز بادام مساوی کوفته و بیخته با آب خالص حب سازند حب السعال دیگر که سرفه خشک نافع باشد صفت آن نشاسته صمغ عربی رب السوس تخم خیارین تخم خطمی کتیرا کوفته و بیخته بلعاب بیدانه حب سازند

حب السعال

حب السعال نوع دیگر که مدقوقین و مسلولین را نافع باشد و سرفه گرم و خشک را ببرد صفت آن صمغ عربی کتیرا مغز بیدانه تخم خطمی رب السوس خشخاش تخم خرفه قند سفید از هر یک سه درم مغز بادام با فلا مقشر مغز تخم کدو مغز تخم خیار از هر یک پنج درم بلعاب بزر قطونا حب سازند حب دیگر که سینه را پاک کند و آواز را صاف گرداند و حرارت و سرفه دایم را نافع باشد صفت آن مغز بادام شیرین مغز بادام تلخ بزرگ بریان کرده حلغوزه از هر دو درم کتیرا انیسون صمغ عربی اصل السوس از هر یک یکدرم فانیذ قند از هر یک چهار درم با آب رازیانه و قدری عسل حب سازند حب المسک بوی دهن خوش کند ولثه را قوت دهد صفت آن قرنفل قرنفل خولنجان عاقرقرحا از هر یک یکدرم گل سرخ صندل سفید هلیله از هر یک دو درم طباشیر یکدرم مشک کافور از هر یک دانگ کوفته و بیخته بگلاب حب سازند حب النکهة همین منفعت دارد صفت آن قاقله جوزبوا قرنفل کافور دارچینی خولنجان فوفل از هر یک یکدرم مشک دو دانگ پوست ترنج کبابه لسان از هر یک یک مثقال سعد کوفی دو درم بگلاب حب سازند حب دیگر که همین منفعت دارد صفت آن

مشک قرنفل قرفه جوزبوا سعد سنبل پوست ترنج عود خام مساوی کوفته
و بیخته با آب زردالو حب سازند هر یک بمقدار نخودی هر صباح و مسا یکی حب
از آن در دهن نگاه دارند حب دیگر که بوا ببرد و بماند و شراب از دهن ببرد
صفت آن پوست ترنج قرنفل مشک هیل زنجبیل کبابه بسباسه سعد کوفی
از هر یک یکدرم مشک طباشیر از هر یک نیم درم و عنبر نیم درم صندل سوده
بگلاب ده درم صمغ عربی دانگی بگلاب حب سازند و بدندان گیرند حب دیگر که
همین عمل کند کبابه چینی تمر نقل قرفه طباشیر از هر یک دو درم مشک دانگی عنبر
نیم درم عود خام یکدرم کوفته و بیخته بگلابی که صمغ عربی دران منقوع باشد
سرشته حب سازند حب مقل قابض خون رفتن از بواسیر باز دارد صفت
آن هلیله سیاه و پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله مقشر مقل از هر یک دو
درم مرجان و کهربا و دم سوخته از هر یک یکدرم مقل را بآب گندنا
حل کنند و داروها صلابه کرده بان بسرشند و حب سازند شربتی دو درم حب
مقل دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن هلیله کابلی بریان کرده بروغن گاو
سی درم کهربا ده درم مثقال مقل برابر ... حب کنند تا حل کنند و داروهای دیگر را
کوفته و بیخته با آب بسرشند و حب سازند شربتی دو درم حب ممسک طبیعت

ببندد خون

ببندد و خون باز دارد صفت آن سماق ده درم مازو یکدرم پوست انار
نیم درم حب الآس ده درم زبیب عجم سه درم کوفته و بیخته با آب و لعاب
صمغ عربی حب سازند شربتی دو درم با آب مورد بدهند و از عقب آن باره
با آب سرد بار خورند حب دیگر اسهال خون باز دارد صفت آن مازو گز
نارنج افیون مساوی با آب حب سازند شربتی دو دانگ حب دیگر که از
اسهال بلغمی باز دارد صفت آن مر قرفه جند بیدستر افیون مساوی کوفته
و بیخته حب سازند هر یک بمقدار یک فلفل شربتی سه حب تا پنج حب بخورند
حب از جهت اسهال کهنه و زحیر را نافع باشد که از حرکت و حرارت نباشد
صفت آن جند بیدستر اسارون میعه سایله بذر البنج سیاه کندر مساوی با آب
حب سازند شربتی دو درم حبی که در ساعت ببندد و صفت آن افیون
یکدرم اقاقیا دو درم گل سماق حب الآس از هر یک چهار درم کوفته
و بیخته بآبی که دران صمغ عربی منقوع کرده باشند حب سازند شربتی نیم
مثقال بخورند حبی که نعوظ تمام آورد و در بطوء انزال اثری تمام دارد صفت آن
عود خام قرنفل کبابه چینی قرفه فلفل تخم بابونه مرداسنگ ناسفته از هر یک
یکدرم کوفته و بیخته با قند بقوام آورده بسرشند و حب سازند هر یک بمقدار نخودی

حبی که مسکن اوجاع است صفت آن مصطکی حب الغار مر مکی زعفران فلفل
قرنفل جندبیدستر سنبل هندی عاقرقرحا از هر یک یکمثقال مشک دانگ
افیون یکمثقال و نیم بگلاب حل ساخته حب سازند شربتی یکدرم حقنه لینه
حمیات و برسام و امراض حاده را نافع باشد و طبع را نرم دارد صفت آن
عناب سپستان بنفشه شعیر مقشر نیم کوفته و بیخته پوست گندم خطمی خشک
اکلیل الملک از هر یک کفی انجیر پنج عدد در سه رطل آب بجوشانند تا بر
طل آید و بپالایند شکر سرخ پنجدرم روغن بنفشه یا بادام ده درم روغن
کنجد ده درم الکامه پنجدرم اضافه نمایند و نیم گرم کرده حقنه کنند حقنه لینه
دیگر انجیر ده عدد اصل السوس دو درم سپستان سی عدد کشنک جو یک کف
بنفشه نیلوفر از هر یک پنجدرم بابونه یک کف جمله را در سه آب بجوشانند
تا بنیم آید و صاف کنند و ده درم لعاب بزرقطونا و بیست درم روغن بنفشه
یا بادام ده درم الکامه و دو درم بوره ارمنی و یک درم نمک اضافه نمایند
بیست درم شکر سرخ دران حل کنند و لینه نوبت بریزند حقنه معتدله
حلبه بزرک انجیر عناب بنفشه سپستان خطمی بابونه اکلیل الملک خشک شبت
سبوس گندم از هر یک کفی به پزند چنانکه رسمست و بپالایند ده درم فانید

و دو درم

و دو درم بوره ارمنی و یکدرم نمک هندی و پانزده درم روغن کنجد اضافه
کنند و نیم گرم عمل نمایند حقنه حاره تخم حنظل افتیمون بسفایج از هر یک دو درم
قنطوریون یک کف به پزند و بپالایند و بیست درم شکر سرخ و ده درم روغن
بابونه اضافه نمایند و استعمال کنند حقنه دیگر قولنج بلغمی و ریاح و باد
های غلیظ را پاک سازند صفت آن حلبه بزرک قنطوریون بابونه
خشک کرده نیم خطمی از هر یک کفی انجیر سی عدد عناب سپستان از هر یک
سی دانه سبوس گندم برگ چغندر برگ کرنب شبت سداب از هر یک
دو دسته سکبینج مقل سیر از هر یک سه درم مغز تخم کافشه بیست درم
به پزند و بپالایند چنانکه رسمست و یکدرم نمک هندی و دو دانگ تخم
حنظل و دو دانگ بوره ارمنی و نیم درم جندبیدستر و ده درم الکامه و بیست
درم شکر سرخ اضافه کنند و استعمال نمایند حقنه دیگر استرخا و فالج
و امراض بلغمی را نافع باشد صفت آن سنای مکی پنجدرم بابونه کافشه
بابونه بید انجیر تخم کوفته از هر یک کفی نبر سیاوشان بادرنجبویه قنطوریون
دقیق از هر یک دو درم شکر سرخ پانزده درم الکامه ده مثقال آب
برگ چغندر روغن زیت از هر یک ده درم نمک بوره ارمنی از هر یک [illegible] درم

بطریق معهود عمل نمایند حقنه دیگر قولنج گشاید سنا رکی پنج مثقال گاوزبان
خشک شبت از هر یک سه درم رازیانه انیسون بسفایج از هر یک دو درم
بابونه سبوس گندم گل خطمی از هر یک ده مثقال انگاره کلفنه آفتابی از
هر یک ده درم بوره ارمنی بهم بپزند و صاف کنند چنانکه رسمست عمل نمایند
حقنه ریش روده و اسهال صفراوی را نافع باشد صفت آن آب برگ
ترفه آب لسان الحمل از هر یک چهل مثقال تخم مرغ بروغن گل آمیخته یک
بیضه اقاقیا نیم درم دم الاخوین چهار درم کاغذ سوخته سعید اب کهربا مرجان
گل مختوم از هر یک یکدرم بیکدیگر ممزوج سازند و استعمال نمایند حقنه دیگر قرح
امعاء و اسهال دموی را نافع باشد صفت آن کشک جو پنج شبانه
پرکرده بیز از هر یک سی مثقال بپزند و بپالایند سعید اب نشاسته
اقاقیا گلنار از هر یک نیم درم زعفران سماق ابیض از هر یک یکدرم
زرده تخم مرغ عددی بیه درم انجار روغن گل حل کنند و در یکدیگر ممزوج
سازند و استعمال نمایند بطریقی که رسمست باب [illegible] حقنه قوی
روده و معده و احشاء و جگر را نافع باشد و هاضم را قوت دهد و از
برای پیران بسیار خوبست صفت آن شراب کهنه ده رطل عسل صاف

سه رطل زنجبیل

سه رطل زنجبیل ده درم قافله جوزبوا زعفران از هر یک یکمثقال قرنفل مشک از
هر یک نیم درم دارچینی فلفل از هر یک یکدرم ادویه را نیم کوفته و بیخته کنند سوای مشک
و زعفران و در کیسه کنند و سر کیسه را محکم ببندند و شراب و عسل را بجوشانند و
کیسه را دران افکنند و هر ساعت بدست بمالند تا شراب بقوام آید پس
کیسه بردارند و مشک و زعفران دران حل و نگاه دارند خضاب که موی سیاه
کند و نگاه دارد مازو زنگ رطل کتیرا پنبه سوخته شب یمانی از هر یک نیم درم
نوشادر نمک اندرانی دو درم مازو را در روغن زیت بجوشانند تا شق شود
ادویه دیگر بکوبند با آب گرم بسرشند و بگذارند تا چهار ساعت بجوشی
بگذرد و بعد از آن سر و ریش بشویند و خشک کنند و خضاب را بدان بمالند
و بعد از شش ساعت با آب نیم گرم بشویند خضاب دیگر وسمه چهل درم حنا
پنجدرم کوفته و بیخته بروغن گل چرب سازند و با آب گرم بسرشند و شب
بمالند و صباح با آب گرم بشویند خضاب دیگر گل شقایق ده درم آمله
بنفشه پوست باقلای تر از هر یک پنجدرم کوفته و بیخته بسرکه بسرشند و بیست
روز در آفتاب نهند و سرکه اضافه کنند و بعد از آن بر ریش بمالند خضاب دیگر
جوز سرو در سرکه بجوشانند بیست درم مازوی سبز در روغن زیت بپزند تا خوب

شود و شش درم مس سوخته پوست گردکان سبز از هر یک ده درم برگ
و نشان شب یمانی اقاقیا آمله از هر یک شش درم قرنفل دو درم کوفته
و بیخته با آب گرم بسرشند و خضاب کنند و بعد از سه ساعت بشویند
خضاب دیگر پوست گردکان تر شب یمانی پوست انار مس سوخته از
مساوی کوفته و بیخته با آب گرم بسرشند و خضاب کنند خضاب دیگر
حنا چهار درم و سمه بیست درم پنبه سوخته شب یمانی نمک اندرانی
مازوی سبز بریان کرده در روغن زیت خبث الحدید از هر یک
سه درم کوفته و بیخته با آب گرم بسرشند و خضاب کنند خضاب دیگر شکوفه
گردکان و مغل با روغن زیت صلایه کرده استعمال نمایند بعد از شش ساعت
با آب گرم بشویند باب الدال دوای البته و آن را دواء الملوک خوانند
اوجاع مفاصل و بواسیر و ناسور و بهق و برص سفید و سیاه و جذام
را نافع باشد و حواس را قوی گرداند و باه را زیاده گرداند هر که این
معجون استعمال کند موی او جز آنکه سفید باشد والا سفید نشود صفت آن هلیله سیاه
بلیله آمله از هر یک سی شش مثقال شونیز بیست چهار مثقال فلفل اشق دار فلفل زنجبیل
فلفلمویه از هر یک بیست و دو مثقال قاقله صغار زرنباد خشک سعد کوفی از هر یک

دو مثقال کبابه

دو مثقال کبابه چینی عسل بلادر از هر یک شش مثقال فانید شصت مثقال فانید
را فانید کوفته در با تنیه کنند و در آب بگذارند و دواها را کوفته و بیخته عسل
بلادر با آن بسرشند و اقراص سازند هر یک دو مثقال و دو دانگ و نیم درهم
بامداد یک قرص ناشتا بخورند و در این سال که این معجون استعمال نمایند از ترشیها
و لبنیات پرهیز دوای المسک حلو ضعف معده و دل و خفقان و صرع را
و ضیق النفس و فالج و لقوه و تب ربع را سود دارد و بادهای زنان ند
آبستن را دفع کند و رنگ و روی نیکو گرداند انشاالله صفت آن
زرنباد درونج عقربی قرفه اشنه از هر یک یکدرم مروارید ناسفته
کهربا ابریشم مقرض از هر یک نیمدرم بهمن سرخ و سفید ساذج
هندی سنبل الطیب قاقله قرنفل جند بیدستر از هر یک چهار دانگ بو
زنجبیل دار فلفل از هر یک دو دانگ مشک دانگ و نیم مجموع کوفته و بیخته
بعسل کف گرفته بسرشند و بعد از چهار ماه استعمال نمایند شربتی یکدرم تا دو درم
کافور بو دواء المسک بارد کهربا پنجدرم طباشیر پنجدرم ورق گل سرخ
پنجدرم گشنیز خشک چهار درم گاوزبان هفت درم مروارید سه درم
ابریشم مقرض سه درم صندل سفید سه درم تخم خرفه پنجدرم مشک

یکدرم آمله هفت درم دارچینی دوازده درم زعفران یکدرم عسل و قند
سه وزن ادویه صفت آن افسنتین رومی صبر سقوطری از هر یک
هشت درم ربوند چینی شش درم نانخواه زعفران تخم کرفس از هر یک
چهار درم مشک ناردین ساذج هندی مروارید از هر یک دو درم جندبید
ستر یکدرم بهم عسل معجون سازند شربتی یک مثقال دوا المسک صلابت کبد
و طحال معده استسقا و برودت معده را نافع بود سده بگشاید
و بول براند و سنگ گرده و مثانه بریزاند و بدن را لاغر کند صفت آن
لک مغسول دوقو تخم کرفس چهار زیره کرمانی زنجبیل از هر یک هشت درم
کمافیطوس برگ فای خشک از هر یک چهار درم و چهار دانگ خیطا یا ما
زراوند مدحرج از هر یک یکدرم صبر سقوطری سنبل از هر یک دوازده درم
فو پانزده درم حب بلسان مصطکی قصب الذریره اسارون مقل از هر یک
شش درم کندر چهار درم دارفلفل زراوند طویل از هر یک سه درم اصل
السوس هشت و هشت درم سیساليوس سه درم کوفته و بیخته بعسل
معجون سازند شربتی یکمثقال دوا المسک صغیر منافع آن قریب بمنافع
کبیر است صفت آن لک مغسول قسط تلخ نفاح اذخر ترمس حب الغار خلبه

فلفل از هر یک

فلفل از هر یک دو درم ربوند چینی پانزده درم کوفته و بیخته ببرشند شربتی
یکدرم بطبیخ افسنتین یا باب آب گرم بخورند دوا الکرکم امراض جگر و سپرز
که از سردی بود نافع باشد و سده بگشاید و بادهای غلیظ دفع کند
و گرده و مثانه را قوت دهد و بول براند و استسقا را که بسبب درد سپرز
و جگر باشد سود دارد صفت آن زعفران دوازده مثقال اسارون
مو فو انیسون فطراساليون ربوند چینی از هر یک چهار درم سنبل شش درم
قسط سلیخه نفاح اذخر حب بلسان از هر یک یکدرم روغن بلسان
پنجدرم فوه دو درم رب السوس جعده مصطکی غافت از هر یک سه درم
مر صاف چهار درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی یکدرم تا دو درم
دوا الکرکم صغیر منافع آن قریب بمنافع کبیر است صفت آن زعفران
سلیخه سنبل از هر یک دو درم قسط نفاح اذخر دارچینی از هر یک یکدرم
کوفته و بیخته یکشبان روز بشراب انگوری ترکنند و روز دیگر بعسل معجون
سازند شربتی یکمثقال و سنبل الطیب اسارون قسط مصطکی زعفران
لک مغسول صندل سفید طباشیر سلیخه دارچینی از هر یک یکمثقال ورق
گل سرخ ده مثقال عسل سه وزن ادویه دوا الکرکم امراض سوداوی و

بلغمی و تبهای کهنه و ناقص و تنگی نفس و سرفه بلغمی و ورم که از سینه بیرون آید
و استسقا و درد سپرز و عسر البول را نافع باشد و سنگ گرده و مثانه
بریزاند و مضرت ادویه سمیه چون افیون و شوکران و بیخ لفاح را دفع
کند صفت آن گوگرد زرد بذر الانجره سعد قردمانا میعه سایله مر از هر یک
هشت درم سداب قسط تلخ از هر یک ده درم افیون زعفران اقرحا از هر یک
دو درم سلیخه [illegible] ده درم فلفل سفید بیست و دو درم کوفته و بیخته
بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال و حمی را باز دارد [illegible] بشکند و قولنج را نافع
باشد صفت آن [illegible] سپند جلنار از هر یک سی درم [illegible]
عاقرقرحا فلفل دار فلفل [illegible] اسارون سلیخه قسط زعفران زنجبیل
از هر یک دو دو درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی دو درم دواء
[illegible] ربیع و گزیدن عقرب و رتیلا و مانند آن را نافع باشد
از [illegible] در سکنجبین دهند و بعد از آن که چهل روز گذشته باشد
از [illegible] جانوران زهر دار در شراب ریزند و بخورند صفت آن
حلتیت سداب مر فلفل مساوی کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی
مقدار یک جوز بخورند دواء المازریون استسقا و اکثر امراض

سوداوی

سوداوی و بلغمی را زایل کند و نافع [illegible] باشد صفت آن [illegible]
خیسانیده یک شبانروز در سایه خشک کرده ده درم [illegible] هلیله کابلی [illegible]
هندی پوست هلیله زرد از هر یک نیم درم افتیمون تربد سفید از هر یک یک درم
کوفته و بیخته شربتی دو درم بخورند دواء الترنجبین جمیع [illegible] بلغمی را نافع باشد
صفت آن ترنجبین [illegible] از هر یک ده درم تربد سفید بیست درم شکر
طبرزد چهل درم شربتی یکمثقال دواء الترنجبین ضعف باه را که
سبب آن حرارت باشد نافع بود صفت آن ترنجبین سفید سی
درم در دو رطل شیر تازه بجوشانند تا بقوام آید و هر شب دو ملعقه بنوشند
دواء الخشک در تقویت باه بی نظیر است [illegible] ببرورند و هر روز تازه
میکنند صفت آن خشک کنند [illegible] خشک بکوبند و بیزند و در آب خشک
[illegible] سایه و روز در آفتاب ببرورند هر روز تازه میکنند چندانکه آب خشک
تر سه وزن خشک بکار رود پس خشک کنند و سه درم از آن با
ده درم [illegible] تازه و ده درم نبات بنوشند و [illegible] قدری زنجبیل
بکوفته [illegible] اضافه نمایند دواء البصل تولید منی کند و نعوظ آورد و نافع
مقوی باه بود صفت آن آب پیاز [illegible] در عسل معجون [illegible] بجوشانند

تا بخوابم و در وقت خواب دو مثقال از آن بنوشند و دواء الفرس جهت
ضعف معده که سبب آن رطوبت و برودت بود نافع باشد صفت آن
اهلیله سیاه بروغن گاو بریان کرده ده درم [illegible] پنج درم نانخواه
صعتر فارسی از هر یک سه درم خبث الحدید ده درم با شراب کهنه
بخورند دواء الخطاطیف خناق بلغمی و سوداوی را نافع بود چون بدان
غرغره کنند یا بر خارج حلق طلا کنند صفت آن تخم کرفس انیسون نانخواه
و [illegible] سپند دارچینی مرزراوند طویل زعفران از هر یک ده گل سرخ
بیست درم قسط رماد الخطاطیف از هر یک سی درم نشاسته سنبل الطیب از
هر یک پنج درم [illegible] ده عدد کوفته و بیخته بعسل بسرشند و استعمال نمایند
دواء الحرمل خاصیت دارد صفت آن حرمل اسپند تخم ترب حلبه شعیر [illegible]
[illegible] نوشادر اجزا مساوی کوفته و بیخته استعمال نمایند و [illegible]
کند و سرفه خشک را بغایت نافع باشد صفت آن خشخاش سفید با پوست
بیست عدد تخم خطمی کثیرا صمغ عربی تخم خیارین بهدانه [illegible] از هر یک
پنج درم اصل السوس بیست درم [illegible] دو درم مجموع در شش رطل آب
باران جوشانیده و دو شبانه روز تا نرم شود پس [illegible]

شود بیم آید

شود بیم آید و بعد از آن صاف کنند و یک من قند سفید اضافه نمایند و
بقوام آورند و [illegible] نسخه دیگر قریب المنفعت بنسخه اول صفت آن
خشخاش با پوست تازه سفید و سیاه از هر یک ده عدد و بنفشه صمغ
عربی از هر یک پنج مثقال اصل السوس سه درم آب انار شیرین بیست
مثقال قند سفید صد درم شربت سازند چنانکه رسم است دیگر [illegible]
اکله [illegible] را نافع آید صفت آن زرنیخ سرخ زرنیخ زرد
از هر یک شش درم [illegible] ده درم آهک آب نادیده پانزده درم زنگار
یک درم کوفته و بیخته بسرکه کهنه بسرشند و قرص سازند داروی که موی [illegible]
دراز و سیاه کند صفت آن [illegible] برگ مورد شونیز بریان کرده
[illegible] کوفته و بیخته بروغن زیت سرشته استعمال نمایند داروی که [illegible]
[illegible] را در آب حل کنند و [illegible] بشویند نافع باشد
داروی حب القرع و کرم دراز را بکشد و اخراج کند صفت آن قنبیل
[illegible] حب النیل از هر یک [illegible] درم ورمنه ترکی دو درم [illegible]
[illegible] از هر یک یک درم نمک هندی [illegible] کوفته و بیخته [illegible]
بیاشامند [illegible] داروی دیگر که همین خاصیت دارد [illegible] سه درم

تربد دو درم قنبیل یکدرم حب النیل نمک هندی از هر یک یکدرم
کوفته و بیخته بمویز منقی سرشته تناول نمایند داروی دیگر که چون بر
آتش نهند از دود آن جانوران بگریزند صفت آن زفت رومی
گوگرد زرد شاخ گوزن بادآورد مساوی کوفته زفت را بگدازند و
داروها کوفته و بیخته دران بسرشند و استعمال نمایند داروی که حبس
عرق کند صفت آن برگ مورد ورق گل سرخ صندل گلاب جوشانند
صندل گلاب جوشانیده جامه را بدان تر کنند و پیوسته اعاده نمایند دارو
که نافعست از جهت کرم که در گوش باشد صفت آن شراب دو درم
عسل سوزنان روغن گل یکدرم سفیده تخم مرغ دو بیضه مجموع را با
هم مخلوط سازند پشم پاره را بدان تر کنند و هم گرم در گوش نهند و
بر آن جانب تکیه کنند یکساعت بعد از آن نه یکبار پشم را بیرون
کنند کرم البته بیرون آید داروی که از جهت گزیدن عقرب بوجه
بالخاصیه نافع باشد صفت آن برنجاسف برگ مورد سوی تر بریان
کرده مساوی کوفته و بیخته بر روغن بادام اما سمک برگ توت کوفته و بیخته
روغن و پنبه بسرشند و در محل زخم نهند درد ساکن گردد و اگر قاقلی کوفته

بادوسنان

باده ورم گلقند سرشته ببویشند دوای که نافعست از جهت
درد دندان که سبب آن حرارت باشد صفت آن افیون نیم
دانگ در روغن گل حل کنند و قدری پنبه بدان تر کنند و بر دندان
نهند نافع باشد دوای که نافعست از جهت درد دندان که سبب آن
برودت باشد و آنرا بنادق الاسنان خوانند صفت آن خربق
سفید سعتر حلتیت فلفل مر زراوند مدحرج زنجبیل میعه افیون بزر
البنج مساوی کوفته و بیخته بعسل بسرشند و پنبه را بدان تر کنند
و بر دندان نگهدارند داروی که همان خاصیت دارد صفت آن
فلفل عاقرقرحا میویزج زنجبیل از هر یک یک جزو بوره ارمنی
نیم جزو کوفته و بیخته بعسل سرشته استعمال نمایند داروی که درد
دندان سوراخ دار را نافعست صفت آن فلفل عاقرقرحا بابزرد
مساوی کوفته فلفل و عاقرقرحا بکوبند و با پارند بسرشند و در سوراخ
دندان بپاشند نافعست داروی دیگر که لثه را محکم کند و گوشت
رفته را برویاند صفت آن کندر زرد زراوند مدحرج دم الاخوین گلنار
بیخ سوسن مساوی کوفته و بیخته بسکنجبین عنصلی بسرشند و استعمال

نمایند صفت دوائی دیگر که درد دندان را ساکن کند صفت آن عاقرقرحا
میعه میویزج از هر یک سه درم تخم [illegible] یکدرم آب گشنیز تازه
بیست مثقال چون شاینده حب سازند و بر دندان نهند اگر سداب
تازه مویز سیاه بکوبند و بر دندان نهند همین عمل کند
[illegible] در [illegible] ابتدای رمد را نافع باشد صفت آن
انزروت پرورده بشیر خر نشاسته صمغ عربی نبات مساوی کوفته
بیخته استعمال نمایند [illegible] نافع است از جهة کثرة المدة
و درد چشم که سبب آن رطوبت باشد صفت آن انزروت مربی
پنج درم سماق ماميثا دو درم صبر زعفران تخم کل از هر یک نیم درم
افیون چهار دانگ کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور اصفر دیگر
انزروت مربی نمایند ذرور اصفر دیگر که قرحه و مور سرخ را نافع باشد
صفت آن سرمه اصفهانی شادنج عدسی مغسول صلایه کرده و ذرور
سازند ذرور وردی ابیض که ابتدای رمد را نافع باشد صفت آن
اقلیمیای نقره سفیداب صبر سقوطری از هر یک دو درم کثیرا بیست
درم صمغ عربی چهل درم کل سفید شصت درم نشاسته سی درم

افیون ده درم

ده درم صبر زعفران [illegible] از هر یک دو درم [illegible] استعمال [illegible]

افیون ده درم کوفته و بیخته باب برگ رازیانه پرورده سازند و بعد از آن
ذرور کنند ذرور وردی حب [illegible] سنبل و دمعه را نافع باشد صفت آن
باران جینی یکدرم توتیای کرمانی پرورده و سپیج سوخته پرورده توتیا [illegible]
مس مغسول سرمه اصفهانی پرورده از هر یک دو درم کوفته و بیخته استعمال
نمایند ذرور دیگر که مور سرخ و شره و قرحه طبه را نافع باشد صفت آن
سفیداب [illegible] سه درم اقلیمیا نقره دو درم دو دانگ صمغ عربی
یکدرم دو دانگ انزروت نیم درم مس سوخته دو دانگ و دو حبه
شادنج مغسول چهار دانگ کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور انزروت
قرحه را پاک سازد صفت آن نشاسته انزروت [illegible] سفید
اج رصاصی از هر یک دو درم کوفته و بیخته ذرور سازند ذرور
معسل بیاض را نافع بود چون در قرینه [illegible] نباشد صفت آن
سرگین خطاف عاقرقرحا انزروت زنگار کف الکعبه مسحوق [illegible] اقلیمیا
کوفته بعسل مصفی بسرشند ذرور وردی که دمعه و جرب و ضعف بصر
را نافع بود و پیران را بسیار موافق باشد صفت آن توتیای
مغسول ده درم پوست هلیله زرد صبر سقوطری دار فلفل زرد چوبه از

هر یک نیم درم فلفل دو درم کوفته و بیخته استعمال نمایند که نافع است

ذروری که نافعست از جهت درد چشم کهنه و سرخی و آب

رفتن صفت آن توتیای مغسول نشاسته سفیداب ارزیز مساوی

کوفته و تحریر بیخته ذرور سازند ذرور ظفره صفت مامیثا و ...

جاما از هر یک دانگی و نیم سرمه فلفل زنگار از هر یک یکدرم کوفته

و بیخته ذرور سازند ذروری که نافعست از جهت جرب و سبل

و ظفره و اکله حیض صفت آن اقلیمیا صمغ عربی از هر یک سه درم

زعفران فلفل شنگرف از هر یک دو درم افیون یکدرم و نیم صلایه

کرده استعمال نمایند ذروری که از جهت درد چشم اطفال نافعست

صفت آن انزروت مربی ... از هر یک ده درم مامیران دم

الاخوین از هر یک دو درم کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور ... از

فلفل دو دانگ هلیله زرد حضض مر از هر یک دو درم زبد البحر یکدرم ما

میران چینی دو درم زبد البحر حضض یکی صبر سقوطری دارفلفل پوست هلیله

زرد از هر یک یکدرم انزروت مربی چهار مثقال صمغ عربی یکمثقال کوفته

و بیخته ذرور سازند ذرور بیاض سادج هندی شش درم مس سوخته

در آبی ریزند در زمان از آتش فرو گرفته باشند استعمال نمایند روغن قسط

نسخه دیگر درد جگر و معده سرد و مفاصل و استرخا را نافع باشد صفت آن

قصب الذریره سنبل سادج هندی میعه سائله پنج سوسن قرفه اشنه قسط

از هر یک بیست درم راسن خشک سلیخه عود بلسان از هر یک ده درم

... قرنفل از هر یک نیم درم مجموع ... کوفته در ... آب ...

من آب و با نیم من روغن کنجد بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن

قسط نوع دیگر سردی جگر و معده را نافع باشد چون بیاشامند چون ...

محلی که موی رفته باشد بمالند موی برویاند و اعصاب را محکم کند صفت آن

قسط تلخ صد درم ماخوذ ... درم سلیخه شش درم مجموع را نیم کوفته

کنند و در شراب ... یک شبانروز ... بجوشانند و بپالایند ... چهار

یک روغن زیت با روغن کنجد بر روی آن ریزند و بجوشانند تا روغن بماند

روغن قسط نسخه دیگر که امراض بارده را نافع باشد و محلل ریاح و مواد

غلیظ و مقوی اعصاب است صفت آن قرنفل سلیخه از هر یک ده درم

قصب الذریره سنبل سادج قرفه اشنه ... قسط از هر یک بیست

درم زرنباد نیم درم و نیم درم بیخته در آب ... بجوشانند که آب برود و روغن

کنجد اضافه نمایند و چندان بجوشانند که آب برود و روغن بماند روغن
شونیز فالج و لقوه و تشنج را سود دارد صفت آن شونیز بیست درم مغز
بادام تلخ سی درم بکوبند و روغن از آن بکشند روغن افسنتین معده
و جگر و جمیع اعضا را قوت دهد صفت آن روغن زیت یا روغن کنجد
چون ترید روغن بدو الکوی نخ نیم من افسنتین رومی تازه دو سیر و نیم در شیشه
کنند و چهل روز در آفتاب بیاویزند روغن فرفیون همه دردها را که از سرد
بوده باشد زایل کند و فالج و استرخا را سود دهد صفت آن نفط ده درم
کندس چهل درم چند بیدستر پنج درم بوره جبلی خشک دوازده درم عاقر
قرحا هفت درم سکبینج سه درم جمله نیم کوب کنند و در چهار صد درم شراب
کهنه بریزند تا نه جوشش برود و یک بخش بماند نصف از روغن خیری با
آن بیامیزند و به پزند تا شراب برود و روغن بماند پس هژده درم روغن
و دو درم افیون تازه در آن اندازند و یک جوش بدهند و بردارند روغن
سوسن برودت و اختناق رحم را سود دارد و درد گرده و مثانه سرد را گرم
کند صفت آن [illegible] نفط از هر یک ده درم قرفه قرنفل
مصطکی از هر یک پنج درم گل سوسن سی عدد زعفران ده درم زردی از

سوسن بیاد

سوسن بردارند و یک رطل و نیم روغن کنجد در شیشه کنند و داروهای کوفته
بروی افکنند و نزدیک آفتاب نهند در سایه چهل روز بگذارند پس بیرون
آورند و نگاه دارند روغن بیدانجیر ساده مسهل بلغم بود و اعصاب را
از رطوبات پاک سازد صفت آن بیدانجیر بریان کرده نرم بکوبند و
بجوشانند و کف میگیرند و نگاه میدارند تا تمام کف بردارند و آب زرد بماند
و آن آب را بریزند و آن کفها بجوشانند که تمام با روغن صاف میشود روغن
بیدانجیر مرکب لقوه و نشره و جگر و سپرز را نافع باشد و قولنج بگشاید
صفت آن نانخواه سعتر پودنه کوهی تخم کرفس انیسون مصطکی اسارون
از هر یک بیست درم بیخ کرفس بیخ بادیان بیخ سوسن زراوند خشک
از هر یک ده درم سبطرح مغل از هر یک پنج درم سکبینج جاوشیر زرنباد
درونج عقربی از هر یک سه درم زنجبیل دارچینی قاقله حب البوا کبابه دار فلفل
جوز بوا بسباسه سونیز نفط کرده از هر یک چهار درم مجموع نیم کوفته بخیسانند
در آب یک شبانه روز بجوشانند تا نرم شود و به پالایند و صد و پنجاه درم روغن
بیدانجیر ساده بروی آن کنند و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند شربتی دو
درم تا سه درم ماء الاصول بخورند روغن [illegible] کنند روغن زیت بود

کرم نیز از روغن بیدانجیر باشد و درد گوش را نافع باشد و باد که در
گوش نافع باشد و باد که در گوش بود دفع کند صفت آن آب
سه جزو و بگیرند و روغن کنجد یک جزو بجوشانند تا آب همه برود و روغن
بماند روغن خشخاش عسر البول را عظیم نافع بود صفت آن خشخاش ده مثقال
زنجبیل چهار مثقال و نیم کوفته و بیخته بجوشانند و بپالایند و […] یک
روغن کنجد اضافه نمایند و بجوشانند تا آب برود و دیگر روغن بماند روغن
بکر […] و […] آن سرسام و مالیخولیا را نافع باشد صفت آن
کدو تازه بستانند و پوست آن بخراشند و با شحم و تخم بکوبند و آب
بگیرند به هر چهار من یکمن روغن کنجد بروی بریزند و بجوشانند تا آب برود و
روغن بماند اما بهتر آنست که از مغز دانه کدوی خشک بگیرند […] روغن
بادام روغن ریحان فالج و درد زانو نافع باشد صفت آن آب ریحان
دو جزو و روغن کنجد یک جزو و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن
لاله معده سرد را گرم کند صفت آن […] لاله بر زنیادت او جدا کنند و در
شیشه کنند و روغن زیت […] بریزند و یک ماه زیر آفتاب بیاویزند
روغن که درد گوش که از گرمی باشد زایل کند صفت آن روغن گل ده درم

روغن بادام

روغن بادام شیرین پنج درم سرکه کهنه سی درم با یکدیگر ممزوج کنند و بجوشانند
تا سرکه برود و روغن بماند و در گوش بچکانند روغن کندر درد گوش که از
سردی بود زایل کند صفت آن کندر پنج درم صبر مر مصطکی چند بیدستر حضض
زهره گاو از هر یک یک درم روغن بادام تلخ بیست درم شراب کهنه
چهل درم ادویه کوفته با شراب روغن بجوشانند تا روغن بماند و بپالایند
در گوش بچکانند روغن مصطکی معده را قوت دهد صفت آن روغن
زیت پنجاه درم در شیشه کنند و ده درم مصطکی بر وی بریزند و دیگی را با نیم آب
کنند و آن شیشه را در میان آن دیگ بیاویزند و آتش کنند تا آب بجوشد
چندانکه مصطکی گداخته شود روغن مورد موی را نگاه دارد و از ریختن
باز دارد و باید صفت آن بگیرند آب مورد سه جزو و روغن زیت یک
جزو با یکدیگر بجوشانند تا نزدیک آنکه آب برود و روغن بماند قوی لادن
در آن اندازند تا بگدازد و فرو گیرند روغن دیگر که موی را محافظت کند صفت آن
پوست هلیله کابلی آمله و برگ مورد از هر یک یک جزو و در شراب ریحانی
خیسانند یک شبانروز پس بپزند و بپالایند و یک جزو روغن کنجد در آن
ریزند و در هر صد درم روغن ده درم لادن وقت فرو گرفتن بیندازند تا

بگذارد دو شب موی را در آن چرب کنند و صبح بحمام بشویند روغن دیگر
موی را سیاه کند و درازی بخشد و از افتادن نگاه دارد صفت آن سادج
هندی حماما حصص لکی لادن آمله از هر یک پنج درم کوفته در سه رطل آب
بپزند تا بربع آید و یک رطل روغن کنجد بر آن ریزند و بجوشانند تا آب برود
و روغن بماند و هر روز سر با آب حنظل و آب برگ کنجد بشویند و این روغن
بمالند روغن دیگر که موی را سیاه کند تا مدت شش ماه سیاهی بماند صفت
آن بستانند جوز هندی و سر آن برگیرند و مغز آن بیرون آورند و هجده درم
از آن مغز با ده درم آمله و دو درم براده آهن و نیم درم بوره ارمنی درم
بسایند جزو و در میان آن جوز هندی کنند و سر آن بخمیر حکمت گیرند و تمام جوز را
در گل حکمت گیرند و در میان آتش نهند چنانکه یکساعت بگذرد و از آتش بیرون
آرند روغنیکه از او زاید شود در موی مالند که مقصود حاصل است روغن حنا
موی را سیاه کند و حرق النار و اوجاع مفاصل را نافع باشد صفت آن
حنا یک جزو یک در دو من آب بجوشانند تا بیکمن رسد و بپالایند و با
نیم من روغن کنجد بجوشانند تا روغن بماند روغن آمله موی را سیاه کند
و قوی گرداند آمله مقشر برگ مورد و پوست بیخ صنوبر مساوی کوفته و بیخته

در آب بپزند

در آب بپزند تا مهرا شود و صاف کنند و همچنان روغن کنجد اضافه کنند
و بجوشانند تا روغن بماند روغن حنظه دو هفته بر هر موضع که مالند موی
برو یابند صفت آن بگیرند یک خربزه و سوراخ کنند و دانه از آن بیرون
آرند و سی عدد زرده تخم مرغ در اندرون آن خربزه کنند با سیر روغن
زیت و برگ مورد [illegible] و براده آهن صلایه کرده از هر یک ده درم درم
در اندرون خربزه کنند و سوراخ خربزه را محکم کنند و در گل حکمت گیرند و
یک شب در تنور نهند روز دیگر بیرون آرند و گل از آن جدا کنند و این خربزه
را با روغن زیت بمالند تا نرم شود و نگاه دارند روغن که شعر را بافراط آرد
چون بر بن مالند صفت آن نوشادر نمک نفط تخم سپندان حب فلفل
سیاه زنجبیل کاکنج مساوی کوفته نیم کوب کنند و در آب بجوشانند تا
مهرا شود پس صاف کنند و با دو یه مقدار آب که مانده است روغن بیدانجیر
کنند و بجوشانند چندانکه آب برود و روغن بماند روغن به معده را قوت
دهد و حبس عرق کند اگر بروی کمت کباب کنند و باز جوش ندهند اسهال باز بندد
صفت آن آب به دو جزو آب برگ مورد یک جزو و روغن گل یک جزو
بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن ما زریون استسقا را نافع

صفت آن برگ مرزنجوش یک چاریک در سه من آب بجوشانند تا
به نیم آید و سه وقیه روغن بادام دران افکنند و بجوشانند تا روغن بماند
شربتی یکدرم با شیر بخورند روغن بنفشه بادام سرد و تر بود و جرب مالیدن
را نافع بود و صلابت مفاصل را نرم کند و در ناخن مالیدن صحت آن را نگاه
دارد و دفع بیخوابی کند صفت آن مغز بادام شیرین که تلخ درو نباشد
سفید کنند و نیم ساز ند و خشک گردانند و در هر دو من بادام یکمن
مشک بر و پشس ریزند و در خلیط کرباس نو روز در میان بید رها کنند
و بعد از ان بیاز و جدا کنند بنفشه بر و پشس ریزند هر هفته بنفشه تازه بر و پشس
ریزند چند روز در زیر جامه خواب بگذارند تا بوی بنفشه خوب بگیرد و بعد از ان
معلق بیاویزند تا نیک خوش بو شود و بنفشه از ان جدا سازند و روغن
او بکشند چنانکه رسم است روغن گل بادام معتدل بود در حرارت و
روغن گل بادام برودت دماغ را نافع باشد و ادرار بیفزاید و
اسهال مراری باز دارد و درد سر را که از گرمی بود دارد و چون در آب
سرکه بریزند و بر صاحب جرب و حکه بمالند نیک شود صفت آن بجای
بنفشه گل سرخ کنند هر ده من بادام دو من ورق گل روغن گل سرخ و

سفید و شقایق

سفید و شقایق و زنبق و یاسمین و نرگس و سداب و شبت و بابونه و هر چه تازه
باشد دستور بانست که در شیشه کنند و در آفتاب آویزند یکروز
روز دیگر روغن بر و پشس ریزند و در آفتاب آویزند روغن اترجه که آن
را دهن المبارک گویند خواص بسیار دارد گرم تر از نقطه سفید است
و لطیف تر امراض بارده را بغایت مالیدن خوب کند و جهت گزیدن
عقرب و کسر را که افیون و یا بذر البنج خورده باشند نافع بود صفت آن
اترجه سرخ روغن سورنجان سورنجان مصری و آب کرفس تازه از هر یک
ده مثقال قصب الذریره پنج مثقال سورنجان و قصب الذریره بخیسانند یک
شبانروز روز دیگر بجوشانند تا مهرا شود و پالایند و آب کرفس اضافه
نمایند و با یک چاریک روغن زیت بجوشانند تا آب برود و روغن
بماند روغن کراث بواسیر را نافع بود صفت آن آب گندنا
یکمن روغن کنجد نیم من با ده درم مقل بجوشانند تا آب برود و روغن
بماند تا نوره روغن جهت سرعت انزال نظیر ندارد و چون کف پا را
بران چرب کنند صفت آن تا نوره را پوست پاک کنند و نیم کوفته
در میان شیشه کردن و دراز کنند و سر شیشه را بخوی آب محکم سازند و

شیشه را بگل حکمت گیرند و کاسه بزرگ که آتش توان کرد ترتیب
نمایند و پنج کاسه را سوراخ کنند و سر شیشه را از ان بیرون آرند و
در زیر شیشه پیاله نهند و کاسه را بر بالای سه پایه نهند و آتش از بالای
شیشه کنند و در اندرون کاسه روغن که از و بچکد نگاه دارند
روغن عقرب سنگ مثانه را پاره پاره کند و بیرون آورد
صفت آن ریوند چینی سعد هندی حنطیانا پوست بیخ کبر از هر یکی
یک درم روغن بادام تلخ یک رطل دارو را کوفته و بیخته در
شیشه کنند و روغن بر سر آن ریزند و یک هفته در آفتاب
نهند و بعد از ان بیالایند و ده عقرب زنده در ان اندازند و سر
شیشه به بندند و یک هفته دیگر در آفتاب گذارند پس بپالایند
و قطره از ان در احلیل چکانند روغن ناردین منقول از قانون
اوجاع بارده را و احشای قولنج و مغص ریحی را نافع باشد
و بادهای غلیظ را دفع کند و در گوش ساکن گرداند چون در بینی
چکانند صداع و شقیقه بارده را سود دهد و رنگ را خوب
گرداند و رحم را گرم گرداند چون در احلیل چکانند امراض

مثانه را نافع باشد و این روغن اشرف روغن هاست منافع
این بسیار است صفت آن قصب الذریره سعد ورق الغار عود
بلسان ملک سادج هندی برگ مورد اذخر ابل راهن فو مامیران
زنجبیل مساوی نیم کوفته در شراب و آب جلیبا نهند یک شبان
روز روز دیگر صاف کنند با روغن کنجد بجوشانند تا آب برود و روغن
بماند روغن ناردین به نسخه دیگر اورام صلبه و معده را نافع باشد
صفت آن روغن بان رطل مصطکی قسط سعد اذخر قصب الذریره
از هر یک یک درم و نیم کوفته در شیشه کنند و سرش محکم سازند و یک
هفته در آفتاب بگذارند و بعد از ان صاف کنند و ادویه را دیگر باره
در ان ریزند و همچنین سه نوبت بعد از ان صاف کرده استعمال نمایند
رماد العقرب سنگ گرده و مثانه را بریزد صفت آن بگیرند عقرب
را در شیشه کنند و محکم در گل حکمت گیرند در تنور گرم نهند شش
ساعت پس بیرون آرند و کوفته و بیخته یک دانک استعمال نمایند
باب الراء زر عونی بشت و گرده را محکم کند و معده را قوت
دهد و بلغم دفع کند و بوی دهن خوش کند و آب از دهن رفتن

باز دارد و بادهای غلیظ را بشکند و ریگ از مثانه پاک گرداند و منی
بیفزاید صفت آن تخم کرفس تخم کرز تخم شلغم شبیت نانخواه تراز
تخم خربزه مغز تخم بادرنگ بیخ کرفس از هر یک پنج درم مثقال عاقرقرحا
قرحا قرفه زعفران مصطکی عود خام از هر یک پنج درم بسباسه قرنفل
کبابه حبی فلفلمویه از هر یک سه درم عنبر اشهب یک مثقال عسل سه وزن
ادویه عنبر را در عسل کف گرفته بگدازند و ادویه را کوفته و بیخته با آب
بسرشند و بعد از دو ماه استعمال نمایند شربتی دو مثقال دیگر
منی بیفزاید و باه را قوت دهد و نشیت و گرده را محکم کند و در امر مجامعت
عظیم نافع است صفت آن تخم کرفس تخم کرز تخم شلغم شبیت نان
خواه مغز تخم خربزه مغز تخم بادرنگ بیخ کرفس مغز حب القلقل
مغز حب الزلم مغز نارجیل تازه مغز چلغوزه از هر یک پنج مثقال
بسباسه قرنفل فلفلمویه عاقرقرحا کبابه حبی زنجبیل تخم اسپند تخم
جرجیر تخم پیاز الدجب شاد الجزره تخم کندنا خولنجان جوز بوا کل
قرفه دار فلفل از هر یک سه درم قرفه زعفران و کندر از هر یک
چهار درم تخم هیوف بوزیدان بهمنین شقاقل لسان العصافیر از هر یک

بجز درم بدل

پنج درم بصل الفار بریان کرده یک درم خصیت الثعلب قضیب گاو سوده مغز
کل کنجشک بیر خشک مربی خرما کس از هر یک ده درم مثقال عنبر اشهب ده
مثقال مشک خالص نیم مثقال قند بوزن ادویه عسل بوزن مجموع بطریق
معهود معجون سازند گرم مزاج را دو مثقال بنوشد و از عقب آن ده
درم شیر و ده درم شکر در آن حل کرده بیاشامند و سرد مزاج ده درم
فرو برد بعد از آن یک کاسه ماء العسل بیاشامند باب السین
سفرجل مسهل معده را قوت دهد و اشتهای طعام آورد و قولنج بگشاید
صفت آن به را بوست دوانه پاک کنند نیم من در سرکه با شراب بجوشانند
و از غربال بیرون کنند و یکمن عسل بر آن بریزند و بجوشانند تا بقوام آید
و این دارو ها که مذکور میشود کوفته و بیخته با آن بسرشند زنجبیل دار فلفل
قاقله صغار و کبار دارچینی زعفران از هر یک سه درم مصطکی پنج درم تربد
سفید سی درم سقمونیا ده درم شربتی از پنج مثقال تا هفت مثقال با آب گرم
جهت قولنج نافع باشد سفرجلی ناالبتالی صاحب مزاج گرم را موافق
بتر در فصل گرما توان داد و از این جهت محمد ذکریا این را سفرجلی نام نهاده
صفت آن سقمونیا دو درم و نیم تربد سفید ده درم مغز تخم خیار

مغز تخم کدو از هر یک پنجاه درم ورق گل سرخ و طباشیر از هر یک دو
درم و نیم ترنجبین که اضعف شود و بقوام آید پس داروها کوفته و بیخته با آن
بسرشند و این جمله ده درم شربت است سکنجبین ممسک که شکم ببندد
و معده را قوت دهد و دفع قی کند و لون را نیکو گرداند و اشتهای طعام
آورد صفت آن به اصفهانی از پوست و دانه پاک گردانند نیم من
و در که بجوشانند تا مهرا شود و بعد از آن بکوبند و نیم من عسل بر سر آن ریزند
و بجوشانند تا بقوام آید و فرو گیرند و این داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند
زنجبیل فلفل دار فلفل از هر یک چهار درم تخم کرفس نانخواه زعفران
از هر یک دو درم شربتی چهار مثقال سکنجبین بادها غلیظ را دفع کند
و درد دندان و قولنج و عسر البول بلغمی را سود دارد و سده جگر بگشاید
و صلابت اثر الخلیل و به معده را گرم گرداند تخمه را نافع بود و سرد
مزاج را موافق باشد صفت آن حبه سه ستر و در حی افیون
اسارون فو موز از هر یک یک درم فلفل و دار فلفل مار و قسط از هر یک
شش درم درم زعفران نیم درم مازو را در عسل بگدازند تا داروها کوفته
و بیخته با آن بسرشند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی نیم مثقال تا دو درم

باب کرم

بابت گرم سکنجبین ده صفرا دفع کند محروری مزاج را موافق
باشد و تبهای حاده و جگر را نافع بود و تشنگی بنشاند و سده جگر
و سایر بدن را بگشاید و بول براند صفت آن قند سفید یکمن
در دیگ کنند یک چهار یک سرکه صاف بر وی ریزند و بجوشانند
تا بقوام آید و یک وقیه گلاب بر وی ریزند و فرو گیرند سکنجبین بزوری بارد
سده جگر بگشاید و بول براند و استسقا را و تبهای حاده را نافع باشد
و تشنگی بنشاند صفت آن پوست بیخ کاسنی هفت درم سه تخم
از هر یک پنج درم و نیم کوفته و بیخته در آب و یک چهار یک سرکه با آن
شبانروز بخیسانند روز دیگر بجوشانند و بپالایند و یک من قند بقوام
آورده در وی ریزند و دیگر باره بقوام آرند و فرو گیرند سکنجبین بزوری حار
سده جگر و معده بگشاید و بول براند و فضول را از معده پاک کند
و مستسقی را نافع باشد صفت آن تخم کاسنی نیم کوفته و تخم کشوث
تخم کرفس و رازیانه انیسون از هر یک پنج درم پوست بیخ رازیانه پوست
بیخ کرفس از هر یک ده درم در آب و سرکه بخیسانند چنانکه مذکور شد و یک من
قند اضافه نمایند بقوام آرند سکنجبین ریوندی یرقان و درد جگر که از گرمی

یرقان و درد جگر که از گرمی باشد صفت آن تخم کاسنی نیم کوفته بیست
درم تخم شاهترج تخم کشوث از هر یک ده درم ریوند چینی پنج درم ریوند
کوفته در کیسه کنند و سر کیسه را ببندند با ادویه دیگر در دو من آب بجوشانند زمان
زمان کیسه ریوند را می مالیده باشند تا شیره تمام در دهد و بعد از آن صاف
کنند با یکمن قند و چهل مثقال سرکه بجوشانند تا بقوام آید شربتی پانزده م
پنج درم گلاب بخورند سکنجبین ریوند نوع دیگر درد جگر را سود دارد و سده
بگشاید و طبع نرم گرداند صفت آن ریوند چینی سی درم تربد سفید بسفایج
فستقی تخم کاسنی نیم کوفته از هر یک بیست درم غاریقون مقشر پنج درم
مجموع را در دو من آب بپزند سه درم و دو دانگ زنجبیل کوفته اضافه
نمایند با یک چهار یک سرکه و یکمن و نیم قند چنانکه ذکر رفت بجوشانند
و بقوام آورند سکنجبین بزوری معتدل سده و سپرز و جگر بگشاید و
بول براند بتبهای مرکبه را نافع باشد صفت آن تخم کاسنی رازیانه
تخم کرفس از هر یک سه درم سه تخم از هر یک پنج درم پوست بیخ کاسنی
پوست بیخ رازیانه از هر یک هفده درم مجموع را نیم کوفته در سه رطل آب
و بیست درم سرکه خیسانند یک شبانروز دیگر بجوشانند با یکمن قند بقوام

آورند سکنجبین

آورند سکنجبین رمانی تب ربای محرقه و جگر و معده گرم را نافع باشد و
تشنگی بنشاند صفت آن آب انار شیرین و آب انار ترش از هر یک
نیم من بجوشانند تا بقوام آید اگر بعوض سرکه تمر هندی کنند شاید سکنجبین
سفرجلی معده و جگر را قوت دهد و اشتهای طعام آرد و سده جگر بگشاید
و ناشتا نیز مفید باشد و طعام را هضم کند صفت آن آب به صاف
کرده یک من تا چهار یک سرکه و یک من قند بجوشانند بقوام آورند
اگر بجای سرکه آب لیمو کنند صواب باشد سکنجبین لیمون که همین
خاصیت دارد آب به پنجاه مثقال سرکه صاف کرده و گلاب و آب لیمو را
از هر یک سی مثقال قند سفید یک من بجوشانند و بقوام آورند سکنجبین دیگر
که صلابت سپرز را نافع باشد صفت آن ریوند چینی غاریقون چوب پوست
بیخ کبر پوست بیخ درخت بید گز مازج افتیمون عافت تخم کشوث تخم
کاسنی از هر یک ده درم در یک چهار یک سرکه و آب خیسانند و بجوشانند
و بقوام آورند با یکمن قند سکنجبین دیگر که حرارت معده و صفرا بنشاند
و اسهال صفراوی [illegible] و کسی را که اکله پدید آمده باشد نافع باشد
صفت آن سرکه [illegible] و گلاب از هر یک چهار یک برگ سماق پنجاه

درم گلنار بیست درم در سرکه و گلاب از هر یک خیسانند و سه شبانروز بگذارند
بعد از آن بجوشانند و بپالایند و با یکمن قند سفید بقوام آورند سکنجبین
افتیمون مالیخولیا و اصحاب بوحش و صرع را نافع باشد صفت آن
افتیمون ده درم بسفایج فستقی تربد سفید از هر یک شش درم گاوزبان
پرسیاوشان تخم کاسنی ابریشم خام کشوث بیخ کاسنی از هر یک پنجدرم
کاشادروق گل سرخ گمافیطوس از هر یک چهار درم تخم بادرنج هندی
نخود بنداز هر یک سه درم نانخواه نمک سیاه زیره از هر یک یکدرم
در آب آنار کوفته و بیخته حل کنند شربتی سه درم سفوف افیون بادهای
معده را در اخلاط غلیظ پاک کند صفت آن کرفس از هر یک پنجدرم کندر
چهار درم فقاح اذخر سنبل مصطکی از هر یک سه درم سفید آن سفیدی
درم کوفته و بیخته با فانیذ بسرشند شربتی پنجدرم سفوف جوز اسهال
بلغمی را باز دارد صفت آن جوز بریان کرده سه درم نانخواه یکدرم
کندر نیم درم کوفته با آب گرم بنوشند سفوف مقل با بواسیر و
مغص و اسهال کهنه و زحیر و ضعف معده را نافع باشد صفت آن
تخم تره تیزک بیست درم زیره کرمانی در سرکه خیسانیده و خشک کرده

بریان کرده

بریان کرده پنج مثقال بذر کتان تخم گندنا هلیله سیاه در روغن زیت
بریان کرده از هر یک دو مثقال مصطکی یکمثقال کوفته و بیخته سوی تخم تره تیزک
شربتی دو درم با آب سرد سفوف خشکه سلس البول را نافع است صفت آن
بلوط پنجاه درم کندر سی درم کشنیز خشک بریان کرده گل ارمنی صمغ
عربی از هر یک ده درم گلنار کزمازج از هر یک پنجدرم شربتی کرمانی سه
درم با آب خالص سفوف دیگر همین خاصیت دارد صفت آن کندر سعد
کوفی پنجاه زیره کرمانی شاه بلوط حب الآس مساوی کوفته و بیخته بنوشند
سفوف نمک معده و جگر را و جامع مفاصل و هر مرضی که سبب آن امتلا باشد
نافع است صفت آن نمک طعامی سی درم فلفل سفید بیست درم زنجبیل
پانزده درم افتیمون هفت تخم جرجیر نانخواه نوشادر فلفل سیاه فوتنج
از هر یک ده درم کوفته و بیخته شربتی سه درم با آب گرم بخورند سفوف
هلیله درم جگر را نافع باشد صفت آن پوست هلیله کابلی هلیله سیاه
از هر یک چهل درم تخم کرفس رازیانه از هر یک پنجدرم کوفته و بیخته شربتی
سه درم با شیر [illegible] بخورند سفوف دیگر ورم جگر را نافع باشد و بول
براند صفت آن تخم خربزه تخم خیارین از هر یک پنجدرم تخم کاسنی

تخم کشوث از هر یک سه درم تخم کرفس رازیانه انیسون رب السوس
از هر یک دو درم عصاره زرشک چهار درم ریوند چینی یک مثقال لک
مغسول چهار دانگ زعفران سنبل مصطکی افسنتین از هر یک یک درم
کافور دو دانگ شربتی سه درم سفوف [illegible] نخود سفید پنجاه درم
در سرکه و قدری آب خیسانند یک شبانروز خشک و برنج شسته خشک
کرده و نان میده خشک کرده از هر یک سی درم خشخاش سی درم شکر
نیم من مجموع کرفته و در یکدیگر مخروج سازند و هر صباح سی درم خشخاش
با سی درم شکر تازه بیاشامند سفوف [illegible] از جهت زحیر مجرب است
صفت آن تخم تره تیزک بریان کرده بذر قطونا بریان کرده ابهل بریان
کرده از هر یک دو درم زیره کرمانی تخم کندنا شبت خشخاش انیسون
تخم کرفس بذر البنج از هر یک دو درم تخم افیون سه درم دو دانگ کوفته
و بیخته دو درم از آن سفوف سازند سفوف دیگر که نفث الدم را نافع
باشد صفت آن طباشیر گل سرخ گل ارمنی گل مختوم شادنج عدس
مغسول تخم خرفه از هر یک پنج درم [illegible] خشخاش
رب السوس اقاقیا عصاره لحیة التیس از هر یک [illegible] درم بذر قطونا [illegible]

درم افیون

درم افیون دو درم مجموع کوفته و بیخته سوای بذر قطونا سفوف سازند شربتی
دو درم با آب باران یا آب خرفه و اگر حرارت قوی نباشد سه درم
کندر را اضافه این داروها نمایند سفوف حب الرمان ضعف معده و
امعا و اسهال مراری را نافع باشد صفت آن انار دانه بریان کرده ده
درم بلوط سماق زیره کرمانی مدبر حب الآس سنجد کشنیز خشک بریان
کرده خرنوب نبطی آرد کنار از هر یک پنج درم عود خام پنج درم املج [illegible]
کوفته و بیخته با آب رب به استعمال نمایند شربتی سه درم سفوف الطین
و آنرا سفوف النسا نیز گویند اسهال مراری را نافع باشد صفت آن
بذر قطونا تخم ریحان تخم مرو [illegible] تخم حماض بری بریان کرده صمغ
عربی گل ارمنی طباشیر مساوی کوفته بغیر از سه تخم اول در یکدیگر بیامیزند [illegible]
سه درم بر روغن گل یا دام چرب کرده بگلاب تر کرده فرو برند سفوف
[illegible] وجع امعا نافع است تخم خطمی مقشر تخم خبازی مقشر از
هر یک پنج درم نشاسته بریان کرده سه درم صمغ عربی گل ارمنی از
از هر یک دو درم کوفته و بیخته شربتی سه درم صباح سه درم شام با آب
طباشیر و گل ارمنی و صمغ عربی در آن منقوع بوده باشد نافع بود

سفوف زرشک شکم به بندد و ضعف معده را نافع باشد
صفت آن سماق نانخواه زنجبیل آنار دانه بریان کرده زرشک
منقی آرد کنار از هر یک ده درم نبات بیست درم کوفته و بیخته
شربتی یکمثقال بخورند که نافع است سفوف سماق تشنگی بنشاند
و اسهال معده را نافع باشد صفت آن سماق ده درم حب الآس
انار دانه بریان کرده از هر یک ده درم کوفته و بیخته شربتی یکمثقال
سفوف سورنجان نقرس و درد مفاصل را و عرق النسا را نافع باشد
صفت آن سورنجان مصری ده درم سنای مکی هفت درم پوست
هلیله زرد و مغز بادام مقشر از هر یک سه درم زعفران پنجدرم سقمونیا
یکدرم قند سی درم و اگر ماده بلغمی باشد تربد سفید پنج مثقال اضافه
نمایند و سقمونیا نیم درم زیاده کنند سفوف سرطان مسلوک را نافع بود
صفت آن سرطان نهری محرق دو درم طین قبرسی و صمغ عربی خشخاش
سفید خشخاش سیاه مغز تخم خربزه از هر یک پنجدرم کوفته و بیخته
شربتی یکمثقال با شراب انار شیرین یا شراب خشخاش بخورند سفوف که
سنگ مثانه و گرده اطفال پاک کند صفت آن مغز تخم خربزه صمغ

عربی صمغ

عربی صمغ الوقلت مساوی کوفته و بیخته شربتی نیمدرم تا یک درم طباشیر
کهربا از هر یک یکدرم کافور نیم دانگ کوفته و بیخته با روغن گاو سرشند
سفوف ارسطاطالیس از برای سکندر ساخته بود فرب و تباهی معده
و زردی روی و وسواس و نسیان را نافع باشد و طعام هضم کند و بوی
دهن خوش کند و دل را قوت دهد صفت آن قرنفل سادج عود قمال
اسارون مصطکی هلیله کابلی فلنجمشک تار مشک زنبره کرمانی دارچینی اشنه
فلفل زنجبیل قرنفل انار دانه جوز بوا کافور قاقله از هر یک دو درم مشک
و عنبر از هر یک دو درم نبات ششش وزن ادویه شربتی یکدرم تا سه درم
سفوف عباده سرد تر را نافع باشد و جگر را قوت صفت آن لک
مغسول حب الآس بلوط مصطکی مازو عود بلسان پوست انار از هر یک
چهار درم زنجبیل کندر از هر یک درم نبات پنجاه درم شربتی سه مثقال
یک هفته استعمال نمایند و گوشت نخورند سفوف کمیی ورق گل سرخ
زرشک منقی لک مغسول از هر یک یکدرم و نیم طباشیر صندل
سفید نشاسته صمغ عربی از هر یک یکدرم ریوند چینی نیم مثقال
تخم حماض یکمثقال زعفران دو دانگ کوفته و بیخته سفوف سازند سفوف

کرفوانی بلغم را نافع بود صفت آن تخم کرفس فطراسالیون سعد از
هر یک یکدرم ریوند چینی نیم مثقال تخم حماض نیم مثقال زعفران دو دانگ
کوفته و بیخته [illegible] دو نیم و نیم پوست پسته برون انیسون رومی فودنه
اسارون سنبل زیره کرمانی از هر یک سه درم و نیم شربتی دو درم سفوفی که
درد جگر را ببرد صفت آن گل سرخ هشت درم زرشک پنجدرم سنبل
و مصطکی عصاره غافت افسنتین ریوند از هر یک دو درم تفاح اذخر
اسارون رب السوس از هر یک دو درم نیم زعفران یکدرم شربتی
دو درم با سکنجبین بخورند سفوفی که حرارت جگر را بنشاند و خمار دفع
کند و اسهال صفراوی را باز دارد و غلبه خون را ساکن کند و کسی را که
کماءیکه خواهد بر آمد نافع باشد صفت آن ورد گل سرخ ده درم طباشیر
بیست درم سماق تخم حماض عدس مقشر تخم خرفه تخم کاهو خشخاش
سفید زرشک از هر یک پنجدرم صندل سفید دو درم و نیم کافور یکدرم
شربتی سه درم با شراب حماض یا شراب غوره یا شراب انار بخورند سفوف
کهربا خون بسیار که از زخم رود باز دارد صفت آن کهربا گل ارمنی
گلنار دم الاخوین لک مساوی کوفته و بیخته شربتی سه درم با یکدانگ

افیون دریک

افیون در یک دفعه [illegible] سماق حل کرده بدهند سفوف که از جهت
بول الدم نافع باشد صفت آن شادنج مغسول دم الاخوین کهربا
رمان گلنار تخم خرفه گل ارمنی گل قبرسی مساوی کوفته و بیخته شربتی دو درم
با آب سماق بخورند سفوف سورنجان اوجاع مفاصل را نافع باشد
صفت آن سورنجان هفت درم زیره کرمانی بریان کرده فودنه
از هر یک دو درم فلفل یکدرم قند دوازده درم کوفته و بیخته شربتی سه درم
سفوف حجر الیهود سنگ گرده و مثانه پاره پاره کند و بیرون آرد
صفت آن مغز تخم خیارین مغز تخم کدو مغز تخم [خربزه] از هر یک پنجدرم
خسک مربی چهار درم حجر الیهود و قلت از هر یک سه درم تخم کرفس
سیسالیوس فطراسالیون از هر یک یکدرم صمغ عربی کثیرا از هر یک
مثقال کوفته و بیخته شربتی دو درم با شراب خشک بخورند سفوف
حجر الیهود دیگر تخم قلت پانزده درم مغز خربزه مغز تخم کدو از هر یک
چهار درم و نیم سیسالیوس دو درم صمغ عربی نشاسته کثیرا از هر یک
سه درم حجر الیهود هشت درم قند هشتاد و هفت درم کوفته و بیخته شربتی
دو درم با آب نخود سیاه بیاشامند سفوفی که در ساعت شکم ببندد

صفت آن شاه بلوط سه درم مازو پوست انار از هر یک چهار درم
گل سماق ششدرم حب الآس هفت درم کوفته و بیخته شربتی دو درم
باب سرد تناول نمایند سفوف مقوم کندر عود خام از هر یک درم خشخاش
ده درم تخم کاهو پنجدرم زعفران دانگ نبات سپید کوفته و بیخته شربتی یکدرم
سفوفیکه شهوات ردیه زنان حامله دفع کند و معده را قوت دهد و اشتهای
طعام آرد صفت آن بزر بنج تخم کرفس نانخواه زیره کرمانی از هر یک دو
درم کندر سه درم کمجید مقشر ده درم نبات لو دو مثقال کوفته و بیخته سفوف
سازند سفوفیکه دفع سرعت انزال کند طباشیر خشخاش افیون کندر از
هر یک یکدرم جوز السرو سه درم کوفته و بیخته شربتی دو درم با شراب خشخاش
بخورند سفوفیکه مدقوق و مسلول و قرح سینه و نفث الدم را نافع باشد
صفت آن صمغ عربی نشاسته کثیرا مغز به دانه و خشخاش سیاه تخم کاهو
تخم خطمی از هر یک ششدرم صندل سفید دو درم شکر العشر طباشیر از
هر یک سه درم ورق گل سرخ تخم خیار تخم خرفه از هر یک پنجدرم مغز
تخم خیارین مقشر تخم کدو عصاره لسان الحمل گل مختوم گل ارمنی گل قبرسی از
هر یک چهار درم زعفران یکدرم کوفته و بیخته شربتی دو مثقال با نیم دانگ

کافور دو دانگ

کافور دو دانگ ماء السرطان با شراب خشخاش و شیره تخم خرفه نافع
سفوفیکه بادها دفع کند و استسقای طبلی را نافع بود صفت آن تخم کرفس
رازیانه انیسون اسارون قسط ریوند از هر یک دو درم زیره کرمانی سه درم
سنبل و سعد از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته شربتی یکمثقال نافع باشد
سفوفیکه اسهال معدی را نافع باشد صفت آن انار دانه بریان
کرده آرد کنار و سنجد از هر یک ده درم کشنیز خشک بریان کرده پنجدرم
خرنوب شامی و خرنوب نبطی و بلوط در سرکه خیسانیده یکشبان روز و بعد
خشک کنند و بریان کرده از هر یک پنجدرم سماق سه درم کوفته و بیخته شربتی
دو درم سفوفیکه قرحه و مثانه را نافع باشد صفت آن دم الاخوین [illegible]
مغسول نشاسته تخم کرفس از هر یک نیم درم صمغ عربی یکدرم مومیائی
دو دانگ کاکنج دو درم کوفته و بیخته با یکدرم و نیم و شراب خشخاش بنوشند
سفوف لولوی که سطبرای کبدی را نافع باشد و معده و دل و جگر را
قوت دهد و حرارت تشنگی بنشاند صفت آن مروارید ناسفته چهار درم
بسد سوخته گلنار طباشیر خرنوب گل ارمنی گل قبرسی تخم گل صندل
سفید نارمشک بریان کرده تخم حماض بلوط بریان کرده تخم مورد [illegible]

کلنار کنجد کشنیز خشک بریان کرده صمغ عربی بریان کرده سماق زرشک
پست جو بریان کرده طراثیث تخم خرفه بریان کرده بذر قطونا بریان کرده
از هر یک سه درم گل مختوم مصطکی از هر یک درم انار دانه پنجدرم کهربا اقاقیا
معسول از هر یک دو درم مجموع کوفته و بیخته بآب زرشک و بذر قطونا
سفوف سازند سفوف ذرب تخم حماض زرشک بهدانه عجم زیب
کشنیز خشک بریان کرده گل سرخ خرنوب شامی بلوط طباشیر از هر یک
یکدرم سماق حب الآس از هر یک دو درم انار دانه چهار درم کوفته و بیخته
سفوف سازند سفوف خرنوب اسهال معدی و استرخای معده را
نافع باشد صفت آن خرنوب نبطی دانه زیره کرمانی مدبر بسماق
سماق آرد کنار حب الآس مصطکی بلوط کشنیز خشک بریان کرده مساوی
کوفته و بیخته شربتی یکمثقال با رب مورد نافع باشد سفوف ابزار باد
بشکند و معده را قوت دهد صفت آن کرویا انیسون زیره کرمانی قاقله
قرفه نانخواه تخم کرفس از هر یک دو درم قرنفل نیم درم زنجبیل دار فلفل از
هر یک دو دانگ قند سفید مثقال کوفته و بیخته شربتی دو درم سفوف
حب العنب شکم ببندد و معده را قوت دهد صفت آن دانه انگور

صمغ عربی

صمغ عربی از هر یک چهار درم حب الآس و سماق از هر یک دو درم مصطکی
کلنار از هر یک یکدرم کوفته و بیخته سفوف سازند دیگر نافعست از
جهت اسهال که با آن سرفه بود صفت آن حب الآس شاه بلوط خشخاش
خرنوب از هر یک دو درم صمغ عربی یکدرم کوفته و بیخته شربتی سه درم
سفوف دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن صمغ عربی طباشیر گل ارمنی
حب الآس از هر چهار درم پرسیاوشان کندر از هر یک یکدرم خرنوب شامی
مقل مکی از هر یک سه درم کوفته و بیخته شربتی سه درم با شراب خشخاش بخورند
که نافع است سفوفیکه حرقت بول و وجع کلی و مثانه را نافع باشد
و بول براند صفت آن مغز تخم خربزه سی درم مغز تخم خیار مغز تخم کدو
و تخم قرع خشخاش سفید از هر یک ده درم نشاسته کتیرا رب السوس از
هر یک سه درم بذر البنج سفید دو درم قند برابر همه شربتی سه درم صباح
و شبانگاه با شراب خشخاش بخورند سفوف نفث صمغ عربی گل
ارمنی کلنار سماق بلوط از هر یک پنجدرم نشاسته کتیرا تخم کاسنی
تخم خرفه از هر یک سه درم صندل سفید یکدرم کوفته و بیخته شربتی سه درم
با آب انار ترش بخورند سفوف مفاصل سورنجان ده درم سقمونیا

یکدرم و چهار دانک کبابه یکدرم قند سفید سی درم کوفته و بیخته شربتی سه درم
سفوفی که تخم تره تیزک بریان کرده نیم مثقال بزرک بریان کرده
بذر قطونا از هر یک سه درم تخم کرفس بریان کرده گل ارمنی تخم مرو از هر یک
دو درم و نیم درم صمغ عربی یکدرم کوفته و بیخته سوای تره تیزک و بذر قطونا
تخم مرو سفوف سازند سفوف که نافعست از جهت حرارت جگر و یرقان
و ذهاب الدم و جز آن صفت آن بهدانه مقشر نشاسته مغز تخم خیار
از هر یک چهار درم گل ارمنی لک مغسول سرخ سنبل اصل السوس از
هر یک یکدرم طباشیر و مصطکی دو دانگ شربتی یکدرم با آب سرد بنوشند
سفوفیکه نافعست از جهت یرقان و درد جگر و دفع صفرا دارد صفت آن
لک مغسول نیم مثقال طباشیر دو درم زعفران یکدرم ریوند چینی دانگ و نیم
کافور دانگی شربتی دو درم با شراب تمر هندی یا شراب آلو بخورند سفوف
بلوط معده را قوت دهد و اسهال باز دارد صفت آن بلوط شاه بلوط
دانه مویز ارد کنار از هر یک ده درم خرنوب نبطی و حب الآس از هر یک
بیست درم کوفته و بیخته شربتی سه مثقال سفوف دیگر که همین خاصیت دارد
صفت آن دانه مویز تخم خماص بریان کرده انار دانه صمغ عربی از هر یک

سه درم حب

سه درم حب الآس و بلوط از هر یک چهار درم خشخاش سفید یکدرم
کوفته و بیخته شربتی مثقال سفوف حبی از جهت سرعت انزال که سبب آن
حرارت باشد نظر ندارد صفت آن بذر قطونا دو درم تخم خرفه
سه درم کشنیز خشک یکدرم و نیم شربتی یکمثقال با شیر ناشتا سفوف بسازند
سفوف که نافعست از جهت افواق امتلای صفت آن تخم
کرفس سفید کوفتی بزیر کرمانی مساوی کوفته و بیخته شربتی یکمثقال سفوفیکه
نافعست از جهت ضعف معده که سبب آن حرارت باشد صفت آن
کهربا گل سرخ از هر یک پنجدرم عود دو درم زرشک ده درم آمله طباشیر سرخ
از هر یک سه درم سنبل یکدرم زعفران و فوفل از هر یک دو دانگ
کوفته و بیخته شربتی یکمثقال با شراب انار سفوفیکه رنگ را سرخ کند
صفت آن دوفا خشک ده درم زعفران سه درم قند سفید سیزده
درم کوفته و بیخته هر روز دو درم سفوف سازند سفوفیکه شده سپرز بگشاید
صفت آن تخم کاسنی کزمازج از هر یک پنجدرم حب الغقد یکدرم و نیم
کوفته و بیخته شربتی سه درم با سکنجبین بخورند سفوفیکه نافع بود و
از جهت کلیه که سبب آن برودت باشد صفت آن قسط [illegible] فلفل [illegible]

تخم کرفس مساوی کوفته و بیخته شربتی یکدرم سفوفیکه بدن را لاغر کند
نمک مغسول دو درم نانخواه کرفس تخم سداب زیره کرمانی از هر یک
چهار درم مرزنکوش بوره ارمنی از هر یک یکدرم کوفته و بیخته شربتی
هر روز یکمثقال بکلنگبین بنوشند سفوفیکه همین خاصیت دارد نمک مغسول
سندروس از هر یک چهار دانگ مرزنکوش نیم درم زراوند
مدحرج حنظل از هر یک دانکی و نیم کوفته و بیخته شربتی دو دانک سفوفیکه
قطع سیلان منی کند و سرعت انزال را نافع بود صفت آن تخم سداب
سه درم تخم فرنجمشک بیخ سوسن از هر یک دو درم کلنار ورق کل
سرخ از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته دو درم از آن در دوغ یا با آب
غوره حل کرده بنوشند سفوفیکه نافعست از جهت قروح کلیه و مثانه
صفت آن کل مختوم دم الاخوین نشاسته کندر مغز تخم خربزه
تخم کرفس تخم خیار مغز تخم کدو رب السوس نمک مغسول ریوند
چینی مغز حب الصنوبر خشخاش بذر البنج مساوی کوفته و بیخته شربتی دو
درم سفوفیکه وجع حکه مثانه را تسکین دهد صفت آن بذر البنج دانگی
افیون قیراطی مغز تخم خیار سه درم تخم کاهو و تخم قرفه از هر یک یکدرم
کوفته و بیخته

کوفته و بیخته بشراب خشخاش بنوشند سفوفیکه از جهت استرخای
زنان نافعست دارچینی حماما سنبل از هر یک سه درم ساوج نانخواه
راوند طویل تخم کرفس شبت مصطکی سیسالیوس دو درم انیسون
از هر یک یکدرم مروارید ناسفته کهربا از هر یک دو درم کوفته و بیخته
شربتی یکدرم با آب گرم یا بشراب بخورند سفوفیکه در ابتدای [illegible] نشاره
عاج و نبات از هر یک یکمثقال زن شب سفوف سازد و بخورد و شب چهارم
مرد با او جمع شود آبستن خواهد شد بشرط آنکه بعد از طهر بود و بعضی گفته‌اند
که نشاره عاج را زن هفت روز متوالی بخورد و هر روز دو درم با العسل
بعد از آن جماع کند آبستن شود و نبات هذا سفوفیکه بول براند
و حرقت بول را نافع باشد صفت آن مغز تخم خیارین مغز تخم کدو
و تخم خرفه خشخاش نشاسته کثیرا رب السوس از هر یک سه درم بذر
البنج دو درم قند سفید برابر ادویه شربتی سه درم با شراب خشخاش بخورند
سفوفیکه نفث دم را نافع بود صفت آن کل ارمنی صمغ عربی گلنار دم
الاخوین کندر از هر یک نیم درم کوفته و بیخته با دو درم رب به بنوشند
سفوفیکه نفث بلغمی را قطع کند صفت آن کندر مصطکی از هر یک چهار درم

عود خام هفت درم انار دانه پانزده درم قرنفل قاقله جوز بوا بسباسه
سعد کوفی تغشار از هر یک چهار درم پوست ترنج زنجبیل از هر یک
ده درم گل سرخ شش درم آمله و سنبل از هر یک نیم درم کوفته و بیخته
سفوف سازند شربتی سه درم سفوفیکه شهوطین و شهوات بدیه
را نافع بود صفت آن انیسون تخم کرفس زیره کرمانی نانخواه از
هر یک ده درم فلفل سفید دو درم و نیم قرنفل نیم درم کوفته و بیخته
شربتی هر صبح و شام یک مثقال بخورند سفوف دیگر که همین منفعت دارد
مصطکی زیره کرمانی نانخواه قاقله صغار کبابه نبات مساوی کوفته و بیخته
سفوف سازند سعوطیکه صداع گرم و خشک را نافع بود صفت آن
آب کاهو روغن نیلوفر از هر یک یک جزو شیر دختران دو جزو با
یکدیگر ممزوج سازند و در بینی چکانند سعوطی که در وجع و درد چشم اطفال
را نافع بود صفت آن کندس حضض کی کندر از هر یک یک درم طعنتر
زعفران مر از هر یک نیم درم کوفته و بیخته گلوله ها سازند بوقت حاجت
با شیر دختران روغن بنفشه بادام بسایند و در بینی چکانند سعوطی که
صداع بلغمی و ریحی دو دارد را نافع بود صفت آن صبر سقوطری مر کندر

حضض جند

حضض جند بیدستر زعفران دار فلفل سفید از هر یک نیم درم کوفته
و بیخته لبنا یک درم کندس دو درم مشک نیم درم کوفته و بیخته با آب مرزنگوش
سرشته حب سازند و بوقت حاجت با آب مرزنگوش بسایند
و در بینی چکانند سعوطیکه سکته و لقوه را سود دارد صفت آن زهره
کلنگ با آب مرزنگوش با آب سداب بسایند با جند بیدستر با
ماء العسل در بینی چکانند سعوط دیگر که صداع را که حار بود نافع بود
صفت آن روغن بنفشه بادام و روغن کدو روغن نیلوفر آب کاهو
آب کاسنی شیر دختران مساوی بیامیزند و در بینی چکانند سعوطی که
فالج و لقوه را نافع بود صفت آن صبر شونیز بوره ارمنی مساوی در آب
جغندر حل کرده در بینی چکانند سعوطیکه شقیقه سرد را نافع بود
صفت آن روغن بادام با آب مرزنگوش در بینی چکانند سعوطیکه
برسام و صداع حار را نافع باشد صفت آن آب مورد عرق
بید صندل کافور بیکدیگر مخلوط ساخته در بینی چکانند سعوطیکه
صداع بارد و نسیان را سود دارد صفت آن جوزبوا و رمشه زنجبیل
قرنفل مرزنگوش از هر یک یک مثقال سه چهار مثقال کوفته و بیخته

باآب مرزنکوش در بینی چکانند سعوطیکه خناز بررا نافع بود صفت آن
بسباسه کاوربان از هر یک یکدرم زهره کار پشت و کافور از هر یک
یکدانک و نیم زعفران نیمدرم کندس دو درم با سرکه و روغن کل در بینی
چکانند سعوطیکه همین خاصیت دارد صفت آن دار فلفل با میران چینی
شطلج از هر یک یکدرم مشک طرامشیع تخم فرنجمشک از هر یک سه درم
با سرکه و روغن در بینی چکانند سعوطیکه فالج ولقوه و شقیقه و جمیع امراض
بارده رطبه را که در سر و چشم باشد نافعست صفت آن حضض و مراز
هر یک ده درم عدس سفر از هر یک پنجدرم صمغ عربی سداب زهره
کلنک وجاوشیر جند بیدستر سونیز از هر یک نبات زعفران از هر یک
سه درم جبر فربیون از هر یک پنجدرم کوفته و بیخته با آب خالص قرص سازند
هر یک مقدار عدسی در وقت حاجت یکی را دران با آب روغن
مرزنکوش و روغن بنفشه بادام سائیده در بینی چکانند سعوطیکه رعاف
را نافع باشد کاغذ سوخته پوست تخم مرغ سوخته اقاقیا مازو را در سرکه
انداخته پوست انار برشته کنند و صدف نخاع مغسول کافور از هر یک
قدری با آب بادروج در بینی چکانند سعولی که ضعف اسنان را نافع

بنج سورنجان

بنج سورنجان قرنفل سعد کزمازج پوست هلیله صندل سفید کل سرخ مساو
کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که همین خاصیت دارد پوست هلیله
زرد و نمک هندی از هر یک پنجدرم قرفه پانزده درم زاج حبش سعد از
هر یک سه درم شب یمانی سماق از هر یک دو درم عاقرقرحا هفت درم
بنوشادر دار فلفل آمله زعفران از هر یک یکدرم کل کوز سه مثقال فاقله کلنار
از هر یک چهار درم زرنباد شانزده درم کوفته و بیخته سنون سازند سنونیکه
حافظ صحت اسنان می باشد شاخ کوزن محرقه کزمازج سعد کوفی
سنبل از هر یک چهار درم نمک اندرانی یکدرم کوفته و بیخته سنون سازند
سنونی که دندان را از چرک پاک کند نمک اندرانی جو سوخته زنجبیل
سماق سعد نیلا مساوی کوفته و بیخته سنون سازند سنونی دیگر که دندان
متحرک را محکم سازند کلنار شب یمانی اقاقیا مساوی کوفته و بیخته
سنون سازند سنونی دیگر شب یمانی کلنار کزمازج مساوی کوفته و
بیخته با سرکه بسرشند و در سایه خشک کنند و دیگر باره بکوبند و سنون سازند
سنونیکه نافعست از حفر و دندان که سبب آن ورم لثه باشد تخم خرفه
کثیرا سماق عدس مقشر صندل سفید عاقرقرحا کافور مساوی کوفته بر لثه
و دندان افشانند بعد از آنکه سرکه و کلاب را یک ساعت در دهن نگاه داشته باشند

سنونی که بیخ دندان سخت کند و خون باز دارد شاخ گوزن محرق نمک
اندرانی محرق پوست هلیله زرد گل سرخ از هر یک ده درم گلنار یکدرم کوفته
و بیخته بر لثه و دندان افشانند سنونی که دندان را محکم کند و خون رفتن را
باز دارد و بوی دهان خوش کند بلیله املهٔ مقشر گل سرخ گلنار اقاقیا شب
یمانی قرظ طباشیر عاقرقرحا مساوی کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که
خون رفتن در بیخ دندان باز دارد شب یمانی محرق بریان کرده دو درم
سماق سه ربع کوفته و بیخته سنون سازند سنونی [illegible] دندانرا
نافع باشد و بوی دهان خوش کند [illegible] ابهل جوز السرو و عاقرقرحا کوفته
و بیخته استعمال نمایند سنونی که ناسور بن دندان را نافع بود و باصلاح آرد
بیخ سوسن عاقرقرحا از هر یک یکدرم شب یمانی گلنار زرنب سماق از
هر یک دو درم کوفته و بیخته زبد البحر سنون سازند سنونی که [illegible]
از دندان ببرد و بوی دهان خوش کند کرمانج زنجبیل زبد البحر دارفلفل
فانیذ از هر یک دو درم نمک بریان کرده دو درم جو سوخته [illegible] درم
کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که خون رفتن از لثه باز دارد و بوی دهان
خوش کند شب یمانی پنجدرم پودنه کوهی دو درم کوفته و بیخته سنون سازند
سنون دیگر نافعست از جهت درد دندان اگر بسبب رطوبت باشد

فلفل دو درم

فلفل دو درم و نیم بوره ارمنی یکدرم و نیم عاقرقرحا زنجبیل مبوزج از هر یک یکدرم
کوفته و بیخته استعمال نمایند سنونی که لثه را محکم کند و بوی دهان خوش
کند سعد کوفی گل سرخ پنجدرم گلنار گز مازج کوفل از هر یک سه درم دم
الاخوین کندر قرنفل نمک اندرانی مصطکی پودنه محرق از هر یک دو درم
عود خام یکدرم کوفته و بیخته بر دندان مالند نافع بود و استعمال نمایند سنونی که دندان
سیاه شده را سفید سازد پوست هلیله زرد ده درم فلفل چهار درم حماما سه
درم ساذج هندی دو درم مازوی سوخته هشت درم کوفته و بیخته بر دندان
مالند نافع بود و سنونی که لثه را محکم کند و نشف رطوبات کند گلنار دو درم
نوشادر دو درم مبوزج سه درم مازو یکدرم پودنه سوخته ده درم نمک
[illegible] سرشته و سوخته دو درم کوفته و بیخته استعمال نمایند سنونی شب یمانی
سوخته دو درم سنبج سوخته و نمک اندرانی بذر البنج جو سوخته و چوب
سوخته از هر یک ده درم عاقرقرحا کبابه گلگر از هر یک پنجدرم قرنفل و سماق
از هر یک چهار درم کوفته و بیخته سنون سازند سنون دیگر که خون باز دارد و
لثه را محکم کند گلگر آمله از هر یک سه درم عصاره لحیة التیس گل مختوم
ابهل از هر یک یکدرم دارچینی نیم درم کوفته و بیخته سنون سازند سنون

که دندانرا سفید گرداند و بوی دهن خوش کند زبد البحر دو درم نمک هندی
بریان کرده دو درم عود سوخته و جو سوخته و سفال چینی و کزمازج کلنار
عاقرقرحا قرنفل سادج گل سرخ سعد و سماق از هر یک پنجدرم زراوند
طویل سنگ حب الآس از هر یک سه درم کوفته و بیخته در دندان مالند
سنونی که چون در محل داروی آتشک مالیدن بر دهن و بیخ دندان
افشانند دهن خوش کند و اگر دهن خوشیده باشد استعمال نمایند [illegible]
اورد سنون قلاع را نافع باشد و بوی دهن خوش کند و بیخ دندان
محکم سازد البته صفت آن سیاف ماميثا طباشیر تخم گل لسان الحمل پوست
هلیله زرد کلنار برگ زیتون کزمازج شب یمانی مساوی کوفته و بیخته و
استعمال نمایند سنونی دیگر که ماکله و ناسور و بیخ دندان را نافع بود خون
بر گرفتن باز دارد صفت آن نوشادر بیخ سوسن زرنیخ سرخ
عاقرقرحا مساوی کوفته و بیخته استعمال نمایند سنونی که همین خاصیت دارد
صفت آن بیخ سوسن عاقرقرحا از هر یک یکدرم شب یمانی کلنار مازو سماق
از هر یک دو درم کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که دندان متحرک
را محکم سازد صفت آن توتیا شب یمانی نشاسته گل سرخ سماق پوست

انار ترش

انار ترش استخوان هلیله زرد سنگ کلنار مازو کزمازج مساوی کوفته و بیخته
بر بیخ دندان افشانند سونجان که اکله دهن و لثه را نافع باشد صفت
آن پوست انار ترش و شیرین از هر یک سی درم مازو کلنار شب یمانی
کاغذ سوخته عاقرقرحا از هر یک ده درم سماق پانزده درم نمک نوشادر از
هر یک پنج درم کوفته و بیخته بسرکه بسرشند و گلولها سازند و در سایه خشک
کنند و در وقت احتیاج دیگر باره بکوبند و استعمال نمایند سونجان دیگر که
خار و ورم لثه را نافع باشد و دندانرا از چرک پاک کند صفت آن
پوست انار دو درم کلنار زرد چوبه سماق شب یمانی مانند هر یک
یکدرم کوفته و بیخته عمل نمایند باب الثمین شراب افسنتین معده
را از اخلاط پاک سازد صفت آن افسنتین رومی پنجدرم ورق
گل سرخ بیست درم مویز سفید ده درم در دو من آب بجوشانند
و بکمش قند اضافه کنند و بقوام آورند شراب افسنتین نوعی
دیگر معده ضعیفه جگر سرد و سپرز سرد دارد و طبع نرم کند و بادها
ر دود و دفع کند صفت آن افسنتین پنجاه درم بسفایج بیست درم تخم
کرفس سی درم در دو من آب بپزند تا به نیم آید و با همین قند [illegible]

پرند شراب افسنتین بنسخه دیگر افسنتین پنجاه درم انیسون و گل
سرخ سلیخه و اسارون از هر یک ده درم مصطکی سنبل از هر یک هفت
درم در ده من آب بجوشانند بغیر از مصطکی و صاف کنند با یکمن
و نیم قند بقوام آرند بعد از مصطکی صلایه کنند و بان ممزوج سازند
شراب افسنتین دیگر که معده را از صفرا پاک کنند و سوء المزاج گرم را
زایل کرداند صفت آن ورق گل هفت درم شاهترج و افسنتین از
هر یک پنج درم آلو سیاه بیست عدد و تمر هندی بیست درم مویز منقی
سی درم در ده من آب بپزند تا بنصف آید صاف سازند و نیم من
شکر سفید دران حل کنند و بقوام آرند شربتی ده درم با یکدرم صبر
سقوطری بخورند شراب سعال سرفه کهنه را نافع است معده و سینه
را از اخلاط پاک کنند ربو و ضیق النفس را نافع باشد صفت
آن انجیر سفید شش درم اوقیه پیاز عنصل یک اوقیه مویز منقی دو اوقیه
انیسون نیم اوقیه در قدری خل خمر و آب چندانکه سه روز بنشیند بجوشانند
و صاف کنند دو رطل عسل اضافه کنند و بقوام آرند شراب فواکه معده
را قوت دهد و قی باز دارد و دماغ را قوی کند آب سیب آب به آب

انار ترش

انار ترش و شیرین و آب امرود از هر یک یک جزو آب زرشک
آب سماق و آب غوره و آب زعرور از هر یک نیم جزو بجوشانند تا
ثلثی آید و آن مقدار قند که کفاف بود اضافه نمایند و بجوشانند تا نیم جزو
بقوام آید شراب انار ترش آب انار ترش دو من نعناع تازه و به
شاخه عود خام آمله مصطکی از هر یک دو درم پوست بیرون پسته پنج درم کوفته
و پخته در آب بجوشانند سوای مصطکی تا به نیم آید صاف کنند و با یکمن قند
بقوام آرند بعد از آن مصطکی اضافه نمایند شراب انار شفیع فواق نشانند
و قی باز دارد و معده را قوت دهد آب انار ترش دو من نعناع تازه دو شاخه
سوای مصطکی تا به نیم صاف کنند با یکمن قند بقوام آرند بعد از آن مصطکی
اضافه نمایند شراب انار شفیع فواق نشانند و قی باز دارد و معده را
قوت دهد انار ترش و شیرین با تخم بکوبند و آب آن بگیرند دو من با یکمن
قند بقوام آرند یک اوقیه آب نعناع داخل کرده بقوام آرند شراب آلو
مسهل صفرا و بلغم دفع کند آلوی سیاه صد عدد و تمر هندی یک چهار
یک تربد سفید و بنفشه از هر یک بیست درم در کسبه کنند و در نیم من آب
بجوشانند تا بیکمن آید و نیک بمالند و بپالایند و یکمن ترنجبین صاف کرده

اضافه نمایند و شربت بپزند و فرو گیرند و یکمثقال سقمونیا در آن حل سازند
شراب خشخاش منع نزلات کند و ریش سینه و شش را نافع بود
صفت آن خشخاش بزرگ با پوست صد عدد نیم کوفته کنند
و با دو من و نیم آب باران بپزند و بپالایند و با یکمن و نیم قند بشربت
بپزند و اگر خشخاش بکوبند بپزند و با یکمن قند بقوام آورند لیکن اولی
آن باشد که با پوست بپزند شراب سیب اصفهانی معده و دل را قوت
دهد و مفرح بود و قی را ساکن کند و اسهال صفرائی را نافع بود صفت آن
سیب اصفهانی اندرون و بیرون پاک کنند و در هاون سنگین یا چوبین
بکوبند و آب آن بگیرند ده من بجوشانند تا بدو من آید و یکمن قند اضافه
کنند و بجوشانند تا بقوام آید شراب آب انار ترش دو من و نعنا تازه
دو شاخه عود خام آمله مصطکی از هر یک دو درم پوست بیرون پسته نیم درم
کوفته و بیخته در آب بجوشانند سوای مصطکی اضافه نمایند شراب انار
مشفع فواق بنشاند و قی باز دارد و معده را قوت دهد صفت آن
آن انار ترش و شیرین با تخم بکوبند و آب آن بگیرند دو من و با یکمن قند
و یک اوقیه آب نعنا اضافه نمایند بقوام آورند شراب آلو مسهل صفرا

و بلغم دفع

و بلغم دفع کند صفت آن آلو سیاه صد عدد تمر هندی یکچهاریک بزند
سنعیده گل بنفشه از هر یک بیست درم در کیسه کنند و در پنج من آب بجوشانند
با یکمن اینه یک بمالند و بپالایند و یکمن ترنجبین هم صاف کرده اضافه نمایند
و شربت بپزند و فرو گیرند و یکمثقال سقمونیا در آن حل سازند شراب
خشخاش منع نزلات کند و ریش سینه و شش را نافع بود صفت آن
خشخاش بزرگ با پوست صد عدد نیم کوفته کنند و با دو من و نیم آب
باران بپزند و بپالایند و با یکمن و نیم قند بشربت بپزند و اگر خشخاش
بپوست بپزند بیست مثقال تخم خشخاش بکوبند و بپزند و با یکمن قند
بقوام آورند لیکن اولی آن است که با پوست بپزند شراب سیب
اصفهانی معده و دل را قوت دهد و مفرح بود و قی را ساکن کند و اسهال
صفرائی را نافع بود صفت آن سیب اصفهانی اندرون و بیرون پاک کنند
و در هاون سنگین یا چوبین بکوبند و آب آن بگیرند ده من بجوشانند
تا بدو من آید و یکمن قند اضافه کنند و بجوشانند تا بقوام آید شربت
مقوی قوت دهد و معده را قوی گرداند و اشتهای طعام آورد و طبع ببندد
و قی عطشان باز دارد صفت آن به ترش شیرین اندرون آن پاک

کنند و آب آن بگیرند و بر پنج من آب را یک من قند اضافه کنند و
بقوام آورند شراب ریباس اسهال صفراوی را نافع باشد
و قی باز دارد و تشنگی بنشاند و معده را قوت دهد صفت
آن ریباس سبز و دنبال بکار و چوبین بیندازند و در هاون سنگین
یا چوبین بکوبند و آب آن بگیرند و صاف کنند و بجوشانند تا
بثلثی آید و زمانی بگذارند و بکرباس بپالایند و هر یک من آب را
یک من قند اضافه کنند و بجوشانند تا بثلثی آید و زمانی و بقوام
آورند شراب حماض صفرا بشکند و قی باز دارد و معده دل را
قوت دهد و خفقان گرم را نافع باشد صفت آن آب حماض
پنجاه مثقال قند سفید یک من بشربت بپزند چنانکه رسم است شراب
لیمون معده را قوت و اشتهای طعام آورد و صفرا بشکند و
قی باز دارد و هاضمه را قوی کند و دفع خمار کند صفت آن مانند
حماض است شراب نارنج تشنگی را بنشاند و دماغ را قوت دهد
و دردی که از گرمی باشد ساکن گرداند صفت آن آب نارنج
یک من بجوشانند تا بنصف آید و کف زرد آن بردارند و باد و من

قند شربت

قند شربت بپزند شراب غوره تشنگی بنشاند و تب را سود دارد
و خمار را نافع کند صفت آن آب غوره بگیرند و بجوشانند تا بنصف آید
و کف آن بگیرند و بکرباس نو بپالایند و در هر یک من آب غوره یک من قند
اضافه نمایند و بشربت بپزند شراب عود معده را قوت دهد و بوی
دهن خوش کند و هاضمه را قوی گرداند صفت آن عود هندی قماری عشر
از هر یک ده درم سنبل و قرنفل مصطکی جوزبوا از هر یک پنج درم مجموع کوفته
در کیسه کتان ریزند و در سه چهار یک گلاب بجوشانند و کیسه را نیک بمالند
تا قوت آن بگلاب دهد و یک من قند بقوام آورند و آن گلاب بر آن
ریزند و اگر باره بجوشانند تا بقوام آید و فرو گیرند و نیم درم مشک خالص سوده
در آن حل کنند بهتر خواهد بود شراب حب الآس معده را قوت دهد و
اسهال باز دارد صفت آن حب الآس و امرود خشک از هر یک پنجاه
درم قرظ طراثیث از هر یک ده درم آب به آب سیب آب انار از
هر یک یک من در دو ماکوفته و بخته درین آبها بجوشانند تا بثلثی آید و بپالایند
و دیگر باره بجوشانند تا بقوام آید و بخورند شراب حب الآس بنسخه دیگر
سرفه را نافع بود صفت آن حب الآس بکوبند و بجوشانند تا نیک محرا شود

و بپالایند و هر دو جو خیارات دو جزو قند سفید اضافه کنند و اگر قندری طبرزد سفید
سوده دران حل کنند بهتر باشد شراب دینار طبع را نرم دارد و جگر و دل
را قوت دهد و سده بگشاید و سوء القنیه و استسقا و ذات الجنب را
نافع بود و تشنگی بنشاند تخم کاسنی نیم کوفته ورق گل سرخ از هر یک بیست
درم بیخ کاسنی چهل درم نیلوفر گاوزبان از هر یک ده درم تخم کشوث در
کتان بسته سه درم بجوشانند تا مهرا شود و صاف کنند و با یکمن قند بقوام
آرند و فرو گیرند و ده مثقال ریوند چینی سائیده دران حل سازند شراب زوفا
سرفه بلغمی را نافع بود و سینه و شش را نافع بود و از اخلاط پاک کند
ریوند و ضیق النفس را سود دارد عناب سی دانه سپستان پنجاه دانه
انجیر سی دانه بنفشه چهار درم برسیاوشان هفت درم تخم خطمی تخم
خبازی از هر یک پنج درم اصل السوس زوفا از هر یک هفت درم بجوشانند
و بپالایند و یک من قند اضافه نمایند و بعضی پنج درم فراسیون دران حل کنند
شراب تمر هندی طبع نرم کند و صفرا بشکند و معده را قوت دهد و قی
باز دارد و تمر هندی نیم من بجوشانند و بیشتر از آتش بگیرند و بپالایند و یکمن قند
اضافه نمایند و بقوام آرند شراب صندل [illegible] را قوت دهد و خفقان گرم و دل

گرم را نافع

گرم را نافع بود و تشنگی بنشاند صندل سفید سائیده بیست مثقال در
گلاب خیسانند یک شبانروز روز دیگر اندک جوشش بدهند و شیره آن بگیرند
و با یکمن قند شربتی بپزند شراب الجبن کرده و مثانه را نافع بود و منی
بیفزاید و باه را قوت دهد و درد پشت زایل کند صفت آن انجیر خوب
دو من و پنج من آب بپزند تا یکمن و نیم بماند باز یکمن نخود سفید و پنج
من آب بپزند تا یکمن و نیم آید هر دو را بدست بمالند و صاف کنند و یکمن
و نیم عسل صاف برو بریزند و دارچینی و خولنجان و قرنفل و سنبل الطیب از
هر یک یکدرم زعفران نیم درم در کیسه بسته دران اندازند و بجوشانند تا بقوام
آید شربتی پنج مثقال شراب بنفشه بنسخه معمول ذات الجنب و ذات الریه
و تب و سرفه و صداع و درد چشم و درد گرده را نافع بود و بول براند و سینه
را نرم کند صفت آن برگ بنفشه تازه را یک چارک بجوشانند و بپالایند
و با یکمن قند بپزند و اگر بنفشه تازه نباشد یک دقیه بنفشه خشک کنند باید
بسیار بجوشانند شراب نیلوفر صداع حار و تب صفراوی و سرفه و ذات الجنب
و ذات الریه را نافع باشد گل نیلوفر یک وقیه و اگر تازه باشد یک چارک
بجوشانند با یکمن قند شربت بپزند شراب لیمون ریگ از گرده و مثانه پاک
کند لیمون سی مثقال در ده من آب بجوشانند و بپالایند و با یکمن قند شربت

به برند شراب بزوری معده و جگر را نافع بود و بادها دفع کند و مفاصل را سود
دارد بوست بیخ کاسنی ده درم بوست بیخ رازیانه و تخم کاسنی از هر یک
بیست درم رازیانه تخم کرفس بوست بیخ کرفس از هر یک ده درم تخم
کشوث در کتان بسته پنج درم بجوشانند و بپالایند و با یکمن و قند شربت
کنند شراب ورد که مسهل صفرا بود ورق گل سرخ تازه نیم من در نه
من آب بجوشانند تا هفت من آید و نیم من گل سرخ در آب بجوشانند و دیگر
بپالایند چند نوبت بجوشانند تا یکمن آید و صاف کنند و با یکمن قند شربت
به برند شربتی سی درم با ده درم سکنجبین و با آب برف یا آب خالص استعمال
نمایند شربت توت درد گلو و خناق را نافع باشد آب توت سیاه
بگیرند و صاف کنند و بجوشانند تا به نیم آید و پنج رطل از آن سه رطل قند اضافه
کنند و بقوام آرند شراب انار عذب جگر را قوت دهد و تشنگی بنشاند
آب انار شیرین بگیرند و بجوشانند تا به نیمه آید و بهر یکمن از آن یکمن قند اضافه
کنند و بقوام آرند شراب عناب ماشرا و آبله و حصبه و درد سینه و سرفه
و غلبه خون را نافع بود گل نیلوفر یک دیه(?) عناب یک جاریک(?) در دو من
آب به برند و بر ست نمانند و بپالایند بی مبالغه با یکمن قند شربت به برند
شراب گاوزبان دل را قوت دهد و سوداوی مزاج را بغایت نافع

و خفقان را

و خفقان را زایل کند آب گاوزبان یکمن با یکمن قند بجوشانند و کف
بردارند و بقوام آرند و بیست مثقال گلاب در ان ریزند و فرود گیرند
شراب بیمو(?) بجوبه(?) دل را قوت دهد و خفقان سرد را نافع باشد و خشکی
سوداوی زایل کند ... بجوبه را در آب بگیرند نیم من با یک من قند شربت
به برند اگر تازه نباشد پنجاه مثقال کنند شراب هلیله وجع مفاصل و تبهای
گرم را نافع بود و طبع را نرم کند صفت آن هلیله زرد صد عدد نیم کوفته
در ظرف کنند و آب بر سر آن ریزند و یکماه نگه دارند و دیگر آب بر سر آن ریزند
و سه روز در آفتاب نهند و آب اول و دوم با هم بیامیزند و صد و پنجاه مثقال
ترنجبین در ان حل کنند و صاف سازند و بر سر آتش نهند و بقوام آرند و فرود
گیرند و یکمثقال سقمونیا ده در ان حل کنند شراب عنبر درد معده و اعصاب
را سود دارد و خفقان با سوداء را زایل کند صفت آن عسل دو من در دو من
آب بجوشانند و کف بردارند و بقوام آرند و عنبر و زعفران سوده از هر یک
مثقال اضافه کنند شراب مشک معده را قوت دهد و امراض بلغمی را
نافع بود عسل یکمن قند یکمن در دو من آب بجوشانند و بقوام آرند
و یکمثقال مشک و یکدرم زعفران اضافه نمایند شربتی سه درم شرابی که

دیگران را موافق بود

نافعست جهت اسهال و مود ضعف معده رب به بیزند سه مثقال گلنار
عذبه آمله صندل سفید حب الآس از هر یک یکمثقال گلاب قند از هر یک
بیست مثقال بطریق معهود شربت سازند شراب ابریشم جگر و دل را قوت
دهد و استسقا و جمیع امراض بارده را نافع بود و باه را قوت دهد
نشاط صفت آن ابریشم پنجاه درم در آب چندانکه سه شبان روز
و بعد از آن با آن آب بجوشانند تا به نیم آید صاف کنند و فولنجان و درج
و مصطکی از هر یک سه درم زعفران یکدرم صلایه کرده اضافه نمایند و با
زبا یکمن قند و خولنجان شربت به بزند شربتی چهار درم شراب اسطوخو
دوس صرع غا و مالیخولیا را و صداع بارد و جمیع امراض دماغ را
که سبب آن برودت بود نافع بود صفت آن اسطوخودوس بر
سیاوشان عود صلیب از هر یک پنج درم اصل السوس گاوزبان رازیانه
پوست بیخ کرفس تخم خطمی بنفشه گل سرخ از هر یک سه درم مویز منقی
سپستان از هر یک یازده عدد جوشانده و صاف کرده با یکمن
قند شربت به بزند شراب معاکس پوست بیخ کبر پوست بیخ رازیانه از
هر یک بیست مثقال تخم کرفس رازیانه انیسون بلخواه زهره ماهی و خولنجان

از هر یک ده

از هر یک دو درم پوست کرفس بیست درم قند یکمن معهود شربت سازند
شراب اصول مواد غلیظ را نضج دهد و سده را بگشاید و باد را بشکند
و سوء القنیه را و استسقا و جمیع امراض بارده جگر و معده را نافع بود
صفت آن پوست کاسنی از هر یک سی درم رازیانه تخم کرفس تخم کاسنی
از هر یک بیست درم الخیر زرد و بیست دانه منقی چهل دانه فقاح اذخر سنبل
اسارون سلیخه از هر یک ده درم قند یکمن شربت به بزند شراب کرد درد
پشت را نافع بود و باه را قوت دهد گرز شسته پاکیزه کرده ده من سر و دم
را بیندازند و ریزه ریزه کنند در دیگ اندازند و آب بر او ریزند و دیگ
را بگل با حجر محکم کنند چنانچه بخار از وی بدر نرود و دو ماه شسته بر آتش نه بزنند
و بگذارند که آب سرد شود و بعد سر دیگ بگشایند و نمک مالند و آب آن صاف
کنند و با هم سنگ آن عسل در دیگ ریزند و سنبل خولنجان قرنفل
دارچینی از هر یک درم زعفران نیم درم مجموع نیم کوفته در کیسه کنند در دیگ
اندازند و هر لحظه بدست بمالند و بجوشانند تا بقوام آید شراب الجبار
اسهال و سوء الفنت دم و سیلان طمث را نافع بود و معده و جگر را
قوت دهد صفت آن صندل سرخ و سفید سائیده از هر یک پنج مثقال

آب الحبا زبعت مثقال فانیا دو مثقال قند نیم من شربت سازند شرب
[illegible] آمله مقشر یکمثقال پوست اترج گلنار گل سرخ تخم حماض بری
از هر یک دو درم رب به شیرین و گلاب از هر یک بیست مثقال شراب
صندل سی مثقال بدستور معهود شربت به بزند شرابی که از جهت مالیخولیا
و امراض سوداوی را نافعست صفت آن تخم کاسنی تخم فرنجمشک تخم
بادرنجبویه از هر یک ده درم گاوزبان سه درم بادرنجبویه هفت درم و
نیم ابریسم دو درم و نیم اصل السوس پنج درم رازیانه بسفایج فستقی از هر یک سه
درم و نیم درشش من کشنیز ادویه گلاب دو مثقال ادویه آب سیب شیرین بجوشانند
تا ثلثی باقی ماند و با یک من قند شربت بزنند شراب [illegible] بلغم دفع کند
[illegible] سر و مراجان را نافع بود صفت آن زنجبیل و دارچینی از هر یک پنج درم
و قاقله از هر یک دو درم قرنفل یکدرم مجموع نیم کوفته در هفت رطل آب
بجوشانند تا پنج رطل آید و بپالایند و با همین قند بقوام آورند و پنج درم
زعفران سائیده اضافه نمایند شراب عسل معده جگر را گرم کند صفت
آن سنبل مصطکی دارچینی قاقله عود هندی بل جوز بوا از هر یک یکدرم
قرنفل نیم درم مجموع کوفته در سه رطل آب بجوشانند و با دو رطل آب بپالایند

و با پنج رطل عسل

و با پنج رطل عسل بجوشانند بقوام آورند شراب خمار و در دفع خمار بی
نظیرست صفت آن آلوی سیاه تمر هندی بیدانه از هر یک یک رطل
عناب پنجاه دانه در شش رطل آب بجوشانند تا به دو رطل آید بپالایند
و آب انار ترش و شیرین و آب سیب و آب لیمو از هر یک نیم رطل اضافه
نمایند با یک رطل قند بقوام آورند شراب فنجنوش سرعت انزال را نافع
باشد آب انگور خام شش رطل سماق مازو گلنار سرخ گشنیز خشک کنند
صمغ سعد از هر یک ده درم زعفران مرشب یمانی از هر یک یکدرم خبث
الحدید سی مثقال بجوشانند تا ثلثی باقی ماند صاف کنند و استعمال نمایند شراب دارچینی
بجهت مقوی اعضای رئیسه است و نسیان و امراض بلغمی و سوداوی را نافع و دافع و باه
رطوبت و بهروبران را موافق بهتر آب انگور صد من شیرین سی من سیب
دو من گلاب نیم من آب خالص ده من دارچینی قرنفل مصطکی سنبل الطیب کبابه
حب [illegible] اخولنجان از هر یک پنج درم عود خام بسباسه دوانه از هر یک سه درم
زعفران دو مثقال مشک نیم مثقال عنبر یکمثقال [illegible] در آب انگور بجوشانند
تا [illegible] سود بعد از آن برگیرند و صاف کنند و مشک زعفران را در گلاب حل
کنند و در محل جوش [illegible] اضافه نمایند ادویه نیم کوفته باشد [illegible] بجون

شیره انگور را در خم ریزند کیسه را در خم اندازند و بعد از شش ماه
استعمال نمایند شراب خبث الحدید معده را قوت دهد و هاضمه را قوی
گرداند و لون را نیکو گرداند و باد و بواسیر را نافع بود تخم کرفس بادیانه
زیره کرمانی انیسون نانخواه صفره الجدان کاشم کرزو نانکشنیز خشک
فلفل دار فلفل کندر دارچینی سنبل قرحه جوزبوا تخم جرجیر تخم پیاز
سفید زنجبیل از هر یک یکمثقال خبث الحدید ده مثقال [illegible] مقابل ادویه
شراب بجوشانند تا نیمه آید صاف کنند بقوام آرند شربتی سه درم کافی
باشد شراب ریحان نسیان و امراض بلغمی را نافع باشد و معده
را قوت و پیران را [illegible] آید شیره انگور صد من در خم ریزند و شش من قند
موافق بود
اضافه کنند و دارچینی قرنفل بسباسه جوزبوا از هر یک ده درم مجموع را
نیم کوفته در کیسه کنند و در خم اندازند و سر خم بگیرند و بعد از شش ماه استعمال
نمایند باید که اول خم را پاک بشویند و اندرون او موم گداخته بگردانند
و مشک و عنبر بویا کنند شرابی که معده را قوت دهد و امراض بلغمی و سوداوی
را نافع بود آب سیب سه رطل آب به شیرین دو رطل در دیگ کنند
و قرنفل یکدرم و نیم عود دو درم گاوزبان بادرنجبویه و گل سرخ از هر یک سه درم
کوفته در کیسه

کوفته در کیسه کنند و سر به بندند و در دیگ اندازند و به آب سیب و به
بجوشانند تا نیم آید و در خم ریزند و شراب ریحان دو من بر بالای او
ریزند قند یک رطل و نیم اضافه نمایند و سر خم بگیرند و بیست روز تا بآفتاب
بگذارند و بعد از آن صافی کرده استعمال نمایند باب شیاف احمر لین
سلاق و غلظ اجفان و آخر و [illegible] را نافع بود شادنج عدسی مغسول ده درم
مس سوخته هشت درم صمغ عربی و کثیرا و مر صاف از هر یک دو درم [illegible]
نا سفته ساذنج از هر یک چهار درم دم الاخوین زعفران از هر یک یکدرم
جلا یه کرده شیاف سازند شیاف احمر [illegible] جار [illegible] و طرفه و سلاق
[illegible] را نافع بود صفت آن شادنج مغسول شش درم صمغ عربی
پنج درم [illegible] سوخته زاج سوخته از هر یک دو درم افیون صبر سقوطری از
هر یک نیم درم زنگار دو درم و نیم زعفران مر از هر یک دانگی و نیم کوفته
بخیر بر شیاف سازند شیاف اخضر جرب و سبل و بیاض را نافع بود صفت
آن زنگار سه درم اقلیمیای نقره اشق سفید آب ارزیز از هر یک
دو درم صمغ عربی اشق را در آب سداب حل کنند و ادویه ها را کوفته و بیخته
بخیر بر [illegible] بسرشند و شیاف سازند شیاف [illegible] کهنه و جرب و سبل

وسلاق وشقوق ناخنه را نافع بود صفت آن زنگار شش درم صمغ عربی وشقاقا
از هر یک چهار درم واقلیمیای طلا افیون از هر یک دو درم مازو یکدرم کوفته
و بیخته با آب سداب بسرشند و شیاف سازند شیاف طرحما طیقان
طلیقون کنه جرب وسلاق واسترخا وجون وزیح سبل را نافع بود صفت
آن شادنج مغسول دوازده درم صمغ عربی ده درم زنگار و قلقطار سوخته
از هر یک پنج درم مس سوخته چهار درم افیون زعفران از هر یک یکدرم با آب
رازیانه بسرشند و شیاف سازند شیاف ابیض افیونی رمد گرم را نافع
باشد و درد صعب بنشاند و تحذیر کند صفت آن سفیداب ارزیز بیست
درم صمغ عربی پنج درم افیون کتیرا از هر یک یکدرم بسفیده تخم مرغ بسرشند
و شیاف سازند شیاف ابیض انزروتی ابتدای رمد را نافع باشد
صفت آن سفیداب ارزیز هشت درم صمغ عربی پنج درم افیون کتیرا از
هر یک یکدرم بسفیده تخم مرغ بسرشند و شیاف سازند شیاف ابیض
انزروتی ابتدای رمد را نافع بود صفت آن سفیداب ارزیز هشت
درم انزروت مربی بشیر خر کتیرا از هر یک چهار درم بسفیده تخم مرغ بسرشند
شیاف سازند شیاف گل سرخ نسخه محمد دیگر بار رمد را نافع است و [illegible]

ان کم از حدت

آن کمتر از حدت ابیض است و بهترین و سکترین شیاف رمد است
صفت آن گل سرخ چهار مثقال زعفران و سفیداب ارزیز از هر یک
دو مثقال افیون و صمغ عربی از هر یک یکمثقال بدستور معهود شیاف
سازند [illegible] بربوما رمد را در روز با صلاح آرد صفت آن گل سرخ چهار
مثقال امیسا و انزروت مربی از هر یک هشت زعفران دو درم افیون یکدرم
کتیرا یکدرم کوفته بحریر بیخته با آب باران بسرشند و شیاف سازند و بسفیده
تخم مرغ در چشم کشند شیاف بربوما دیگر رمد را نافع بود و سرخی
ببرد و اماس بنشاند و درد را تسکین دهد صفت آن باقلیمیای نقره سوخته
از هر یک سه مثقال کتیرا و اقاقیا و صمغ عربی از هر یک دو مثقال افیون
و زعفران از هر یک یکمثقال کوفته و بیخته بحریر با سفیده تخم مرغ بسرشند
شیاف سازند شیاف [illegible] را نافع باشد
صفت آن شادنج مغسول دوازده درم صمغ عربی و مس سوخته از هر
شش درم قلقطار سوخته و زنگار از هر یک دو درم با آب بادیانه بسرشند
و شیاف سازند شیاف هلوی بادها را پراکنده کند و اماس ملتحمه
را بنشاند صفت آن مس سوخته سه درم اقاقیا دو درم کتیرا و صمغ عربی

شیاف

وسنبل و زعفران از هر یک یکدرم باب باران سیاف سازند
اسود نافعست با رمدهای که در چشم و خون باشد کشیدن و طلا کردن
مس سوخته افیون از هر یک یکدرم و نیم زعفران شیاف سازند
ماميثا از هر یک نیم درم مروارید ناسفته و [illegible] از هر یک یکدرم قلیمیا
بنجدرم کوفته و بیخته باب باران سیاف سازند [illegible]
کندری قرحه و ماده و غلیظ را نافع بود سفیداب ارزیز بیست درم
افیون انزروت مربی کثیرا از هر یک یکدرم نیم صمغ عربی چهار درم
کندر نیم درم باب باران سیاف سازند [illegible]
سرخ را نافع بود حرارت بنشاند و خون را بر سازد اقلیمیای طلا
سفیداب ارزیز مس سوخته سرمه اصفهانی صمغ عربی کثیرا [illegible] سوخته
از هر یک هشت افیون یکدرم باب باران سیاف سازند [illegible]
ابار بنوعی دیگر منفعت آن نزدیک منفعت اوست ابار سوخته سرمه
اصفهانی توتیا مس سوخته کثیرا صمغ عربی از هر یک شش درم افیون
نیم درم کوفته و بیخته سیاف سازند و بعضی اقلیمیا طلا و سفیداب ارزیز
از هر یک شش درم کنند چهار درم اضافه کنند شیاف کندر [illegible] قرحه

را نافع بود

را نافع بود و گوشت برویاند اشق و انزروت از هر یک پنج درم کندر
ده درم زعفران دو درم اشق را بلعاب حلبه حل کنند و باقی ادویه را کوفته
و بیخته بدان بسرشند [illegible] ابتدای آب نزول را نافع بود خرفه
سفید یک و نیم فلفل نیم درم [illegible] یکدرم باب ترب [illegible] بسایند
[illegible] نزول آب را
نافع بود اقلیمیای طلا [illegible] مروارید ناسفته [illegible] دو درم
کافور مشک از هر یک دانگی [illegible] کرده باب [illegible]
سازند [illegible] از جهت ابتدای نزول [illegible] چشم
نافعست انزروت مربی [illegible] از هر یک هشت درم
[illegible] فلفل [illegible] از هر یک چهار درم زرنیخ زرد دو درم
زعفران [illegible] کوفته و بیخته شیاف سازند [illegible]
[illegible] توتیای هندی از هر یک پنج درم فلفل سفید صمغ عربی زعفران
از هر یک یکدرم باب رازیانه سیاف سازند [illegible] مجرب
و خارش و سوزش محفوظ را نافع بود [illegible] سماق سی مثقال با آب باران
بجوشانند و پالایند و باز بجوشانند تا غلیظ شود بگذارند تا سرد شود [illegible]

[illegible]
توطیاء [illegible]
[illegible]
بگذارند تا سرد شود
باقی ادویه [illegible]
[illegible] القدر [illegible]
[illegible]
[illegible]
کنند

درم سفیداب وارزیز بآن بسرشند و سیاق سازند بعد از ان آب سماق
را بجوشانند تا غلیظ شود کرد سماق بآن سرشته سیاق سازند شیاف
[illegible] خون سبل رقیق بردارد زند و جوبه شادنج مغسول صبر سقوطری
سیاق مامیثا مساوی کوفته و بیخته با آب باران شیاف سازند شیاف
[illegible] ضعف بصر و زردی چشم را در حال بنشانند ورق گل سرخ پانزده
درم زعفران هشت درم افیون [illegible] درم سنبل الطیب دو درم
صمغ عربی یکدرم با آب باران شیاف سازند شیاف [illegible]
عین و دمعه و سبل را که با وی حرارت باشد نافعست اقلیمیا طلا
سفیداب ارزیز صمغ عربی افیون از هر یک چهار درم مس سوخته
سنبل الطیب نشاسته از هر یک یکدرم نیم آقاقیا مغسول [illegible] چهار
کوفته و بیخته بعضی را با آب سوده کرده با آب عنب الثعلب شیاف
سازند شیاف [illegible] استرخای جون ذ تاریکی بصر و ابتدای
آب را نافعست اقلیمیای طلا فلفل سیاه افیون از هر یک چهار درم
صمغ عربی و سیاف مامیثا از هر یک یکدرم هشت درم انزروت
نمک هندی لوح زرد از هر یک یکدرم بوره ارمنی دوازده درم باب
باران شیاف سازند

باب باران شیاف سازند شیاف [illegible] که نافعست جرب غلیظ خون
و سبل و کمنه را که بآن حرارت باشد و حمرت نباشد و تاریکی
ذ تاریکی چشم زایل کرداند افیون اقلیمیای نقره از هر یک یکدرم
سفیداب ارزیز صمغ عربی زنگار اشق از هر یک دو درم باب
که اشق دران حل کرده باشند شیاف سازند شیاف [illegible] نافعست
ابتدای رمد را و درد ساکن کند و خواب آورد شیاف مامیثا
هفت درم زعفران افیون حضض صمغ عربی از هر یک دو درم
کثیرا انزروت از هر یک چهار درم جند بیدستر یکدرم کوفته
و بیخته شیاف سازند شیاف [illegible] نافعست جرقه جاره جذبده را
و چشم را خشک سازد و گوشت برویاند سفیداب ارزیز دو درم
کندر انزروت از هر یک یکدرم افیون نیم درم کافور دو دانگ
کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف [illegible] جرب و باد
سبل را نافع بود و صمغ عربی سفیداب ارزیز زنگار مساوی سداب
شیاف سازند شیاف غوره جرب و حکه و کمنه را نافع بود
زنجبیل یکدرم هلیله زرد صمغ عربی توتیای مغسول از هر یکی ده درم

حضض مکی چهار درم زرد چوبه زعفران از هر یک دو درم با آب غوره
شیاف سازند شیاف غربت صبر کندر کلنار انزروت دم
الاخوین سرمه اصفهانی شب یمانی از هر یک یکدرم زنگار نیم دانگی و بگلاب
شیاف سازند سوراخ مرا از چرک پاک کند و در ان جا چکانند
شیاف ورد قرحه و سبل و مورسرخ و رمد کهنه را نافع بود برگ
تازه هفتاد و دو مثقال اقلیمیای نقره و عروق مغسول صمغ عربی از هر یک
بیست و چهار درم مثقال زعفران شش مثقال افیون مرمه از هر یک
سه مثقال زنگار توبال النحاس سنبل هندی از هر یک دو مثقال مرجان
چهار مثقال کوفته و بیخته با آب باران شیاف سازند شیاف دینار
رمد لودادی را نافع بود سفیداب ارزیز اقلیمیا از هر یک ده درم
افیون نشاسته از هر یک یکدرم و نیم بطریق معهود شیاف سازند
سبیدک [illegible] اقلیمیا طلا توتیای مرمه سفیداب ارزیز بیخته سوخته
کندر از هر یک دو درم دم الاخوین افیون از هر یک یکدرم و نیم
کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف کندر قرحه شبکوره را نافع بود
اشق انزروت از هر یک یکدرم صمغ نیم درم کندر ده درم زعفران

دو درم

دو درم بلعاب حلبه شیاف سازند شیاف قلقند از برای ظلمت و غشاوت
مینه سوخته پنج درم زنگار دو درم نوشادر قلقند توره از مس از هر یک یکدرم
زرنیخ هفت درم بسرکه بسرشند یک هفته بگذارند پس شیاف سازند
و استعمال نمایند شیاف مرطوبه را نافع بود کندر مر زعفران از هر یک یکدرم
زرنیخ سرخ هفت درم شیاف سازند و با آب گشنیز تازه در چشم کشند شیاف
مرارات انتشار و ابتدا نزول را نافع بود زهره کلنگ و زهره شبوط
و زهره بز کوهی زهره باز زهره عقاب زهره کبک مجموع خشک کرده ده
درم تخم حنظل و سکبینج و افیون از هر یک یکدرم با آب رازیانه شیاف
سازند شیاف مرارات ضعف بصر و ابتدای آب را نافع بوده باشه زهره
عقاب زهره خروس زهره روباه شبوط خشک کرده مساوی با آب رازیانه
شیاف سازند شیاف مرارات نوع دیگر زهره کلنگ زهره کبک زهره
گرگ زهره بز کوهی زهره باشه زهره کور زهره کبوتر زهره شیر زهره لقلق زهره
خوک زهره روباه زهره خرگوش زهره آهو زهره ماهی از هر یک خشک کرده یک
درم سکبینج فرفیون شحم حنظل از هر یک یکدرم سکبینج را با آب بادیان
حل کرده و دواهای کوفته و بیخته با آن بسرشند و شیاف سازند شیافیکه

قایم مقام مرارات ست صفت آن زهرهٔ بزکوهی و رطل فی مسین خشک کرده
ده درم تخم حنظل نیم درم سکبینج دو درم فربیون و نوشادر از هر یک یک درم با
سداب یا آب رازیانه شیاف سازند شیاف مرکب که علاء گویند حکه و
جرب و سلاق و ظلمت و دمعه و سبل و خشونت اجفان را نافع بود صفت
آن توتیای مغسول شش درم مامیران صینی و شیاف مامیثا از هر یک
پنج درم و فلفل زنجبیل زبد البحر حضض هندی پوست هلیله زرد و ساذج هندی
از هر یک سه درم زعفران دو درم کثیرا صمغ عربی از هر یک دو مثقال با آب عوذه
پرورده شیاف سازند شیاف حلیت خیالات و ابتدا و آب را
نافع بود صفت آن حلیت حیدق سعید از هر یک ده درم سکبینج سه
درم بعسل سرشند شیاف سازند شیاف زنگار بنوعی دیگر سبل و ظفره
و جرب را نافع بود و چشم را جلا دهد صفت آن اقلیمیا و طلا و سفیداب
ارزیز از هر یک ده درم کثیرا و مر از هر یک پنج درم مروارید ناسفته بسید
دم الاخوین از هر یک چهار درم زرنیخ سرخ نبات اقاقیا از هر یک
نیم درم افیون هفت درم زعفران نشاسته از هر یک دو درم کوفته
و بیخته شیاف سازند شیافی که جرب و سبل و تخم را ابتدا نافع باشد

صفت آن

صفت آن ساذج هندی شش درم صمغ عربی پنج درم زنگار سه درم مس
سوخته و قلقطار سوخته از هر یک دو درم افیون و مر از هر یک یک درم
زعفران نیم درم با آب سداب شیاف سازند شیافی که همین خاصیت
دارد صفت آن زنگار سه درم سفیداب ارزیز اقلیمیا نغزه صمغ عربی
اشق از هر یک دو درم اشق را با آب سداب حل کنند و داروهای دیگر را
کوفته و بیخته تا آن بسرشند و شیاف سازند شیافی که نشر و قرحه اسود
دارد و نشان قرحه را ببرد صفت آن شاخ گوزن سوخته مغسول ابار
سوخته مغسول از هر یک چهار درم توبال مس مغسول محرق دو درم صمغ
سه درم افیون یکدرم شیاف سازند و در چشم کشند شیاف مستعمل
که قولنج بگشاید و بلغم و صفرا دفع کند و درد پشت را نافع باشد صفت آن
سکبینج مقل جاوشیر اشق نمک هندی تخم حنظل بوره ارمنی سقمونیا از هر
بسرشند شیاف سازند هر یکی دو درم شیافی که درد پشت و جمیع انواع
مفاصل که سبب آن سردی و بلغم باشد نافع باشد صفت آن سکبینج
و جاوشیر مقل بوره ارمنی اشق زنجبیل سورنجان شقاقل تخم حنظل کرفس
رازیانه افیون نمک هندی انزروت چند بیدستر زرنباد قسط تلخ

زهره سعد کوفی سداب کوفی سداب خشک مساوی کوفته و بیخته با
سداب لبسرشند و شیاف سازند سیاف دیگر درد پشت و
اوجاع مفاصل و بواسیر را نافع بود سکبینج جاوشیر مقل بارزد شحم حنظل
بیدانجیر ماهی زهره بوزیدان از هر یک یکدرم بذر البنج یکدرم و تخم نجاران
تربد از هر یک سه درم جند بیدستر نیمدرم با آب کندنا شیاف سازند
سیاف زحیر زعفران صمغ مرافیون کندر مساوی کوفته و بیخته سیاف سازند
سیاف خیارشنبر قولنج را بگشاید و طبع را نرم کند و بنفشه دو درم
خطمی سه درم سنا مکی پنجدرم نمک هندی یکدرم عسل خیارشنبر
و گل سرخ از هر یک ده درم سیاف سازند سیاف بنفشه همین خاصیت
دارد بنفشه پنجدرم سقمونیا نمک هندی از هر یک دو درم بوره ارمنی
و تربد از هر یک سه درم قراقروت و فانید از هر یک پنج مثقال سیاف
سازند سیاف قولنج بوره ارمنی دو درم شحم حنظل مقل سکبینج از هر یک
پنجدرم سقمونیا دو درم و نیم شکر سرخ ده درم شیاف سازند شیاف
فرفیون ضعف مثانه و سلس البول و نقط را نافع بود و باه را قوت دهد
نارجیل حب الصنوبر حب المحلب مقشر مغز بادام تلخ کرم دانه حب الزلم
از هر یک

از هر یک دو درم فرفیون جند بیدستر سداب از هر یک سه درم مقل ده
درم پاک کند تا شیاف سازند شیاف که مقوی باه است حلتیت
فرفیون از هر یک یکدرم مشک نیمدرم کوفته و بیخته شیاف سازند
سیاف دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن پیه سوسمار زهره گرگ
حب القطن عاقرقرحا مساوی کوفته و بیخته بروغن سنبل سیاف سازند
صفت سیاف دیگر که استسقاء طبلی را نافع بود و بادهای غلیظ را دفع کند
صفت آن سداب حرمل رازیانه تخم کرفس تربد سفید بوره ارمنی
از هر یک یکدرم شکر پنجدرم با آب سداب شیاف سازند شیاف
ثقل سمع روی و طنین که سبب آن ریح غلیظ باشد و وجع بلغمی
گوش و طرش که سبب آن اخلاط غلیظ بود زایل گرداند شحم حنظل یکدرم
بوره ارمنی سه درم جند بیدستر زراوند مدحرج و عصاره افسنتین از هر یک
نیمدرم قسط دانگی و نیم فرفیون دانگی کوفته و بیخته بزهره گاو سرشند و شیاف
سازند و بوقت حاجت یکی را از آن در روغن بادام تلخ حل کرده در گوش
بچکانند سیاف دیگر که خون رفتن بواسیر باز دارد صفت آن کندر انزروت
دم الاخوین گلنار [illegible] از هر یک یکدرم زنگار دانگی کوفته و بیخته بعسل

سرشته شیاف سازند شیاف دیگر که همین خاصیت دارد و صفت آن
قنطوریون رقیق بنج سوسن انزروت از هر یک یکمثقال مازو نیم
مثقال ز نگار و ا کا... بعسل سرشته شیاف سازند شیاف دیگر که همین
خاصیت دارد اقاقیا لحیة التیس گلنار گل ارمنی از هر یک یکدرم و زنج سوخته
و سفیداب از هر یک نیم درم با ب لسان الحمل یا آب حرفه سرشته
سازند شیاف دیگر که همین خاصیت دارد عصاره لحیة التیس اقاقیا صمغ بلوط
دم الاخوین از هر یک نیم درم با آب لسان الحمل سرشته شیاف سازند
شیافی که در عقب مسهل استعمال کنند اگر در اسهال لعقری باشد
گرم مزاجانرا موافق باشد صفت آن نرجین بنج درم صابون
رقی و خطمی نمک طعام از هر یک دو درم شکر سرخ پنج درم شیاف سازند
شیافیکه اسهال دمی راکه نافع بود صفت آن مر اقاقیا بذر البنج صمغ
عربی برنج بریان کرده مساوی کوفته و بیخته با ب مورد سرشته شیاف
سازند شیافیکه شکم به بندد اقاقیا صمغ عربی گلنار کزمازج بلوط بنج
بریان کرده درست بریان کرده کوفته و بیخته شیاف سازند شیافی که
که نافعست از جهة زحیر و اسهال دم و اغراس صفت آن صمغ عربی

اقاقیا افیون

اقاقیا افیون مازو بذر البنج کندر ارمنی برنج بریان کرده مساوی کوفته و بیخته
با آب مورد یا آب گشنیز تازه شیاف سازند شیاف دیگر بلوط
اقاقیا آمله گلنار صمغ عربی کوفته و بیخته با آب مورد بسرشند و شیاف
سازند و بیش از مجامعت استعمال نمایند شیاف که از جهة کرم کوچک
که امعای سفلی اطفال باشد نافع است صفت آن تخم حنظل قنطوریون
نمک هندی مغز استخوان زرد آلو تلخ کوفته و بیخته شیاف سازند تا
الغذا صبغ که بهق ابیض برنگ بدان آورد صفت آن تخم ترب
شیطرج دو ده کندش خردل کوفته و بیخته بسرکه کهنه تر کنند و در آفتاب بمالند
صبغ که برص بدان رنگین کنند صفت آن شوره مرمکی شب یمانی قوه
کوفته و بیخته بمالند با در و شراب صفت آن شیطرج عاقرقرحا حضض
مکی خردل شونیز کل شقایق مرزنجوش زرد فو مساوی کوفته و بیخته بجوز
بر سرشته بمالند نافعست صبغ دیگر که همین عمل کند شیطرج نیل شب یمانی
گل سرخ کوفته و بیخته یکشبانه روز در سرکه خیسانند روز دیگر بمالند صبغ
که بهق اسود را هر دو برنگ بدن آورد صفت آن تخم ترب ده درم
کندس و قسط از هر یک دو درم بسرکه کهنه بمالند صبغ که رنگ ر

سرخ کرد اند صفت آن زعفران قوه کندس مصطکی کوفته و بیخته
با آب سبوس تر ساخته شب بمالند و صباح با آب گرم بشویند صبغی که
نشان آبله و جراحات و ریشها ببرد برنگ بدن آورد صفت آن مرده
سنگ شسته برنج نی کهنه ارزن نخود و برنج اسفیداج ابو سبیده مغز تخم خربوزه
حب البان قسط کوفته و بیخته بلعاب حلبه و بزر کتان بسرشند و شب بمالند
و صباح بسبوس و آب گرم بشویند صبغی دیگر که خاصیت دارد صفت آن آرد
قسط مرداسنگ مغسول شاخ گوزن سوخته بوره ارمنی اشق کوفته
و بیخته بماء الشعیر بمالند باب الضماد ضماد والتین صلابات طحال را نافع باشد
صفت آن مقل دو درم اشق یکدرم آرد باقلا کرسنه نخود اکلیل الملک
بیدانجیر حلبه بابونه ترمس سنبل از هر یک نیمدرم انجیر زرد بیست چهار درم
کوفته و بیخته بروغن سداب یا روغن بابونه ضماد کنند ضمادی که نافع
است از جهت اورام حلبه معده و جگر صفت آن زعفران و صبر از هر یک
یکدرم افسنتین و سنبل از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته با آب گرم ضماد
کنند ضماد حی العالم نافعست از جهت حرارت و ورم جگر صفت آن
بنفشه چهار مثقال حی العالم گل سرخ صندل بنفشه از هر یک چهار درم

قصب الذریره

قصب الذریره دو مثقال کافور یکدرم کوفته با آب کشنیز تازه ضماد کنند
ضماد دیگر که ورم جگر نافع است صفت آن آرد جو دو جزو که بخیسانند تا مجرا
شود یکدرم طباشیر سفید فوفل از هر یک نیمدرم افسنتین ورق گل
سرخ قصب الذریره صندل سفید سیاف مامیثا از هر یک یکدرم
کافور دو دانگ کوفته و بیخته در لته کتان مالند و بر موضع جگر افکنند
ضماد [illegible] با دام سبوس گندم آرد جو خطمی آرد باقلا اکلیل
الملک مساوی کوفته بروغن بنفشه یا دام کنند ضماد [illegible] بزرگ
حلبه از هر یک ده درم میعه سائله چهار درم موم سفید بیست درم
بروغن [illegible] یا سمن ضماد کنند ضمادی که شکم ببندد اقاقیا مر امله کندر
سعد اذخر سنبل مصطکی از هر یک نیمدرم [illegible] ده درم کوفته و بیخته
با آب به ضماد ضمادی که معده با ورم را گرم کند و قوت کند صفت آن
سعد مصطکی سنبل قسط افسنتین از هر یک نیمدرم اذخر املج قرنفل
دارچینی قصب الذریره از هر یک ده درم کوفته و بیخته با آب به
ضماد کنند ضمادی که ورم کهنه معده را تحلیل دهد صفت آن قرنفل
حب البان تخم کرفس از هر یک ده درم سنبل الطیب اشق مصطکی

از هر یک نیم درم موم سپید سه درم روغن ناردین پانزده درم
صمغها را در شراب حل کنند و باقی ادویه را کوفته و بیخته اضافه نمایند
و با موم و روغن ضماد کنند ضمادی دیگر که همین خاصیت دارد صفت
آن حلبه شب یمانی خطمی بزرگ بابونه مصطکی از هر یک نیم درم سنبل
سعد کوفی قصب الذریره اذخر از هر یک دو درم موم و روغن بابونه
پانزده درم بطریق معهود ضماد کنند ضماد للمعدة الیبس از جهت معده
و جگر گرم نافعست صفت آن صندل سفید سرخ گل سرخ نشاسته
مامیثا کافور کوفته و بیخته باب عنب الثعلب و قدری سرکه ضماد کنند
ضمادی که استسقاء زقی و استسقائی را که با آن حرارت باشد نافعست
صفت آن آرد جو سعد کوفی [illegible] نمک کهنه کوسفند بوره ارمنی گل
ارمنی مساوی کوفته و بیخته بسرکه ضماد کنند ضمادی که نفخه طحال را سود
دارد و صلابت را نرم کند صفت آن اشق مقل سداب ده
درم بوره ارمنی [illegible] از هر یک سه درم کوفته و بیخته بسرکه کهنه ضماد
کنند ضماد اشق صلابت طحال را سود دارد صفت آن اشق
مقل بوره ارمنی نمک هندی از هر یک چهار درم اشنه [illegible] از هر یک

ششدرم

ششدرم سداب هشت درم گوگرد دو درم [illegible] ده عدد [illegible] را در سرکه
بنهند و اشق و مقل را در آن بگذارند و باقی ادویه را کوفته و بیخته اضافه
نمایند و ضماد کنند ضمادی که وجع رحم و بواسیر را تسکین دهد
صفت آن زعفران افیون بزرالبنج صمغ از هر یک دو درم خطمی بزرگ
از هر یک نیم درم زرده تخم مرغ نیم پخته یک بیضه بروغن استخوان
زردالو ضماد کنند ضمادی که از جهت فتق نافع باشد صفت آن
جوزالسرو دو درم سعد مر صمغ عربی مرزنجوش مازو اقاقیا کندر
از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بشراب کهنه ضماد کنند ضمادی
دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن جوزالسرو و [illegible]
ورق سداب [illegible] بابونه مساوی کوفته و بیخته بروغن قسط ضماد
کنند ضمادی که همین منفعت دارد صفت آن مصطکی کندر [illegible]
جوزالسرو برگ سرو و [illegible] و مر بلوط مساوی کوفته و بیخته کنند
ضمادی که [illegible] بازدارد و بقایای اورام بارده را تحلیل دهد صفت
آن مقل کندر حلبه بزرگ اشق کوفته و بیخته بشراب ضماد کنند
ضمادی که [illegible] از بدن بیرون آورد صفت آن اشق [illegible]

تلخ کوفته بعسل ضماد کنند ضمادی اصطمخیقون بر پوست معده
و کبد و طحال بود صفت آن افسنتین و سنبل الطیب و بلیله صبر سقوطری
از هر یک سه درم عود و بلسان و زعفران از هر یک دو درم موم سفید
هشت درم موم را در روغن ناردین یا قسط یا روغن زنبق بگدازند و
باقی ادویه کوفته و بیخته با آن بسرشند و ضماد کنند ضمادی که ضعف
معده را که سبب آن حرارت باشد نافع صفت آن حب الآس اقاقیا عود
گلنار برگ مورد پوسته و پوست سیب گل سرخ قصب الذریره صندل سرخ
و سفید کوفته و بیخته بگلاب و آب سیب ضماد کنند ضمادی که نقرس
را و ورم حاره را نافع بود صفت آن صندل سفید سرخ عدس مقشر
فوفل شیاف مامیثا گل ارمنی کوفته و بیخته بگلاب و آب کاسنی ضماد
کنند ضماد قطاریون لقوه و فالج و صداع و درد چشم و شقیقه و درد دندان
را نافع باشد و نزلات را از چشم منع کند چون بر صدغین ضماد
کنند و چون بر شانه ضماد کنند بول بجهاند و چون بر گزندگی عقرب
بمالند درد ساکن گرداند و چون بر شکم ضماد کنند ورم اعضای باطنه را نافع
باشد صفت آن رعی الحمام دو درم و موم سفید ده درم راتینج سه

درم روغن

درم روغن بادام زیت چهل درم موم را و راتینج را در روغن زیت بگدازند
و رعی الحمام را کوفته و بیخته اضافه نمایند و ضماد کنند ضمادی که اگر
بر معده نهند قی آورد و اگر بر ناف ضماد کنند شکم را براند و اگر بر عانه نهند
حیض براند صفت آن برنگ کابلی عصاره قثاء الحمار از هر یک سه درم
مثقال خربق سفید و مرداسنگ از هر یک چهار درم روغن زیت ده
درم موم سفید و پیه بز از هر یک پنج درم موم و پیه را در روغن زیت بگدازند
و باقی ادویه کوفته و بیخته با آن ضم و بر روی کاغذ پاره کشند و ضماد کنند
ضمادی که چون بر لته کشند و بر فم معده اندازند اسهال سودا کشد و چون
بر زیر بغل کنند اسهال صفرا کند و چون بر ما بین الورکین ضماد کنند بلغم
براند و این ضماد از اسرار الاطباست اطفال و بچگان و کسانی را که طاقت
اسهال بدوای مسهل نباشد بدین معالجه کنند صفت آن ترمس مقشر
یک کف بکوبند و در دیگ کنند و آن مقدار شیر تازه که آن را بپوشانند
بر سر آن ریزند و بجوشانند تا ترمس شیر را جذب کند بعد از آن ضماد
آن روغن گاو اضافه کنند و بجوشانند تا بقوام آید و استعمال نمایند
چون خواهند که قطع اسهال سود کند لته را بردارند و موضع بگلاب بشویند

ضمادی که جبر وکسر دوئی را نافع بود صفت آن مغاث ماش گل ارمنی
از هر یک چهار درم خطمی و صبر از هر یک دو درم اقاقیا و صبر از هر یک یکدرم
کوفته و بیخته باب مورد و زرده تخم مرغ ضماد کنند ضمادی که عرق
النساء و وجع الورک را نافع باشد صفت آن پوست بیخ کبر فوذنج
کوهی عاقرقرحا از هر یک ده درم عصاره قثاء الحمار و حب الغار از هر یک
یکدرم کوفته و بیخته بشراب عسل ضماد کنند ضمادی که همین خاصیت دارد صفت
آن نطرون عاقرقرحا از هر یک دو درم قسط و تخم سزه تیزک از هر یک
یکدرم زفت پنجدرم زفت را در روغن زیت بگدازند و باقی ادویه کوفته
و بیخته اضافه نمایند و ضماد کنند که نافعست ضمادی که پوست برگرد ناخن
برخیزد باصلاح آورد صفت آن مصطکی سه درم در پانزده درم روغن
گل بگدازند و دو درم نمک با آن بیامیزند و بر آن موضع ضماد کنند ضمادی
که از ... برش لطیف را نافع است صفت آن زرنیخ سرخ شب یمانی
کوگرد از هر یک یکدرم زفت رومی ده درم زفت را در عسل و سرکه بگدازند
و دارو ها دیگر کوفته و بیخته با آن بسرشند و ضماد کنند ضمادی که استسقاء طبلی
را سود دارد صفت آن بابونه اکلیل الملک مرزنجوش شبت جوزنه

از هر یک

از هر یک ده درم زهره گرمانی سه درم کوفته و بیخته با آب سداب ضماد
کنند ضمادی که ورم بلغمی معده را نافع بود صفت آن جعده
پنجدرم اکلیل الملک جما بابونه شبت مصطکی از هر یک ده درم افسنتین
سنبل صبر از هر یک هفت درم کندر شش درم بیخ خطمی پانزده درم
ورم پیه بط دوازده درم پیه مرغ بیست درم موم سفید سی درم ضماد
کنند ضمادی نواسیر تخم کندنا بزرگ مقل ازرق از هر یک پنجدرم
بروغن گاو ضماد کنند ضمادی که قروح معده را و معده را نافع باشد
صفت آن افیون زعفران از هر یک ... مرداسنگ یک
مثقال سفیداج ارزیز پنجدرم روغن گل پنجدرم ضماد سازند ضمادی که اخراج
مشیمه و جنین مرده کنند صفت آن شحم حنظل قسط سداب از هر یک
سه درم مر یکدرم کوفته و بیخته بزهره گاو بسرشند و بر عانه و ناف ضماد
کنند ضمادی که صداع بارد را نافع است صفت آن بابونه اکلیل
الملک درمنه ترکی سیسنبر ورق الغار مرزنجوش مساوی کوفته بروغن
خیری ضماد کنند ضمادی که اسهال صفراوی را نافع باشد صفت آن
برگ مورد گل سرخ گلنار صندل مازو آمله لادن سماق اقاقیا حضض

مساوی کوفته و بیخته با آب مورد سرشته بر شکم ضماد کنند ضمادی که
زلق الامعاء بلغمی را نافع باشد صفت آن لادن سعد مصطکی قصب الذریره
اذخر مرزنگوش تمام از هر یک پنج درم عود و جوزبوا قرنفل از هر یک یکدرم
و نیم کوفته و بیخته با آب مورد ضماد کنند ضمادی که بول الدم را حبس کنند
صفت آن گل ارمنی گل مختوم صمغ عربی تخم خرفه کهربا اقاقیا گل سرخ
گلنار سرخ کوزن محرق عصاره لحیة التیس از هر یک ده درم مازو یکدرم
کوفته و بیخته با آب مورد ضماد کنند ضمادی که اورام ثدی را سود دارد
صفت آن نان گندم آرد جو باقلا خطمی حلبه از هر یک ده درم زعفران
نیم درم کوفته و بیخته بر زده بتخم مرغ ضماد کنند ضمادی که نگذارد که پستان
بزرگ شود صفت آن دردی سوخته آرد جو مساوی بسرکه بسرشند و در گاهی
زند متوالی ضماد کنند ضمادی که آماس چشم را بنشاند و درد ساکن
کنند صفت آن آرد جو ده درم لاده باقلی پنج درم اقاقیا یکدرم سفیده
تخم مرغ یک بیضه با آب کشنیز تر و آب کاسنی تخم مرغ ساخته ضماد کنند
ضمادی که از جهت اختلاط عقل در امراض حاده نافع است صفت آن
آرد جو ده درم سبوس گندم بنفشه از هر یک پنج درم خطمی سه درم از

همه یکدرم

هر یک پنج درم با آب گرم در روغن گل و قدری سرکه ضماد کنند ضمادی
که آماس بن گوش را بنشاند صفت آن [illegible] بط مرغ از هر یک پنج درم
بگدازند و پنج درم پشک گوسفند کهنه کوفته و بیخته با آن بسرشند و ضماد
کنند ضمادی که اسهال را که سبب آن ضعف قوت هاضمه و برودت جگر بود
نافع بود صفت آن سنبل قصب الذریره افسنتین رومی فو و کندر مصطکی
لادن برگ مورد ورق گل سرخ صندل از هر یک ده درم پوست انار ترش
داخله از هر یک پانزده درم کوفته و بیخته بشراب کهنه ضماد کنند ضمادی که درد
بواسیر بنشاند صفت آن مقل کوهان شتر مغز ساق گاو و مغز استخوان
زرافه و مغز زرده تخم مرغ مساوی کوفته در روغن گاو بریان کرده
ضماد کنند که نافع است ضمادی که قیلة الماء را سود دارد صفت آن آرد
جو پشک گوسفند کهنه گل ارمنی کاه خشک از هر یک دو درم سعد کوفی
ارمنی زیره کرمانی مس سوخته شحم حنظل صبر سقوطری قنا [illegible] از هر یک
یکدرم کوفته و بیخته بسرکه ضماد کنند ضمادی که افراط طمث را نافع بود
صفت آن عدس مقشر پوست انار ترش مازو برگ مورد مساوی
کوفته و بیخته بسرکه بسرشند و بر پشت و شکم و عانه ضماد کنند ضمادی که

کرنبز زنان زیاده کنند صفت آن آرد باقلا ده درم تخم باد
زوج پنج درم کوفته و بیخته باب باد زوج ضماد کنند ضمادی که نگذارد
که ناف طفلان بیرون آید صفت آن شب یمانی سه درم مازو
سه عدد کوفته و بیخته با شش درم سرکه ضماد کنند ناف و بر پاره
محکم بندند ضمادی که نقرس گرم را سود دارد صفت آن آرد جو
بیست درم افیون سه درم باب عنب الثعلب ضماد کنند ضمادی
که نقرس گرم را سود دارد صفت معاش خطمی تخم مرو آرد جو
سورنجان مساوی بروغن گل ورزده با تخم مرغ ضماد کنند ضمادی
که جمیع انواع مفاصل را نافع بود صفت آن بابونه خطمی اکلیل
الملک از هر یک بیست درم اشق جاوشیر مقل از هر یک ده
درم موم و سرکه از هر یک پنج درم روغن [illegible] بیست درم ضماد کنند
ضمادی که جمیع اورام حاده را در ابتدا نافع بود و حاده را دفع کند
صفت آن شیاف مامیثا اقاقیا فوفل صندل سرخ باب عنب
الثعلب ضماد کنند ضمادی که بواسیر درد مقعد و خنازیر را نافع بود
صفت آن مغز ساق [illegible] درم موم سفید سه درم اقاقیا

دم الاخوین

دم الاخوین کندر مر از هر یک پنج درم مرداسنگ سفیداب ارزیز از
هر یک یک درم و نیم مثقال یک درم افیون دانگی روغن گل بیست درم ضماد
کنند ضمادی که مخصوص بواسیر صفت آن روغن اسفیداج ان زرد
آلو پنج مثقال سه بطن پنج درم سبعه سایله سه درم مقل دو درم زفت یکمثقال
و نیم ضماد کنند ضمادی دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن بیارد کندنا
با لخته در روغن گاو بریان کرده از هر یک پنج درم مقل یک درم زعفران
پنج درم افیون دانگ و نیم ضماد کنند ضمادی که همین خاصیت عمل کند صفت
آن روغن مغز زرد آلو ده درم کوههای شسته مثقال برگ [illegible]
خشک و موم سفید از هر یک سه درم مغلی یکمثقال مرداسنگ دو درم
ضماد کنند ضمادی که اورام باد خصیه را نافع بود صفت آن آرد باقلا حلبه بابونه
زیره و موم مصطکی بروغن کنجد ضماد کنند ضمادی که خنازیر را تحلیل کند
صفت آن کبرا پنج درم نانخواه دو درم صبر یک درم باب کشنیز تازه ضماد
کنند باب [illegible] ضمادی که از جهت صداع حار نافع بود صفت آن
صندل سرخ و سفید تخم کاهو از هر یک سه درم گل نیلوفر گل سرخ از هر یک
چهار درم زعفران یکدرم افیون [illegible] از هر یک دو درم پنج

لعاب یکمثقال با آب برگ کاهو تر ساخته بر پیشانی و صدغین طلا سازند
طلای که ورم پس گوش را نافع باشد صفت آن صندل سرخ
فوفل شیاف مامیثا حضض زعفران هر مساوی بگلاب طلا کنند
طلا از عاقرقرحا آرد جو گلنار اقاقیا عصاره لحیة التیس افیون صندل
سفید از هر یک یک درم کافور دانگی بگلاب تر ساخته بر پیشانی طلا
سازند طلای که همین خاصیت دارد اقاقیا نشاسته گل ارمنی گلنار
مساوی کوفته و بیخته با آب مورد یا آب برگ تاک یا آب لسان
الحمل سرشته بر پیشانی طلا کنند طلای که موی را از ریختن نگاه دارد صفت
آن برسیاوشان لادن افسنتین حب الغار مساوی کوفته و بیخته در روغن
بهو ... بریزند و طلا کنند طلای که شقاق سر را نافع و موی را سیاه گرداند
صفت آن برگ چغندر لعاب برگ بذر قطونا و در حمام بر سر طلا کنند
طلا سازند طلای که بوسه سر را ببرد صفت آن آب برگ چغندر
چهل درم بورهٔ دو درم زهره گاو یک درم بعسل سرشته بر سر طلا سازند
طلای که منع انبات موی کنند تخم ... در سایه خشک گردانند و بسایند
و خون لاک پشت نهری خشک کرده و آهک و بوره و مرداسنگ

و صرف ... کرم

ارد نخودا

صفت آن آرد جو با قلا نشاسته کثیرا تخم ریب کوفته و بیخته بشیر تر سازند
و شب بر روی مالند و صباح با آب گرم و سبوس بشویند نوعی دیگر که همین خاصیت
دارد صفت آن آرد جو آرد نخود از هر یک یک جزو و عدس مقشر کثیرا
نشاسته زعفران از هر یک نیم جزو و مغز تخم خربوزه دو جزو و سفیده
تخم مرغ سرشته شب بمالند و صباح بآبی که در آن خربوزه و بنفشه جوشانیده
باشند بشویند نوعی که همین خاصیت دارد با قلا مقشر کرسنه نرمس تخم
ریب مغز خربوزه نخود نشاسته کوفته و بیخته روی را بدان بشویند

باب الفاء فنجوش

معده را قوت دهد و بواسیر را نافع بود
و باه را زیاده کند و رنگ و رو نیکو گرداند و دفع مرض ... انزال کند صفت
هلیله زرد هلیله کابلی و هلیله سیاه و پوست بلیله و آمله مقشر و سیطرج هندی
و سنبل الطیب و دار فلفل و فلفل زنجبیل و سعد از هر یک ده درم تخم
شبت و تخم گندنا از هر یک چهار درم خبث الحدید صد درم عسل ...
وزن ادویه خبث الحدید را چهار شبانه روز در سرکه خیسانند بعد از آن
خشک کنند و صلایه نمایند چنانکه بر روی آب بایستد و نه آب فرو رود
و باقی ادویه کوفته و بیخته اضافه نمایند و بعسل معجون سازند و بعد از

ششماه استعمال نمایند شربتی دو درم وبعضی دو درم مشک اضافه میکنند
فیروز نوش نسیان وقولنج و مغص رنجی وامراض زنان حامله راکه سبب
آن برودت بزر سوداء دارد و بادهای غلیظ را دفع کند صفت آن فربیون
عاقرقرحا سنبل زعفران از هر یک هفت درم افیون بزر البنج از هر یک
بیست درم کوفته و بیخته بعسل سرشته بعد از ششماه استعمال نمایند
فیروز نوش ممسک معده را قوت دهد و باه را زیاده کند و علت
انزال را دفع کند صفت آن پوست هلیله زرد پوست بلیله و کابلی
سیطلج هندی تخم کرفس حب بوا قسط تلخ سلیخه قرنفل بسباسه خولنجان
نارمشک از هر یک شش درم پوست بلیله امله معشر نانخواه دار فلفل
از هر یک چهار درم تودری فرفه سنبل جوز بوا زنجبیل فلمویه از هر یک
هشت درم سعد ده درم مشک دو مثقال عنبر یک مثقال خبث الحدید
مدبر بوزن ادویه روغن گاو چهل مثقال عسل مصفی دو وزن و نیم ادویه بطریق
معهود معجون سازند و بعد از ششماه استعمال نمایند شربتی دو درم [illegible]
زبیب یا لثی که گوسفند بخورند فنداریقون درد معده و امعاء را سود
دارد و معده را گرم کند و بادها را بشکند صفت آن زعفران الخدات

تخم سداب

تخم سداب تخم کرفس زنجبیل حاشا مغز چلغوزه از هر یک شش درم
فلفل هشت درم عسل دو وزن ادویه شربتی یکمثقال تا دو مثقال بخورند
فنداریقون نسخه دیگر ساذج هر دو زبیب یکدرم بکربت صفت آن زنجبیل فلفل
سنبل از هر یک شش درم مصطکی افیون از هر یک چهار درم تخم کرفس فودنج
از هر یک پنج درم زیره کرمانی سلیخه حب بلسان عاقرقرحا از هر یک دو درم
ساذج هندی یکدرم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند فلونیا رومی این معجون
مبارکست نزلها بازدارد و دردها را ساکن گرداند و نفث الدم و اسهال و موی
و قولنج و حیض و سیلان طمث را مانع بود صفت آن فلفل سفید و دار فلفل
و بزر البنج از هر یک بیست مثقال افیون ده مثقال زعفران پنج مثقال تخم کرفس
جبلی و سنبل الطیب از هر یک چهار مثقال تخم کرفس نبطی سه مثقال ساذج
سلیخه حب بلسان عاقرقرحا فربیون از هر یک یکمثقال و در بعضی نسخها
در عوض تخم کرفس نبطی دو نوانخه مجموع کوفته و بیخته بعسل معجون
سازند و بعد از ششماه استعمال نمایند شربتی دانگی تا نیم مثقال از جهت قولنج
در طبیخ شبت و از جهت درد گرده در طبیخ جعده و از جهت درد معده در طبیخ
افسنتین و از جهت [illegible] سکنجبین از جهت درد گرده و مثانه در طبیخ

باز باشد و از جهت باز داشتن خون در طبیخ سماق دهند نفع دارد و آب
استفراغ خون از هر موضع که باشد باز دارد و در گوشه چشم رافوت دهد
و بادهای رحم را دفع کند و محافظت جنین نماید و اسهال دفتی باز دارد
و ورمها بنشاند و دماغ را قوت دهد و حافظه را زیاده کند صفت آن فلفل
سفید بزر البنج از هر یک بیست درم افیون و گل مختوم از هر یک دو درم
زعفران پنج درم فرفیون سنبل عاقرقرحا از هر یک دو درم جند بیدستر
زرنباد درونج مروارید ناسفته مشک از هر یک نیم درم کافور دانگی
و نیم کوفته و بیخته بعسل بسرشند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی
یکدرم فودنجی درد معده و جگر که سبب آن برودت باشد و حمیات بلغمی
و تب ربع و تبهای کهنه را نافع باشد صفت آن فودنه نهری و خودرو
کوهی فطراسالیون از هر یک دوازده درم تخم کرفس نانخواه حاشا للذهب
چهار درم کاشم پانزده درم فلفل سیاه جبل و چهار درم کوفته و بیخته باسه وزن
ادویه عسل مصفی بسرشند شربتی یکدرم با آب گرم بخورند فلافلی درد معده
و شهوت کلی را نافع بود و زن ادویه بادهای غلیظ را دفع کند و طعام
هضم گرداند صفت آن فلفل دار فلفل از هر یک سی درم حب بلسان

ده درم

ده درم حماما و سنبل از هر یکی دو درم زنجبیل تخم کرفس و سیسالیوس سلیخه
اسارون راسن از هر یک یکدرم کوفته و بیخته با سه مقابل ادویه عسل
بسرشند شربتی یکدرم با یکمثقال آب گرم بخورند فیلونیا کله عفونت
لثه را نافع بود و گوشت مرده را ببرد صفت آن اقاقیا دوازده درم زرنیخ
سرخ و زرد از هر یک یکدرم مرچهار درم آهک نارسیده هشت درم شب یمانی
شش درم کوفته و بیخته بسرکه کهنه بسرشند و قرص سازند و در سایه خشک
کنند و در وقت حاجت استعمال نمایند فتیله که رعاف را باز دارد
صفت آن گلنار کرد اسبا مازو از هر یک نیم درم افیون دانگی کوفته
و بیخته بعصاره سرگین خر بسرشند و بخانه عنکبوت بگردانند و در بینی
بنهند بعد از آنکه بینی را بگلاب و سرکه شسته باشند فتیله دیگر که همین
خاصیت دارد مازو سوخته و در سرکه انداخته دو درم زاج سیاه چهار
درم شب یمانی شش درم کافور دانگی کوفته و بیخته فتیله را از کتان
بسازند و میان بگردانند و در بینی بنهند فتیله دیگر که همین خاصیت دارد گل
سوخته پوست تخم مرغ سوخته اقاقیا پوست انار از هر یک دو درم کوفته و بیخته
با آب بادروج با آب لسان الحمل بسرشته فتیله را بدان تر سازند و در بینی

نهند فتیله که کنند بیخ ببرو مربوست آنار برش از هر یک دو درم فقب الرزیره
بدر البنج از هر یک یکدرم و بهم زاج قرنفل از هر یک یکدرم فتیله بشراب تر
کنند دوازده ها را کوفته و بیخته بدان آلوده کنند و در بینی نهند فتیله که ریش
بینی را نافع بود زاج سیاه شب یمانی مرمارنو نوبال مس محرق از هر یک
یکدرم زراوند طویل ششدرم کندر دوازده درم مجموع کوفته و در روغن
اشب بیزند و بپالایند و بار بجوشانند تا بقوام آید بعد فتیله را آلوده
نموده در بینی نهند فتیله که چشم را نافع باشد سعد کوفی حجر کل سرخ
قرنفل کوفته و بیخته با آب بودنه سرشند و در بینی نهند بعد از آنکه بینی
را بگلاب و سرکه چند نوبت شسته باشند و اگر شونیز را بریان
کنند و یک شبانروز در سرکه کهنه خیسانند و با قدری روغن زیت در بینی
چکانند همین عمل کند فتیله که نافعست از جهته وجع گوش و ریم که از گوش
آید صفت آن انزروت تخم مرو بعسل سرشته فتیله سازند تر کنند و
در گوش و در گوش نهند فتیله که گرانی گوش را ببرد الخبر سعید فرزجه بکار برند
و تخم و عسل از نو جدا کنند و بوره و فرد ما نا و خردل سفید مقل ازرق از
هر یک جزوی کوفته و بیخته با قطران سرشند و فرزجه سازند فرزجه دیگر که

[illegible]

[illegible]

مانع آبستن گردد صفت آن تخم حنظل فوفل سرگین فیل خردل حب فلفل
استخوان زعرور مساوی کوفته و بیخته بمیعه سایله سرشند و به پشم پاره برگیرند
هرگز آبستن نشود و اگر آبستن بود بچه بیندازد و گفته اند هر زنی که حبه
از حب الخروع بلع کند یکسال آبستن نشود و اگر دو دانه بلع کند دو سال
و قس علی هذا القیاس فرزجه که بچه مرده و زنده بیندازد صفت آن اشنان
فارسی عاقرقرحا شونیز سداب فراشیون از هر یک قدری کوفته
و بیخته بروغن زیت سرشند و استعمال نمایند فرزجه که در آبستنی
معین باشد سرگین بز کوهی و مایه خرگوش از هر یک قدری کوفته و بیخته
بعسل گرم کرده سرشند و به پشم پاره فرزجه سازند فرزجه که همین خاصیت
دارد مشک و زعفران سوده بزهره گاو سرشند به پشم پاره احتمال نمایند
که همین منفعت دارد مایه خرگوش دارچینی عنبر زراوند نابت مساوی
کوفته و بیخته بگلاب سرشند و استعمال نمایند فرزجه دیگر که همین خاصیت
عمل کنند صفت آن مامیران چینی سورنجان صبر رازیانه زنجبیل از هر یک دانگی
باشکم سوخ فرزجه سازند فرزجه دیگر که همین نفع دارد میعه سایله چند
سپستان مرقشیثا زرد چوب شیر مقل مشک کوفته فرزجه سازند بعد از

طهر چند نوبت و بعد از چهار ساعت مباشرت نمایند فرزجه دیگر که
همین عمل کند مایه خرگوش و سرگین آن و عسل سرشته به پشم پاره بردارند
سه شب و بعد از آن مجامعت کنند فرزجه که بچه مرده فرود آرد صفت
آن مرجان و شیر خرنوب سفید مساوی کوفته و بیخته بزهره گاو بسرشند و
احتمال نمایند فرزجه که حیض براند اشنان عاقرقرحا جاوشیر سداب
از هر یک یکدرم فرفیون نیم درم کوفته و بیخته بقطران سرشته فرزجه سازند
فرزجه دیگر که منع بارنو حب الآس مساوی کوفته و بیخته با آب کرم سرشته
فرزجه سازند پیش از مجامعت استعمال نمایند فرزجه که وجع رحم و وجع
بواسیر را نافع بود و ورم صلب رحم را نرم کند صفت آن بابونه بیخ بط
افیون موم سفید به پشم بردارند فرزجه که اورام رحم را نافع
کندر انزروت دم الاخوین حب الآس کل ارمنی اقاقیا کوفته و بیخته
با آب لسان الحمل سرشته به پشم پاره استعمال نمایند فرزجه که رحم را
قوت دهد و فرج تنگ و خوشبو کند صفت آن بسباسه سنبل مرزنگوش
قشار کندر و صعتر اذخر جوزی کل سرخ پوست بیخ کبر نرمس مساوی
کوفته و بیخته بروغن بان بسرشند و استعمال نمایند و به پشم پاره بردارند

فرزجه که حیض

فرزجه که همین خاصیت دارد فقاح اذخر سعد عود قرنفل از هر یک یکدرم
عنبر نیم درم مشک دانک املج کوفته و بیخته بگلاب بسرشند و به پشم پاره
احتمال نمایند فرزجه که حکه رحم که آنرا اتبة النسا گویند نافع باشد
صفت آن سداب نعناع پوست انار عدس مقشر در گلاب و
قدری سرکه بپزند و به پشم پاره بجوز بر گیرند فرزجه دیگر که همین خاصیت
دارد زعفران کافور از هر یک دانکی مرداسنگ دو دانک حب النغار
نیم درم کوفته و بیخته بسفیده تخم مرغ و روغن گل بسرشند و فرزجه سازند
فرزجه که حیض به بندد گلنار کندر مازو سرمه آقاقیا شب یمانی مساوی
کوفته و بیخته با آب لسان الحمل بسرشند و فرزجه سازند و به پشت و عانه
طلا کنند فرزجه دیگر که همین خاصیت دارد کاغذ سوخته اقاقیا گلنار
عصاره لحیة التیس گل سرخ مازو و صلة کتان سوخته مساوی کوفته و بیخته
که بسرشند و استعمال نمایند فرزجه دیگر که حیض براند مرفود نه از هر یک چهار
درم ایهل هشت درم سداب ده درم مویز منقی بیست درم کوفته
و بیخته بزهره گاو بسرشند و فرزجه سازند فرزجه که ورم صلب رحم را نافع
باشد کندر مقل بارزد از هر یک سه درم زعفران وجاوشیر واشق از هر یک یکدرم

مصطکی و خبد نید ستر مبعه سایله روغن سوسن بر بط بروغن بابونه
لذ هر یک سه درم صمغهای را در میبختج حل سازند و سه بط را و روغن
بگذارند و باقی ادویه را کوفته و بیخته با آن بسرشند و استعمال نمایند که نافع
باشد باب قاف قرص عنصل پیاز عنصل کوچک بستانند و در خمیر گیرند و
در تنور نهند تا پخته شود بعد از آن مغز آنرا که نرم شده باشد در هاون بکوبند
و بوزن آن ارد کرسنه اضافه نمایند و با قدری آب بسرشند و دست
را بروغن گل چرب کنند و قرص سازند بعد از دو ماه قرص [illegible] نند و نیز [illegible]
بدانکه انواع افعی بسیار است و آن در تریاق فاروق مستعمل است افعی باید
زیرا که سیاه سخت زهرناک می باشد و زهر آن بد بود و سفید و ضعیف
بود و اشقر معتدل باشد و جوان و تندرست باید و نشان جوانی آنست
که حرکتهای او قوی باشد و سریع الحرکت و نشان تندرستی و قوت
او آنست که سبزه فراشته دارد و چشمهای او سرخ بود و دلیر باشد و ماده باید
زیرا که زهر ماده ضعیف از زهر نر باشد و نشان مادگی آنست که دردهای او
چهار دندان زهر باشد و مخرج ثقل او و فرج او بدنبال نزدیک بود و دنبال
کوتاه [illegible] نیش و دندان [illegible] گویند باصطلاح عوام کلوه گویند از زهر جا [illegible]

یکی زهر [illegible]

و مخرج ثقل او و فرج او بدنبال نزدیک بود و دنبال او دراز نباشد و این را مار
کران کلت دم خوانند و نیز باید بوسی که شکم او صلب باشد زیرا که صلابت علامت
آن بود که در تن او رطوبات فضلیه کمتر است و سر پهن باید که علامت قوت دماغ
است و در میان فصل بهار باید گرفت که تا قوی باشد و ماوای او در میان درختان باشد
خاصه درخت بلوط و آب نزدیک نباید و در زمین شوره نباید مگر در صحرای [illegible]
باید و بهتر آن باشد که در محلی که او را بگیرند تحکم کنند تا اضطراب بسیار بکنند و در خشم آید
و تشنه و بیمار نشود و کشتن او چنان باید که بمقدار چهار انگشت از سر و دنبال او
بیک ضرب بیندازند و بدتیشه چنانچه قطعا هیچ پوست بر روی نمانند و یکمرتبه جدا
شود زیرا که زهر در دهان از جانب سر او باشد و فضلهای بد در جانب دنبال
و چون کشته باشند نظر کنند اگر از وجوی بسیار آید و تا دیرگاه حرکت کند نیک باشد
و اگر زود از حرکت باز ایستد ضعیف باشد بدین کار نشاید و انگه شاید این کار
باشد شکم او بشکافند و پاک کنند و پوست او باز کنند و آنرا بآب صافی
چند نوبت بشویند پس در آب صاف و اندکی نمک با چند شاخه چوب شبت
بجوشانند تا مهرا شود و گوشت و استخوان جدا گردد و بگذارند تا سرد شود و [illegible] از دو
بپالایند و گوشت را با چهار یک وزن آن نان سفید پاکیزه بریان کرده بکوبند و با آن

[illegible]

آب که از آن پالوده باشند بسرشند و دست و بینی را بروغن بلسان چرب کرده
اقراص سازند هر یکی یکمثقال و در سایه خشک کنند چنانکه مطلقا اثر نم در آن نباشد و در
ظرفی آبگینه نگاه دارند و باید که در محل بیختن و کوفتن و قرص ساختن بینی بگیرند تا بوی
آن بدماغ نرسد قرص اندروخورقی مستعمل بر ناق فاروق و این نسخه ابو
حسین ابن اسحق است صفت آن دارشیشعان قصب الذریره اسارون عود بلسان
فو سلیخه مصطکی از هر یک شش مثقال تفاح اذخر و زعفران از هر یک دوازده مثقال
دارچینی و حماما از هر یک بیست چهار مثقال افیون بیست مثقال کوفته و بیخته بشراب
ریحانی بسرشند و دست بروغن بلسان چرب کنند و اقراص سازند و در سایه خشک
کنند قرص قرفیون مستعمل در مرده بطوس صفت آن مویز منقی چهار درم علک
البطم بیست و چهار درم اذخر و مر از هر یک دوازده درم دارچینی مقل اظفار الطیب سنبل
رومی سلیخه اکلیل الملک سعد حب الغار از هر یک سه درم قصب الذریره نه درم
زعفران یکدرم قفر الیهود دو درم و هم کوفته و بیخته بشراب و اقراص سازند
قرص اندرانیما که در مخلصه اکر مستعمل است صفت آن حماما دارشیشعان قسط
قصب الذریره قرنفل فلفل سفید نانخواه از هر یک سه مثقال جوز یک مثقال سنبل
الطیب ساذج هندی از هر یک هشت مثقال مر دارچینی مصطکی زعفران از هر یک

شش مثقال کوفته و بیخته بشراب صافی بسرشند و اقراص سازند قرص یک
مثقال در سایه خشک کنند قرص کوکب معده ضعیف را قوت دهد و دیگر درد
که از فضول باشد منفع شود و چون بر زنخ ... طلا کنند صداع را نافع بود و
منع نزلات و رست کند و چون با زو تاب بیامیزند و بر دندان کرم خورده بنهند
درد ساکن کند و چون با آب برگ کوش در گوش چکانند درد بنشاند و نفث
الدم و سیلان خون از هر موضع باشد باز دارد و سرفه کهنه را سود دارد و ...
دایه را نافع باشد چون با آب مرزنگوش دهند با آب سداب بیامیزند
جمع زهرها دگر بدن جانوران را نافع باشد اگر با آب بنوشند اسهال و ...
و قروح امعاء و مثانه را نافع بود صفت آن مر حبه ... سنبل سلیخه گل مختوم
پوست بیخ لفاح از هر یک چهار درم افیون زعفران قسط کوکب الارض و انیسا
طلق بیخ کوبند از هر یک پنج درم افیون رومی دو قو ... سلیخه البوس بزر البنج
میعه سائله تخم کرفس از هر یک هشت درم صمغها را در شراب ریحانی حل کنند
قرص طباشیر ملین سرفه و خشونت سینه و نیهای محترقه را نافع بود و طبع نرم
کنند و تشنگی بنشاند صفت آن طباشیر سفید چهار درم ترنجبین نه درم مغز
خیارین مغز تخم کدو نشاسته صمغ عربی خشخاش کتیرا از هر یک یکدرم لعاب

بذر قطونا سرشته اقراص سازند قرص طباشیر ممسک تبهای صفراوی را
نافع بود و شکم ببندد و خون باز دارد و تشنگی بنشاند صفت آن گل سرخ
پانزده درم صمغ عربی نشاسته تخم حماض گل ارمنی از هر یک ده درم طباشیر
سفید سماق زرشک منقی از هر یک هفت درم کوفته و بیخته بگلاب سرشته
اقراص سازند قرص طباشیر لولوی مروارید ناسفته طباشیر از هر یک سه
مثقال بسد کهربا تخم حماض بری طراثیث صمغ عربی از هر یک دو درم خشخاش
بریان کرده پنج درم کوفته و بیخته بگلاب اقراص سازند قرص طباشیر
کافوری تب دق و محرقه سرفه گرم را نافع بود و تشنگی بنشاند صفت
آن طباشیر گل سرخ صندل سفید و مغز تخم خیارین تخم کاسنی تخم کاهو
تخم خرفه از هر یک یک مثقال کافور دانگی کوفته و بیخته بلعاب بذر قطونا
سرشته اقراص سازند قرص کهربا خون رفتن از شکم باز دارد صفت
آن کهربا بسد مروارید ناسفته ناسفته تخم خرفه از هر یک پنج درم شاخ
بز کوهی سوخته پوست بیضه محرق صمغ عربی از هر یک سه درم گشنیز بریان
کرده خشخاش سفید و سیاه از هر یک شش درم ودع سوخته بنج از
هر یک دو درم کوفته بلعاب بذر قطونا بلعاب سرشته اقراص سازند قرص گلنار خون

بول الدم را نافع باشد صفت آن مغز تخم خیارین کاکنج مغز بادام
مغز شرب السوس نشاسته صمغ عربی گل ارمنی دم الاخوین کثیرا کندر
از هر یک دو درم تخم کرفس دو درم کوفته و بیخته افیون یک درم با آب صافی اقراص
قرص افسنتین تب کهنه و دیگر حمیات بلغمی و عسر البول و برودت معده و جگر را
نافع بود و سده طحال و کبد بگشاید صفت آن افسنتین و تخم کرفس و اسارون
مغز بادام مساوی کوفته و بیخته با آب خالص سرشته اقراص سازند شربتی
یک مثقال قرص اسیرا دجاع طحال را نافع باشد و سده بگشاید صفت آن
پوست بیخ کبر و اشق از هر یک چهار درم زراوند طویل دو درم تخم [illegible]
و فلفل از هر یک شش درم اشق را در سرکه کهنه سازند بدل حل کنند و باقی ادویه
کوفته و بیخته با آن سرشته اقراص سازند قرص افیون تب بلغمی و جگر
ضعیف را نافع بود صفت آن افیون افسنتین مغز بادام
تخم سنبل از هر یک چهار درم عصاره غافث سادج هندی اسارون
از هر یک سه درم مصطکی و تخم کرفس از هر یک یک درم کوفته و بیخته بگلاب
قرص سازند شربتی یک درم با طبیخ افسنتین قرص ابرسا سپرز صلب را در سرکه
نرم سازد صفت آن ابرسا چهار درم فلفل سفید اشق از هر یک دو درم

اشق در سرکه حل کنند باقی ادویه را کوفته و بیخته با آن ببرشند و اقراص
سازند شربتی دو درم با سکنجبین قرص تخم کشوث سده سپرز و جگر را
بگشاید صفت آن تخم فرنجمشک و تخم کاسنی تخم خرفه تخم کدو کوفته و
بیخته با سکنجبین بسرشند و اقراص سازند قرص عود طحال را نافع بود صفت
آن عود دوازده درم پوست بیخ کبر ابهل سارزراوند طویل از هر یک دو درم کوفته
و بیخته با سکنجبین بسرشند و اقراص سازند و در طبیخ افسنتین استعمال نمایند
قرص عود دق و نیفه را باز دارد صفت آن عود چهار درم کبابه و مصطکی
و قرنفل و سنبل از هر یک دو درم قند سفید دوازده درم کوفته و بیخته اقراص
سازند شربتی دو درم قرص عود بنوعی دیگر معده را قوت دهد و طعام
هضم کند و اشتها آرد صفت آن قرنفل و مصطکی از هر یک سه درم قاقله
سنبل بسباسه از هر یک دو درم عود خام خرقه پوست بیخ از
هر یک نیم درم زعفران جوزبوا زنجبیل دارفلفل از هر یک نیم درم
قند سفید بوزن ادویه کوفته و بیخته اقراص سازند قرص کندر دق و نیفه را
باز دارد صفت آن کندر سه درم خرقه نیم درم کبابه چینی قاقله سک از
هر یک دو درم مشک کافور از هر یک دانگی قرنفل یک درم کوفته و بیخته

اقراص سازند

قرص سازند شربتی یک مثقال با ده درم [illegible] قرص [illegible] دق و نیفه
را باز دارد و خواب آرد صفت آن قرنفل دو درم سک و قرفه [illegible]
از هر یک دو درم مصطکی و افیون پوست بیخ لفاح از هر یک یک درم کوفته و بیخته
اقراص سازند قرص حب الآس [illegible] و اسهال باز دارد صفت آن سماق و حب
الآس کزمازج گل ارمنی نشاسته بریان کرده بلوط از هر یک ده درم
قرنفل یک درم پوست انار [illegible] از هر یک یک درم کوفته و بیخته اقراص سازند
شربتی دو درم با سیبه با آب سیب قرص [illegible] بلغمی و سوداوی را قطع
قطع کند و معده را قوت دهد صفت آن پوست بیرون پسته و گل سرخ
از هر یک چهار درم کتیرا و گل مختوم از هر یک سه درم دارچینی یک درم
کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی یک مثقال با شیر الخیار قرص [illegible] قریب المنفعه با
[illegible] بسد صفت آن سرمه اصفهانی ساذج هندی مغسول دم
الاخوین از هر یک سه درم گلنار و مازو از هر یک دو درم شاخ بز کوهی
محرق و اقاقیا از هر یک دو درم لادن و زعفران از هر یک نیم درم
[illegible] یک درم و نیم کوفته با آب لسان الحمل قرص سازند شربتی دو
درم قرص [illegible] قرحه مثانه و بول الدم را نافع باشد صفت آن گل

[illegible]

مختوم طباشیر کثیرا صمغ عربی صمغ فارسی تخم خرفه مغز تخم خربوزه
مغز تخم خیارین مساوی کوفته و بیخته بلعاب بهدانه قطونا سرشته اقراص
سازند [illegible] ورم صلب جگر و معده را نافع باشد صفت آن
سنبل نفاح اذخر سلیخه ریوند چینی قصب الذریره از هر یک سه درم
زعفران و انیسون مرزنجوش فلفل از هر یک یکدرم مقل مصطکی
از هر یک دو درم اشق نیم درم اشق و مقل را در مثلث حل کنند و
دارو های دیگر را کوفته و بیخته با آن بسرشند قرص سازند شربتی دو درم
جهت ورم معده با مثلث و از جهت ورم جگر با سکنجبین دهند
قرص کرمانی ترکیب جالینوس است [illegible] ورم صلب [illegible] صفت
آن کرمانی [illegible] چهار مثقال فلفل سفید سنبل اسارون اشق از هر یک
دو مثقال اشق را در سرکه عنصل حل کنند و دارو های دیگر کوفته و بیخته
با آن بسرشند اقراص سازند شربتی یکمثقال با سکنجبین [illegible]
نسخه دیگر بول الدم را نافع باشد صفت آن کهربا صمغ نشاسته
کثیرا صمغ تخم کدو از هر یک سه درم گلنار و اقاقیا از هر یک یکدرم
و نیم کوفته و بیخته بلعاب بهدانه قطونا بسرشته اقراص نمایند شربتی

دو درم با شربت

دو درم با شیره تخم خرفه قرص شب یمانی همان خاصیت دارد شب یمانی
شاخ گوزن محرق کثیرا گل ارمنی گلنار تخم خرفه مساوی کوفته و بیخته باب
خرفه اقراص سازند قرص شب یمانی نوع دیگر شب یمانی دم الاخوین
گلنار از هر یک سه درم کثیرا شش درم صمغ عربی ده درم کوفته و بیخته
باب خرفه بسرشند و اقراص سازند و با شراب حب الآس بدهند قرص
بزوری جرب مثانه را نافع بود صفت آن مغز تخم خربوزه ده درم تخم
خیار پنج درم مغز تخم کدو مغز بادام شیرین کثیرا نشاسته رب السوس
خشخاش سفید گل ارمنی تخم کرفس از هر یک دو درم بذر البنج یکدرم
کوفته و بیخته اقراص سازند و شراب بنفشه بخورد قرص بنفشه [illegible]
را نافع باشد صفت آن مغز بادام شیرین و مغز تخم کدو و تخم خیار
کثیرا گل سرخ از هر یک پنج درم رب السوس گل ارمنی نشاسته
از هر یک سه درم مصطکی یکمثقال سنبل یکدرم کوفته و اقراص سازند شربتی
یکمثقال قرص بنفشه نسخه دیگر چون با تب سرفه و قبض طبیعت بود
نافع بود صفت آن بنفشه ده درم تربد سفید پنج درم رب السوس سه
درم و نیم گل سرخ پنجدرم و نیم سقمونیا سه درم مصطکی یکدرم و نیم کثیرا

نیم درم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی دو درم و نیم و جلاب دهند
نافع بود قرص غاریقون سبز غلیظ را بگذارد صفت آن غاریقون
گل سرخ از هر یک پنج درم طباشیر رزد سنگ از هر یک دو درم عصاره
غافث سنبل یک معشول ریوند چینی پوست بیخ کبر در سرکه جنبانند
خشک کرده از هر یک یک درم و نیم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی دو درم
با سکنجبین که مشغلت معده ضعیف النفس و سلس بول را
نافع باشد صفت آن گل سرخ سنبل از هر یک سه درم صمغ
عربی نارمشک از هر یک دو درم مصطکی یک درم گلنار طباشیر از هر یک
یکمثقال و نیم کوفته قرص سازند شربتی سه درم با گلقند بخورند قرص
صمغی که دشواری وضع حمل را آسان سازد و بچه مرده و زنده را
در ساعت بیرون آورد صفت آن جند بیدستر فلفل سنگ از هر یک
یک درم غلطیت پنج درم مجموع کتیرا انشت با آب سداب بالطیخ
حلبه بخورند و بخور آنجا همین عمل کنند که قی الدم را نافع باشد
صفت آن اقاقیا تخم گل افیون بذر البنج گل ارمنی گلنار صمغ عربی
مساوی کوفته و بیخته با آب خرفه قرص سازند شربتی نیم مثقال بآب به

یارب

یا رب سیب بخورند قرص کهربا بانسخه دیگر اسهال دموی و افراط
خون بواسیر و حیض را نافع بود صفت آن خشخاش کهربا مصطکی از هر
ده درم زعفران دو درم کوفته بلعاب بذر قطونا اقراص سازند قرص
حابس معده را قوت دهد و قی و اسهال باز دارد صفت آن گل سرخ
طباشیر انار دانه کشنیز خشک بریان کرده از هر یک دو مثقال پوست بیرون
پسته مصطکی از هر یک نیم مثقال سماق سه مثقال زیره کرمانی عدس یک
مثقال کوفته و بیخته بگلاب اقراص سازند شربتی یکمثقال قرص لک
بنسخه دیگر لک مغسول عصاره غافث تخم کرفس عنب الثعلب از هر یک یک درم
رازیانه انیسون دو قوا از هر یک یکمثقال تخم کاسنی تخم کشوث از
هر یک دو درم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی یکمثقال قرص باربیت
ده و محرقه و تبهای حاده و یرقان را نافع باشد و تشنگی را بنشاند
صفت آن گل سرخ ترنجبین از هر یک پنج درم طباشیر مغز تخم خیار تخم کدو
از هر یک دو درم تخم کاهو سه درم و نیم تخم کاسنی چهار درم مغز تخم
کدو ده درم رب السوس یکمثقال کافور دانگی و نیم کوفته اقراص سازند قرص
انجبار اسهال دموی و افراط طمث و قی الدم را نافع باشد صفت آن

پنج الجبار چهار درم گل سرخ صمغ عربی کهربا تخم خرفه از هر یک سه درم گلنار
نشاسته گل ارمنی بسبایسه طباشیر رب السوس از هر یک دو درم اقاقیا یکدرم
و نیم کوفته و بیخته با آب مورد قرص سازند قرصی که استسقا را نافع باشد
صفت آن گل ارمنی سرخ سه درم عود سنبل مصطکی سلیخه فقاح اذخر دار
چینی افسنتین از هر یک یکدرم کوفته و بیخته اقراص سازند قرص دیگر که همین
خاصیت دارد مغز بادام تلخ افسنتین اسارون انیسون غاریقون مساوی
کوفته و بیخته قرص سازند قرص ایلاوس تخم کرفس انیسون دارچینی از هر یک
شش درم افسنتین مصطکی از هر یک چهار درم فلفل فرفیون جند بیدستر
دو درم با آب غالص اقراص سازند شربتی یکمثقال قرصی که فواق
امتلائی را نافع باشد صفت آن قسط تلخ صبر سقوطری اذخر تمام فودنه
کوهی نعناع خشک سداب تخم کرفس کندر اسارون از هر یک یکدرم
انیسون دانکی و نیم گل سرخ نیم درم کوفته و بیخته بمثلث سرشته قرص سازند قرص
زحیر حموضت شکم و زحیر و نفث الدم را نافع باشد صفت آن گل مختوم
گل ارمنی قسط طباشیر طراثیث بلوط آرد کنار رب الآس از هر یک دو درم
تخم حماض بریان صمغ عربی گلنار از هر یک چهار درم نشاسته و گل سرخ

از هر یک

از هر یک سه درم تخم کرفس سماق مصطکی از هر یک یکدرم مازو زنبره کرمانی
در سرکه خیسانیده و بریان کرده از هر یک نیم مثقال کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا
اقراص سازند قرص سرطان سل و دق و نفث الدم را نافع باشد صفت
آن گل مختوم گل ارمنی نشاسته گل سرخ از هر یک شش درم سرطان سوخته
ده درم کثیرا السادج مغسول از هر یک پنج درم رب السوس سه درم
کوفته و بیخته با آب لعاب لسان الحمل اقراص سازند قرص سل تخم خیار
ده درم خرفه و اصل السوس از هر یک چهار درم طباشیر و سرطان بحری از
دو درم نشاسته و کثیرا از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا
سرشته قرص سازند شربتی یکمثقال قرصی که اسهال و سعال و نفث الدم
را نافع باشد صفت آن تخم حماض بریان کرده زرشک منقی نشاسته طباشیر حب
الآس شاه بلوط از هر یک پنج درم زعفران یکدرم گل مختوم صمغ عربی از هر یک
دو درم کهربا از هر یک سه درم کوفته و بیخته با آب غالص اقراص سازند شربتی
دو درم قرصی که قبح قدیم را نافع باشد صفت آن رب السوس صمغ
عربی نشاسته مغز تخم کدو از هر یک دو مثقال انزروت مربی و ریوند چینی
از هر یک نیم مثقال مغز بادام سه مثقال بلعاب بزرقطونا و لعاب صمغ

سرشته اقراص سازند شربتی دو مثقال قرص مسک نسخهٔ محمد ذکریا معده
و دل و جگر بارد را قوت دهد و غشی و خفقان بارد و اوجاع معده بارده را
نافع باشد صفت آن مصطکی قرنفل عود دارچینی سنبل جوز بوا کبابه
جل پوست ترنج قاقله از هر یک مثقال مشک دانگی کوفته و بیخته بشراب
ریحانی سرشته اقراص سازند شربتی یکمثقال قرص [illegible] نسخه ثابت
قوة صفت آن حب الآس تخم حماض مقشر از هر یک دو درم صمغ
نشاسته از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا اقراص سازند
شربتی دو درم قرص [illegible] نسخه دیگر صفت آن طباشیر رب السوس از
هر یک ده درم تخم کاهو بیست درم تخم خرفه یازده درم گل سرخ کشنیز
خشک از هر یک پنج درم اقاقیا صندل گل ارمنی گلنار دو درم کافور نیم درم
کوفته و بیخته بگلاب قرص سازند شربتی سه درم با آب انار ترش قرص
نفث الدم کندر ده درم دم الاخوین گلنار از هر یک سه درم و دو دانگ
کهربا پنج درم شادنج گل مختوم از هر یک ده درم شب یمانی دو درم و نیم
افیون زراوند چینی از هر یک دو درم مجموع را [illegible] قرص سازند شربتی
یکعدد با آب خرفه قرص مروارید دل و دماغ را قوت دهد و یرقان و

خفقان حار را

خفقان حار را نافع باشد صفت آن گل سرخ دو درم و نیم طباشیر
مروارید ناسفته [illegible] صندل سفید از هر یک یکدرم مغز خیارین
مغز تخم کدو از هر یک پنج درم و تخم خرفه سه درم زعفران نیم درم
کوفته بلعاب بزرقطونا اقراص سازند شربتی یکمثقال با سکنجبین بخورند
قرص [illegible] صداع و سرسام را نافع باشد و تشنگی بنشاند و خواب
آورد و بیماران دفع کند صفت آن مغز تخم خیارین مغز تخم کدو
و تخم کاهو از هر یک ده درم رب السوس نشاسته کثیرا افیون از هر یک
سه درم کوفته و بیخته با آب کاهو یا بلعاب بزرقطونا قرص سازند
شربتی یکعدد با دو عدد قرص ذات الجنب رب السوس ده درم بنفشه
ده درم نشاسته کثیرا تخم خطمی بارزیانه از هر یک سه درم کوفته و بیخته بلعاب
تخم کتان و بزرقطونا و بهدانه سرشته قرص سازند شربتی [illegible] درم بشراب
بنفشه بخورند قرص [illegible] مغص ریحی و فواق امتلائی را نافع باشد
صفت کندر پنج درم [illegible] سداب [illegible] بخورند تمام از هر یک
سه درم مغز نانخواه سعد از هر یک یکدرم و نیم بگلاب قرص سازند
شربتی یکمثقال بطبیخ زیره قرص مازریون استسقاء زقی حار را باشد صفت

آن تخم کاسنی ده درم مازریون عاربقون عصاره غافت از هر یک
یک درم و چهار دانک گل سرخ مغز خیار از هر یک دو درم و نیم کوفته
و بیخته مجموع را ده قرص سازند و هر روز یک قرص بخورند قرصی که استسقا
حادر را و فساد جگر و سپرز را که با سهال بود نافع باشد صفت آن طباشیر
گل سرخ گلنار رز شکر سماق کزمازج تخم خیار کاسنی تخم کشنیز تخم
خرفه از هر یک یکدرم سعد قفاح اذخر انیسون سنبل ریوند تک بوسک
بنج کهربا انیسون از هر یک یکدرم نیم درم کافور دانگی کوفته و بیخته قرص سازند
شربتی سه درم قرصی که قولنج را ماسک نماید صفت آن مر افیون از هر یک
ده درم شکر بنج یکدرم کوفته و بیخته ده قرص سازند و هر روز یکقرص با ماء الاصول
بخورند قرصی که نافع است زحیر را که با ریاح و قراقر باشد و حرارت
نباشد صفت آن بذرالبنج شبت رازیانه از هر یک یکدرم نانخواه
دو درم و نیم افیون سه درم کرفس ده درم کوفته و بیخته اقراص سازند
شربتی یکمثقال قرص خرنوب اسهال دموی و غیر دموی را نافع باشد صفت
آن مازو و خرنوب کزمازج گلنار از هر یک یکجزو افیون و صمغ عربی
از هر یک نیم جزو کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی دو درم برب به

نوزدانه

قرص طباشیر افیونی اسهال با فراط و حرارت را نافع باشد صفت
آن طباشیر گل سرخ تخم کشنیز تخم خرفه تخم کاسنی سماق از هر یک یکدرم
گلنار صندل افیون از هر یک نیم درم تخم حماض یکدرم و نیم کافور دانگی
بآب خالص قرص سازند شربتی یکدرم قرصی که اسهال با سرفه را نافع باشد
صفت آن حب الآس ده درم بر سیاوشان تخم خشخاش لوزه از هر یک یکدرم
رب السوس و صمغ عربی از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته اقراص سازند
شربتی سه درم قرص نفث الدم را نافع باشد صفت آن مغز تخم خربوزه مغز
تخم خیار مغز تخم کدو از هر یک شش درم و نیم گل ارمنی و صمغ عربی کندر
دم الاخوین از هر یک دو درم و نیم افیمون سه درم تخم کاهو کرفس دو درم کوفته
اقراص سازند شربتی دو درم بشراب خشخاش بخورند قرصی که حیض را
[illegible] انیسون سنبل [illegible] کند صفت آن [illegible] درم [illegible] یکدرم سداب
فودنج [illegible] مشکطرامشیع [illegible]
کوفته و بیخته قرص سازند شربتی دو درم [illegible]
کبد و طحال را نافع بود صفت آن انیسون و عصاره غافت از هر یک چهار درم
اسارون ساذج هندی افسنتین تخم کرفس سنبل [illegible] مصطکی از هر یک

یکدرم و صبر دو درم کوفته و بیخته بلعاب اسفغول قرص سازند شربتی یکدرم با آب
گرم بخورند قرص قرص منوم حب تخم شبت دو درم کوفته و بیخته
بلعاب اسفغول قرص سازند شربتی یکدرم با آب گرم بخورند قرص بذر
بذر زعفران بذر البنج مع از هر یک یکدانگ افیون یکمثقال کوفته و بیخته بلعاب
حلبه قرص سازند شربتی یکمثقال قرص منوم حار تخم کاهو خشخاش سیاه قلا تخم
مغز خرفه کاکنج از هر یک یکدرم افیون یکمثقال کوفته و بیخته بلعاب بذر قطونا
قرص سازند قرص که نافعست از جهت افراط خون بواسیر صفت آن خاک مر
کهربا یا ودع سوخته گل ارمنی از هر یک دو درم در آب کنند تا نشاسته حل کنند
و داروهای کوفته و بیخته با آن بسرشند قرص سازند شربتی سه درم با ده درم آب آهنگران
قرص که قی و حیض را بازدارد و طبع ببندد و خواب آورد صفت آن سک قرنفل
از هر یک [illegible] ده درم [illegible] پوست انار مازو از هر یک پنجدرم افیون دانگی
کوفته و بیخته [illegible] بسرشند قرص سازند شربتی یکدرم قرص [illegible] جوزه
مغز بادام تلخ از هر یک یکجزو مقل دو جزو مقل را در سرکه کهنه خیسانند سه روز
متوالی زرد چوبه و مغز بادام تلخ را کوفته داخل نمایند و با یکدیگر نیک صلایه
کنند و اقراص سازند و در وقت حاجت با آب کاسنی بسایند و طلا کنند

شیاف صداع

شیاف صداع و شقیقه و سهر را نافع بود چون پریشانی و صدغین طلا کنند
صفت آن افیون مصری مرمکی لادن کافور زعفران بذر البنج پوست بیخ
لفاح از هر یک پنجدرم کندر انزروت [illegible] گل ارمنی از هر یک ده درم
کوفته و بیخته با گلاب و آب کاهو سرشته اقراص سازند سه پهلو و اقراص
دیگر ممتاز باشد و در وقت حاجت استعمال نمایند قرص زرنیخ اکله دهن و لثه را
نافع بود و عفونت دفع کند صفت آن زرنیخ زرد و سرخ و آهک زنده و مازو
از هر یک دو درم زنگار و قلقطار از هر یک پنجدرم شب یمانی اقاقیا گلنار
از هر یک سه درم کوفته و بیخته در سرکه خیسانند و یکهفته در آفتاب بگذارند
و بعد از آن اقراص سازند و در سایه خشک کنند و در وقت احتیاج دانگی از آن
بلثه و دهن بمالند و یکساعت بگذارند و بعد از آن بروغن گل غرغره در دهن
نگاه دارند [illegible] بعد از آنکه بسیل سپید باشند و استعمال نمایند صفت آن
نوشادر مس سوخته از هر یک دو درم طوطیای دوازده درم کوفته و بیخته با
زرده تخم مرغ بسرشند و در پوست تخم مرغ کنند در گل حکمت گیرند و در کوزه
نو نهند و در کوزه [illegible] بگذارند تا پخته شود بعد از آن [illegible] نمایند
قرص [illegible] که نافعست از [illegible] گوش و [illegible] از گوش [illegible] کنند

انزروت صبر زبد البحر بوره ارمنی دم الاخوین کندر مرزنکار حنیت الحدید
کوفته و بیخته بسرکه در کوش چکانند بعد از انکه چند نوبت ماء العسل در
کوش چکانیده باشند و فتیله را در عسل تر سازند و بادویه مذکوره بکردانند
و در کوش نهند قطوری که درد کوش که از کرمی نباشد ساکن کند صفت
آن روغن کل شش درم روغن بادام شیرین پنج درم سرکه ده درم باتش
نرم بپزند چنانکه سرکه برود و روغن بماند و نیم کرم در کوش چکانند قطوری
که طنین و کرانی کوش را ببرد صفت آن کندر زعفران فرفیون جند بیدستر
خربق سفید مر از هر یک سه درم نطرون بوره ارمنی از هر یک دو درم
بهم کوفته و بیخته در شراب حل کرده بچکانند قطوری که کرم کوش را بکشد
صفت آن برگ شفتالو آب برگ بود نه آب برگ ترب از هر یک پنج درم
خربق سفید و بوره با تمام مذکور بیامیزند و در آفتاب نهند تا خشک شود
بعد از ان بسایند در کوش چکانند نافع باشد قطوری که درد کوش را که
از سردی بود ساکن کرداند صفت آن افیون جند بیدستر از هر یک دو درم کوفته
[illegible] بپزند تا بقوام آید و در روغن سوسن حل کنند و نیم کرم در
کوش نهند قطوری که طرش را نافع باشد صفت آن خربق سفید
یک مثقال جند

یک مثقال جند بیدستر نیم مثقال نطرون دانگ و نیم کوفته و بیخته با سرکه کهنه در کوش
چکانند با آب سرکین اسپ تازه در کوش چکانند با آب ترب با کل عسل
بجوشانند و در کوش چکانند قطوری که درد کوش را نافع باشد صفت
آن افیون یکدرم شیاف ابیض سه درم روغن کل چهار درم سرکه کهنه ده درم
با یکدیگر مخلوط ساخته نیم کرم در کوش چکانند قطوری که همین خاصیت دارد
صفت آن زهره کاو تازه دو مثقال خیری ده مثقال بجوشانند تا تری زهره
برود و روغن بماند قطره در کوش چکانند قطوری که درد کوش را نافع
باشد صفت آن سیر بکوفته با زهره بکوسفند بجوشانند در کوش چکانند
قطوری که کرانی کوش را ببرد صفت آن شحم حنظل سه درم بوره ارمنی
یکدرم جند بیدستر زراوند فرفیون افسنتین از هر یک یک مثقال کوفته
و بیخته بزهره کاو سرشند و کلولها سازند و در وقت حاجت یکی از ان بروغن
بادام تلخ بیامیزند و نیم کرم در کوش چکانند قطوری که [illegible] کوش را
ببرد صفت آن آب [illegible] و آب کشنیز مساوی بجوشانند [illegible]
[illegible] در کوش [illegible] چکانند قطوری که چون [illegible] چکانند [illegible]
[illegible] نافع بود صفت آن سفیداب کندر [illegible]

نشاسته درم الاخوین مساوی کوفته و بیخته گلولها سازند و در وقت احتیاج
یکی از آن بشیر دختر سایند بچکانند قطوری که دوی و طنین و گرانی گوش
را نافع باشد صفت آن تخم حنظل یکدرم بوره ارمنی نیم درم جند بیدستر
زراوند مدحرج اشق یک یکدرم و نیم عصاره افسنتین قسط فربیون از
هر یک دانگی و نیم کوفته و بیخته بزهره گاو بسرشند و گلولها سازند و در حاجت
بروغن بادام دو قطره در گوش چکانند نافع باشد حب الکاکنج کل
کلانج بنوری استسقاء و برودت معده و تبهای کهنه و سرفه بلغمی و ضیق
النفس و قولنج و طحال و سلعه بلغمی و بهق و احتاق را سود دارد و بول بگشاید صفت
آن هلیله سیاه و پوست بلیله و آمله مقشر از هر یک هفت درم فلفل زنجبیل
فلفلمویه نمک هندی سرخ نمک هندی سیاه نمک اندرانی نمک طبرزد نمک
لسان العصا سطرج هندی سعد جزبوا قرفه قرنفل صعتر بارنگ کابلی
مقشر شونیز حب البنل زیره کرمانی ساذج هندی تخم کرفس گشنیز خشک
از هر یک پنج درم تربد سفید صد و پنجاه درم فلوس خیارشنبر ده درم مویز
منقی نیم من بیخ آمله یک من مویز و آمله را در شش من آب بپزند تا مهرا
آید و بپالایند و خیارشنبر در آن حل کنند و سه من فانیذ بعد راق آب بگذارند

تم ادم

و نیم من روغن کنجد با آن بیامیزند و بجوشانند تا بقوام آید و داروها دیگر را
کوفته و بیخته با آن بسرشند شربتی یکدرم با شیر شتر یا آب عنب
الثعلب بخورند ککلانج بارد استسقاء حار را نافع بود صفت آن
مازریون مدبر غاریقون مغز بن پوست هلیله زرد از هر یک پنج درم
عصاره افسنتین سه درم بیخ سوسن گل سرخ تخم کاسنی مغز
تخم خربزه حب السوس از هر یک دو درم ترنجبین و فلوس خیار
شنبر و افانیه سنجری از هر یک پانزده درم صاف کرده بقوام
آورند و داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند شربتی دو درم تا چهار درم
ککلانج حار نافعست استسقای را که با او حرارت نباشد صفت
آن مازریون برغار غاریقون پوست هلیله زرد سلیخه از هر یک پنج درم
ابرسا سه درم ریوند چینی عصاره غافث سنبل الطیب انیسون از
هر یک دو درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی سه درم تا چهار درم
کمونی برودت معده و شهوت کلبی و حمیات بلغمی و سوداوی و فواق
بلغمی و امتلای و ختق و قولنج ریحی را نافع و بادها را بشکند صفت آن زیره
کرمانی مدبر پنجاه درم فلفل سیاه پانزده درم زنجبیل و سداب از هر یک

بیست درم بوره ارمنی پنجدرم عسل سه وزن ادویه معجون سازند شربتی یکمثقال کحل زعفران حکه جفن و تاریکی چشم و دمعه و سبل را نافع باشد صفت آن زعفران و سنبل از هر یک دو درم دارفلفل یکدرم فلفل سفید و کافور از هر یک دانکی و نیم نوشادر نیمدرم مازو سه درم کوفته و بیخته در چشم کشند کحلی که همین خاصیت دارد صفت آن شادنج مغسول دو درم دم الاخوین شادنج هندی سنبل دارفلفل از هر یک نیم درم مازو یکدرم فاقله نیم انکی از هر یک دانکی کافور نیمدانک کوفته بدان اکتحال نمایند کحل دمعه توتیای مغسول ده درم اسفیداج زرد جبر از هر یک چهار درم فلفل نیمدرم دارفلفل یکدرم کوفته و بیخته استعمال نمایند کحل الجواهر بصر را قوت دهد و تیز گرداند صفت آن سرمه اصفهانی هفتدرم مارقشیشا پنجدرم اقلیمیاء طلا دوازده درم مروارید ناسفته سه درم زعفران نیمدرم شادنج هندی دو درم صلایه کرده در چشم کشند کحل الجواهر نسخه دیگر سرمه اصفهانی شش درم توتیا چهار درم اسفیدار قیشنا از هر یک دو درم مروارید ناسفته هفتدرم شادنج هندی یکدرم مشک بمسطوح صلایه کرده استعمال نمایند کحل الجواهر نوعی دیگر سرمه اصفهانی

توتیا هر [illegible]

توتیا و هندی از هر یک ده درم مارقشیشا مرجان سرخ و هندی فرنگی عقیق سرخ طلا نقره مرجان حبشی فلفل اقلیمیاء طلا اقلیمیاء نقره روی سوخته از هر یک چهار درم مرجان بحری مروارید ناسفته شادنج هندی از هر یک [illegible] با قوت سرخ لاجورد شسته زعفران توتیا بلی مس سوخته از هر یک [illegible] صلایه کرده استعمال نمایند [illegible] نافع است جهة ضعف بصر و شبکوری صفت آن هموشنه سادنج مغسول از هر یک پنجدرم فلفل دارفلفل نیم درم حنظل زعفران از هر یک نیم درم زنگار بوره ارمنی حجر مغنوطری از هر یک پنجدرم مس یکدرم اقلیمیا دو درم صلایه کرده استعمال نمایند کحل [illegible] نافع است از جهت ضعف بصر و شبکوری صفت آن سوخته سادنج مغسول از هر یک پنجدرم فلفل دارفلفل نیم درم حنظل زعفران از هر یک نیمدرم زنگار بوره ارمنی حجر مغنوطری از هر یک یکدرم اقلیمیا دو درم صلایه کرده استعمال نمایند کحل عزیزی بصر را تیز کند و تاریکی چشم ببرد و دمعه و سبل را نافع بود صفت آن سرمه اصفهانی سوخته پنجدرم اقلیمیاء طلا نقره سادنج عدسی توتیاء هندی مس سوخته از هر یک دو درم زنجبیل نیمدرم کافور نیمدانک

پوست هلیله زرد شادنج هندی فلفل نوشادر صبر سقوطری حضض مکی
زعفران سرطان بحری از هر یک یکدرم زنجبیل نیمدرم کافور نیم دانگ
مشک سه حبه قرنفل دو دانگ صلایه کرده در چشم کشند کحل [illegible] بعد
را قوت دهد و دمعه را باز دارد و حکه و جفن را سود دارد صفت آن
شادنج عدسی شادنج هندی از هر یک یکدرم دو درم دارفلفل دم الاخوین
از هر یک نیمدرم روی سوخته و مامیران از هر یک یکدرم قاقله و مشک از
هر یک کافور یک طسوج کوفته و بحریر بیخته بعد از آن اکتحال نمایند کحل که
بیاض و آثار قروح از چشم ببرد و شعیره را نافع بود صفت آن زبد البحر
اقلیمیا و نقره سفیداب ارزیز مس سوخته از هر یک چهار درم سنبل
مروارید ناسفته از هر یک دو درم صمغ عربی کتیرا انزروت سنبل الطیب
نشاسته مسحوق [illegible] از هر یک یکدرم کوفته و بیخته استعمال نمایند کحلی
که نزول آب را نافع صفت آن زهره بز کوهی یک درم شحم حنظل یک
مثقال فرفیون و نوشادر از هر یک نیم مثقال سکبینج نیمدرم کوفته و بیخته
با آب رازیانه یا با آب سداب بسرشند و خشک کنند کحلی که مژه برد یا نبند
صفت آن [illegible] خرمای سوخته پنجدرم دخان کندر پنجدرم چهار درم

فلفل و دار فلفل ۲ ۲
[illegible] ۱
[illegible] صل

سنبل [illegible] بلسان از هر یک سه درم لاجورد شسته ده درم کوفته و بیخته بر جفن
کشند کحلی [illegible] تاریکی چشم و دمعه و جرب و حکه را نافع بود صفت آن
شادنج مغسول دو درم دم الاخوین دانگی روی سوخته دارفلفل سنبل الطیب
از هر یک نیمدرم شادنج هندی دو دانگ قاقله و مشک از هر یک دانگی
کافور نیم دانگ کوفته و بحریر بیخته استعمال نمایند کحلی که صحت چشم را نگاه دارد
صفت آن توتیا ده درم شیاف مامیثا سه درم صبر سقوطری حضض مکی
از هر یک یکدرم کافور دانگی کوفته و بیخته با آب غوره یا با آب سماق بپرورند
و در سایه خشک کنند و صبح و شام در چشم کشند کحل [illegible] گل زرد پاک چهار
من بکوبند و بیزند و یکمن کاغذ و نیم من نمک در آب کنند و بدست بمالند
[illegible] شود و بعد از آن گل بر سر آن کنند و یک چهار یک موی سر آدمی [illegible]
[illegible] و یک چهار یک [illegible] در شیشه داخل کنند و نیک بمالند و
هفت روز با آب نرم کنند و می سرشند آنگاه وصله وصله کنند و خشک کرده
و در وقت حاجت آنقدر که خواهند بکوبند و با آب بسرشند و استعمال نمایند
باب اللام لعوق سپستان سرفه و خشونت حلق را نافع بود و سینه
نرم کند و نفث را آسان کند و طبع را نرم کند صفت آن سپستان دو بیست

مویز منقی چهار درم فلوس خیار شنبر پانزده درم شش رطل آب
بجوشانند تا به دو رطل آید و بدست می مالند و صاف کنند و یک رطل قند اضافه کنند
و بقوام آورند لعوق زوفا ربو و سرفه کهنه را نافع باشد و سینه و شش
را از اخلاط غلیظ پاک کند صفت آن زوفا خشک بیخ سوس از
هر یک بیست درم در سه رطل آب بجوشانند تا به رطلی آید و صاف کنند و با
یک رطل قند سفید بقوام آورند لعوق ترب الرشاد سرفه بلغمی را نافع بود
و سینه را اخلاط غلیظ پاک کنند صفت آن تخم ترا تیزک ده درم
اصل السوس چهار درم انیسون رازیانه هر یک سه درم مجموع نیم کوفته در
دو رطل آب بجوشانند تا به رطلی آید صاف کنند و با یک رطل عسل مصفی
بقوام آورند لعوق [illegible] ان ربو و سعال مزمن را نافع
را از اخلاط غلیظ پاک کند و بر نفث اعانت دهد صفت آن بزرگ
[illegible] سی درم [illegible] ده درم کوفته بعسل بسرشند و لعوق سازند لعوق
[illegible] و سرفه حار را نافع بود صفت آن نشاسته
کثیرا از هر یک ده درم طباشیر چهار درم مغز تخم خیار مغز جلغوزه صمغ
عربی فانیذ از هر یک هفت درم قند سفید شصت درم مثقال کوفته و بیخته بروغن

بادام و عسل

بادام و عسل سفید بسرشند و استعمال نمایند لعوق حلبه بجهت ربو و غلظت صوت
را نافع بود و سینه را نرم کند و نفث را آسان گرداند صفت آن برگ
ده درم حلبه و مغز بادام مقشر از هر یک چهار درم کثیرا و اصل السوس
و مغز جلغوزه و نشاسته و صمغ عربی از هر یک دو درم کوفته بعسل بسرشند
و لعوق سازند لعوق بادام سرفه و خشونت حلق و حنجره را سود دارد صفت
آن صمغ عربی کثیرا نشاسته رب السوس از هر یک ده درم مغز تخم کدو
مغز بادام از هر یک پنج درم قند سفید بیست درم کوفته بگلاب بسرشند
و بروغن بادام چرب سازند و لعوق نمایند لعوق رب السوس سعال
مزمن را نافع بود و فضول الرحم را از سینه دفع کند و بر نفث یاری دهد صفت
رب السوس کثیرا [illegible] مغز بادام رازیانه مساوی کوفته و بعسل صاف
و روغن بادام بسرشند و بلیسند لعوق اسقیل ربو و سعال مزمن را که
با رطوبت باشد نافع بود صفت آن پیاز عنصل مشوی سه درم ابرسا
دو درم فراسیون [illegible] از هر یک یک درم کوفته و بیخته بعسل مصفی بسرشند
و لعوق سازند لعوق که سرفه خشک را نافع بود و سینه را نرم کند صفت
آن رب السوس بهدانه مقشر از هر یک دو درم [illegible] نشاسته کثیرا و صمغ

عربی تخم خطمی خیارین مغز تخم کدو مغز تخم خربزه از هر یک پنج درم خشخاش
دو درم مغز بادام مویز منقی از هر یک بیست درم مویز را در روغن بادام
بریزند و ادویه دیگر کوفته با آن بیامیزند با میبختج بسرشند و لعوق سازند لعوق
حبار حبیر نسخه مجربه ببویه درم حلق و تب و نفث و خشونت را نافع
باشد صفت آن عناب پنجاه عدد سپستان صد عدد تخم خطمی ده درم
مویز منقی بیست پنج درم مجموع را در هفت رطل بنفشه اصل السوس هم کوفته
از هر یک پانزده درم کتیرا شانزده درم بذر قطونا بیست درم مجموع را
در هفت رطل آب بجوشانند تا نیم آید صاف کنند و پنج درم مغز خیار
چنبر در آن بمالند و دیگر باره صاف کنند و یک رطل میبختج و سی درم فانید
داخل کنند و بجوشانند تا غلیظ شود و با روغن بنفشه یا بادام داخل کنند
لعوق خشخاش سل و قرحه امعاء و ترق دم در سرفه و بلغمی را نافع باشد
صفت آن پوست خشخاش سفید پنجاه درم در دو رطل آب بجوشانند تا بر ثلث
فند اصافه نمایند و بجوشانند تا بقوام آید عسل و بعد از آن رب السوس و مغز
بادام و مغز تخم کدو از هر یک پنج درم کوفته و بیخته با آن ممزوج سازند شربتی
ده درم بلیسند لعوق خشخاش نسخه دیگر نزله گرم رقیق را سابکی گرداند

صفت آن تخم

صفت آن تخم خشخاش سفید ده درم نشاسته کتیرا صمغ عربی از هر یک چهار درم
مغز تخم کدو و مغز بهدانه و شیرین از هر یک سه درم کوفته و بگلاب بسرشند و لعوق
سازند لعوق حب الصنوبر ... سینه را از اخلاط پاک کند صفت آن مغز
بادام شیرین ده درم مغز پسته ده درم ارزن باقلا پنج درم کرسنه و زوفا و سپستان
از هر یک سه درم فانید شصت درم در آب بگدازند و بقوام آورند و ادویه
دیگر را کوفته با آن بسرشند شربتی یک ملعقه بامداد و شبانگاه تناول نمایند لعوق
کرنب سینه را از اخلاط غلیظ پاک کند صفت آن آب کرنب پخته یک من و نیم
من عسل بریزند و بقوام آرند بعد از آن مغز چلغوزه و مغز پسته و انجدان با باقلا از
هر یک ده درم بزرک بریان کرده و حلبه از هر یک پنج درم مغز فستق بانگفه درم
کوفته با آن بسرشند شربتی پنج درم پیش خر لعوق سازند لعوق اطفال دهند صفت
آن صمغ عربی کتیرا رب السوس فانید از هر یک چهار درم مغز پسته دانه یکدرم
کوفته بعسل بسرشند نافع بوده لعوق سیر سرفه بلغمی را سود دارد و ماده را
نضج دهد و سینه را پاک کند صفت آن سیر پاک کرده نیم من در نیم من روغن
گاو بریزند تا مهرا شود پس بکوبند خشک کنند و با یک من عسل صاف بقوام
آورند لعوق چلغوزه ربو و سعال مزمن و ضیق النفس را نافع بود کوفته

را اخلاط پاک سازد صفت آن مغز جلغوزه بیخ سوسن صمغ عربی وکثیرا
بزرگ بریان کرده عرق بیدانه از هر یک سی و پنج درم کوفته با ده رطل عسل و
دو رطل روغن گاو بسرشند شربتی دو مثقال لعوق صبیان چون بشیر مادر
در گلوی اطفال بریزند سرفه و خشونت سینه را نافع باشد صفت آن صمغ
عربی کثیرا رب السوس نشاسته از هر یک چهار درم مغز بهدانه یکدرم کوفته
بعسل بسرشند لعوقی که ربو و ضیق النفس و سرفه بلغمی را نافع باشد صفت آن
بزرگ بریان کرده کوفته و بیخته ده درم با یک مثقال روغن بنفشه بادام پنجدرم
عسل بسرشند و لعوق سازند لعوق دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن بهیدانه
کرسنه مغز بادام از هر یک ده درم مغز جلغوزه بیخ سوسن هفت درم
صمغ عربی وکثیرا از هر یک سه درم بعسل صاف سرشته لعوق سازند لعوق
دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن مغز جلغوزه چهل درم مغز بادام چهل
پنجدرم رب السوس بیست پنجدرم بعسل بسرشند بلیسند لطوخ
که شقیقه را نافع بود صفت آن مر تخم کاهو از هر یک یکدرم زرنیخ و کثیرا
از هر یک دو دانگ افیون نیم دانگ کوفته و بیخته بسپیده بیضه بسرشند بر کاغذ
پاره کنند و بر شقیقه چسبانند لطوخ دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن زعفران

دم الاخوین

دم الاخوین افیون صمغ عربی بسفیده تخم مرغ سرشته بر صدغین چسبانند که
نافع باشد لطوخ دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن تخم کاسنی و تخم
از هر یک دو درم مر یکدرم حضض سه درم افیون نیم درم کوفته و بیخته بلعاب
بذر قطونا سرشته بر دو وصله کاغذ کنند و بر صدغین چسبانند لخلخه که خواب
آورد تخم کل و بیخ لفاح از هر یک یکدرم افیون دانگی کافور دو دانگ کوفته
و بیخته در طرفی کنند و ببویند لخلخه که منع عفونت کند و صداع را نافع باشد
صفت آن صندل سفید سایده گشنیز خشک گلاب و سرکه در طرفی کنند و
ببویند نسوف کبیر گرده را گرم و قوی گرداند و منی بیفزاید و نشاط آورد باه را
زیاده کند و دل و دماغ را قوت دهد و بدن را فربه گرداند و رنگ را نیکو
سازد و اعصاب را محکم کند و در امر مجامعت نظیر ندارد و کوفته اند هر که ده روز
برین مداومت کند لعوط او ساقط نشود صفت آن مغز پسته فندق مغز بادام
مغز حبة الخضرا مغز گردکان مغز جلغوزه مغز حب الزلم ماهی ازبیان خولنجان
شقاقل بهمنین نودرین زنجبیل کمجند مقشر دارچینی از هر یک پنجدرم سنبل الطیب
سعد کوفی تر نفل کبابه چینی حب الخضرا حب الفلفل تخم گزر تخم شلغم تخم ترب
تخم تخم بیاز تخم اسپست تخم هلیون لسان العصافیر درونج عقربی زرنباد از

هر یک ده درم نقیب کاوسوده سورنجان بوزیدان نعناع خشک از هر یک
چهار درم ماه شنزاء ابی زعفران مصطکی از هر یک سه درم مثقال عود خام زرد
ورق طلای عدد دو ورق نقره پنجاه عدد عنبر اشهب یک مثقال مشک تبتی نیم
مثقال عسل سه وزن ادویه معجون سازند لبوب صغیر منی زیاده کند و کلیه
و مثانه قوی سازد و لنسیان را نافع باشد و رنگ و روی را نیکو گرداند و
دماغ را قوت دهد و قضیب را محکم گرداند و در امر مجامعت عظیم منافع باشد
صفت آن مغز بادام مغز گردکان مغز حبة الخضرا مغز جلغوزه حبة الزلم
مغز فندق مغز پسته نارجیل تازه مغز حب الفلفل خشخاش سفید تودری
کنجد مقشر جرجیر پیاز تخم شلغم تخم اسپست بهمنین زنجبیل دارفلفل کبابه چینی
قرفه دارچینی شقاقل خولنجان تخم ابلیون مساوی عسل سه وزن ادویه معجون
سازند چنانکه رسمست شربتی دو درم باب الهیم شهرود بطوس قریب
المنفعت است به تریاق فاروق لیکن تریاق فاروق در دفع سموم ازین
انفعست و مقدار شربت این در امراض مذکوره زیاده از آن صفت
آن مر زعفران غاریقون زنجبیل دارچینی کبیر از هر یک ده درم سنبل
کندر خردل سفید عود بلسان اسطوخودوس سپالبوس قسط کمافیطوس

فنه علک

فنه علک البطم دارفلفل عصاره لحیة التیس جند بیدستر ساذج هندی اذخر میعه
حماما و بزر از هر یک هشت درم سلیخه فلفل سفید فلفل عصاره سیاه سورنجان
سعد وریون جعده درونج اکلیل الملک خبطبا نارد و عن بلسان حب بلسان
افراص فرفیون مقل از هر یک شش درم سداب دو درم اشق سنبل رومی
مصطکی صمغ عربی قطر اسالیون فرد مانا رازیانه ناردین افیون گل سرخ مشک
طرامشیع از هر یک پنج درم انیسون وج سکبینج اسارون از هر یک سه درم مو
فاقیا ناف سقنقور بهوفاریقون از هر یک چهار درم و بتم شراب کهنه زکی
چندانکه صمغهای بدان حل کند عسل مصفی دو وزن ادویه بطریق معهود معجون
سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند مخلصه اکبر صرع و دوار و صداع کهنه
و رعشه و فالج و لقوه و تشنج بلغمی و اوجاع مفاصل و درد دندان و وسواس و ربو بلغمی
و قروح امعاء و مغص ریحی و گرده و مثانه را نافع باشد و نفث الدم را باز دارد
و چون به آب لسان الحمل دهند درد معده و سپرز را نافع باشد و چون با آب
رازیانه بنوشند تبهای کهنه را زایل گرداند و محلل اورام بود و دفع سموم کند
و چون بر قضیب طلا کنند نعوظ آورد صفت آن سلیخه اذخر از هر یک یک اوقیه
و نیم جند بیدستر قطر اسالیون از هر یک یازده مثقال تخم کرفس دو وقیه

بکمثقال قسط دارچینی اقراص ازهر را معا میعه سایله اسارون از هر یک پانزده درهم
مثقال شش مثقال سفید دوازده مثقال سنبل هفت درم حماما و زعفران و
دار فلفل از هر یک چهار مثقال فیلفل [illegible] افیون از هر یک ده مثقال عسل
سه وزن ادویه معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی از
هر یک یکدرم تا یکمثقال معجون فلاسفه و آنرا مادة الحیوة نیز گویند باه
را قوت دهد و اشتهای آورد بلغمی باکم در بدن نیست نفع کند و نسیان
و سلس البول و درد پشت و درد گرده و اوجاع مفاصل را نافع بود منی را
زیاده کند باه را برانگیزد و دندان را سخت کند گرده بند و دل را قوت
دهد و نشاط آورد رنگ و روی را نیکو گرداند و بوی دهن خوش کند
و پیران او سرد مزاجان را موافق باشد صفت آن زنجبیل دار فلفل دار چینی
آمله مقشر بلیله شیطرج هندی زراوند مدحرج خصیة الثعلب مغز حلغوزه
عروق بابونه نارجیل تازه از هر یک دو درم تخم بابونه پنجدرم مویز
منقی سی درم عسل مصفی دو مثقال ادویه بطریق متعارف معجون سازند
شربتی دو درم معجون جالینوس گرده و مثانه سرد را گرم کند و سددها
بکشاید صفت آن فلفل سیاه و سفید حماما قسط سنبل الطیب قصب الذریره

ساذج هندی

ساذج هندی زعفران تخم کرفس انیسون [illegible] تخم [illegible]
حماوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال [illegible]
بادیان و آب کرفس معجون ابو مسلم این معجون را [illegible] گویند [illegible]
[illegible] صفت آن بذر البنج از هر یک ده مثقال افیون زعفران سنبل [illegible]
زرجا سوز کیان ماقلیه دار فلفل از هر یک پنج مثقال کوفته و بیخته بعسل شربتی
از هر دو یکی تا نیم مثقال معجون [illegible] قولنج صعب را [illegible] بکشاید صفت
آن جوز بوا قرنفل ساذج هندی فلفل زنجبیل برنگ کابلی مغز آمله قرنفل از هر یک
مثقال تخم کرفس سنبل زعفران مصطکی از هر یک نیم مثقال تربد سفید سقمونیا
از هر یک ده مثقال کوفته و بیخته با سه چندان عسل بسرشند شربتی دو درم
معجون [illegible] که همین خاصیت دارد صفت آن زبل الذئب چهار درم تربد
پنجدرم تخم کرفس انیسون از هر یک سه درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند
شربتی سه درم تا چهار مثقال معجون [illegible] قولنج بکشاید و بلغم دفع کند و درد
پشت را ساکن کند صفت آن سقمونیا از هر یک ده مثقال کوفته و بیخته با سه
چندان عسل بسرشند شربتی دو درم فانیذ [illegible] زنجبیل و دار چینی و قرنفل
[illegible] و قرنفل و مصطکی و فلفل از هر یک پنج درم تربد سفید از هر یک صد

افیون

مثقال عسل مصفی بقدر احتیاج معجون سازند شربتی دو درم معجون لوزی
صفرا و بلغم دفع کند صفت آن مغز کاسنیه مغز بادام سقمونیا از هر یک ده
درم زعفران یکدرم نبات بیست و پنج درم نبات را در گلاب بگدازند
و داروها کوفته و بیخته بدان بسرشند شربتی یکمثقال معجون اسود زحیر
و اسهال کهن را سود دارد صفت آن افیون جند بیدستر میعه بذر
البنج زعفران اسارون تخم کرفس مر سلیخه انیسون سنبل گل ارمنی
مساوی کوفته و بیخته با سه چندان عسل معجون سازند شربتی یکدرم
با آب مورد یا آب به معجون حجر الیهود سنگ گرده و مثانه بریزاند
صفت آن مغز بزر تخم مغز تخم کدو و حب کاکنج از هر یک پنج درم حجر
الیهود پنجاه درم صلایه کرده بعسل بسرشند شربتی دو درم تا سه درم
معجون عقرب سنگ گرده و مثانه بریزاند و گویند که عقرب را
بغایت نافع بود صفت آن عقرب محرق سه درم و نیم حنطیانا
یکدرم و نیم زنجبیل یکدرم فلفل دار فلفل از هر یک دو درم کاکنج
پنج درم و نیم جند بیدستر چهار درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند
شربتی دانگی با آب کرفس معجون کاکنج قرحه گرده و مثانه و بول الدم را نافع باشد

معجون ان

صفت آن بذر البنج تخم کرفس رازیانه از هر یک هفت درم مغز تخم خربزه
تخم خماص افیون مغز حبغوزه بریان کرده مغز فندق مغز بادام تلخ بریان
کرده از هر یک سه درم زعفران دو درم و نیم کاکنج بیست درم و پنج درم کثیرا
چهار درم کوفته بسپیده خایه بسرشند شربتی دو درم با خند یقون یا الغسل با
شراب چهار خشخاش سفید بنوشند معجون تبدیل المزاج لقوه و فالج و رعشه
و برص و جذام را نافع باشد صفت آن زنجبیل عاقرقرحا شونیز قسط وج
عسل بلادر از هر یک ده درم سداب حلتیت زراوند حنطیانا سیطرج
هندی حب الغار جند بیدستر خردل از هر یک پنج درم با عسل صاف معجون
سازند چنانچه رسم است شربتی یکمثقال معجون حب الغار بنسخه محمد ذکریا قولنج
بگشاید و استسقا طبلی و جمیع امراض ریحی که با آن حرارت نباشد نافع
بود صفت آن سداب خشک پنج درم نانخواه زیره کرمانی کاشم شونیز
صعتر کرویا فطراسالیون مغز بادام تلخ فلفل بوده دار فلفل وج و فاحب الحجار
جند بیدستر از هر یک دو درم جاوشیر سه درم سکبینج چهار درم صمغها در شراب
حل سازند داروها کوفته داخل نمایند و بعسل بسرشند شربتی دو مثقال معجون زراوند
و انزا معجون ریوند ... محمد ذکریا ضیق النفس و سرفه بلغمی را

نافع بود صفت آن زراوند مدحرج فرودمانا فلفل کرسنه تخم سعتر ان سفید
مغز بادام تلخ تخم الجزره از هر یک پنجدرم رب السوس برساوشان زوفا از
هر یک دو درم کوفته و بیخته با عسل بسرشند شربتی سه درم بطبیخ زوفا معجون
ایهل مواد باره را نافع بود و دفع کند بادهای بشکند صفت آن ایهل یا تخواه
کندروج دارچینی مساوی کوفته با عسل معجون سازند شربتی دو درم معجون
سعال نافعست سرفه را که سبب آن رطوبت باشد صفت مغز جلغوزه سی درم
مغز پسته پنجدرم مغز بادام مقشر و بزرگ از هر یک ده درم فانیذ سی درم
معجون سازند شربتی مقابل یک گردکان بنوشند معجون گل درم جگر را
نافع باشد صفت آن گل سرخ چهار درم پنج سوسن سفید ده درم ریوند
چینی لک مغسول از هر یک یکمثقال و نیم سلیخه و زعفران از هر یک سه درم
و نیم مثقال زعفران را در سرکه حل کنند و داروهای کوفته و بیخته بیان مخلوط
سازند بعسل بسرشند معجون راحت فلج را در ساعت بگشاید صفت آن
فلفل دار فلفل زنجبیل زیره کرمانی سداب خولنجان قرفه از هر یک ده درم
سقمونیا هفتاد درم عسل صد و چهل درم شربتی یکمثقال معجون درد ایتدای نزول
را نافع بود صفت آن درج حلیت زنجبیل رازیانه مساوی با عسل معجون سازند

معجون لولوی

معجون لولوی ترکیب جالینوس است صفت منفعت دارد قضیب را سخت کند
و اوعیه منی بگشاید شهوت زیاده کند و اعصاب را قوت کند و در خون تعفن
عظیم پیدا کند و نعوظ بسیار آورد و دوستی مرد در دل زن پیدا کند صفت آن
مروارید ناسفته و بسد از هر یک یکمثقال انیسون بهمن سفید از هر یک سه درم
بنکا کوه پنج لسان از هر یک یکدرم نفاح اذخر سعد کوفی کندر تخم سلیخه دارچینی
اسارون مصطکی از هر یک نیم مثقال صمغ عربی کتیرا از هر یک نیم درم کرفس اشقاقل
عسل بسرشند در وقت نزدیک مجامعت یکمثقال با آب گرم بنوشند معجون دیگر
که اعضای رئیسه را قوت دهد زیاده کند و نشاط آورد و معده را قوی گرداند
و اشتها آورد و رنگ روی نیکو گرداند طعام را خرم کند صفت آن دارچینی سنبل
طیب پوست بیرون پسته جوزبوا معاش خولنجان بهمن سرخ و سفید شقاقل
جدوار پوست بلیله بادرنج بویه گاوزبان از هر یک سه درم مصطکی هیل و درنج
زنجبیل قرنفل اسارون ساذج هندی کبابه چینی پوست ترنج درونج رومی زرنباد
صندل سفید حب فلفل انیسون نعناع بسباسه بلیله ستاره بوزیدان زعفران
مع تخم فوت کهربا مروارید صلایه کرده مرجان از هر یک دو درم سعد کوفی ورق
گل سرخ از هر یک چهار درم ماهی زهره خصیه الثعلب توددری ارزد تودری سرخ

از هر یک پنج درم مشک تبتی نیم مثقال عنبر اشهب یک مثقال ورق طلای عدد دو ورق
نقره پنجاه عدد قند و عسل مصفا نیم من اهم معجون سازند معجون عطای تقطیر
البول و سرعت انزال را نافع باشد صفت آن علک رومی و کندر و حب
البلوط بنجر (?) بالقشر مساوی کوفته با دو مقدار آن عسل بسرشند شربتی دو مثقال
معجون کندر همان خاصیت دارد صفت آن کلنار بلوط شونیز کشنیز خشک از
هر یک ده درم زیره کرمانی کرد باما (?) نانخواه از هر یک پنج درم پوست بلیله سیاه
پوست هلیله زرد املج مقشر از هر یک سه درم کوفته و بیخته با سه مقدار آن
عسل بسرشند شربتی صباح و شام دو مثقال بنوشند غذای کباب و قلیه
مناسب است معجون رشید همان منفعت دارد صفت آن کباب چینی قرنفل
قرنفل خصیة الثعلب مصطکی نانخواه از هر یک ده درم با هم عسل معجون سازند شربتی
دو درم معجون بزوری که در تقویت باه بی نظیر است صفت آن تخم گزر
تخم شلغم تخم ترب تخم هلیون تخم اسپست تخم جرجیر مغز چلغوزه و حب الفلفل
و مغز حب الزلم بوزیدان قطر [illegible] زنجبیل تودری لسان العصافیر
شقاقل بهمنین دارفلفل خرفه حلبت فرفه (?) مساوی کوفته با عسل معجون سازند
شربتی سه درم در شیره تازه تا شراب نوشیدن معجون النفع ابتی معجون از مغز

مانند و بعضی

مانند و بعضی از مرکبات شمرده اند منافع بسیار است صفت آن قرنفل و
دو فوفل و زنجبیل و سنبل و دارفلفل خرنوب و جوزبوا و قاقله کبار و سطرح هندی لسان
العصافیر درونج عقربی بادرنجبویه مصطکی لسان الثور خولنجان فرنجمشک
مروارید ناسفته صندل سفید زراوند مسلحه کلسرح (?) یاقوت رمانی بهمنین
از هر یک دو درم بسباسه شش درم پوست ترنج سه درم پوست بلیله یکدرم
عنبر اشهب زعفران از هر یک یکدرم و نیم مشک نیم درم کوفته و بیخته با عسل
معجون سازند شربتی یکدرم تا دو مثقال معجون یونس حافظه را قوت دهد
و نسیان را نافع باشد صفت را بادآورد و افیون از هر یک ده درهم صبر
شش مثقال غاریقون بیست و چهار مثقال سلیخه و ج زرنباد مدحرج زعفران
دارچینی مصطکی از هر یک شش مثقال نطرخم (?) سداب فلفل سفید از هر یک [illegible]
مثقال عسل چهار یک بطریق معهود معجون سازند معجون اسطوخودوس (?)
مزاج و درد معده را سود دارد صفت آن فقط همانا سنبل سلیخه از هر یک
دوازده درم زراوند طویل فلفل [illegible] تخم کرفس تخم شبت انیسون نانخواه
زیره کرمانی دوقو فطراسالیون کاشم اسارون الشنین الحبان فودنه
نعناع از هر یک چهار درم کوفته و بیخته با عسل معجون سازند معجون بزری

نونج را بگشاید صفت آن زنجبیل فلفل سفید از هر یک بیست درم خرما را که در
سقمونیا ده درم خرمای دانه مغز بادام برگ سداب از هر یک شش درم
خرما را در سرکه خیسانیده یک شبانه روز بکوبند و با داروهای کوفته و بیخته
نیم من عسل صاف کرده معجون سازند شربتی سه درم تا چهار درم معجون
[illegible] تا صلابت سپرز و جگر و درد معده و گرده و مثانه را نافع و سده
بگشاید صفت آن جنطیانا رومی فلفل سیاه از هر یک دو درم قسط سادج
هندی سنبل بوزیدان از هر یک هفت مثقال کوفته و بیخته با سه وزن آن
عسل بسرشند شربتی دو درم با آب سداب معجون افسنتین درد معده
و جگر که از سردی بود زایل گرداند و استسقا را نافع بود صفت آن انیسون
تخم کرفس افسنتین مغز بادام تلخ مساوی کوفته و بیخته با سه چندان
عسل بسرشند شربتی دو درم مقل و مویز را در مثلث حل سازند و داروها
کوفته و بیخته بدان بیامیزند با عسل معجون سازند معجون فقح سرفه و درد جگر
و درد معده سینه را سود دارد و آواز صافی کند و بول براند صفت آن مویز
منقی بیست و پنج درم زعفران سنبل سلیخه دارچینی دار شیشعان از هر یک
یکدرم قصب الذریره فقاح اذخر علک البطم مقل از هر یک دو درم و نیم مر چهار
درم [illegible] حل که

درم انگبه حل کردنست در مثلث حل کنند و آنچه کوفتنی ست بکوبند و بیزند
و مجموع را با عسل مصفی بسرشند شربتی یکدرم بشراب روفا یا آب گرم بنوشند
معجون قباد الملک مفاصل و نقرس و درد سپرز و تبهای کهن و ضیق النفس و
سرفه کهنه و ریش روده و تاریکی چشم را نافع بود و بادهای غلیظ را نافع کند
صفت آن جنطیانا رومی اسطوخودوس فودنج تا جاوشیر کمافیطوس تخم
سداب انیسون اسقوردیون میعه سائله از هر یک پنج مثقال مر زعفران قسط
فلفل سفید اذخر سنبل قرنفل پوست بیخ لفاح اشق فودنج رازیانه دوقو
کل سنگ ماردین حب بلسان از هر یک سه مثقال قرفه هشت مثقال سلیخه شانزده
مثقال اسارون قنبرکونی صمغ بادام از هر یک چهار مثقال افیون بذر البنج
سفید از هر یک شش مثقال قند سفید چهار درم انگبه حل کردنست در مثلث حل
کنند و آنچه کوفته و بیخته است بکوبند و بان ممزوج سازند و بعسل معجون سازند
و بعد از شش ماه استعمال نمایند معجون قیصر خفقان بارد را و صرع و درد معده که از سردی
باشد و مواد امتلای را نافع بود و سده بگشاید صفت آن جند بیدستر زرنب
اسطوخودوس سلیخه قسط تلخ فلفل سیاه افیون میعه زعفران سنبل از هر یک
سه درم جاوشیر یکدرم درونج عقربی زرنباد مروارید ناسفته از هر یک یکدرم

مثلث دو دانگ کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی مقابلی نخودی معجونی که از جهت
صفت معده نافعست صفت آن طباشیر پوست سکندان خرد سیاه از هر یک
دو مثقال گل سرخ سه درم نعناع خشک پوست بیرون پسته پوست ترنج پوست
هلیله زرد از هر یک مثقال بهمن سرخ و سفید صندل سرخ و سفید و کشنیز خشک بریان
کرده و حب الآس از هر یک دو درم کوفته و بیخته با شراب فواکه معجون سازند
شربتی دو مثقال معجون نجاح مسهل سودا و بلغم بود و امراض سودای و بلغمی را نافع
نافع باشد صفت آن هلیله سیاه پوست بلیله هلیله کابلی مغشر افتیمون از
هر یک ده درم بسفایج فستقی اسطوخودوس تربد سفید از هر یک دو درم
و با هم سقمونیا سه درم کوفته با صد و پنجاه درم عسل بسرشند شربتی پنج مثقال
تا هفت مثقال معجون خیار شنبر مسهل صفرا و بلغم باشد صفت آن تربد
سفید چهل درم کوفته بنفشه سی درم نمک هندی رب السوس از هر یک
بعد هفت درم رازیانه انیسون مصطکی از هر یک پنج درم سقمونیا ده درم
عسل خیار چنبر صد درم روغن بادام چهل درم قند و عسل از هر یک صد
مثقال مغز خیار چنبر را در عسل و قند حل کنند و داروها را کوفته بروغن
بادام چرب کنند و در یکدیگر بسرشند شربتی از پنج مثقال تا هفت مثقال

معجون سورنجان

معجون سورنجان مسهل بلغم و صفرا باشد و مخصوص بمفاصل و نقرس و عرق
النسا صفت آن سورنجان شش مثقال ماهی زهره کرمانی پوست بیخ کبر
سطح هندی بوزیدان از هر یک دو درم پوست هلیله زرد هفت درم تخم
کرفس نمک هندی برگ حماما بزرالبنج فلفل سفید رازیانه صعتر از هر یک
یکمثقال گل سرخ زنجبیل سقمونیا کثیرا خشک از هر یک سه درم تربد سفید یازده درم
روغن بادام چهار درم روغن بادام چهار درم و نیم عسل صاف صد و پنجاه
درم شربتی پنج مثقال تا هفت مثقال معجون مشک درد جگر و ضعف معده را نافع
باشد و سده بگشاید و ورام صلبه را تحلیل دهد صفت آن مشک سلیخه سنبل الطیب
هندی لک مقشر ریوند چینی خبطا نا رومی از هر یک دو درم زعفران نانخواه
تخم کرفس مصطکی از هر یک سه درم عود هندی مرقر نقل از هر یک نیم مثقال کوفته
و بیخته با سه چندان عسل معجون سازند معجون نانخواه معده را پاک کند
و اشتهای طعام آورد و باه را قوت دهد صفت آن صعتر زوفا نانخواه
نعناع شونیز زیره کرمانی از هر یک پنج مثقال وج بسباسه رازیانه تخم
جوز بوا تخم کرفس سه مثقال حاشا ده مثقال مری دو مثقال کوفته و بیخته با
چندان عسل بسرشند معجون مسیحی درد پشت و درد پای نافع باشد و باه

علاج باد کوفت
خلنجبین سیاه رانیج ... و
معده ... با موم ... سو
کوفته ... عمل ...
... نبات
... سرسبی ...
یکبیب ... رهمه بقوام
راسانله صخر فندق
دو سیر ... هندی نیج
مثقال ... رجلفیی
نیج مثقال درهبان
ان بخته صبح بسازد
نرم صبح و شام معجون ... قوت
چهار مثقال ...
... عکر

را قوت دهد و معده را پاک گرداند و موی جعد پر سفید گرداند و سودا را دفع
کند و سرعت انزال را سود دارد صفت آن [illegible] سرخ سعد عاقرقرحا قرنفل
سنبل مصطکی زرنباد زعفران قاقله جوزبوا مساوی قند و عسل بالمناصفه
بقدر احتیاج قند را در گلاب بگدازند با عسل بقوام آورند و داروها
کوفته و بیخته بان بسرشند معجون [illegible] اشتها آورد و بوی خوش کند و
حفظه بیفزاید و منی زیاده کند صفت آن زعفران عاقرقرحا بذر البنج [illegible]
خولنجان قاقله کبار دار فلفل جند بیدستر مساوی کوفته و بیخته با سه چندان
عسل بسرشند معجون [illegible] لقوه صرع و فالج و رعشه و بواسیر و بهق و برص را نافع
باشد و معده را قوت دهد و اشتها آورد و بلغم دفع کند و قوت بیفزاید
و رنگ را سرخ گرداند و حرارت غریزی بیفزاید [illegible]
بود صفت آن سیر پاک کرده نیم من در یکمن شیر گاو بپزند تا مهرا شود و
سه چهار یک عسل و سی درم روغن گاو بر سر آتش بپزند و با یکدیگر ممزوج
سازند و از آتش فرو گیرند و داروها کوفته و بیخته بان بسرشند قرنفل جوز
بوا بسباسه فلفل مصطکی قاقله کبار و صغار هلیله کابلی دارچینی زنجبیل از هر یک
ده درم عود خام و زعفران از هر یک پنج درم شربتی یک مثقال با یک [illegible]

کردکان

[illegible]
[illegible] ۱ ۲۰ ۱۰
[illegible]
[illegible] زعفران
۴
[illegible]

کردکان معجون نمک هندی معده را پاک گرداند و بلغمی و سوداوی باز دارد
و دوار بلغمی و سوداوی را نافع بود صفت آن هلیله سیاه بلیله آمله هلیله کابلی
اسطوخودوس از هر یک سه درم افتیمون چهار درم نمک هندی دو درم
ایارج فیقرا ده غاریقون چهار درم کوفته و بیخته با سکنجبین بسرشند شربتی
سه درم با آب گرم معجون قسط اوجاع کبد و معده را نافع بود صفت آن
دارچینی [illegible] قسط از هر یک سی درم افتیمون ریوند چینی تخم کرفس از هر یک
ده درم اسارون بیست و نه درم زعفران هشت درم تفاح اذخر از هر یک
بیست و چهار درم [illegible] در شراب حل کنند و ادویه دیگر کوفته و بیخته بان بسرشند
و بعسل صافی معجون کنند نافع باشد معجون [illegible] فالج و لقوه و استرخا
و امراض بلغمی را نافع باشد چون بر عضو مفلوج و مسترخی طلا کنند نافع بود
صفت آن افیون و فربیون جند بیدستر دارچینی [illegible] فلفل بذر البنج سنبل
زنجبیل زعفران مساوی کوفته و بیخته بعسل بسرشند [illegible]
بلغمی را نافع باشد صفت آن پوست هلیله زرد و سورنجان [illegible]
پنج درم فلفل سفید یک درم و نیم زیره کرمانی [illegible] چهار درم زنجبیل
دو درم افیون نیم مثقال کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی دو مثقال

سکبینج قولنج را نافع باشد صفت آن معجون سکبینج تخم کرفس جندبیدستر
از هر یک یک جزو و سقمونیا نیم جزو و سقمونیا را در روغن بادام بسایند
و سکبینج را در عسل حل کنند و با یکدیگر بیامیزند و داروهای دیگر را کوفته و بیخته
بآن بسرشند شربتی سه مثقال معجون جلغوزه عسر البول را نافع بود صفت
آن دوقو ریوند چینی اذخر حب بلسان افیون سلیخه زعفران دارچینی فطر
اسالیون اسارون کمافیطوس از هر یک سه درم مغز جلغوزه سی درم
نعناع خشک نیم درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند معجون ریوند درد جگر و معده
و اورام رحم را نافع باشد صفت آن ریوند چینی شهدانه وج بیخ اذخر
تخم کرفس بادیانه انیسون نانخواه مساوی بعسل بسرشند و بعضی بعوض
شهدانه راسن کنند شربتی یک مثقال معجون بیضا شهوات ردیه را دفع
کند و صداع را نافع باشد صفت آن ایارج فیقرا دوازده درم پوست
هلیله کابلی پوست بلیله آمله از هر یک دو درم و نیم کوفته و بیخته بعسل بسرشند
معجون منازن شربتی سه درم تا چهار درم در طبیخ فودنه صفت آن
فودنه درد معده و جگر و تبهای کهن و تب سوداوی و سرد را سود دارد صفت
آن فودنه کوهی و فودنه دشتی و فطراسالیون اسالیون از هر یک یکی هفت
درم

درم تخم کرفس و بابونه و حاشا از هر یکی چهار درم کاشم بانخوه درم فلفل
سیاه کبابه و چهار درم و دارشیشعان و چهار درم با انگبین مصفی بسرشند
و بخورند که نافع است معجون مقل باد و بواسیر و بادی که اندر زهدان باشد
بشکند و آماس سخت که چون آید سود دارد صفت آن هلیله کابلی بلیله آمله
تخم سپندان تخم کندنا شاهسفرم از هر یکی پنج درم و مقل پنجاه درم
مقل را بآب کندنا حل کنند و داروها بدان بسرشند شربتی دو درم معجون
سنگ البول از کوتوالی که او را ابوبل را نافع باشد و سیلان منی را باز
دارد و خاصه پیرانرا صفت آن اقاقیا کلنار از هر یکی سه درم صندل سرخ و
سفید سعد سرخ قصب الذریره تخم حماض صمغ عربی طباشیر از هر یکی دو درم
تخم مورد دو مثقال کندر یک درم سوده و بیخته بگلاب بسرشند شربتی
پنج درم غذا زیره بریان و قلیه خشک تناول کنند معجون خلاف اسهال بلغمی
و دفع زهر را نافع باشد صفت آن افیون جندبیدستر میعه سایله بذر البنج
زعفران مر اسارون تخم کرفس سلیخه انیسون سنبل الطیب گل ارمنی
کلنار مساوی کوفته و بیخته باشد چندان عسل بسرشند شربتی نیم درم بر
به با آب سرد یا آب سماق استعمال نمایند معجون [illegible] امراض صفراوی را

دفع کند و سرفه را نافع بود صفت آن بنفشه مغز بادام تنزبن (?) از هر یک
ده درم تخم کاسنی سه درم مغز تخم خیارین مغز کدو و سپستان از هر یک
پنج درم کثیرا یکدرم اصل السوس یکدرم کوفته و بیخته بنفشه و گلاب معجون
سازند شربتی یکدرم بگلاب نرم کرده معجون سوطیر نسیان و مالیخولیا
و صرع و سبات و برص و اوجاع مفاصل و درد معده و داء الحیه و داء الفیل و
داء الثعلب و تقطیر البول و سرفه کهنه و تب ربع و تبهای بلغمی و حبس البول و
بواسیر و یرقان سدی و طحال را نافع باشد و دفع غائله سموم کند و از قوت
و مهره و باه را زیاده کند و حب الفرح را دفع کند و سنگ گرده و مثانه بریزاند
و حیض بگشاید و بوی دهن و بوی عرق بدن خوش کند و گرانی زبان ببرد
و صداع را زایل کند و جمیع امراض بلغمی و صفراوی و سوداوی را سود دارد
و برای آثار البواسیر مفید بود صفت آن حنطیانا و فوذنج (?) و نارمشک تخم
فلنجمشک حب الغار زراوند طویل مدحرج از هر یک یکمثقال اسنون (?) و
جندبیدستر حب بلسان سلیخه اسارون مصطکی از هر یک یکدرم خروع
درونج عقربی (?) [illegible] تخم کرفس تخم جرجیر تخم بیاز تخم گندنا از هر یک
ده درم جوز بوا ریوند چینی صبر سقوطری ده درم [illegible] سفید [illegible]

عود خام دارفلفل (?)

عود خام [illegible] ده درم جوز بوا ریوند چینی و مقل و قاقله و بسباسه اشنه سنبل
الطیب زعفران اسقیل بریان کرده برزنبیل (?) سطرج افلیحه (?) مورارجی (?) از هر یک
سه درم ورق گل سرخ بادیه (?) تخجو یه (?) لک مغسول از هر یک پنج درم
سعد کوفی حب المحلب از هر یک چهار درم هلیله سیاه پوست بلیله
آمله از هر یک شش درم کوفته و بیخته بروغن بادام تلخ چرب کنند و با
سه چندان عسل بسرشند و در ظرف آبگینه کنند و شش ماه در جو پنهان کنند شربتی
از دو درم تا پنج درم استعمال نمایند معجون مسهلی که نافع است از جهت کسی که
بواسطه درد معده طعام را قی کند صفت آن اصول اذخر سعد کوفی تا از
هر یک یکدرم افسنتین هلیله فلفل فلفل کندر زنجبیل از هر یک نیم درم دانه مویز [illegible]
زنجبیل دار چینی سلیخه فودنج از هر یک دانگی و نیم [illegible] مصطکی و عود خام از هر یک
دو دانگ قرنفل و [illegible] از هر دانگی مویز را بکوبند و قدری آب اضافه
آن نمایند و شیره آن بگیرند و بجوشانند تا غلیظ شود و ادویه دیگر را کوفته
و بیخته بدان بسرشند و هر روز مقابل یکدرم بخورند معجون مسهل
کهنه و زحیر را نافع باشد صفت آن حب نیل (?) [illegible] اسارون افتیمون
سقمونیا [illegible] کنند مساوی بعسل معجون سازند شربتی دو درم تا سه

[illegible] و این معجون هند بانست و ترکیبی عجبست و خواص بسیار
دارد فالج و لقوه و صرع و رعشه و نسیان و عرق النسا و مفاصل بلغمی و جمیع
امراض بارده را نافع بود و حفظ را زیاده کند و معده را قوت
دهد و باه را برانگیزاند و سرعت انزال و سلس البول را دفع کند و پیرانرا
موافق باشد صفت آن زعفران فلفل دار فلفل شنجرف مغسول
باب لیمو صلایه کرده کبابه چینی مصطکی انیسون ماهی سقنقور سنبل
بسباسه قرنفل دارچینی صندل زیره کرمانی شونیز سیاه دانه تخم خربوزه
تخم کاسنی تخم خشخاش عاقرقرحا بهمن سرخ بهمن سفید [illegible] سیاه
کهربا مرجان مروارید ناسفته لسان العصافیر تخم کرفس مغز پنبه
دانه تخم ناتوره زهر کوفته و بریان کرده جنطیانا بلیلانه شتر اوانی زنجبیل
مغز سر گنجشک مغز سر خرگوش کنجد مقشر کندر رومی بابونه جوز بو
با قاقله کبار هیله سبطیع نانخواه جوز هندی هلیون سلیخه قاقله
از هر یک ده مثقال اشترغاز مغز چلغوزه بهار کردمان حب النیل اسد
خصیه الثعلب زرنباد رازیانه بلادر زهر کوفته کجله بریان کرده افتیمون
زراوند طویل عنصل راوند مدحرج شاهتره از هر یک پنج مثقال

افیون مصری

افیون مصری چهار مثقال خالص و مشک تبتی از هر یک مثقال ورق نقره از هر یک
پنجاه مثقال عدد قند سفید ربع اجزا عسل صاف مقابلا اجزا فولاد مکلس
ده هر صد مثقال دوازده مثقال بدستور متعارف معجون سازند و بعد از
ششماه استعمال نمایند و طریق تکلیس فولاد آنست که فولاد جوهردار خالص
از خاک بستانند و صلایه کنند و هر پنجاه مثقال فولاد پنجاه مثقال گوگرد زرد
پاک صلایه کرده بآن ضم کنند و در بوته ریزند و در کوزه نهند و آتش تند کنند
چندانکه گوگرد تمام بسوزد و دود گوگرد نیز نیاید بعد از آن بیرون آورد بآب صبر
د[illegible] بکهنه صلایه کنند تا نیک صلایه شود بعد از آن ببرکه بشویند تا
تلخی از وی برود و پس باب بشویند تا شیرین شود بعد از آن خشک کنند و بآب ترب
صلایه کنند چندانکه چون در آب ریزند تیره آب فرو نرود و تا نمیرد زر در بالای آب
بایستد معجون خبث الحدید بسیاری بول که از سردی بود باز دارد صفت آن
خبث الحدید بیست درم منقور کنند که در سرکه خیسانیده باشند یکشبانه روز پس
خشک کرده و کوفته و بیخته پنج درم طباشیر چهار درم گشنیز خشک سه درم شوکران
دو درم بهمنیه ساده بسرشند بشربتی مامدا و سه درم و کشنا نگاه سه درم بجلاب میبه
معجون را سن درم صلب معده مرا نافع باشد صفت آن ریوند چینی زنجبیل و

راسن دارشیشعان از هر یک یکجزو تخم کرفس رازیانه انیسون نانخواه از هر یک
نیم جزو کوفته و بیخته عسل سه وزن ادویه بسرشند شربتی مثل فندق معجون
کمونی سنتی کند صفت آن شاخ بز کوهی سوخته مغز بادام تلخ تخم کرنب بوده
کوهی ملح نفط سداب نانخواه مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند معجون
بزور درد معده و جگر و سپرز را سود دارد و باد را تحلیل کند صفت آن سلیخه
و حماما و سنبل و نانخواه و رازیانه تخم کرفس انیسون سیسالیوس جندبیدستر شیطرج
زراوند طویل مصطکی اسارون کرد با اجزا مساوی کوفته و بیخته با انگبین مصفی بسرشند
معجون چوب چینی ترکیب مولانا عماد الدین محمود حکیم جهت تقویت باه و معده و دل
و دماغ و جگر و مثانه کرده و سرخی رنگ روی و فربهی بدن نیکو بود و بوی دهان ببرد
و خوش بو کند و منافع بسیار دارد صفت آن بیخ چینی اعلا پنجاه مثقال مروارید
ناسفته صلایه کرده دو مثقال سنبل الطیب از هر یک سه درم مصطکی عود خام
ماهی شنقور اعرابی زعفران مشک عنبر از هر یک دو درم سکه صینی اورد سیاق
از هر یکی سه مثقال بهمن ده مثقال دارچینی قرنفل فلفل زنجبیل از هر یک دو مثقال جوزبوا
بسباسه از هر یکی ده مثقال درونج عقربی زرنباد از هر یکی سه مثقال خصیة الثعلب تخم شقاقل
تخم کرفس تخم شلغم تخم ترب تخم نیلوفر بهمن خشک مربا از هر یک سه مثقال بوزیدان



سورنجان از هر یکی دو درم شقاقل ده درم کباب چینی خولنجان مصری قسط تلخ از هر یکی
دو درم تودریین از هر یکی سه درم مثقال سعد کوفی دو درم ورق معشط سدس ادویه
مجموع را کوفته و بیخته گاوزبان بادرنجبویه گل سرخ دواله از هر یکی ده مثقال جوشانند
صاف کرده آب آن نگاه دارند تخم خربوزه تخم خیار تخم کاسنی خرفه از هر یک ده
مثقال بکوبند نیم و شیره را اضافه جلاب سابق کنند و باتیه شیرین و آب سیب شیرین
و گلاب از هر یکی صد مثقال با قند و عسل صاف مناصفه سه وزن ادویه بقوام آورند
مغز فندق و بادام و گردکان و چلغوزه را از هر یک ده مثقال نرم بکوبند مانند مرهم
و در عسل اندازند و زعفران را بگلاب حل کنند بعد از آن که سرد شود اضافه کنند و مشک
و عنبر را دو حصه کنند یک حصه را اول داخل کنند و یک حصه دیگر بعد از سایر ادویه
نافع باشد و بعضی دیگر این اجزا را داخل نمایند اسارون سه مثقال آمله مقشر پوست بلیله دردو
ده مثقال گل مختوم صندل سرخ از هر یک سه مثقال خشخاش سفید ترکیب ساخته در ظرفی
آبگینه ظرفی پاکیزه کنند معجون نافع از برای کسی که عاجز باشد از آلت کارت صفت آن
زنجبیل دارچینی خصیة الثعلب شقاقل جوزبوا لسان العصافیر مصطکی زعفران دارفلفل فلفل
بوزیدان ورد احمر بهمن سفید بهمن سرخ تخم بلبوس تخم جرجیر از هر یک دو مثقال مشک
و عنبر از هر یکی یک مثقال حب الفلفل سه درم راند الذکر مبنج مثقال عسل مینی

ترکیب سازند مفرح مسهلی قوت معده و دماغ و جگر دهد و قوه کرده و پشت زیاده
کند و نعوظ تمام آورد و منی بیفزاید و باه را قوت دهد و اشتها طعام آورد و هضم
را قوت دهد صفت آن قرنفل پنج مثقال خولنجان کبابه چینی قرنفل جوزبوا
از هر یک سه مثقال قاقله صغار و کبار کبابه از هر یک سه درم تخم گنجشک [illegible]
گل قرنفل از هر یکی سه مثقال گاوزبان [illegible] زرنجوبه از هر یک پنج مثقال [illegible] سنبل
از هر یکی چهار مثقال زعفران و مصطکی از هر یکی سه مثقال بهمن سرخ بهمن سفید از هر یکی
چهار مثقال ساذج هندی زنجبیل دارچینی فلفل از هر یکی دو مثقال پوست ترنج
سه مثقال گل سرخ چهار مثقال سعد یکمثقال خصی الثعلب بسباسه لسان العصافیر
از هر یک سه مثقال عنبر اشهب دو مثقال لعل یکمثقال مشک نیم درم مروارید کهربا
بسد از هر یک مثقال ورق طلا ورق نقره از هر یک نیم مثقال جمله اجزا [illegible]
مثقال عسل [illegible] ادویه معجون اللبوب از ترکیب مولانا فخر الدین رازی
صفت آن بهمن سفید و بهمن سرخ خولنجان از هر یک پنج درم زنجبیل سه
مثقال [illegible] شقاقل تودری زرد تودری سفید از هر یک پنج مثقال
خشک [illegible] ده درم جوز بوا ده درم مغز بادام مغز فندق از هر یک ده مثقال
زعفران سه درم گاوزبان پنج مثقال بسباسه درم عنبر اشهب یکدرم ورق [illegible]
صد مثقال

صد مثقال [illegible] شکر سفید جوشانند صاف نموده با عسل بقوام آورند و دیگر اجزا را بان بسرشند
معجون [illegible] ترکیب ابو علی مشهور است بقرص سنجری فواید بسیار دارد [illegible]
باه است جگر و دل و معده را قوت دهد و هاضمه طعام و مزید حافظه و قوت
بصر افزاید و قوت سمع نگاه دارد و صفت آن سنبل ده مثقال بسباسه جوز
بوا قاقله اصغار زنجبیل دارچینی زعفران بهمن سرخ و عود سیب مصطکی نارجیل ساذج
هندی از هر یک شش مثقال تخم معصفر تخم ماهی زهره تخم شبت نانخواه
زیره کرمانی انیسون تخم جرجیر از هر یک سی مثقال مغز بادام شیرین مغز
پسته مغز سر گنجشک از هر یک شش مثقال مویز منقی قند سفید از هر یک سی
مثقال عسل مصفی سه وزن ادویه مقدار شربت دو مثقال معجونی که مسهل
کند و یرقان را که با [illegible] صفت آن [illegible] پالیده سه درم و ورد احمر یکدرم
و نیم طباشیر سفید یکدرم کوفته و بیخته بشراب سیب سرشته شربتی یکمثقال
با ده درم از شراب سیب مفرحی که مقوی قلب و باه و معده است صفت آن
مروارید ناسفته سه مثقال لعل بدخشان و فیروزه نیشابوری بسد کهربا شب
حجر الیهود مشک خالص از هر یک دو مثقال عود چهار مثقال پوست ترنج ده
مثقال پوست اترج سه مثقال قرنفل ده مثقال قاقله مقشر دارچینی از هر یک سه مثقال

بهمن سرخ و سفید از هر یک دو مثقال درونج عقربی سه مثقال زنجبیل خولنجان فلفل
دار فلفل از هر یک دو مثقال اسارون صندل سرخ و سفید دواله از هر یک سه
مثقال خصیه الثعلب دو مثقال شقاقل کل سرخ از هر یک مثقال طباشیر دو مثقال
مصطکی یکمثقال قسط شیرین دو مثقال تخم کاسنی سه مثقال قرفه عاقرقرحا از
هر یک ده مثقال عسل سه وزن ادویه که سپید و سی مثقال بود معجون بسازند
معجون راسک که بزبان هندی سدورس گویند صفت آن ششم یکمثقال و نیم
مقل دو مثقال زنجبیل یکمثقال و نیم عاقرقرحا یکمثقال موبزج یکمثقال عسل سه وزن
ادویه و میتواند بود که کل واحد از ادویه یکمثقال و نیم باشد و می باید که از
هر یک دارو ها کوفته و بیخته بعد از ان کشنید معجون تقوی للباه و یطیب النفس
و یسخن البدن و ینفخ الریح من المعده و من برد الکلی و یزید فی الحفظ صفت آن
دارچینی ششمثقال قسط شیرین سنبل من کل واحد اربعة مثاقیل ساذج هندی
دار فلفل فلفل ابیض فلفل اسود اسارون بدرالا نجره کردیا و نعل خولنجان
شقاقل من کل واحد اربعة مثاقیل و نصف عاقرقرحا فلنه بدر اللغت بذر
الفجل بذر الشلغم من کل واحد مثقالات سمسم المقشر لب الفستق لب اللوز
الحلو جلغوزه من کل واحد عشرة مثاقیل شکر ابیض الجبلی عسل مصفی

صفت الادویه

صفت الادویه معجون مبهی فواید بسیار دارد و نسخه عماد الدین محمود صفت
آن بهمن سرخ و بهمن سفید از هر یک ده مثقال توذری سرخ و توذری زرد
شقاقل از هر یک پنجمثقال خولنجان سه مثقال سورنجان ده مثقال زراوند مد
حرج بزرنبا دو درونج عقربی از هر یک سه مثقال خصیه الثعلب ده مثقال لسان العصافیر
سه مثقال عاقرقرحا موبزج از هر یک دو مثقال تخم بیخته در مثقال تخم جرجیر تخم تر
از هر یک پنجمثقال تخم خربزه مغز تخم خیارین از هر یک ده مثقال حب الزلم
حب الصنوبر حب الفلفل کبابه چینی عود هندی از هر یک سه مثقال دارچینی سنبل
از هر یک پنجمثقال مصطکی سه مثقال صندل سفید دو مثقال هری ده مثقال زنجبیل
فلفل دار فلفل از هر یک سه مثقال بسباسه پنجمثقال جوزبوا دو مثقال و والمه سه مثقال
بسباسه پنجمثقال مغز بادام شیرین پانزده مثقال مغز گردکان مغز پسته مغز فندق
نارجیل از هر یک ده مثقال مغز بیخ دانه تخم خرفه تخم کاسنی ورق گل سرخ
کشنیز خشک زرشک منعه از هر یک پنجمثقال آملج مقشر پوست بلیله کوفت
هلیله کابلی از هر یک ده مثقال مابه شتر اعرابی پنجمثقال حکه صیاد و شان ده
مثقال مادرنجویه پنجمثقال گاوزبان ده مثقال طباشیر سفید سه مثقال تخم کندنا
تخم بیاز از هر یک پنجمثقال حب النیل سه مثقال مابه شتر اعرابی ~~پنجمثقال حکه~~

حب ابو شهمان ده مثقال خایه خرگوش پنج مثقال مغز سر گنجشک پنج مثقال
حلتیت یکمثقال بوزیدان سه مثقال زعفران پنج مثقال آب انار شیرین آب
امرود و بهی از هر یک صد مثقال قند سفید و نبات و عسل سه وزن ادویه
معجون زبیب مصروع را نافع باشد صفت آن پوست هلیله کابلی پوست
زرد و پوست بلیله مکه منقی اسطوخودوس از هر یک ده درم عود الصلیب پنجدرم
عاقرقرحا سه درم مویز منقی یک رطل ادویه را کوفته و بیخته با مویز کوفته معجون
سازند شربتی پنجدرم معجون سیسالیوس که همین خاصیت دارد صفت آن
سیسالیوس عاقرقرحا اسطوخودوس از هر یک دو درم بدل ده درم غاریقون
پنجدرم فودنج حلتیت زراوند مدحرج از هر یک دو درم کوفته و بیخته با سکنجبین
عنصلی بسرشند شربتی یکمثقال معجون لبان نسیان را نافع باشد صفت آن
کندر زرنباد سعد فی از هر یک ده درم فلفل زنجبیل از هر یک پنجدرم کوفته و
بیخته با عسل بسرشند شربتی یکمثقال معجونی که منع منی کند و سلس را باز دارد
صفت آن گلنار ده درم کندر بلوط از هر یک بیست درم سعد کوفی گردیا
از هر یک پنجدرم کوفته و بیخته با عسل معجون سازند معجونی دیگر همین
خاصیت دارد صفت آن شاه بلوط هفت درم گلنار دو درم دارفلفل و

[illegible marginal note]

حب النغل

حب النغل از هر یک یکدرم کوفته و بیخته با عسل شربتی یکدرم معجونی که بادهای زبان
البستن را دفع کند و محافظت جنین نماید صفت آن زرنباد درونج عقربی ابریشم از هر یک دو
درم مروارید ناسفته کهربا از هر یک یکدرم جندبیدستر یکمثقال دواله و سنبل از هر
یکدرم کوفته و بیخته با عسل معجون سازند شربتی معجونی دیگر که همین خاصیت دارد صفت
آن زرنباد جندبیدستر شونیز دو درم حلتیت مازو طباشیر از هر یک یکدرم زنجبیل
درم قند سفید دوازده درم مشک یکمثقال کوفته و بیخته با عسل بسرشند شربتی دو درم
معجون مفاصل سورنجان ده درم سنا مکی پنجدرم اسارون زنجبیل زیره کرمانی
دارفلفل از هر یک سه درم کوفته و بیخته با عسل بسرشند شربتی دو مثقال با آب گرم
معجون مفرح مالیخولیا و توحش را نافع و دل را قوت دهد و نشاط آورد
صفت ورق گل سرخ سعد قرنفل از هر یک پنجدرم بسباسه پوست ترنج
تخم خرفه تخم فرنجمشک از هر یک سه درم مشک دانگی کوفته و بیخته شراب سیب
معجون سازند مفرح معتدل دل را قوت دهد و خفقان را نافع و نشاط آورد
و رنگ روی را نیکو کند و تشنگی نشاند صفت آن مروارید ناسفته بسد و گاو
زبان عود خام از هر یک دو درم تخم کاسنی کشنیز خشک از هر یک پنجدرم
صندل سرخ و سفید طباشیر از هر یک هفت درم افتیمون گل سرخ از هر یک

ششدرم سادج هندی زرنباد و فرنجمشک تخم بادرنجبویه تخم خشخاش سفید
بنفشه گل ارمنی از هر یک چهار درم زعفران عنبر درونج عقربی رومی از
هر یک دو درم کافور یکدرم مشک نیم درم کوفته و بیخته بشراب سیب معجون
سازند مفرح بارد خفقان و ضعف دل را که از سردی بود نافع باشد
صفت گاوزبان بادرنجبویه بهمنین تخم فرنجمشک از هر یک هشت درم
آمله مقشر بریان کرده بیست درم عود قماری ده درم گل مختوم مروارید ناسفته
از هر یک سه درم گل سرخ صندل یک مثقال زعفران یکدرم کسبد سوخته
قرنفل زرنب کشنیز خشک دارچینی از هر یک دو درم کبابه چینی زرنباد از
هر یک سه درم گل سرخ صندل مقاصری زرشک پنجدرم عسل هلیله
یک چهار یک یاقوت و زر محلول از هر یک نیم درم درونج عقربی
یکدرم و نیم مویز منقی ثمن قند ثمن عسل هلیله و قند و مویز منقی را با
یکدیگر جوشانند و بقوام آورند داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند شربتی
یکمثقال مفرح بارد خفقان حار را نافع بود و دل را قوت دهد صفت آن
گل سرخ طباشیر بهمن سفید گاوزبان کشنیز خشک بریان کرده سفید از
هر یک یکدرم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو از هر یک چهار درم تخم خرفه

پانزده درم

پانزده درم زرشک منقی ششدرم مروارید ناسفته کهربا زعفران کافور
از هر یک نیم درم نبات مصری صد درم نبات را در عرق بید مشک بگدازند
و با پنجاه مثقال آب سیب بقوام آورند داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند
مفرح بارد نسخه دیگر مروارید ناسفته سوخته طباشیر کهربا گاوزبان گل
ارمنی بهمن سفید از هر یک دو درم مشک نیم درم قند سفید سی درم
معجون سازند مفرح دلگشا معتدل خفقان و ضعف دل را زایل گرداند نشاط
هر چه تمام تر آورد صفت آن بهمن سرخ و سفید پنجدرم پوست هلیله کابلی
پوست بیرون پسته پوست ترنج ابریشم خام مقرض مروارید ناسفته
از هر یک دو درم گاوزبان شاهتره بادرنجبویه از هر یک نیم درم کشنیز
خشک و طباشیر از هر یک سه درم بسد و کهربا تودری درونج رومی و زرنباد از
هر یک یکدرم عود خام یک مثقال آب انار آب به آب حماض آب
زرشک از هر یک ده درم قند سفید و شراب بنفشه از هر یک صد مثقال آبها
را با قند و شراب بقوام آورند و داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند و معجون
سازند معجون دلگشای حار خفقان و ضعف دل را که از سردی بود و سودا را دفع
صفت آن پوست ترنج گل سرخ بادرنجبویه گاوزبان مغز تخم خیارین از

هر یک پنجدرم بهمنین از هر یک دو درم و نیم ملیله سیاه مغز بادام خشخاش
سفید کمجد مقشر از هر یک سه درم زعفران دو درم دارچینی سه درم و نیم
تخم کرفس یکدرم مشک یکمثقال روغن بادام پنجمثقال نبات مصری
ترنجبین سفید از هر یک نیم من نبات و ترنجبین را در گلاب حل
سازند و بقوام آورند و دارو ها را کوفته و بیخته با آن بسرشند مفرح
دلگشای بارد طباشیر بهمنین گل سرخ سفید کهربا مروارید ناسفته از هر یک
یکمثقال صندل سفید و گشنیز خشک از هر یک دو درم تخم خرفه هشت
درم زرشک بیدانه دو درم زر محلول و نقره محلول از هر یک نیمدرم
پوست بیرون پسته یکدرم قند سفید یکمن آب ترنج چهل مثقال
بطریق معهود معجون سازند مفرح مسیحی نسخه دیگر که دل و جگر و دماغ
را قوت دهد و منی بیفزاید و اشتهای طعام و جماع آورد و باه را
قوی گرداند صفت آن قرنفه گاوزبان بادرنجبویه گل سرخ از هر یک
پنجدرم خولنجان کبابه چینی قرنفل سنبل قاقله کبار قاقله صغار جوزبوا
تخم فرنجمشک مصطکی پوست ترنج لسان العصافیر بسباسه از هر یک
سه درم اشنه چهار درم مروارید ناسفته ساذج هندی سعد کوفی

[illegible]

عود اسفهبت از هر یک دو درم زنجبیل دار فلفل از هر یک یکدرم خصیة الثعلب
ده درم مشک بذر محلول نقره محلول از هر یک نیمدرم لعل کهربا بسد از
هر یک جزو اعظم مثقال عسل در روغن ادویه معجون سازند [illegible]
[illegible] لعل و بسباسه از هر یک پنجمثقال زعفران سه مثقال جزو اعظم
دو مثقال قند پنجاه مثقال قند را در گلاب بگدازند و بقوام آورند و دارو ها
کوفته و بیخته با آن بسرشند مفرحی که خفقان سوداوی را نافع باشد صفت
آن ساذج هندی سعد کوفی نانخواه [illegible] انیسون تخم کرفس تخم فرنجمشک
از هر یک سه درم مروارید ناسفته بسد از هر یک پنجدرم عصارهٔ افسنتین
[illegible] درم زعفران و مشک از هر یک یکدرم بادرنجبویه ده درم پوست
ترنج دو درم گاوزبان [illegible] درم کوفته و بیخته با آب افتیمون جوشانیده
معجون سازند شربتی سه درم [illegible] معده را قوت دهد [illegible] را قوی
گرداند و طبع را نرم کند سودا [illegible] را نافع باشد و [illegible] را تیز گرداند و نسیان
زایل کند جوانی نگاه دارد [illegible] صفت آن هلیله کابلی بزرگ صد عدد
در ظرفی کنند و چندان آب بر سر آن ریزند که [illegible] شود و خاکستر پاک
پنجاه درم بر سر آن کنند و چهار نوبت آب و خاکستر را تغییر کنند هر روز

یکبار بس نشویند چنانچه پوست ازو جدا نشود و در دیگ کنند و آب صافی
بر رویش ریزند و یک کف جو مقشر کوفته اضافه کنند و بجوشانند تا جو پخته شود
بس بیرون آورند دیگر باره بدان دستور بشویند هر هلیله را ده بار سوزن
بزنند و در ظرفی کنند و چندان عسل بر سر آن ریزند که آنرا بپوشاند و بیست
و روز بگذارند و بعد ازان بعسل اول و دوم بجوشانند تا بقوام آید و اگر اینجا
داروها داخل کنند بهتر باشد فرفیون قرنفل زنجبیل قاقله جوزبوا مصطکی عود
از هر یک پنج مثقال مشک نیم مثقال زعفران یک مثقال در ظرفی چینی کنند و بعد ازان
چهل روز استعمال نمایند مربای شقاقل باه را قوت دهد و نعوظ تمام
آورد و مثانه را سود دارد صفت آن شقاقل تازه در آب جنبانند یک
شبانه روز آن آب را بریزند یک شبانه روز دیگر آب تازه جنبانند بعد ازان
مقشر کنند و بجوشانند تا نیم پخته شود آنگاه عسل صافی بر سر آن کنند
با آتش نرم بجوشانند بقوام آورند و در ظرف کنند و بعد از چهل روز تناول
نمایند مربای [illegible] معده را قوت دهد و فرح آورد پوستش بتراشند و [illegible] نیمه
کنند و در آب بجوشانند تا نیم پخته شود و بیرون آورند و بفشارند و عسل
صافی بر سر آن کنند و با آتش نرم بجوشانند تا بقوام آید اگر بقبض خواهد

هم چنین و اما مربای هلیله و بالنگ شقاقل جزر و گردکان بعسل بهتر باشد
هندی و آلوده و سیب و امثال آن بقند مربای جزر باه را قوت دهد و [illegible] را
نرم کند پشت را محکم گرداند صفت آن گزر بزرگ را با پوست بتراشند و
ریزه ریزه کنند میانش را بیندازند و در آب عسل بجوشانند تا پخته شود بعد ازان
بیرون آورند و در عسل اندازند اندک اندک جوشش بدهند و در ظرف کنند بعد از چهل
روز تناول نمایند مربای زنجبیل گرده و مثانه و معده و باه را نافع باشد و بول
براند و بلغمهای بلغمی را سود دارد و [illegible] صفت آن زنجبیل تازه درست
را در زیر ریگ کنند و بیست روز هر روز بران بزنند بعد ازان بیرون آورند و بشویند
و ریشه ریشه کنند با آب و عسل بجوشانند تا بقوام آید مربای گردکان معده را قوت
و باه زیاده کند صفت آن بستانند گردکان تازه که هنوز صلب نشده باشد
پوست ازو جدا کنند بجوشانند تا بقوام آید مربای [illegible] قولنج ریحی و فالج و لقوه
را نافع باشد البته صفت [illegible] بزرگ فربه سه شبانه روز در آب جنبانند
بعد ازان بیرون آورند در آب و عسل بجوشانند تا بقوام آید مربای هندوانه
حرارت دفع کند و تشنگی بنشاند صفت آن بستانند پوست هندوانه سبزی
ازو جدا نمایند و سه روز در آب و آهک جنبانند روز چهارم در رنگ آب

جبابانند و یک شبانه روز دیگر بگذارند پس بیرون آورند و سه شبانه روز در آب
بشرش اندازند بعد ازان بیرون در آب و قدری عسل بجوشانند تا نیم پخته شود پس بیرون
آورند و بنهند تا آب از و جدا شود و بیرون دیگر باره در عسل اندازند و بجوشانند تا
بقوام آید مربای اکرو سینه و شش و مثانه را نافع بود صفت آن کدوی تازه بخراشند
و مغز آن بیندازند و پاره پاره کنند و در آب عسل بجوشانند تا بقوام آید مربای تمر
هندی صفرا دفع کند و تب زایل گرداند و محرور المزاج را موافق باشد صفت آن
تمر هندی را از چوب و دانه پاک کنند و در گلاب خیسانند یکساعت بعد ازان قند
را بقوام آورند و تمر بر روی شیر بریزند چون یکجوش بزنند فرو گیرند مربای سیب معده
معده و دل را نافع باشد صفت آن سیب را پوست باز کنند و دانه بیرون آورند
بعد آب بجوشانند تا نیم پخته شود پس بافند بقوام آورند مربای به صفت مربای
به مثل مربای سیب است اما سیب را درست بار کنند و به پاره پاره کنند معجون معده
یاقوت و بهر و قی و غثیان و هیضه و فواق و درد جگر را نافع باشد صفت آن آب به
ترش چهار من شراب ریحانی هشت عسل مصفی جمیع را در دیگ بریزند
و زنجبیل و مصطکی و قاقله صغار و کبار و دارچینی و کبابه و قرنفل از هر یک هفت درم زعفران
سه درم همه را نیم کوفته کنند سوای زعفران و در کیسه ریزند و در ان اندازند بجوشانند

و زمان زمان کیسه را میمالند تا شیره تمام باز دهد و زعفران سائیده اضافه نمایند بقوام
آورند ماء العسل معده را قوت دهد و اشتها طعام آورد و بول براند و مفاصل
و امراض بلغمی را نافع باشد صفت آن عسل یک جزو و آب دو جزو بجوشانند تا
ثلث بر وود و ثلث نماند و اگر معطر خواهند دارچینی و خولنجان زنجبیل و مصطکی و زعفران
و جوز بوا و بسباسه کوفته و بیخته مقدار احتیاج اضافه نمایند ماء الاصول حار نافع
استسقا و اوجاع مفاصل بلغمی و سوداوی را نافع باشد صفت آن پوست بیخ رازیانه پوست
بیخ کرفس پوست بیخ کاسنی اصل السوس مغلی از هر یک ده درم تخم کاسنی
بادیانه تخم کرفس سوبنجان زیره کرمانی نانخواه از هر یکی پنج درم انجیر زرد و مویز
منقی از هر یک بیست درم در سه رطل آب بجوشانند تا به نیم آید و صاف کرده درم
درم یا ده درم گلقند عسل نوشند مطبوخ هلیله اسهال صفرا کند صفت آن پوست
هلیله زرد شش مثقال آلوی سیاه بیست دانه سپستان سی دانه شاهتره و سنا
مکی از هر یک پنج درم گل سرخ چهار درم عناب ده رازیانه تخم کاسنی تخم کشوث
از هر یک دو درم عنب الثعلب اصل السوس بنفشه نیلوفر از هر یک درم در سه رطل
آب بجوشانند تا به نیم آید و صاف کنند و ترنجبین و خشت و تمر هندی از هر یک دو مثقال
[illegible] مغز خیار چنبر بروغن بادام چرب کرده از هر یک پانزده مثقال در آن

دران حل کرده بپوشند مرهم مخلوط برای سورنجان اوجاع مفاصل نافع باشد صفت
آن سنا مکی هفت درم گل سرخ پوست هلیله زرد از هر یک چهار درم سورنجان
بادیانه و تخم کرفس و پوست بیخ بادیانه افتیمون قنطوریون رقیق از هر یک
دو درم دو درم برسیاوشان و گاو زبان بادرنجبویه از هر یک سه درم جوشانیده
تا به نیم آید و صاف کنند و بیشتر خشت و تمر هندی از هر یک دو مثقال ترنجبین و مغز
خیار چنبر بر و الکرده گلقند ده مثقال ترنجبین بیست مثقال دران حل کرده بنوشند
مرهم کافوری ترکیدن لب و مقعد و سوزش و سوزد و سوختگی آتش را نافع بود
صفت آن مرداسنگ سفیداب ارزیز موم سفید از هر یک پنج درم روغن گل [illegible]
بیست درم موم را در روغن بگدازند و ادویه کوفته و بیخته اضافه نمایند
و در هاون بسایند تا هموار شود و بگذارند تا خشک شود و یک سفیده تخم مرغ و
قدری کافور در آن حل نمایند و مرهم سازند مرهم باسلیقون اورام نرم کند و [illegible]
و ارزیم پاک کنند و گوشت برویاند صفت آن زفت را تیاریح موم سفید
از هر یک بیست مثقال با زرد چهار درم روغن زیت سی مثقال موم را در روغن
بگدازند و باقی ادویه دران حل کنند و مرهم سازند مرهم خل گوشت برویاند و جراحتها را
خوش کند صفت آن مرداسنگ ده درم صلایه کرده با ده درم موم [illegible] بیست درم

روغن گل

روغن گل حل کرده و با قدری سرکه مرهم سازند مرهم سرطان و خنازیر
را نافع بود و در وهم الستة گردانند صفت آن مرداسنگ پنج درم کندر مازو
واشق موم از هر یک ده درم علک البطم و [illegible] یک هشت درم الجمله گداخته
بیت در روغن زیت بگدازند الجمله باید کوفت بکوبند و با آن مخلوط سازند
و در هاون بمالند تا مرهم شود [illegible] گوشت مرده بخورد و ریشها را
با صلاح آورد صفت مرداسنگ یک چهار یک زفت رومی بیست درم علک
البطم پنج درم روغن زیتون نیم موم بیست مثقال گداخته در روغن زیتون
بگدازند و مرداسنگ صلایه کرده بران افشانند و مرهم سازند مرهم توتیا
جراحت عصب را سود دارد صفت آن توتیای بیست درم صلایه کرده با
بیست درم موم و پنجاه درم روغن گل گداخته مرهم سازند مرهم سفری جراحت
گوش نافع باشد صفت آن سرکه هفت درم عسل هشت درم در یکدیگر
بجوشانند و بقوام آورند و ده درم زنگار سوده بران افشانند و مرهم سازند
و فتیله بدان تر ساخته در گوش نهند مرهم آهک سوختگی آتش را نافع باشد
صفت آن مرداسنگ خبث الحدید النقره سفیداب قیمولیا آهک شسته
روغن بادام گل سرخ موم سفید سفیده مرغ با یکدیگر مرهم سازند و استعمال نمایند

مرهم دیگر سرطان و خنازیر و اورام صلبه را نافع باشد صفت آن مرداسنگ
پنج درم کندر باریک و اشق موم سفید از هر یک ده درم علک البطم شش درم سکر
هشت درم روغن زیت [illegible] با روغن گل سرخ پنجاه درم بدستور سابق مرهم
سازند مرهم دیگر نمله و آکله را نافع باشد صفت آن مازو و بزر مرداسنگ
زرد چوبه از هر یک بیخ جزو گلنار برگ عصاره الی الراعی از هر یک دو جزو
با موم و روغن گل با هم سازند مرهم سرطان در روغن نشانند و جراحت را
باصلاح آورد صفت آن پوست در بندی اقاقیا از هر یک دو درم صندل سفید
یک درم شیاف مامیثا چهار درم سرطان محرق یک درم موم سفید چهار درم
روغن گل ده مثقال بطریق متعارف مرهم سازند مرهم [illegible] چرک از
جراحات و مامیل پاک کند صفت آن عسل را بجوشانند تا غلیظ شود و
برابر آن انزروت کوفته با آن مخلوط سازند و مرهم کنند مرهمی که جراحات آتشک
را نافع باشد صفت آن سفیداب توتیا دم الاخوین از هر یک سه درم مرداسنگ
دو درم زنگار یک درم موم پنج درم روغن بیست درم مرهم سازند مرهم [illegible]
ریشهای [illegible] مرداسنگ توتیا عناب تخم آب کشنیز تازه موم سفید مرهم سازند
مرهمی که بواسیر را نافع باشد صفت آن میعه سایله یک درم مقل دو درم زعفران

مغز زردالو

مغز زردالو سوخته میعه تر سفیده تخم مرغ روغن گل سرخ بیکدیگر مخلوط ساخته
مرهم سازند مرهم [illegible] که بواسیر را سوداوی [illegible] کند صفت آن مغز ساق
گاو دنبه مرغ کوهان شتر روغن گل سرخ مساوی [illegible] بیکدیگر بجوشانند و قدری
افیون اضافه کنند و در هاون نیک بمالند و مرهم سازند و استعمال نمایند مرهمی
دیگر که از جهت بواسیر عظیم را نافع باشد صفت آن پیه بط پیه ماکیان پیه بز از
هر یک [illegible] درم مغز ساق گاو پنجاه درم روغن زردالو تلخ و روغن مغز [illegible]
و روغن گل از هر یک دو درم میعه سایله دو مثقال مقل ازرق بیست درم آب
گندنا بقدر حاجت موم سفید پنج درم مقل را در آب کنند تا حل سازند و روغنها را
با موم و میعه یکجا زنند و با مقل محلول در هاون بایکدیگر مخلوط سازند و مرهم کنند و استعمال
نمایند باب [illegible] نقوع هلیله صفرا براند و صداع حار را نافع باشد صفت
آن پوست هلیله زرد ده درم آلوی سیاه سپستان عناب از هر یکی سی عدد
تمر هندی بیست درم بنفشه تخم کاسنی از هر یک سه درم مغز خیار سبز ده درم
ترنجبین پانزده درم درست پنجاه درم آب ضیا نهند و صباح صاف کرده باشند
بیاشامند نقوع فواکه صفرا دفع کند و تشنگی بنشاند صفت آن آلوی سیاه
و آلوی بخارای و عناب و سپستان از هر یک سی عدد و تمر هندی ده درم زردالو

خشک ده عدد قند سفید ده درم ترنجبین بیست درم شب بخیسانند و صباح
صاف کرده بنوشند نقوع صبر صداع حار را نافع باشد صفت آن آب
کاسنی هشتاد مثقال صبر سقوطری چهار درم اندک دران حل کنند و سه روز در
آفتاب نهند و شب در جای گرم نهند و روز سیوم بپالایند و بنوشند
نوعی دیگر صداع بلغمی را نافع باشد صفت آن سعد کوفی سنبل افسنتین فقاح
اذخر تخم کرفس رازیانه نانخواه زیره کرمانی از هر یک یک کف در یک من و نیم آب
بپزند تا به نیم من آید بپالایند و بیست درم صبر دران حل کنند و سه روز آفتاب
بگذارند و در روز چهارم صاف کنند شربتی سه درم با روغن بید انجیر بیاشامند
نقوع صبر نسخه دیگر صداع سوداوی را نافع بود صفت آن افسنتین ده درم
اسارون پنج درم قنطوریون و مصطکی از هر یک سه درم صبر سقوطری شش درم
ادویه نیم کوفته در سه رطل آب گرم خیسانند و سه روز در آفتاب نهند روز چهارم
صاف کنند شربتی چهار درم با یکدرم روغن بادام شیرین تناول نمایند نطولی
که خواب آورد و سرسام را نافع بود صفت آن بنفشه تخم کاهو از هر یک پنجدرم
پوست خشخاش گل سرخ نیلوفر پوست کدوی تر بابونه از هر یک ده درم
کشک جو پنجاه درم در پنج من آب بپزند تا به نیم آید و سر بخار آن بدارند نطولی

که صداع باردرا

که صداع بارد را نافع باشد صفت آن بابونه اکلیل الملک تمام مرزنگوش
برنجاسف صعتر ورق الغار مساوی جوشانیده سر بخار آن بدارند دفع باشد
نطولی که صداع ریحی را نافع باشد صفت آن بابونه اکلیل الملک برگ
کرفس رازیانه تخم کرفس زیره کرمانی مرزنگوش صعتر شبت جوشانیده
سر بخار آن بدارند نطولی که صداع سوداوی را نافع باشد صفت آن بنفشه
نیلوفر اکلیل الملک بابونه سوسن کشک جو ساذج هندی قرنفل جوشانیده سر
بخار آن بدارند نطولی که گرانی گوش را که از عقب مسهل پیدا شده باشد
و سبب آن بخارات بود زایل کند صفت آن بابونه اکلیل الملک قیصوم
از هر یک ده درم تمام مرزنجوش اذخر پودنج رازیانه پوست بیخ
کرفس گل سرخ از هر یک پنجدرم در ده من آب جوشانند تا به سه من آید
و گوش را بخار آن بدارند نطولی که نشان آید از اعصاب بود صفت آن کاسنی
گل سرخ هفت درم بنفشه نیلوفر صندل سفید نیمکوفته تخم کاهو تخم
از هر یک چهار درم در هفت من آب بجوشانند تا سه من آید بپالایند و چون
از حمام خواهند بیرون آیند بر اعضای ریزند نطولی که صداع حار و بیخوابی
را نافع باشد صفت آن بنفشه چون نیمکوفته تخم کدو بزرگ و بذر قطونا

تخم خرفه پوست خشخاش گل خشخاش بیخ لفاح تخم خطمی تخم کاهو برگ
بید گل سرخ جوشانیده سرنجا را آن بیارند نطولی که سنگ گرده و مثانه
پاره پاره کرده بیرون و بول براند صفت آن بابونه گل سرخ اکلیل الملک
خطمی خشک از هر یک ده درم پوست خربوزه خشک برساوشان تخم
قلب بکوفته از هر یک هفت درم اشنان اصل السوس پوست بیخ رازیانه از
هر یک پنج درم کاکنج و حلبه از هر یک چهار درم برنجاسف بنفشه از هر یک سه
درم دو قفو برگ نیلوفر از هر یک دو مثقال در ده من آب بجوشانند تا بنیم
آید و در آن نشیند و چون بیرون آیند دو سه قطره روغن عقرب در
احلیل چکانند نطولی که همین خاصیت دارد صفت آن بابونه درمنه ترکی
تمام مرزنگوش برگ کرنب سرگین کبوتر بجوشانند و در آن آب نشیند و
ثفل آن بر عانه و حوالی آن ضماد کنند نطولی که همین خاصیت دارد بنفشه
نیلوفر گل سرخ خطمی از هر یک پنج درم خشک بابونه پوست خربزه اکلیل
الملک برگ کرنب سه درم بجوشانند و در آب آن نشیند و ثفل آنرا
بر عانه و موضع گرده ضماد کنند نطولی که ادرار و طمث را نافع باشد صفت
آن گل سرخ و برگ مورد از هر یک ده درم شب یمانی و مازو بکوفته و گلنار

از هر یک

از هر یک پنج درم پوست انار بکوفته و بیخ السرو دکر مازج از هر یک سه درم
اقاقیا دو درم مجموع را بجوشانند و در آب نشیند و قرص کهربا و رب مورد
بنوشند نطولی که محافظت جنین کند و نگذارند که پیش از وقت بیرون آید
صفت آن گل سرخ هفت درم گلنار و کزمازج از هر یک پنج درم زرنب برگ
مورد خشک ده درم شب یمانی و پوست انار و مازو از هر یک سه درم تخم
کوفته بجوشانند و در آن نشیند نطولی که سده رحم بگشاید صفت آن لادن
و جوز سرو گرزه شونیز بجوشانند و سرنجا را آن بیارند با سبوس گندم در سرکه
بجوشانند و سرنجا را آن برارند نطولی که کرم بیرون برد صفت آن زاج سنگ
و ثفل مساوی کوفته و بیخته در بینی دمند نقوعی که مسکوت را بهوش آورد
صفت آن کندش و خربق سفید کوفته و بیخته اندک اندک در بینی دمند سعوطی
که در صداع مزمن را نافع بود صفت آن عصاره قثاء الحمار بخور مریم نطرون
کوفته و بیخته در بینی دمند و شونیز و عصاره قثاء الحمار همین عمل کند سونیز
و فلفل و مارقشا همین فایده دارد نقوعی که صرع را نافع بود صفت آن
شونیز حنظل قثاء الحمار و نوشادر کندش فلفل اسطوخودوس سونیز کوفته
و بیخته بقدر احتیاج در بینی دمند باب الواو جوی که چون در دهن مصروع

ریزند بهوش آید صفت آن حلتیت چند بیدستر کوفته در سکنجبین
حل کرده وجور سازند وجوری که همین خاصیت دارد صفت آن رازیانه
افیون زیره کرمانی جوشانیده و صاف کرده کاغذ را در آن حل کنند
وجور سازند وجوری که نافعست از جهت غثی که بعد از اسهال پیدا شده
باشد صفت آن مشک و نمک کوفته در آب به حل کرده در حلق چکانند
وجوری که مجربه از جهت صرع اطفال نافعست صفت آن صمغ چند
بیدستر زیره کرمانی مساوی کوفته سه جو از آن در شیر حل کنند و در گلوی
طفل ریزند وجوری که مجربه اطفال را نافع باشد صفت آن رب السوس
کثیرا صمغ عربی نشاسته فانید از هر یک سه درم عسل سی درم روغن بادام
تلخ پنج درم فانید را با عسل بجوشانند و صاف کنند و ادویه کوفته و روغن
بادام با آن ممزوج سازند و قدری از آن دهن طفل ریزند باب الیاقوتیات
یاقوتی که خفقان و غشی را نافع بود و دل را قوت دهد و فرح آورد
صفت آن مروارید ناسفته شش درم بسد چهار درم یاقوت رمانی
گل مختوم بادرنجبویه بهمن صندل سرخ از هر یک دو درم ورق طلا عقیق
یمنی یشب ساذج هندی زرنباد درونج رومی از هر یک یک مثقال لاجورد

مغسول یک مثقال

مغسول یک مثقال و نیم لعل و کهربا نیلوفر زرنک تخم گشنیز خشک تخم گل
پوست ترنج کافور بادرنجبویه تخم کاسنی عود هندی ابریشم مقرض
از هر یک سه درم طباشیر هفت درم صندل سفید ورق گل سرخ از هر یک
پنج درم کافور ریاحی عنبر اشهب از هر یک دو مثقال مشک تبتی نیم مثقال شیره
آمله پوست هلیله کابلی گلاب و آب انار بقوام آورند و معجون سازند و
بعد از چهل روز که در میان جو گذاشته باشند استعمال نمایند یاقوتی
دیگر که خفقان و وسواس و ضعف دل را نافع باشد و اعضای رئیسه را قوت
دهد و لون را نیکو گرداند و صافی کند و نشاط آورد و سودا را نافع بود صفت
آن یاقوت زرد یاقوت کبود یاقوت سفید عقیق مروارید ناسفته
پوست بیرون پسته بادرنجبویه گل مختوم عنبر اشهب زر محلول نقره محلول
شکل ورد [illegible] درونج عقربی بهمن سفید از هر یک چهار مثقال لعل فیروزه یشب ابریشم
مقرض قرنفل نیلوفر صندل سرخ صندل سفید دارچینی کبابه قاقله کبار از هر یک
سه مثقال زرنباد دیگر مثقال و نیم تخم فرنجمشک گاوزبان طباشیر سفید از
هر یک مثقال آمله مقشر پوست هلیله کابلی از هر یک ده مثقال عصاره زرشک
پانزده درم مشک خالص یک مثقال کافور [illegible] مثقال آب سیب آب به از هر یک
یک من آب حماض نیم من گلاب عرق بیدمشک یک من نبات مصری یک من و نیم نبات

[illegible]

را در گلاب و عرق بید مشک بگدازند با آب سیب بقوام زیاده آورند
چون فرو گیرند آب حماض بران ریزند و ادویه کوفته و بیخته و جواهر صلایه
کرده با آن بیامیزند شربتی یکمثقال با آن بپوشند یاقوتی دیگر که قوی
التفریح است آنرا از عجایب از تفریح روحانی گویند دل و جگر را قوت
دهد و مالیخولیا و امراض سوداوی را بغایت نافع باشد صفت آن مروارید
ناسفته مرجان کهربا فرنجمشک از هر یک یکدرم صندل سرخ و سفید طباشیر
زرنباد بادرنجبویه قرنفل ساذج عود قماری نقره عنبر اشهب زعفران
ابریشم پوست ترنج از هر یک ده درم گاوزبان درونج عقربی لعل یاقوت
عقیق یمنی ورق طلا ورق نقره عنبر اشهب زعفران کافور از هر یک
یکدرم مشک خالص نیم درم قند سفید پنجاه درم عسل صاف کرده پنجاه درم
معجون سازند یاقوتی دیگر معتدل ضعف دل و وسواس سوداوی و خفقان را
نافع بود دل را قوت دهد و نشاط هرچه تمامتر آورد صفت آن مروارید سفید
ناسفته تخم بادرنجبویه پوست بیرون پسته پوست ترنج صندل سرخ و سفید
ورق گل سرخ از هر یک سه درم بسد بهمن سرخ کبابه چینی از هر یک یکدرم
و نیم کهربا و بیخ قرنفل ساذج هندی درونج چینی از هر یک یکدرم لعل
عود خام از هر یک یکمثقال یاقوت زرد و عنبر اشهب زر محلول نقره محلول
از هر یک نیم مثقال

از هر یک نیم مثقال بهمن سفید گشنیز خشک گل ارمنی طباشیر از هر یک دو درم
زرنباد و کافور قیصوری از هر یک نیم درم گاوزبان آمله از هر یک پنج درم
عصاره زرشک ده درم زعفران دانگی نیم شراب سیب بیست مثقال
شراب حماض نیم من شراب سیب چهل مثقال ادویه را کوفته و بیخته و جواهر
صلایه کرده در شرابها بقوام آورند بسرشتند شربت یکمثقال یاقوتی دیگر
یاقوت حجر الاسود ذهب سنبل قاقله کبابه و فادزهر گل گاوزبان گل ارمنی
عنبر اشهب یا زهر مهره فرنجمشک ورق نقره ورق طلا از هر یک یکمثقال
مروارید ناسفته کهربا بسد بهمن سرخ و سفید قرنفل درونج عقربی زرنباد
سعد کوفی کبابه چینی صندلین گشنیز خشک پوست هلیله زرد و آمله مقشر
تخم کاسنی مشک خالص از هر یک دو مثقال بادرنجبویه پوست ترنج
گاوزبان طباشیر سفید عود خام ابریشم مقرض از هر یک چهار مثقال
انار خشک زنجبیل ساذج هندی شقاقل زرشک منقی گل نیلوفر [illegible]
بیخ زعفران از هر یک سه مثقال نبات یکمن و نیم آب [illegible] آب سیب آب
[illegible] گلاب عرق بید مشک عرق گاوزبان از هر یک
یکی چهار یک نبات را در عرقها بگدازند و با آب سیب [illegible] بقوام آورند

ادویه کوفته و بیخته جواهر صلایه کرده بآن بسرشند و بعد از چهل روز استعمال
نمایند یاقوتی دیگر یاقوت زرد یاقوت سرخ لعل حجر لاجورد عقیق
یمنی با فرفین خطای سنبل الطیب گل مختوم گل ارمنی از هر یک یکمثقال
کهربا مروارید ناسفته بسد بهمن سرخ بهمن سفید فرنجمشک قاقله صغار قرنفل صندل
سرخ و سفید زرشک منقی گل نیلوفر و پوست هلیله کابلی مصطکی ابریشم خام
مقرض از هر یک سه درم مثقال فادزهر حیوانی عنبر اشهب از هر یک یکمثقال و نیم زرنب
و زرنباد و هندی کبابه ورق طلا ورق نقره از هر یک دو مثقال فادزهر حیوانی
عنبر اشهب از هر یک یکمثقال و نیم زرنب فرنجمشک طباشیر از هر یک چهار مثقال
قاقله کبار چهار مثقال زعفران مشک تبتی از هر یک نیم مثقال نبات مصری دو من
آب به آب سیب امرود از هر یک نیم من گلاب و عرق بید مشک از هر یک
صد درم عرق گاوزبان [illegible] درم آب انار عذب یکمن عسل سفید مصفی نیم من
نبات را در عرق بگدازند و با عسل و آب میوه‌ها بقوام آورند ادویه کوفته و بیخته
جواهر صلایه کرده بآن بسرشند شربتی یکمثقال یاقوتی دیگر منسوب بشیخ ابو
علی سینا مالیخولیا و امراضی که سوداوی بغایت نافع باشد و نشاط
بهم رساند تمام [illegible] اعضای رئیسه را قوت دهد صفت آن یاقوت رمانی

و گاوزبان

گاوزبان تخم کاسنی مشک خالص کافور از هر یک یکدرم مروارید ناسفته کهربا
از هر یک یکدرم و نیم ابریشم خام مقرض سرطان نهری محرق از هر یک
یکمثقال و دانگی نخاله طلا محلول دو دانگ تخم فرنجمشک تخم بادروج اسطوخودوس
اسطوخودوس از هر یک سه درم بهمن سفید عود خام حجر ارمنی مغسول لاجورد
مغسول مصطکی سلیخه دارچینی زعفران [illegible] قاقله کبار قرنفل خطای از هر یک
یکمثقال افتیمون ده درم و نیم ترنجبین سنبل ساذج هندی از هر یک ده سلیخه و
ده درم عود [illegible] عقربی و عنبر اشهب از هر یک دو مثقال تخم حنا و ورق
گل از هر یک چهار درم گلاب صد مثقال شراب حماض شراب سیب شیرین
شراب انار عذب از هر یک سی مثقال عسل صاف کرده بقدر احتیاج
بطریق معهود معجون سازند شربتی یکمثقال بعد از چهل روز تمام
توانند خورد تمت الکتاب بعون الملک الوهاب
کشتن فولاد [illegible] بطریق [illegible] تنک سازند و بر آتش سرخ کنند
در بول گاو اندازند چندانکه سحق قبول کند آنگاه سحق کرده بکار دارند
کشتن قلعی و سرب هم بدین نوع بود لیکن آنها را کمتر باید سرخ کردن تا
نگدازد کشتن طلا چنان بود که صفایح کنند و زاج سیاه را با سرکه سرشته

بریزد و روی آن طلا کنند و بدستور خلاص آتش دهند بعده بردارند جمله
سیاه و سریع الانکسار و خشک گشته بود و آنرا در آب نمک بشویند
و سحق کرده در کار دارند کشتن نقره چنان بود که آن را صفایح سازند
و بسرکه و کبریت بیالایند و در بوته و کوره زرگری نرم نرم میدمیده باشند
چنانچه نافته شود ولیکن نگدازند بدین فعل خشک و سریع الانکسار شود و آنرا
بسرکه بسیار بشویند و سحق کرده بکار دارند کشتن سیماب چنان بود
که در بوته نرم میکنند نیک و اندکی کوکرد بر آن می باشند و در چینی بریزند و به
بهره سحق میکنند و در اواخر هم در چینی بر روی خاکستر نهاده سحق میکنند
چندانکه با آن ها تمام خاک گردد هم از نوعی کشتن بود و اگر زند [illegible]
بگیرند و اندر کوره [illegible] اول از آهن چنین کبریت بیالایند و اندر سرکه اندازند و
بعد از آن اندر عصاره نعناع می افکنند بدان مقدار که تمام ریزه ریزه شود و بر [illegible]
و [illegible] این تدبیر کنند تا زود ریزه شود آنگاه اول اندر عرق نعنا اندازند مگر
آنگاه در آب علف فروع یا اندر آب علف بدرقان هم نیکو بود و بدین
تدبیر نیکو گشته شود و این را مدبر گویند آنگاه چنین سحق کرده بکار دارند
قرص کافور قرص کافور مجرب که در اکثر مرضهای گرم نافع بود بگیرند طباشیر

وکل سرخ

وکل سرخ نیلوفر از هر یکی سه درم تخم خرفه تخم خیار تخم کدو تخم کوک تخم
کاسنی تخم خشخاش از هر یکی دو درم نشاسته صندل سفید سوده چهار
درم سرطان نهری بریان کرده سه درم رب السوس کثیرا دکشنیز خشک
از هر یک یکدرم ترنجبین ده درم زعفران دو دانگ کافور نیم درم جمله را
کوفته و بیخته بلعاب بذر قطونا بسرشند و قرصها سازند در سایه خشک
کنند و نگاه دارند بوقت حاجت شربتی یک درم تا دو درم دهند والله اعلم
بالصواب تم

کل سرخ	سعد کوفی	قرنفل	مصطکی	سنبل الطیب
۲	۱۰	۲۶	۸	۸

لبان	زعفران	زرنب	قرفه	اسارون	عود خام
۸	۶	۱	۸	۵	۸

بادرنجبویه	کل کاوزبان	قاقله صغار	قاقله کبار	جوز بویه
۸	۸	۸	۸	۸

ساذج هندی	درونج عقربی	بوست بستان	فرنجمشک کشته
۸	۹ ۸	۸	۸

موم کافوری
تنباکو
کره کلو ببه
النبه کوسفند

ابریشم مقرض صندل سفید مروارید ناسفته بسد کهربا

٨ ٨ ١٠ ١٠ ١٠

مشک خالص عنبر اشهب ورق طلا ورق نقره دارچینی

٨ ٦ ٤ ٨ ٦

آمله قند حل کرده عسل لوبنشس دارروی سیاه

کل سرخ سعد کوفی قرنفل مصطکی اسارون سنبل الطیب

٦ ٥ ٢ ٣ ٣ ٣ ٢

قاقله صغار زرنب کبابه جوزبوا زعفران ورق

٤ ٢ ٢ ٢ ٢ ٢ ٢

قند عسل آمله دوالمشک گرم

١٢ الار ١٣ الار ٤ اوله

زرنب درونج عقربی مروارید کهربا بسد ابریشم مقرض

نیم نیم ٢ ٢ ٢ ربع ٢

بهمن سرخ بهمن سفید ساذج هندی سنبل الطیب قاقله صغار

٢ ٢ ٢ ٢ ٢

[illegible]

قرنفل جندبیدستر درونج زنجبیل دارفلفل مشک

٣ ٣ ٣ ١٠ ٣ ١٠ نیم انوله

دوالمشک سرد ابریشم مقرض مروارید کهربا بسد

٢ ٢ ٢ ٢

کل سرخ طباشیر تخم کشنیز زرشک صندل سوده

٢ ٢ ٢ ١٠ ٢

تخم کاهو کل گاوزبان مشک عنبر اشهب ورق نقره

٢ ١٠ ٣ ماشه ٣ ماشه نیم

مربای سیب ٥ جوارش جالینوس دارچینی خولنجان قرنفل

١٠ الار ٥ ٥ ٥

سعد کوفی زنجبیل فلفل سنبل الطیب قاقله دارفلفل

٥ ٥ ٥ ٥ ٥ ٥

قسط شیرین عود بلسان اسارون رومی تخم مورد زعفران

٥ ٥ ٥ ٥ ٥ ٥

عود قماری کل سرخ مصطکی قند عسل ٥ فریاد رس ٥

٥ ٥ ٢ نیم سیر ٢ درم اوله

افیون بزرالبنج فربیون زعفران سنبل عاقرقرحا
١٠ ١٠ ٥ ٥ ٥
سورنجان فاقله صغار دار فلفل عسل حب سرفه صمغ عربی
٥ ٥ ٥ ٥
مغز تخم خیار تخم خطمی تخم قرطم قند سفید مغز بادام
٥ ٣لار ٣
باقلا مغز تخم کدو فلاسفه جوب فلفل کرد گل بابونه
٣ ٣ ٢ ٣ ٥
بیخ بابونه دار فلفل زنجبیل دارچینی ابه متقشر
٥ تولہ ٥ ١٠ ٥
سرخ هندی زراوند مدحرج پوست بیبه مغز جلغوزه
١٠ ١٠ ١٠ ١٠ ١٠
نارجیل خصب الثعلب مویز منقا عسل جوارش کمونی
١٠ ١٠٢ ١٠ ١٠
زیره کرمانی فلفل کرد زنجبیل برگ سداب بوره ارمنی
١٠ ١٠ ١٠٣ ٣ وزن
[illegible]

١٥٢

عسل سرکه منقی قرص مثلث افیون مصری
٣لار ٣لار
عنبر لادن کافور زعفران بزرالبنج لعا
٥ ٥
کندر سعد کوفی انزروت . اشه گل ارمنی
٥ ٥ ٥ ٥ ٥
٥ ... ٥ نیم [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

... [illegible] اقسام مرض و امتلاء ، مندرج با مراض و علامات
... که اکثر ... عمومی در امراض ... و احوال ... بعد
... و ... الوسط ... منفعت آن علامات ...
... موجب ... مرض ... و ... مرض ...
... و ... قیاس ... مقتضیات طبایع ... اقسام مرض ...
مرض ... صحت ابن با ... بود ...

از مفردات و مرکبا اگر عروض آن اولا باعضاء مفرده یعنی متشابهت
الاجزاست از آنچه در باب اول تعداد کردم این امراض را سوء المزاج
گویند و اضافه نمایند آن هم در باب اول مبین گشت اگر عروض آن
اولا باعضاء مرکبه است مطلقا آن را مرض مرکب دانند و اگر عروض بهر یکی
ممکنست آن را مرض تفرق الاتصال گویند و ترکیب مرض با تغیر هیئت
و صورت تخطیط بود مثل بزرگی مقعر یا بتغیر مقدار بود و حجب عظیم
و صغر و با تغیر عدد بود مثل ششش انگشت و با تغیر وضع و محل آن بود
نسبت با عضو مجاور آن مثل عضو از جا بیرون رفته و مرض مرکب
از مفردات چنان بود که بعد از حیات اجتماع و جوانی حاصل آمده باشد
که یک اسم بر آن اطلاق توانند کردن همچو سل که مرکبست از قرحه و
شش و حمی دق و اگر چنین بود آن را امراض مجتمعه دانند و اصناف
و انواع این اجناس در تفصیل امراض واضح گردد ان شاء الله تعالی
لیکن در معالجات امراض از اقسام مرض مرکب غیر از آنچه
در وضع متغیر شده تعرض نمی شود والله اعلم باب [illegible] سبب منفرده
یا امراض بدانکه امتلای زیادتی دو اخلاط در ارواح را گویند و این یا

بلغ ۱۶

بجهت سوء کیفیت بود و فقط چنانچه قوت نفخ و ورم نکند و بر طبیعت بدن
سبب عذر کند و آن را امتلای بحسب قوت نامند و قسم اول منذر بود امراض
که از غلبه اخلاط افتد چنانچه بمجلس مبین گردد انشاء الله تعالی صاحب آن را خطر
عظیم بود از حرکت و از ابراد و حرکات و محدوث اخلاط قسم دوم چنانچه
منذر بود با مراض عفونتی و غیر مهلک چنانچه بمجلس تقریر افتد و
قسم ثالث بدترین جمله بود و منذر با مراض عفونتی و غیر عفونتی زود هلاک کند
بر کسیکه حاجات و خطر صاحب این بیشتر باشد و کم فرصت نزار کرده بود
هر یکی از این اقسام گاه بود که از یک خلط افتد و گاه بود زیاده از یک
خلط افتد و امیدوار تر بود و علامات زیادتی هر خلطی در کمیت یا در کیفیت
یا در هر دو بعضی در باب اول مذکور و باقی در بحث علامات امراض
مذکور میشود انشاء الله تعالی اما علامات سبب مطلق امتلای گرانی اعضا
بود و ماندگی یافتن بسیار بودن اندک تکسر و الم و قلت و اشتهای طعام
و کلالت بصر و در خواب دیدن گران باری و گرانی حرکات ولیکن در قسم
اول و نسیم انتفاخ عروق و غدد جلد و سرخی لون لازم بود و چون عدم این
یا در قسم ثانی و ثالث خوابها بشود بیک و هولناک و ناخوشی بوی در تنفس

وزود ماندگی یافتن از اندک حرکت و برآمدن سرمایه پشت اندر
گرمابه لازم بود که هیچ عدم اینها در قسم اول اکثر ورا مثها را درد
فیهای بسیار در خواب بیند و در صفرای آتش زرد و نیها و در بلغم آبهای
و برف و ماباندگی و در سودا ساعتها و تاریکی ها و خیالات مشوش
و خوفها و در بیداری نیز کاهی چیزها از اینها نماید و سبب امتلا و مطلقا تقلیل
تحلیلات بود و حبس مستفرغات طبیع چون خون بواسیر و حیض و طمث
و رعاف بحران و قطع عضوی بزرگ که مواد آن در باقی اعضا بازماند و الله
اعلم بالصواب اما علامات ضروری که اکثر آنها عمومی در امراض دارند
بدانکه ضروری حال مریض از سی چهار وجه معلوم گردد اولا از احوال چشم چنانکه
صافی سپیده آن و روشنی درونی صدقه و همواری نهاد چشم بدستور
حال صحت نشانی قلت ماده و بخاری بود و قوت روحانیت و طبیعت و وفور
حرارت غریزی و سلامتی دماغ و آلات تنفس بود و امیدوار نیز و تغیر
لون با سما نکون نشان خامی خلط و غلبه بلغم خام و ضعف معده و زود
هضمی و بحرت قانز نشان غلبه خون و گرمی و امتلا و یا اماس دماغ بود و
و بکل کونی نشان گرمی خون و برجوشیدن آن بود لیکن آلجه سرخی در کنجها

ددنا

و در ولی که لطا بین است بدید آید اسلم از عام بود و آنچه در اکثر سفیدی چشم
ناهموار دیده آید اسلم از منتشر ناهموار بود و لیکن بسیار باشد که نشان
حدوث رمد بود و آنچه در گوشهای سپیدی بدید آید و یا متفرق و نا
هموار باشد نشان پریشانی بخار و ضعف طبیعت و بر مقهوریت حرارت
غریزی و استیلاء حرارت غریبه گواهی دهد و نیز روی چرکن و کدر و بغبار
تاریکی نشان بدحالی روح و دل بود و بر غلبه سودا و فساد دماغ و غلبه بلغم
خلط گواهی دهد و کبودی و بنفشی و تیرگی نشان قرب موت بود
جهت گواهی دادن آن بر بطلان حرارت چشم و زردی عبیر تیرگی
نشان غلبه صفرا و انتشار آن بود لیکن آنچه تمام نباشد اسلم بود
و پیدا شدن سپیدی چشم از طرف نشیب سیاهی و میل سیاهی ببالا نمید
باشد جهت گواهی دادن بر بدحال دل و ضعف قوی و از دو طرف بالا
سیاهی و میل سیاهی صدقه بطرف روی نشان اضطراب طبیعت بود و خشکی
دماغ گواهی دهد و باز ماندن پلک چشم در خواب و غیره برخلاف
عادت نشان ضعف قوت عضله و یا قوت تن بود یا زود استن چشم
کشت است چنانچه اگر انگشت نزدیک برند چشم نزند یا آنکه و خشکی در دماغ

ظاهر بود نشان نزدیکی موت باشد و کور حک شدن پلک چشم بر دوام
نشان دماغ باشد از خشک گاه باشد که سبب آن رعشهٔ عضلهٔ چشم
بود اول را علاج نباشد و بیرون خاکستر چشم بی آنکه زرزور تی و غیره
بوده باشد نشان ریختن مواد بود بچشم و با فنا حدوث ایاس
در حوالی دماغ و فراخ باز کردن چشم خیره و سخن پراکنده گفتن
با صفت نشان قرب موت بود و همچو بنور شدن منحه صدفه همچون
همچو چشم کله و چیزه دیگر خیره و سخن آن و عور چشم بی خوشی و اندیشه بقی
وهم چنین بدید آمدن چیزی همچو خانهٔ عنکبوت تیره دیده بر نقص اگر
چه چشم باز کرده بود و مجتمع گشتن آن در گوشهٔ چشم و رمص شدت و
بسیاری بدید آمدن رمص خشک و بی ظهور رمدی نشان بدی هضم
و ضعف قوی چشم بود و احول شدن بی اختلاط عقل تشنج عضلهٔ چشم
بود و سهل باشد و با اختلاط عقل نشان آفت دماغ بود و بد باشد
گفته اند که هرگاه اندر زیر چشم بیمار دانهٔ چند عدسی بدید آید و شیری از زرد کند
روز دهم از آن حال بمیرد و حکمای هند را در تشخیص اخلاط فاسده و ازدیاد
و امراض باطنی و سوء المزاج اعتماد کلی بر حالات چشم بود و جمله را آن

بنهند



END OF REEL

PLEASE REWIND